کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
مؤسسهٔ ۱۳۰۲
اسم کتاب قوانین موقتی محاصرهٔ کلمرن علیه
مؤلف —
موضوع تألیف در محاصره ۴۰ تقنیه ۲، ۴، ۳
تقدیمی اداره باشرت مجلس کرمانی
شمارهٔ دفتر ۳۲۳۴
۲/۴۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
مؤسسهٔ ۱۳۰۲
اسم کتاب قوانین موقتی مربوط بکمیسیون عدلیه
مؤلف —
موضوع تالیف در جزوه ۴۰ تقنینی ۲، ۴، ۶
تقدیمی اداره بایشرت مجلس شورای ملی
شمارهٔ دفتر ۳۲۳۴
۲/۴۶

اصلاح این مجموعه را بار جوع بغلط نامه منضمه به آخر کتاب فراموش نفرمائید

چون اسناد اصلیه بعضی از قوانین در دست نبوده و قسمت عمده انها از روی نسخه های مطبوع استنساخ و طبع شده بود و اخیرا مراجعه به اصل بعضی از نسخ امکان پذیر شد لهذا بواسطه قید به مقابله و تصحیح کامل قوانین عده اغلاط زیاد شده است

مطبعه « مجلس »

قوانین موقتی

مصوبه کمیسیون عدلیه

مجلس شورای ملی

در دوره های تقنینیه

دوم و سوم و چهارم

مطبعه « مجلس »

فهرست

قوانین موقتی

بسمه تعالی

این مجموعه شامل تمام قوانینی است که در ادوار مختلفه قانون گذاری (دوره دوم وسوم وچهارم) کمیسیونهای پارلمانی عدلیه با اختیار خاصی که ازطرف مجلس مقدس دارالشورای ملی داشته‌اند بعنوان «قوانین موقتی» تصویب نموده واجرای موقت آنها بدولت ابلاغ شده است

چون عدهٔ قوانین موقتی محدود وبیش ازدوازده نبود لهذا برای این مجموعه وقوانین مزبوره فقط فهرست دورهٔ وبترتیب تاریخ تصویب ترتیب داده‌واز فهرست هجائی صرف نظر شده است باتقدیم معذرت ازسهوهای جزئی که شده ازمطالعه کنندگان محترم تمنا می‌شود مجموعهٔ خودشان را ازروی غلط نامه منضمه تصحیح فرمایند معاون اداری ریاست مجلس شورای ملی

معتمد الممالک

فهرست قوانین موقتی به ترتیب تاریخ تصویب

(دوره دوم وسوم وچهارم)

شماره ردیف	عنوان	تاریخ تصویب شمسی	تاریخ تصویب قمری	صفحه
	قسمت اول : قوانین موقتی دوره دوم تقنینیه			
۱	قانون موقتی اصول تشکیلات عدلیه	۳ اسد ۱۲۹۰	۲۱ رجب ۱۳۲۹	۱
۲	قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی	۱۸ عقرب ۱۲۹۰	۱۹ ذیقعده ۱۳۲۹	۷۶
	قسمت دوم : قانون موقتی دوره سوم تقنینیه			
۳	قانون موقتی محاکم تجارت	۱۵ سرطان ۱۲۹۴	۲۴ شعبان ۱۳۳۳	۲۹۰
	قسمت سوم : قوانین موقتی دوره چهارم تقنینیه			
٤	قانون موقتی امتحان حکام و صاحبان مناصب و اجزاء و مستخدمین عدلیه	۲۱ سرطان ۱۳۰۱	۱۶ ذیقعده ۱۳٤۰	۳۰۵
۵	» رسیدگی بشکایات از احکام صادره از محاضر شرعیه	۲۷ اسد ۱۳۰۱	۲۵ ذیحجه ۱۳٤۰	۳۱۵
٦	» تعیین مجازات اداری برای عدم رعایت مواد ۴۴۵_۴۴٦_۴۴۷ اصول محاکمات حقوق	۳ سنبله ۱۳۰۱	۲ محرم ۱۳٤۱	۳۱۹
۷	» راجع بتاسیس محاکم صلح نواحی و اصلاح بعضی از مواد اصول محاکمات حقوق	۳ سنبله ۱۳۰۱	۲ محرم ۱۳٤۱	۳۲۰
۸	» ثبت اسناد و املاک	۲۱ حمل ۱۳۰۲	۲٤ شعبان ۱۳٤۱	۳۲۲
۹	» راجع باشخاصیکه مال غیر را انتقال میدهند ویا تملک میکنند و مجازات آ	۲ جوزا ۱۳۰۲	٦ شوال ۱۳٤۱	۳٦۱
۱۰	» راجع بتقسیم محاکم ابتدائی بدرجات مختلفه وتشکیل صلحیه‌های باصلاحیت نامحدود	۳ جوزا ۱۳۰۲	۷ شوال ۱۳٤۱	۳٦۲
۱۱	» راجع بتصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی راجع بمحاکم صلح	۳۲ جوزا ۱۳۰۲	۷ ذیقعده ۱۳٤۱	۳٦٤
۱۲	» راجع بتصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی	۳۲ جوزا ۱۳۰۲	۷ ذیقعده ۱۳٤۱	۳۷۳

کتابخانه
مجلس شورای ملی
۱۳۳۲

قانون موقتی

اصول تشکیلات عدلیه

قسمت اول

قوانین موقتی

دوره دوم تقنینیه

هوالله تعالی شانه العزیز

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب اول

اصول تشکیلات عدلیه

مقدمه

ماده ۱ — محاکم عدلیه بردو نوع است . عمومی و اختصاصی .

ماده ۲ — محاکم عمومی آنست که حق رسیدگی بتمام دعاوی دارد غیر آنچه قانون صراحتا استثناء کرده است .

محاکم عمومی بدو درجه است : اول ابتدائی دوم استیناف برای مواردیکه قانون معین میکند .

ماده ۳ — برای سهولت جریان و تسویه امور و عدم تراکم دعاوی در محاکم ابتدائیه محاکم صلحیه درجاهائی که قانون معین میکند برقرار می شود .

ماده ٤ — محاکم اختصاصی آنست که بهیچ امری حق رسیدگی را ندارد غیر آنچه قانون صراحته اجازه داده است مثل محاکم تجارت و نظامی و غیرها که تشکیلات و ترتیبات آنها بموجب قانون علیحده معین میشود .

ماده ۵ — مافوق محاکم مزبوره درماده (۲) فقط در پای تخت مملکت ایران دیوان تمیز تشکیل میشود .

ماده ششم ٦ — تقسیمات مملکت ایران ازحیث تاسیس محاکم عدلیه ازقرار تفصیل ذیل است : (اولا) حوزهٔ صلحیه . (ثانیا) حوزهٔ ابتدائیه (ثالثا) حوزهٔ استینافیه

ماده ۷ — حوزهٔ صلحیه عبارت است از قسمتی از خاك ایران که در قلمرو یك محکمهٔ صلحیه است .

ماده ۸ — حوزهٔ ابتدائیه عبارت است از قسمتی از مملکت ایران که درقلمرو یك محکمه ابتدائی واقع است و هریك از حوزه های ابتدائیه مشتمل است برحوزه‌های صلحیه .

ماده ۹ — حوزهٔ استینافیه مرکب است از حوزه‌های ابتدائیه .

ماده ۱۰ — قوهٔ قضائیه دیوان تمیز شامل کلیه محاکم عدلیه مملکت ایران است

ماده ۱۱ — صلحیه ها ومحاکم ابتدائی و استیناف بماهیت امور و قضایا موافق قانون رسیدگی کرده حکم میدهند و دیوان تمیز درغیر مواردی که قانون استثنا کرده داخل در ماهیت دعاوی نشده فقط حق نقض و ابرام احکام و نظارت در محافظت قوت قانون و اجراء آنرا بالسویه در تمام محاکم عدلیه دارد .

مادهٔ ۱۲ ـ برای تحقیقات راجعهٔ بجنحه و جنایات مستنطقین معین می شوند .

مادهٔ ۱۳ ـ درنزد محاکم عدلیه ادارهٔ مدعی عمومی برای ایفای وظایف مقرره تاسیس میشود .

مادهٔ ۱٤ ـ حدود و وظایف و ترتیب اقدامات محاکم و ادارات عدلیه بموجب قوانین مقرره تعیین میشود .

مادهٔ ۱۵ ـ رؤساء و اعضاء محاکم وصاحبان مناصب و مستخدمین عدلیه را دولت معین میکند .

مادهٔ ۱٦ ـ در معیت محاکم اشخاص مفصلهٔ ذیل میباشند :

۱) مامورین اجرا و احضار و اعلام .

۲) منتظرین خدمت رسمی .

۳) وکلاء رسمی .

٤) طبیب قانونی و مترجم (درصورت لزوم) . ترتیبات راجعهٔ بتاسیس هر کدام از مشاغل مزبوره بموجب قانون معین میشود

باب اول

در تشکیل محاکم عمومی .

فصل اول

در محاکم صلحیه

ماده ۱۷ ـ محاکم صلح در جاهای مفصلهٔ الذیل تاسیس میشوند :

(اولا) در شهرها . (ثانیا) درمرکز بلوکات .

مادهٔ ۱۸ ـ ممکن است دریك بلوك یاشهر بزرگی بحسب مقتضیات محلی صلحیه های متعدده تشکیل شود (دراینصورت آن شهر یابلوك بچندین حوزهٔ صلحیه تقسیم میشود) . ونیز ممکن است بواسطهٔ مقتضیات محلی از برای چند محله یابلوك یك صلحیه تاسیس شود (دراین صورت آن چند محل یك حوزه صلحیه را تشکیل مینماید) .

مادهٔ ۱۹ ـ عده حوزه های صلحیه را نظر بمقتضیات وقت و محل وزیر عدلیه معین وپس از تصویب مقامات لازمه صورت آنرا اعلان مینماید .

مادهٔ ۲۰ ـ محکمهٔ صلحیه عبارت است از امین صلح و یکنفر فقیه که صلاحیت قطع و فصل دعاوی راجعهٔ بمحکمه صلح را در موارد امور شرعی داشته باشد . فقیه مذکور موسوم است بحاکم صلح .

مادهٔ ۲۱ ـ برای امین صلح علامت و مهر مخصوصی مقرراست .

مادهٔ ۲۲ ــ امنای صلح برای رسیدگی دائمی محل معینی خواهند داشت ولی شکایات را بارعایت حدود قانونی درهر نقطهٔ از نقاط حوزهٔ خود قبول میکنند و درموارد لازمه موافق اصول محاکمات خودشان تنها یا باتفاق فقیه محکمه بمحل وقوع دعوا رفته درمحل رسیدگی مینمایند .

مادهٔ ۲۳ ــ درصورت غیبت یا مرض امین صلح یکی از امناء صلح نزدیکترین محل بطوریکه قبلا مابین امناء صلحیه مقرر شده موقتاوظایف او را انجام میدهد و یا قائم مقامی برای امین صلح غایب یامریض موقتا برحسب نظامات معین میشود .

مادهٔ ۲٤ ــ امناء صلح بقدر لزوم اجزاء تحریر وثبت و ضبط خواهند داشت . احضار واعلام و همچنین اجرای احکام محاکم صلحیه به عهدهٔ اشخاصی است که درمواد (۱۹٦) الی (۲۲۹) مقرر است .

مادهٔ ۲۵ محاکم صلح درتحت نظارت ادارهٔ مدعیهای عمومی ووزیر عدلیه واقعند .

مادهٔ ۲٦ ــ باحکام غیر قطعی محاکم صلح موافق اصول محاکمات دو محکمهٔ ابتدائی که در حوزهٔ آن واقعند استیناف رسیدگی میشود .

احکام قطعی محاکم صلحیه قابل تمیز نیست .

ماده ۲۷ ــ محکمهٔ صلح فقط در حوزهٔ صلحیه خود حق رسیدگی را دارد .

ماده ۲۸ ــ هرگاه متداعیین وسایر اشخاصی که در محل رسیدگی

امناء صلح حضور دارند رعایت نظم و ترتیب و قواعد مقرره را ننمودند امناء صلح باید دو دفعه اخطار نمایند و در صورتیکه اخطارات آنها بی نتیجه ماند مرتکب خلاف اگر از متداعیین است از دو الی بیست وچهار ساعت نسبت بدرجات تقصیرمحکوم بتوقیف خواهد بود واگر ازغیرمتداعیین است امین صلح باید او را از محکمه اخراج نماید .

ماده ۲۹ ــ هرگاه از اشخاص مذکوره در ماده قبل توهینی نسبت بامین صلح یا بیکی از اجزاء محکمه واقع شود امین صلح حق دارد که صورت مجلسی در این باب مرتب نموده با مرتکب نزدمدعی العموم بدایت بفرستد .

ماده ۳۰ ــ محاکم صلح حق دارند با تمام ادارات مستقیما مکاتبه نمایند

ماده ۳۱ ــ امناء صلح مکلفند که راپورت های راجعه بجریان امور حوزه صلحیه خودشان را سالی دو مرتبه مرتب نموده یك نسخه آنرا در موعد مقرر مستقیما بوزارت عدلیه ونسخه دیگر در امور حقوق برئیس محکمه ابتدائی متبوعه و در امور جزائی بمدعی العموم محکمه مذکوره بفرستند که بعدازملاحظه اشخاص مذکوره موافق ترتیب مقرر ودرموعدی که وزارت عدلیه معین واعلام می کند بان وزارت ارسال شود . علاوه بر راپورتهای سالیانه امنای صلح مکلفند که برحسب تقاضای وزارت عدلیه با اداره مدعی العموم در هرموقع اطلاعات وراپورتهای لازمه را بدهند .

ماده ۳۲ ــ ترتیب دفاتر صلحیه ها بموجب دستور العمل وزارت عدلیه موافق نظامنامه های داخلی محاکم معین میشود .

ماده ۳۳ — دستور العمل هائیکه برای اجرای قوانین یا توضیحات آن لازم است بامضای صاحبه داده شود اداره مدعی العموم لایحه آنرا مرتکب کرده وبعد از مداقه بوزیر عدلیه پیشنهاد می کند .

فصل دویم

در محاکم ابتدائیه

ماده ۳۴ — درهرحوزه ابتدائیه یك محکمه ابتدائی برای رسیدگی بدعاوی حقوقیه و جزائیه تشکیل میشود . صورت محل هائیکه باید در انجاها محاکم ابتدائی تشکیل شودوعده اطاقهای محاکم ابتدائی رابحسب اقتضاء محل و کثرت وقلت دعاوی وزارت عدلیه معین و پس از تصویب مقامات لازمه اعلان می نماید .

ماده ۳۵ — درهر محل که محکمه ابتدائی فقط دارای یك اطاق باشد در آن اطاق گاهی بامور حقوقی و گاهی بامور جزائی رسیدگی میشود ودر جاهائیکه اطاقهای محکمه متعدد است تخصیص اطاقهای مزبور بهر یك از نوع دعاوی حقوقی و جزائی باموافقت مقتضیت محلی باوزارت عدلیه است .

ماده ۳۶ — محکمهٔ ابتدائی در تحت ریاست یکنفر رئیس می باشد و رئیس مزبور درصورت تعدد اطاقها بقدر لزوم معاونین خواهد داشت . رئیس محکمه ریاست یکی از اطاقها و معاونین ریاست اطاقهای دیگر رادر عهده میدارند .

ماده ۳۷ — در هریك از اطاقها علاوه برریئس اطاق دوعضوموظف خواهند بود . لا اقل یکی ازاعضاء هر اطاقی باید ازاهل علم بوده بصیرت کامله بمسائل و احکام فقهیه داشته باشد .

ماده ۳۸ — در هرمحکمه ابتدائی یك دفتر دار برای تحریرات لازمه وثبت تقریرات وضبط اوراق وغیره مقرر است . دفتر دار مزبور مدیری دفترخانه محکمه را بعهده داشته درصورت تعدد اطاقهای محکمه بقدر لزوم درتحت ریاست خود تقریر نویس وثبات و ضباط خواهند داشت .

ماده ۳۹ — عده اجزای دفترخانه موافق مقتضیات وقت ومحل بتوسط وزیر عدلیه معین و بتصویب مقامات لازمه میرسد .

ماده ۴۰ — محاکم ابتدائی دعاوی حقوقیه وجزائیه را که بموجب قوانین راجع بانها است پذیرفته وآنچه را که خارج از صلاحیت آنهااست رد مینمایند .

دعاوی راجعهٔ بمحاضر شرع را محاکم ابتدائی پذیرفته به محاضر مزبوره رجوع میکنند وهمچنین اطاقهای حقوقی بدعاوی حقوقی واطاقهای جزائی بدعاوی جزائی رسیدگی کرده و آنچه را که از خصایص آنها نیست رد نموده یااطاقی را که مرجع است بمتداعیین اعلام می نمایند .

ماده ۴۱ — محاکم ابتدائیه دعاوی حقوقیه را که بموجب قوانین موضوعه راجع بانها است و همچنین دعاوی جزائیه را در تقصیری که بدرجهٔ جنحه است بدایة وبقرارداد های غیر قطعی محاکم صلحیه استیناف رسیدگی

نموده حکم میدهند ودر جنایات درجاهائیکه محکمهٔ جنائی تشکیل نشده مطابق اصول محاکمات جزائی رسیدگی نموده حکم میدهند .

مادهٔ ٤٢ — در جاهائیکه محکمه تجارتی تشکیل نشده اطاق حقوقی محکمه ابتدائی بدعاوی تجارتی نیز موافق قانون محاکم تجارت رسیدگی نموده حکم میدهد .

مادهٔ ٤٣ — درصورتیکه محکمهٔ ابتدائی دارای یك اطاق باشد یکنفر مستنطق در آن محکمه مقرر است و هر گاه محکمهٔ مذکوره بیش از یك اطاق داشته باشد عدهٔ مستنطقین را بارعایت مقتضیات محلی و کثرت وقلت دعاوی وزیر عدلیه معین مینماید .

مستنطقین بدو درجه تقسیم میشوند ومستنطق درجه اول رئیس دایرهٔ استنطاق میباشد . در صورت قلت دعاوی جزائی وزیر عدلیه میتواند یکی از اعضاء محکمه را بارعایت مادهٔ (٧٦) بسمت مستنطقی معین نماید .

مادهٔ ٤٤ — درجاهائیکه محاکم عدلیه کاملا موافق قوانین مقرره تشکیل شده در معیت محکمهٔ ابتدائی دایرهٔ ثبت اسناد بطوریکه قانون مخصوص آن معین می کند تاسیس میشود .

فصل سیم

در محکمهٔ استیناف

مادهٔ ٤٥ — در هر حوزهٔ استینافیه یك محکمهٔ استیناف تاسیس می شود .

وزیر عدلیه عده حوزه های استینافیه و جاهائی را که باید مقر محکمه استیناف باشد وهمچنین عدهٔ اطاق های محکمه استیناف را با ملاحظهٔ مقتضیات محل معین نموده بمقامات لازمه پیشنهاد می کند .

مادهٔ ٤٦ — در صورتیکه محکمهٔ استیناف دارای یك اطاق باشد یك رئیس و یك معاون دوم ودو نفر عضو خواهد داشت که گاه بامور حقوقی و گاه بامور جزائی رسیدگی خواهند نمود وهر گاه محکمهٔ مذکوره دارای دو اطاق باشد مرکب خواهد بود از یك رئیس و یك معاون اول (رئیس شعبه) و دو معاون دوم وچهار عضو . در این صورت رئیس محکمه استیناف ریاست یکی از اطاقهارا بالخصوص بعهده گرفته و ریاست اطاق دیگر را بعهدهٔ معاون اول واگذار مینماید . یکی از اعضاء بنوبت عضو محقق معین و جلسه محکمه مرکب از سه نفر میباشد .

ماده ٤٧ — درمعیت هریك از محاکم استیناف دفترخانه مقرر است دفتر دار محکمه مدیری دفتر و ثبت وضبط اوراق محکمه را درعهده خواهد داشت و تقریر نویس های محکمه در مقابل او مسؤلند .

مادهٔ ٤٨ — محاکم استیناف احکام و قرار های محاکم ابتدائی حوزهٔ خود را در امور حقوقیه وجزائیه وتجاری موافق اصول محاکمات و قانون تجارت استینافا رسیدگی مینماید . صلاحیت محاکم استیناف در جنایات در اصول محاکمات جزائی مقرر است .

فصل چهارم

در تشکیل دیوان تمیز

مادهٔ ۴۹ — دیوان تمیز فقط در پای تخت تاسیس میشود .

مادهٔ ۵۰ — دیوان تمیز منشعب می شود بدو اطاق حقوقی وجزائی تجزیهٔ امور جزائی از امور حقوقی و تخصیص اطاق جداگانه بهر کدام از نوع امور مذکوره منوط بمقتضیات وقت و تصویب وزیر عدلیه ومقامات لازمه است .

مادهٔ ۵۱ — هر اطاقی مرکب است از یك رئیس اطاق و چهار مستشار . یکی ازرؤسای اطاق ریاست دیوان تمیز بر عهده دارد .

مادهٔ ۵۲ — دیوان تمیز باحکامی که در اصول محاکمات حقوقی و جزائی مقرر است تمیزا (بدون داخل شدن در ماهیت و اصل دعاوی و قضایا) رسیدگی می کند جز در مواردی که اصول محاکمات استثناء می کند .

مادهٔ ۵۳ — دردیوان تمیز یك دفتر خانه مقرراست کهدر تحت ریاست یك دفتر دار میباشد . تقریر نویسهای محکمه تمیز در تحت ریاست مشار الیه ثبت و ضبط را در عهده داشته مسؤل اوخواهند بود دفتر خانه مذکور بقدر لزوم اجزاء خواهد داشت .

فصل پنجم

درترتیبات داخلی محاکم عمومی .

مبحث اول

در جلسات محاکم .

مادهٔ ۵۴ — جلسات محاکم عمومی بدو طریق میشود . جلسه محاکمه واداری (مشاوره)

مادهٔ ۵۵ — جلسه محاکمه نیز بردو قسم است : اولا بطور معمولی که هر اطاق بدعاوی مرجوعه رسیدگی نموده حکم میدهد ثانیا بطور فوق العاده و آن درصورت تعدد اطاقها تشکیل میشود از اجتماع عمومی اعضاء اطاقها در تحت ریاست رئیس محکمه .

موارد جلسات فوق العاده محاکم بموجب قوانین و نظامنامه ها مقرر است .

مادهٔ ۵۶ — جلسات محاکمه (خواه معمولی باشد خواه فوق العاده) علنی است مگر در مواردی که اصول محاکمات حقوقی وجزائی استثناء کرده است

۵۷ — جلسات اداری (مشاوره) محاکم برای انجام امور راجعه بانتظامات داخلی محاکم وترتیب دستور العمل ها و تهیه لوایح ودادن قرار هائی است که باید در جلسات اداری بعمل آید و قانون نظامنامه ها موارد

آنرا معین کرده و آن نیز بر دو قسم است بطور معمولی که هر اطاق بامور راجعه بان اطاق رسیدگی نموده قرار میدهد و بطور فوق‌العاده که در صورت تعدد اطاقها اعضاء اطاقها در تحت ریاست رئیس محکمه بامور مرجوعه رسیدگی مینمایند

جلسات اداری محکمه در هرحال غیر علنی است

ماده ۵۸ — برای اینکه جلسات معمولی محاکم قانونی محسوب شود در جلسات معمولی محاکم ابتدائی و استیناف علاوه بر رئیس اطاق لااقل دو نفر از اعضاء محکمه باید حاضر باشند و در جلسات معمولی محکمهٔ تمیز علاوه بر رئیس اطاق چهارنفر از اعضاء .

ماده ۵۹ — جلسات فوق العاده (اجتماع عمومی) محاکم وقتی قانونی میباشد که لااقل دو ثلث اعضاء محکمه در تحت ریاست رئیس محکمه یاقایم مقام او در جلسه حاضر باشند و عده اعضاء نباید زوج باشد

ماده ۶۰ — پس از انقضاء محکمه هریك از رؤسا و اعضاء بایددر دفتری که برای حاضر وغایب درمحکمه مقرراست اسم خودشان را بنویسند و ذیل اسامی را رئیس یا قایم مقام او امضا نماید وپس از شروع بمحاکمه عضوی که حاضر نبوده حق ندارد اسم خود را در دفتر بنویسد .

ماده ۶۱ — دردفتر مزبور باید مدت وتفصیل محاکماتیکه درجلسات میشود قید شده وهمچنین تصریح شود باینکه جلسه محاکمه بوده یا اداری معمولی بوده یا فوق العاده ودر صورتیکه در موعدمعین محاکمه نشودیا اینکه

در ساعات کم و کسری روی دهد باید تخلف را در دفتر توضیح نمود .

ماده ۶۲ — مدعیان عمومی محکمه ابتدائی یا قائم مقام آنها باید سواد دفتر مذکور را در دوم وهفدهم هرماهی بیارکه استیناف بفرستندولی بدوا تحقیقات لازمه خود را در صحت یا عدم صحت آن دفتر باید نموده باشند.

ماده ۶۳ — مدعیان عمومی استیناف پس از اینکه تحقیقات وتدقیقات خود را نمودند در طهران در پنجم وبیستم هرماه صورت دفتر را بوزیر عدلیه تقدیم می نمایند و درولایات ماهی یك مرتبه صورت دفتررا بوزارت عدلیه می فرستند .

ماده ۶۴ — ترتیب نشستن رؤساء واعضاء محاکم در جلسات محکمه برحسب رتبه واقدمیت در خدمت خواهد بود .

ماده ۶۵ — دعاوی که بهریك از شعب یا اطاقهای محکمه رجوع شده است به ترتیب الاقدم فالاقدم رسیدگی میشود جز درامور فوری که تقدم آن منوط برای رئیس است .

۶۶ — محکمه می‌تواند تحقیق و تدقیق امور را بیك یاچند نفر از اعضاء خود محول نماید و این عضو را در محکمه ابتدائی و استیناف عضو محقق و در محکمه تمیزعضو ممیز نامند . اعضاء مذکوره مکلفند که صورت اسناد دعاوی را مرتب نموده بدفتردار محکمه بدهند که در دفتر ثبت شود وراپورت مذکور باید در مدتیکه محکمه معین می کند حاضر شود .

تاریخ رجوع عمل باعضاء مذکوره توسط دفتردار درمحکمه ثبت میشود

ماده ۶۷ — در صورتیکه پس از انقضاء مدت معینه محقق یا ممیز راپورت خود را نداد باید دلیل آنرا کتبا برئیس اطاق یاشعبه تقدیم نموده تزیید مدت را بخواهد ودر صورتیکه مدت مهلتی که داده می شود منقضی شده وراپورت مزبور باز تهیه نشود اشتغل بدیگری تفویض خواهد شدومراتب بتوسط مدعی العموم بوزارت عدلیه راپورت می شود .

ماده ۶۸ — در جلسات محکمه هیچیك از اعضاء بدون اجازه رئیس نمیتوانند تکلم نمایند واگر خواستن توضیحی را از متداعیین لازم بدانند بعد از تحصیل اجازه از رئیس سوال خواهند کرد .

ماده ۶۹ — هیچ کس حق ندارد درحین محاکمه کلام متکلم را قطع نماید جزرئیس در موردی که بیانات متکلم را خارج از موضوع بحث دید باید اخطار نماید .

ماده ۷۰ — بعد از انعقاد محکمه از مدتی که برای محاکمهٔ مطلبی معین میشود نباید قسمتی بجلسهٔ ادارهٔ یا بامور دیگری مصروف گردد .

مادهٔ ۷۱ — امور راجعهٔ بمحاکم بر دونوع است . فوری وعادی . امور فوری برعادی مقدم است .

ماده ۷۲ — پس از اتمام محاکمه اعضاء و رئیس محکمه بطوریکه در اصول محاکمات مقرر است مشاوره نموده و رئیس محکمه در اخذ آراء از رای کوچکترین عضو محکمه از حیث اقدمیت شروع کرده بعداز

گرفتن رأی سایر اعضا رأی خودرا اظهار خواهد کرد .

مبحث دوم

در مراتب رئیس و معاونین و اعضاء .

ماده ۷۳ — در صورتیکه محکمه دارای اطاقهای متعدده باشد رئیس محکمه ریاست هریك از اطاقهائیرا که بخواهد اختیار میکند و در مواردیکه لازم شود ریاست هریك ازاطاقهارا نیز می تواند بنماید ولی دراینصورت باید در تمام مدت جلسه ریاست داشته باشد . اطاقیکه رئیس ریاست آنرا اختیار کرده اطاق اول نامیده میشود .

ماده ۷۴ — در صورتیکه رئیس محکمه باتجام مشاغل و تسویهٔ امور مرجوعه که مخصوص اواست مشغول بوده یاغایب باشد یکی از اعضاء همان اطاق بحکم اقدمیت قایم مقام او خواهد بود .

ماده ۷۵ — درصورتیکه معاون رئیس بواسطه اشتغال بامور مرجوعه یاغیبت نمی تواند در اطاق خود حاضر شود یکی از اعضاء همان اطاق بحکم تقدم درخدمت قایم مقام او خواهد بود .

ماده ۷۶ — در مورد دومادهٔ قبل یکی از مستنطقین یایکی ازاعضاء معاون را (رجوع بماده ۲۳۱) میتوان برای تکمیل عدد بجلسهٔ محکمه دعوت نمود ولی مستنطقی که تحقیقات دعوای جزائی را کرده درمحاکمهٔ راجعه بهمان دعوا نمی تواند بعضویت دعوت شود .

ماده ۷۷ — در مواردیکه عدهٔ اطاقهای محکمه متعدد بوده ودفتردار نتواند بشخصه ایفای وظیفه درتمام جلسات محکمه نماید درهر اطاقی درغیاب اویکی ازتحریر نویسها قایم مقام او میباشد ولی درجلسات فوق العادهٔ محکمه باید خود دفتردار بشخصه حاضر باشد .

ماده ۷۸ — اشخاصیکه باهم قرابت نسبی تادرجهٔ چهارم قرابت سببی تادرجهٔ سیم دارند نمی توانند دریك جلسه بسمت ریاست یاعضویت باهمدیگر (مجتمعا) حاضر باشند .

ماده ۷۹ — سالی یکمرتبه تبدیل اعضاء ورئیس هریك از اطاقها خواهد شد بدین ترتیب که رئیس واعضاء اطاقی باطاق دیگر مامور میشوند بطوریکه رئیس و اعضاء یك اطاق بیش از یك سال با هم نباشند ـ تبدیل رئیس و اعضاء در جلسهٔ فوق العادهٔ ادارهٔ محکمه مرتب بعد از امضای وزیر عدلیه بموقع اجرا گذارده میشود .

مبحث سیم

در تقسیم کار ها

مادهٔ ۸۰ — عرایض به رئیس محکمه داده می شود و مشار الیه باید وقت معینی برای گرفتن عرایض تعیین نماید .

مادهٔ ۸۱ — کلیه عرایض را باستثنای اموری که در مادهٔ آتیه مذکور است رئیس محکمه میان اطاق ها تقسیم می کند و رئیس باید همیشه پیشرفت و سرعت جریان امور را در تقسیم کار ها منظور دارد .

مادهٔ ۸۲ — بدعاوی راجعه بدولت و ایالات و ولایات و تاسیسات و خیرات عمومی در اطاقی که رئیس محکمه بالخصوص ریاست دارد رسیدگی می شود .

و هرگاه دعاوی مذکوره از نوع امور جزائی بوده و رئیس محکمه ریاست اطاق حقوقی را بالخصوص اختیار کرده باشد بدعاوی مذکوره برحسب اصول در اطاق جزائی رسیدگی میشود .

مادهٔ ۸۳ — بعد از اینکه عرایض تقسیم شد جواب امور بعهدهٔ رؤساء اطاق ها خواهد بود .

مادهٔ ۸۴ — در دفتر خانه محکمه باید دفتر مخصوصی برای اموریکه راجع بتکالیف رئیس است موجود باشد و هر دفعه مطلبی که ثبت میشود باید باسم طرفین یا وکلای ایشان در آن دفتر مندرج گردد و در ستون مخصوص ارجاعاتی که رئیس محکمه باطاق ها نموده و همچنین تصریح اینکه دعوا از امور مستعجله است یا عادی شده کلیه مندرجات بامضاء رئیس برسد وهمچنین کلیه امور راجعه بهر یك ازاطاق ها بترتیب نمره دردفتری ثبت خواهد شد .

مبحث چهارم

درنظم اطاق محاکمه

مادهٔ ۸۵ — نظم اطاق محکمه بعهدهٔ رئیس اطاق است ودراجتماعات عمومی بعهدهٔ رئیس محکمه و در صورت غیبت رئیس یاقائم مقام اوست .

تنبیه — من بعد در این مبحث برای اختصار بجای رئیس اطاق یا رئیس شعبه یا رئیس محکمه لفظ رئیس فقط استعمال خواهد شد .

مادهٔ ۸۶ — افتتاح و ختم جلسه با رئیس یا قائم مقام اوست .

مادهٔ ۸۷ — در اطاق محاکمه اشخاص خارج از هیئت محکمه یا پارکه یا اصحاب دعوا علیحده درجائیکه برای آنها معین شده می نشینند .

۸۸ — برای اجرای اوامر رئیس در اطاق محکمه یکنفر از مامورین اجرا خواهد بود در صورتیکه مامورین اجرا بواسطه مشاغل خودشان نتوانند حاضر شوند بتصویب رئیس محکمه یکنفر از مامورین احضار یا پیشخدمتهای محکمه قایم مقام او خواهد شد .

ماده ۸۹ — اداره کردن جلسه بعهده رئیس است ومشارالیه حافظ نظم و ترتیب بوده مراقبت مینماید که باترتیبات مقرره محاکمه بعمل آید و اشخاصی که حق تکلم و دخالت را درمحاکمه دارند بعد از تحصیل اجازه از رئیس بیانات خود را مینمایند .

ماده ۹۰ — اشخاصیکه دراطاق محاکمه هستند باید قواعد نظم وترتیب را قویا رعایت نموده اوامر رئیس را اطاعت نمایند .

ماده ۹۱ — هرگاه اشخاص خارجی (تماشاچی) از مفاد ماده قبل تجاوز نمایند رئیس حق دارد انها را از اطاق محاکمه اخراج نماید واگر مقاومت نمایند از یك الی بیست و چهار ساعت حکم توقیف آنها را بدهد .

ماده ۹۲ — هرگاه در مورد مادهٔ قبل ممکن نباشد خاطی را معین کرد و اخطارات رئیس مثمر ثمری نشود رئیس میتواند کلیه اشخاص خارجی را از محکمه خارج نماید .

ماده ۹۳ — هرگاه تخلفات مذکوره در مادهٔ (۹۱) ازطرف اصحاب دعوا یا وکلای انها ناشی شود رئیس دو دفعه اخطار وضمنا بخاطی اعلام مینماید که در دفعه سیم اورا مجازات خواهد داد و هرگاه باز خاطی مرتکب خلاف قاعده شده رئیس باهمیت تقصیر ازشش الی چهل وهشت ساعت حکم توقیف اورا خواهد داد .

ماده ۹۴ — مفاد مادهٔ قبل لازم الرعایه است همچنین در مواردیکه یکی ازاصحاب دعوا الفاظی استعمال کند که باعث هتك عرض و ناموس طرف مقابل است یا نسبت بطرف خود افشا کند اوضاع و احوالی را که هیچ مربوط بقضیهٔ که در تحت محاکمه است نبوده و برای توضیح مطلب لزومی نداشته باشد .

مادهٔ ۹۵ — هرگاه ازطرف اشخاصی خارج یامتداعیین توهین یاهتك شرف نسبت برئیس یا اعضاء محکمه بشود رئیس حق دارد صورت مجلسی در این باب مرتب نموده با مقصر بمحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی را دارد بفرستد .

ماده ۹۶ — برای حفظ ووقایهٔ نظم و ترتیب وهمچنین در مواردی که امنیت و آزادی محکمه تهدید میشود رئیس حق دارد از نظمیه یا در مواقع فوتی از نزدیك ترین قوه نظامی استمداد نماید . این

تقاضای رئیس باید بلا تاخیر وهمان طوری که خواسته است مجری شود.

مبحث پنجم

در راپورت های محاکم

ماده ۹۷ — محاکم وادارات مدعیان عمومی باید سالی دومرتبه راپورتهای احصائیه خودرا درجریان اموروعده امور تسویه شده ومتراکمه و سایر اطلاعات بوزیر عدلیه تقدیم نمایند. طرز وترتیب راپورتهای مذکوره موافق نمونهٔ خواهد بود که وزیر عدلیه مرتب و بمحاکم و ادارات مذکوره خواهد فرستاد.

ماده ۹۸ — راپورتهای مذکوره در ماده قبل را رؤساء محاکم با مدعی العموم محکمه که درنزد آن ماموریت دارد ترتیب خواهند داد.

ماده ۹۹ — راپورتهای محاکم ابتدائی درجلسات فوق العاده اداری محاکم مذکوره مداقه شده و بمحکمهٔ استیناف متبوعه ارسال میشود.

ماده ۱۰۰ درمحکمه استیناف ازراپورتهای محاکم ابتدائی وراپورت های محکمه استیناف راپورت عمومی مرتب وبعد ازمداقه درجلسه فوق العاده اداری، بوزیر عدلیه تقدیم میشود.

ماده ۱۰۱ راپورتهای مدعیان عمومی محاکم ابتدائی بمدعی العموم محکمهٔ استیناف تقدیم و مشار الیه از راپوت های مزبوره راپورت پارکهٔ استیناف راپورت عمومی ترتیب داده بوزیر عدلیه تقدیم میکنند.

ماده ۱۰۲ — راپورتهای محکمهٔ تمیز در جلسه فوق العاده اداری مطرح مداقه شده بوزیر عدلیه فرستاده میشود.

ماده ۱۰۳ — هر گاه توضیحاتی لازم باشد که در راپورتهای محاکم تحت عنوان مندرج نمود لایحه جداگانه مشعر برتوضیحات مذکوره براپورتها منضم و ماحصل راپورت باراپورتهای گذشته مطابقه و مقایسه خواهد شد.

ماده ۱۰۴ — هر گاه عده کلیهٔ امور بی اندازه زیاد یا کم شده باشد یاهمین زیادی و کمی در نوعی از امور حاصل شده باشد باید جهة آن را محاکم و ادارات تصریح نمایند. وزیر عدلیه از راپورتهای محاکم و ادارات مدعیان عمومی راپورت عمومی ترتیب داده بمقامات لازمه پیشنهاد میکند راپورت مزبور برای اطلاع عامه طبع و منتشر خواهد شد.

ماده ۱۰۵ — علاوه بر راپورتهائی که رؤساء محاکم ومدعیهای عمومی دو دفعه درعرض سال میدهند باید محاکم وادارات مدعی عمومی اطلاعاتیرا که وزیر عدلیه از آنها میخواهد در مواعدی که از طرف وزارت عدلیه مقرر گشته بوزیر عدلیه تقدیم نمایند. دستور العمل وه طرز راپورتهای مذکوره را وزارت عدلیه مرتب و بجاهای لازم اعلام مینماید.

ماده ۱۰۶ — ترتیب محاسبات عایدات عدلیه وراپورتهای راجعهٔ بان بطوری است که وزیر عدلیه باموافقت وزارت مالیه معین و اعلام خواهد کرد.

باب دوم

در تشکیل ادارهٔ مدعیهای عمومی

مقدمه

ماده ۱۰۷ — مؤثریتی که ناشی میشود از جرم دارای دو جهت است :

یکی جهت شخصی ودیگری جهت عمومی . جهت شخصی دروقتی است که ضرر جرم یاتقصیر بشخص معین تعلق گیرد و جهت عمومی در موقعی است که ضرر راجع بحقوق عامه باشد . لهذا ادارهٔ مدعیهای عمومی بحکم قانون برای حفظ حقوق عامه تاسیس میشود .

مادهٔ ۱۰۸ — مدعیهای عمومی عبارت اند ازهیئتی ازرؤساء ضابطین عدلیه که در موارد مقررهٔ قانونی در محاکم عدلیه حاضر بوده وظایف خود را نسبت به حفظ حقوق عامه و نظارت اجرای قوانین انجام میدهند .

ماده ۱۰۹ — در موارد محاکمات جزائیه مدعی عمومی یاقایم مقام او حاضر میباشد اعم از اینکه محاکمه راجع بجنحه باشد یاجنایت . دراین موارد مدعی عمومی حکم وکیل جماعت را دارد یعنی وکیل است برای مدافعه وحفظ حقوق و منافع عامه .

ماده ۱۱۰ — در محاکمات حقوقی مدعی عمومی بی طرف است

جز در مواردیکه قانون باو دخالت میدهد .

ماده ۱۱۱ — ازجهتی که مدعیان عمومی نمایندهٔ دولتند در محاکم عدلیه بجریان امور در محاکمی که در نزد آنها ماموریت دارند نظارت داشته مراقب می باشند که تجاوز از حدود قانونی نشود وتجاوزات وسوء جریان اموررا بمقامات لازمه راپورت مینمایند .

فصل اول

در تشکیل و ترکیب ادارهٔ مدعیهای عمومی

ماده ۱۱۲ — اداره مدعیان عمومی درتحت ریاست فایقهٔ وزیر عدلیه تشکیل میشود . ادارهٔ مزبوره منشعب میشود به شعبهٔ مفصلة الذیل : شعبهٔ دیوان تمیز . شعبه محکمهٔ استیناف . شعبهٔ محکمهٔ ابتدائی .

تنبیه — برای اختصار بجای شعبهٔ ادارهٔ مدعی عمومی من بعدلفظ پارکه استعمال میشود .

ماده ۱۱۳ — پارکه دیوان تمیز مرکب است از مدعی عمومی کل ویکنفر معاون او که موسوم است بوکیل عمومی محکمه تمیز .

ماده ۱۱۴ — پارکه محکمه استیناف عبارت است ازمدعی عمومی اول ویك وکیل عمومی برای هر اطاقی و (در صورت لزوم) یك معاون وکیل عمومی .

ماده ۱۵۵ — پارکه بدایت تشکیل میشود از مدعی عمومی محکمه

ابتدائی ویك نفر معاون او برای هراطاقی از اطاقهای حقوقی وجزائی .

ماده ۱۱۶ — کلیه ترتیبات اداره واعمال هرپارکه تفویض بمدعی العموم ان پارکه است و وکلای عمومی درتحت ریاست مدعی عمومی بامورراجعه بخودشان رسیدگی مینمایند .

ماده ۱۱۷ — هرگاه مدعی عمومی بعلت مخصوصی از اجراء وظیفه خود باز ماند یکی از وکلای عمومی بحکم اقدمیت در خدمت قایم مقام او خواهد بود وهمچنین در صورت مرض یا غیبت مدعی عمومی یکی از وکلای عمومی بحسب قدمت درخدمت وظایف او را انجام میدهد .

ماده ۱۱۸ — مدعی عمومی هریك از وکلای عمومی را که صلاح بداند مامور بامور هریك از اطاقهای محکمه که در نزد آن ماموریت دارد مینماید و وکلای عمومی در موقع حضور در هریك از اطاق محاکم بنام مدعی عمومی نطق واظهار رای خواهند کرد .

ماده ۱۱۹ — وکلای عمومی درامورمهمه باید نتیجه عقاید خودشان را بمدعی عمومی اظهار دارند . در صورتیکه مشار الیه عقیده وکیل عمومی را تصویب نکرده و وکیل عمومی اصرار درحفظ عقیده خودنمود مدعی عمومی میتواند وکیل عمومی دیگری را انتخاب نمایدکه مطلب را چنانکه مدعی عمومی عقیده دارد در محکمه اظهار نماید .

ماده ۱۲۰ — در مواردیکه قانون حضور مدعی العموم را درمحکمه تقاضا مینماید مدعی العموم باید حاضر شده وظایف خود را انجام بدهد .

وهرگاه نتواند در تمام اطاقهای محکمه بشخصه حاضر شود درهراطاقی که صلاح بداند حاضر میشود ولی در جلسات عمومی محاکم وهمچنین در موارد مهمه جلسات معمولی مدعی عموم باید شخصا حاضر شود .

ماده ۱۲۱ — هرگاه یکی ازوکلای عمومی از ایفای وظیفه خود معذور ماند وسایر وکلای عمومی نیز بواسطه مشاغل فوق العاده یافوتی نتوانند بجای او معین شوند بحکم وزیر عدلیه یکی از اعضای محکمه موقتا وظیفه وکیل عمومی را انجام میدهد .

فصل دوم

در وظایف مدعی عمومی

مبحث اول

در امور حقوقی

ماده ۱۲۲ — مواردی را که مدعی عمومی باید دخالت در محاکمات حقوقی نماید موارد ابلاغ گویند ودر موارد مذکوره رئیس محکمه مکلف است اوراق راجعه بدعوا را بمدعی عمومی آن محکمه قبل از استماع دعوا تبلیغ نماید .

ماده ۱۲۳ — موارد ابلاغ ازقرار تفصیل ذیل است :

اولا — دعاوی راجعه بمنافع عامه وحقوق عمومی مثل شارع عام

ومیاه وانهار ومراتع مباحه وامثال آنها چه آن دعوی مابین اهالی دومحل باشد یایك محل چه طرفین دعوا محصور باشند وچه نباشند .

ثانیا ـ دعاوی راجعه بدولت چه ادعوی متعلق بخزانه مالیه باشد یا خزانه اوقاف عمومی یا دیون عمومی یاعوارض دولتی وغیره .

ثالثا ـ در دعاوی راجعه بوجوه بریه وامور خیریه که جهت عمومی داشته باشد (نسبت بوصیت نامه های عمومی ووقف نامه های عمومی و امثال ذلك)

رابعا ـ در موارد نقض قوانین موافق ماده (۱۳۶)

خامسا ـ در دعاوی متعلقه بصلاحیت محاکم ورد حکام عدلیه .

سادسا ـ در دعاوی متعلقه بصغیر و مجنون و سفیه که قیم یا ولی خاص دارند .

سابعا ـ در دعاوی حقوق راجع بافلاس .

ثامنا ـ در موارد ادعای جعلیت اسناد و محاکمه آن .

تاسعا ـ در دعاوی حقوق شخصیه که ناشی گردد از جرائم چه در محکمه جزائیه بدعاوی مذکوره رسیدگی شود وچه در محکمه حقوق .

ماده ۱۲٤ ــ هر گاه دعوا راجع به صغیر یا مجنون یا سفیه بوده و اشخاص مذکوره قیم یا ولی خاص نداشته باشند . وهمچنین در مواردیکه دعوا راجع است بغایب مفقودالاثر که حیات ومماتش اومعلوم نیست مدعی العموم قبل از مداخله بمجتهد جامع الشرایط عادل اطلاع داده وبعد ازتعیین قیم یا ولی مداخله مینماید .

ماده ۱۲۵ ــ مدعی عمومی حق دارد اوراق هر دعوائی را که بخواهد از محکمه مطالبه کند تا جدا کند آنچه را که تعلق بوظیفه او دارد

ماده ۱۲٦ ــ مدعی عمومی هرمحکمه حق مراقبت و نظارت برتمام احکام صادره از آن محکمه را دارد .

ماده ۱۲۷ ــ مداخله درمحاکمات شرعیه خارج ازوظیفه مدعی العموم است و در محاکم تجارت اگر دعوای افلاس باشد حق مداخله دارد بطوریکه در مادهٔ (۱۲۳) مذکوراست .

مادهٔ ۱۲۸ ــ مدعی عمومی در هر دعوائی که مداخله مینماید باید طرفدار حق بوده و بافکار ورای خود تقویت نماید طرفی را که بمقتضیات قانون محق فهمیده است .

مادهٔ ۱۲۹ ــ مدعی عمومی درمدت سه روز از فردای تبلیغ اوراق باید مداخله یا عدم مداخله را کتبا برئیس محکمه اطلاع دهد و درصورت عدم مداخله باید محکمه قبل از صدور حکم افادات مدعی عمومی را درعدم مداخله شفاها استماع نموده در اوراق ضبط ودرصورت حکم درج نماید .

ماده ۱۳۰ ــ اگر زیاده ازسه روز مدعی عمومی اوراق را معطل نموده و جواب بمحکمه ندهد مسؤل خواهد بود و اگر از تعطیل اوراق ضرر و خسارتی بر متداعیین وارد آید حق شکایت بر او ومطالبه ضرر و خسارت را از او دارند .

مادهٔ ۱۳۱ — اگر محکمه قرار داد بر مداخلهٔ مدعی العموم در محاکمه مشارالیه نمیتواند امتناع نماید بلکه حاضر شده و عقیدهٔ خود را اظهار میدارد .

مادهٔ ۱۳۲ — در صورتیکه مدعی عمومی مداخلهٔ خود را برئیس محکمه اطلاع داد باید از طرف محکمه روز و وقت رؤیت دعوی باو اخطار شود تا در وقت مقرره حاضر شود .

مادهٔ ۱۳۳ — مداخلهٔ مدعی عمومی در موارد ابلاغ بر دوقسم است مداخله اصلیه ومداخله تبعی .

مادهٔ ۱۳٤ — مداخلهٔ اصلیه در مواردیست که دعوا مربوط بحقوق عمومی و منافع عامه است (رجوع بفقرهٔ اول و دوم و سیم و چهارم مادهٔ ۱۲۳) در این صورت مدعی العموم مثل مدعی یا مدعی علیه دخالت مینماید (زیرا که وکیل است از جهة مدافعه و حفظ حقوق عمومی) و چون حقوق و اختیارات او همان حقوق و اختیارات مدعی یا مدعی علیه است لذا اگر متداعیین خصوصی دعوای خود را باصلاح ختم نمایند صلح آنها خللی بحقوق عمومی وارد نمیاورد ومدعی عمومی بنام حقوق عمومی محاکمه را تعقیب می کند و اگر محکمه حکم داد و مدعی العموم بر آن حکم تسلیم ننمود مدعی العموم حق اعتراض (استیناف و اعادهٔ محاکمه و تمیز) را موافق اصول محاکمات حقوقی دارد . و همچنین هر گاه مدعی یا مدعی علیه خصوصی محکوم شده و تسلیم بر حکم محکمه نمود

مدعی عمومی با وجود تسلیم آنها حق اعتراض را دارد .

مادهٔ ۱۳۵ — در مداخلهٔ تبعی (رجوع بفقرهٔ پنجم و ششم وهفتم و هشتم مادهٔ ۱۲۳) مدعی‌العموم چون طرف نیست وفی‌الواقع بسمت مشاور حقوق در محکمه حاضر شده بیان عقیده می نماید . لهذا اگر متداعیین خصوصی منازعهٔ خود را بصلح ختم یا برحکم محکمه تسلیم نمودند مدعی‌العموم تعقیب نمینماید و حق هیچگونه اعتراض را ندارد

مادهٔ ۱۳۶ — در موارد نقض قوانین فقط وقتی مدعی‌العموم مداخله مینماید که بموجب حکم قطعی نقض قانون شده و هیچیك از طرفین در موعد مقرر تمیز آن حکم را خواستار نشده باشند . در این صورت مدعی‌العموم هر محکمه مراتب را بمدعی العموم دیوان تمیز اطلاع می دهد که او برای محافظت قانون تمیز حکم را بخواهد لیکن در اینموارد نقض دیوان تمیز در بارهٔ طرفین دعوا مؤثر نمیباشد و فقط برای حفظ قانون است .

مادهٔ ۱۳۷ — در صورت مداخلهٔ اصلیه هر چند مدعی عمومی بصفت مدعی محاکمه می نماید ولی نمی‌تواند ابتداء شروع بمحاکمه نماید بلکه بعد از اقامهٔ دعوا نمودن مدعی خصوصی مداخله مینماید

مادهٔ ۱۳۸ — در کلیه مداخلات مدعی عمومی کفایت نمی کند که تقریر وافادات خودرا شفاها وعلنا اظهار دارد بلکه باید کتبا بمحکمه بدهد

مادهٔ ۱۳۹ — در صورتیکه مدعی عمومی مداخلهٔ اصلیه در دعوی نماید درتمام جلسات محاکمه خودش یا قایم مقامش حاضر شود و استماع

شهادت شهود و تقریر خصم را بنماید و اگر محتاج بکشف و تحقیق موضوع مدعی به گردد باید در مقام کشف آن نیز حاضر شود و باید حکم در حضور او بطرفین قرائت و تفهیم شود .

ودرصورتی که مداخلهٔ عمومی مداخلهٔ تبعی باشد حضور او درجلسات محاکمه و در روز کشف متنازع فیه بجهت معاینه و در روز صدور حکم و قرائت آن بر طرفین هیچیك لازم نیست فقط باید بعد ازختم مذاکرات طرفین اظهار عقیده نماید .

ماده ۱۴۰ — در صورت مداخله تبعی مدعی عمومی محکمه نباید استماع نماید افادات مدعی عمومی را مگر بعد از تمام شدن افادات و مذاکرات متداعیین ومتداعین حق ندارند که بعد از تقریر مدعی عمومی تکلم نمایند بلکه محاکمه با نطق مدعی العموم ختم می شود و اگر متداعیین بر تقریر او اعتراض داشته باشند می توانند بر ورقه نوشته به رئیس تقدیم دارند .

مادهٔ ۱۴۱ ـ اگرمداخله مدعی‌عمومی اصلیه باشد هریك ازمتداعیین میتوانند باجازه رئیس اعتراض و دفاع از خود نمایند (زیرا که مدعی عمومی در اینصورت متخاصم است) .

مادهٔ ۱۴۲ ـ مدعی عمومی نباید داخل شود در اطاق مذاکره یا اینکه با اعضای محکمه شرکت در دادن رای نماید .

مادهٔ ۱۴۳ — مدعی عمومی از جمیع مصارف و رسوم متعلقه بتمام

محاکم معاف است و در مواردی که برای استیناف و تمیز تامینات لازم است مدعی‌عمومی مستثنی است .

ماده ۱۴۴ ـ مدت استیناف و مدت تمیز از برای مدعی عمومی در مداخلات اصلیه همان مدت مقرره از برای مدعی شخصی میباشد و در مورد ماده (۱۳۶) مدت مقرر ندارد هر وقت مطلع شود می تواند تمیز نماید

مبحث دوم

در امور جزائی .

ماده ۱۴۵ — مدعی های عمومی مکلفند اعمالی راکه متضمن خلاف یاجنحه یاجنایت است تفتیش و تعاقب نمایند

ماده ۱۶۴ — وظایف مدعیهای‌عمومی‌ازحیث تفتیش وتعاقب مجرمین وطریق عمل کردن انها بوظایف خود و حدود اختیارات انها در اصول محاکمات جزائی مصرح است .

باب سوم

در حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

فصل اول

در شرایط و اوصاف

ماده ۱۴۷ — روساء و اعضاء محاکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه کلیه باید دارای شرایط و اوصاف ذیل باشند :

(اولا) تابعیت ایران ، (ثانیا) دین اسلام . (ثالثا) سن که باید کمتر از آنچه ذیلا معین شده است نباشد .

۱) برای اعضاء و وکلای عمومی محکمهٔ ابتدائی و مستنطقین درجهٔ دوم و دفتر دار های محاکم و اشخاصی که در یکمقام با اشخاص مذکور هستند (۲۵) سال .

۲) برای مدعی العموم بدایت و اعضاء و وکلای عمومی محکمهٔ استیناف ومستنطقین درجه اول ومعاونین و وکلای عمومی استیناف واشخاصی که دریك مقام با انها هستند (۳۰) سال .

۳) برای رؤساء محاکم ابتدائی و مدعی العموم استیناف واعضای تمیز و اشخاصی که در مقام با انها مساویند (۳۵) سال .

۴) برای روساء محاکم استیناف و مدعی العموم تمیز وروساء تمیز (۴۰) سال .

(رابعا) دادن امتحانات علمی و عملی در انجمن امتحان وزارت عدلیه موافق پروگرامی که وزیر عدلیه مرتب وبعد از گذشتن ازمقامات لازمه طبع و اعلان خواهد کرد (مادامیکه مدرسه حقوق تاسیس و اعضاء واجزاء برای محاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است)

ماده ۱۴۸ — اشخاص مفصلهٔ ذیل نمیتوانند درعدلیه مستخدم شوند

اولا - اشخاصیکه بواسطه ارتکاب بجنحه وجنایت در تحت محاکمه هستند یا بواسطه اتهام بجنحه وجنایت در تحت محاکمه بوده برائت‌ذمه حاصل نکرده اند ،

ثانیا - - کسانیکه بواسطهٔ ارتکاب بجنحه وجنایات محکوم بحبس یا مجازاتی شدیدتر شده اند ،

ثالثا - اشخاصیکه ورشکسته اعلان شده اند .

رابعا - اشخاصیکه درتحت قیمومیت یا ولایت شرعی هستند .

خامسا - کسانیکه معروف بفسادعقیده اسلامی باشند

سادسا - اشخاصیکه متظاهربارتکاب منکرات واتصاف باخلاق ذمیمه هستند

سابعا - کسانیکه ازادارات دولتی بعد ازمحاکمه اخراج شده اند .

فصل دوم

در نصب حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

ماده ۱۴۹ — رؤساء و مستشاران دیوان تمیز و رؤساء و اعضاء محاکم استیناف ورؤساء محاکم ابتدائی و اشخاصیکه باحکام مذکوره در یك رتبه هستند بنصویب وزیر عدلیه معین وبصدور فرمان همایونی منصوب میشوند . واعضاء محاکم ابتدائی ومستنطقین درجه دوم وامنای صلحیه و اشخاصی را که با آنها در یك رتبه هستند وزیر عدلیه معین و بصدور حکم او منصوب می شوند .

ماده ۱۵۰ — درصورتیکه جای عضوی درمحاکم ابتدائی یا استیناف یا جای مستنطقی باز شود در جلسه فوق العاده اداری محکمه با حضور مدعی العموم در باب اشخاصی که شرایط مذکوره در فصل اول را دارا بوده ولیاقت اشغال جای خالی را دارند مذاکره بعمل آمده صورت اشخاص لایق را ترتیب میدهند .

ماده ۱۵۱ — بعد از اینکه اشخاص مذکوره رضایت خود را باشغال جای خالی اظهار کردند صورت مذکور در مادهٔ قبل بتوسط رئیس محکمه بوزیر عدلیه تقدیم می شود

ماده ۱۵۲ — وزیر عدلیه از صورت مذکوره در ماده قبل یا از اشخاص دیگری که شرایط و اوصاف فصل اول را دارا هستند اشخاصی را که صلاح میداند موافق قانون معین مینماید .

ماده ۱۵۳ — مدعی العموم کل (دیوان تمیز) ومدعی العموم استیناف بتصویب وزیر عدلیه و اذن حاکم شرع معین و بصدور فرمان همایونی منصوب میشوند . معاون مدعی العموم استیناف (مدعی العموم بدایت) ازمیان اشخاصی که مدعی العموم استیناف معرفی نموده بتصویب وزیر عدلیه معین و بصدور فرمان همایونی منصوب میشود .

ماده ۱۵۴ — دفتر دارهای محاکم ابتدائی واستیناف و تمیز وسایر اجزاء دفترخانه محاکم را وزیر عدلیه معین وبصدور حکم او منصوب میشوند .

ماده ۱۵۵ — منشی های هریارکه را مدعی العموم آن یارکه معین میکنند و در نصب منشی های مزبوره حکم وزیر عدلیه صادر میشود .

ماده ۱۵۶ — حکام و صاحبمنصبان عدلیه که تازه بمشاغل خود معین شده اند قبل از مباشرت بشغل خودشان در جلسه فوق العاده علنی محکمه که در آن یانزد آن ماموریت دارند باید بموجب صورتیکه جداگانه معین شده است قسم یادنمایند . امنای صلح درجلسه فوق العادهٔ علنی محکمه ابتدائی قسم یاد مینمایند ، ورقه قسم را رؤساء محاکم بدائرهٔ سجل احوال وزارت عدلیه خواهند فرستاد .

ماده ۱۵۷ — تقریر نویسها وسایر اجزاء محاکم ومنشیهای ادارات مدعی عمومی درجلسه معمولی علنی قسم یاد مینمایند .

فصل سیم

در عزل و نصب حکام عدلیه وصاحبمنصبان
ادارهٔ مدعی العموم ومرخصی آنها

ماده ۱۵۸ — در موارد مفصله حکام عدلیه وصاحب منصبان ادارهٔ مدعی‌العموم از شغل خود معزول میشوند

۱) درصورتی که مرتکب عملی شوند که برخلاف شرف انهاباشد یادلالت کند بر ارتشاء یاعدم درستی وفساد اخلاق .

۲) اشتغال بشغل یاحرفه دیگری ازقبیل تجارت ودلالی وغیره باداشتن مقام رسمی در خدمت عدلیه

۳) در صورتیکه اعمال وافعالشان عالما عامدا مغایر قانون ونظامات عدلیه باشد

٤) درصورتیکه بواسطه ارتکاب بجنحه وجنایت درمحکمه کصلاحیت رسیدگی را دارد محکوم شده باشند

٥) درمواردی که فاقد شرایط واوصافی شوند که برای حکام وصاحب منصبان و مستخدمین عدلیه مقرر است (مواد ۱٤۷ و ۱٤۸)

ماده ۱۵۹ — درموارد ماده قبل عزل حکام عدلیه وصاحبمنصبان اداره مدعی‌العمومی بعد ازرسیدگی بحکم مجلس عالی (رجوع بماده ۱۸۱) بعمل میاید و وزیر عدلیه حکم مجلس مذکور را بموقع اجرا میگذارد .

ماده ۱۶۰ — هرگاه حکام وصاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه بواسطه مرضی در مدت چهارماه نتوانند در سر خدمت حاضر شوند وباوجود آن استعفاء از شغل خود ننمایند باید بانها اخطار شود که استعفاء نمایند . و هرگاه در مدت دو هفته بعد از این اخطار استعفاء نکردند مستعفی محسوب خواهند شد این اخطار را باعضاء محاکم و اجزاء ادارات روساء مستقیم انها خواهند کرد .

ماده ۱۶۱ — صاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه سالی یکماه حق مرخصی دارند و موعد آن بتوسط وزیر عدلیه معین خواهد شد .

ماده ۱۶۲ — اجازه مرخصی درصورتیکه علاوه برانچه قانونا برای حکام و صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه مقرر شده استدعا شود منوط بتصویب وزیر عدلیه است .

فصل چهارم

در حقوق وحدود حکام وصاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه

ماده ۱۶۳ — حکام وصاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه در خدمت دولتی محسوب و از کلیه حقوق و امتیازاتی که برای مستخدمین دولت مقرراست بهره مند میباشند .

ماده ۱۶٤ — حکام و صاحبمنصبان ومستخدمین عدلیه نمیتوانند با شغل خود هیچ شغل و حرفه دیگری چه در ادارات رسمی باشد چه غیر رسمی

توام نمایند ولی قبول عضویت افتخاری درانجمنهای خیریه درصورتی که مانع از ایفای وظایف ایشان نباشد جایز است .

ماده ۱۶۵ — مراتب حکام و صاحب منصبان اداره مدعیان عمومی و مستخدمین عدلیه از قرار ذیل است :

۱ - ریاست دیوان تمیز ومدعی عمومی دیوان مذکور .

۲ - ریاست شعبه دیوان تمیز .

۳ - مستشاری دیوان تمیز و ریاست محکمه استیناف ومدعی عمومی استیناف و وکالت عمومی دیوان تمیز .

٤ - ریاست شعبه استیناف و وکالت عمومی استیناف

۵ - ریاست محکمه ابتدائی و مدعی عمومی محکمه ابتدائی

٦ - عضویت محکمه استیناف و معاونت وکالت عمومی استیناف و مستنطقی درجه اول و ریاست شعبه ابتدائی وریاست محکمه تجارت

۷ - عضویت محکمه ابتدائی و معاونت مدعی عمومی بدایت ومستنطقی درجه دوم و امانت صلح .

۸ - معاونت عضویت محکمه ابتدائی .

۹ - دفتر داری محاکم .

۱۰ - تقریر نویسی محاکم و منشی گری اداره مدعیهای عمومی

۱۱ ثبانی و ضباطی محاکم .

۱۲ - مامورین اجرا

ماده ۱٦٦ — محاکم عدلیه پای‌تخت و ولایات از حیث عدهٔ امور راجعه بانها وقلت و کثرت دعاوی به سه‌درجه منقسم میشوند و ترتیب مقرری هر یك از درجات مذکوره بطوری است که علیحده موافق قانون معین گردیده .

ماده ۱٦۷ — وقتی که محاکم عدلیه بهیئت اجتماع باید در مواقع رسمی حاضر شوند بترتیب ذیل خواهند بود :

(اول) دیوان تمیز . (دوم) محکمه استیناف . (سوم) محکمه ابتدائی . (چهارم) محکمه تجارت . (پنجم) محکمه صلحیه .

فصل پنجم

در نظارت بمحاکم و صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه

مادهٔ ۱٦۸ — مقامات مفصله نسبت بمقاماتی که ذیلا تصریح شده است نظارت دارند : دیوان تمیز بامجلس عمومی آن نسبت بتمام محاکم ایران غیر از اداره مدعی های عمومی . محاکم استیناف نسبت بمحاکم ابتدائی غیر از پارکه استیناف وبدایت . محکمه ابتدائی نسبت بمحاکم صلحیه

مادهٔ ۱٦۹ — حق نظارت اقدامات مفصله را حاوی است . مقام بالا تر حق دارد :

اولا - در مورد شکایات از احکام موافق اصول محاکمات از مقام پائین تر اطلاعات و توضیحات لازمه را بخواهد .

ثانیا - در صورت مشاهده بی نظمی یا سوء استعمال یا مسامحه در انجام وظایف مقرره ازوزیر عدلیه خواهش نماید کهاخطارات لازمه نسبت بمقام پائین تر بعمل آید .

ثالثا - هرگاه مقامات پائین تر از حدود خود تجاوز نمایند تااندازه که اصول محاکمات به مقامات بالا تر اجازه می دهد آن اقدامات را فسخ می نمایند .

مادهٔ ۱۷۰ — رؤساء محاکم عدلیه نسبت برؤساء شعب و معاونین و اعضاء و اجزاء دفتر خانه محاکم حق نظارت را دارند و مراقبت می نمایند که امور از نظم و ترتیب خارج نشده و اعضاء و اجزاء ازوظایف خود تخلف ننمایند .

ماده ۱۷۱ — صاحب منصبان و اجزاء پارکه بدایت در تحت نظارت مدعی‌العموم بدایت و صاحبمنصبان و اجزای پارکه استیناف و مدعی العموم بدایت درتحت نظارت مدعی‌العموم استیناف واقعند و تمام مدعیهای عمومی استیناف و مدعی‌العموم دیوان تمیز در تحت نظارت ریاست عالیه وزیر عدلیه واقعند .

مادهٔ ۱۷۲ — محاکم ورؤساء آنها حق‌ندارند درامور ادارهٔ مدعی‌العموم دخالت یا نظارتی نمایند و هرگاه بی نظمی در اداره مزبوره مشاهده کنند یا برئیس آن اداره اطلاع میدهند یا بوزیر عدلیه راپورت می نمایند .

مادهٔ ۱۷۳ — مدعی‌العموم و وکلای عمومی هرگاه بی نظمی یااختلال و اغتشاشی درمحاکم مشاهده کنند مستقیما برؤساء آن محاکم اطلاع میدهند و یا بمدعی‌العموم اول استیناف و مشارالیه مکلف است که اطلاعات مزبوره را بوزیر عدلیه راپورت نماید

مادهٔ ۱۷۴ — وزیر عدلیه نظارت عالیه و عمومی نسبت بکلیهٔمحاکم و ادارات عدلیه ایران دارد و میتواند هر نوع اطلاعات و توضیحاتی که لازم بداند ازمحاکم عدلیه ورؤساء آنها بخواهد و نیز میتواند بتوضیحات کتبی اکتفاء ننموده تقاضای توضیحات شفاهی کند .

مادهٔ ۱۷۵ — وزیر عدلیه حق‌داردتفتیشات لازمه‌را درمحاکم وادارات مدعی العموم و سایر دوایر عدلیه نموده اخطارات و اقدامات لازمه را برای جلوگیری از بی نظمی یاتراکم امور یا مسامحه ومماطله وامثال آن نماید ودر مواقعیکه لازم بداندآنها را بمعرض مسؤلیت و مؤاخذه وسیاست در آورد .

ماده ۱۷۶ — تفتیش مذکور در ماده قبل را وزیر عدلیه میتواند مستقیما بیکی از مامورین وزارتخانه یا اشخاصی که طرف اطمینان اوهستند ویا بیکی از رؤساء واعضاء محاکم یا پارکه ها رجوع نماید .

ماده ۱۷۷ — وزیر عدلیه میتواند بمدعی های عمومی تعلیماتلازمه در جلوگیری از بی نظمی امور داخلی محاکم و نقض قوانین و قواعد و انتظامات داخلی آنها بدهد .

ماده ۱۷۸ ـ دفتر خانهای محاکم در تحت نظارت رؤساء محاکم است واجزاء دفتر خانه درتحت نظارت دفتر دار وظایف مقرره را انجام می دهند .

فصل ششم

در مسؤلیت حکام وصاحب منصبان ومستخدمین عدلیه

ماده ۱۷۹ ـ تخلف حکام وصاحب منصبان عدلیه ازحدودیکه برای آنها مقرر شده وهمچنین تقصیرات راجعه بخدمت یا مسامحه و مماطله آنها در انجام وظایف خودشان باعث مسؤلیت ومجازات اداره انتظامی است .

ماده ۱۸۰ ـ تنبیهات وسیاسات که برای حکام و صاحب منصبان عدلیه در صورت محکومیت آنها در رسیدگی اداری انتظامی مقرر است از قرار ذیل است :

اولا ـ تحذیر کتبی

ثانیا ـ توبیخ وشماتت کتبی بدون درج در ورقه خدمت

ثالثا ـ توبیخ وشماتت کتبی با درج آن در ورقه خدمت

رابعا ـ کسر گذاشتن از مقرری ماهیانه الی یك ثلث در مدت از یك ماه الی شش ماه

خامسا ـ تنزل ازشغلی بشغلی پائین تر

سادسا ـ انفصال موقتی

سابعا ـ انفصال از شغل وخدمت عدلیه

ماده ۱۸۱ ـ رسیدگی بتقصیرات اداره رؤساء واعضاء محاکم ومعاونین اعضاء محاکم ابتدائی و صاحب منصبانی که با آنها در یك مقام هستند درمجلس رسیدگی اداری (یامجلس رسیدگی عالی) که در وزارت عدلیه تشکیل میشود بعمل خواهد آمد ـ ورسیدگی بتقصیرات دفتر دار و اجزاء دفتر خانه محاکم واشخاصی که با انها در یك مقام هستند درمجلس فوق العاده اداری همان محکمه که در آن مشغول خدمت هستند .

ماده ۱۸۲ ـ رسیدگی اداری شروع میشود

اولا ـ بتکلیف وزیر عدلیه وآن در صورتی است

۱ ـ که شکایتی از حکام وصاحب‌منصبان عدلیه از طرف اشخاصی بشود وپس از تحقیقات اولیه معلوم شود که شکایت وارد است

۲) بموجب شکایت محکمه

۳) بموجب اطلاعات صحیحه که بوزیر عدلیه‌رسیده یاخود وزیرعدلیه تحصیل کرده .

(ثانیا) در مواردی که‌بموجب حکم محکمه که صلاحیت دارد حاکم یاصاحب منصب عدلیه محکوم بارتکاب‌جنحه یا جنایتی شده و وزیر عدلیه‌برای صدور قرار عزل مقصر را بمجلس اداری میفرستد .

۱۸۳ ـ وزیر عدلیه نسبت بحکام وصاحب‌منصبان و مستخدمین‌عدلیه و رؤساء محاکم نسبت بدفتر دار و اجزاء دفتر خانه محاکم مذکوره

حق تحذیر کتبی و توبیخ و شماتت را با درج آن در ورقه خدمت بدون رسیدگی اداره دارند .

مادهٔ ۱۸٤ — رسیدگی اداری بعد از انقضای یك سال از زمان وقوع تقصیر جایز نیست وقانونا نمیتواند شروع شود .

مادهٔ ۱۸۵ — در مواردی که رسیدگی اداری بشکایت محکمه شروع میشود جهات آنرا رئیس محکمه در جلسه معمولی اداری با اسناد ودلایل مطرح مینماید و بعد از مداقه لازمه صورت مجلس نوشته شده بوزیر عدلیه تقدیم میشود .

ماده ۱۸٦ — درصورتیکه از ملاحظه و رسیدگی بشکایت متظلمین از حکام عدلیه علت صحیحی برای رسیدگی اداری کشف شود آن رسیدگی اداری را نمیتوان موقوف داشت ولو اینکه متظلم شکایت خودرا پس بگیرد .

۱۸۷ — مجلس رسیدگی عالی بعد از تحصیل اطلاعات و خواستن توضیحات و جمع آوری اسناد و اوراق لازمه شروع برسیدگی مینماید

ماده ۱۸۸ — هرگاه مجلس مذکور حضور منشکی عنه یا متهم را لازم بداند باید مشار الیه شخصا حاضر شودو درصورتیکه بدون عذر موجه در موعد مقرر حاضر نشد این عدم حضوراو باعث توقیف رسیدگی نخواهد شد .

ماده ۱۸۹ — در محاکمه اداری رد اعضاء مجلس بموجب اصول محاکمات جایز است

ماده ۱۹۰ — رسیدگی مجلس عالی غیر علنی است

مادهٔ ۱۹۱ — قبل از اینکه مجلس رسیدگی عالی حکم بدهد رای مدعی عمومی را که صلاحیت حضور را دارد میشنود و بعد توضیحات آخری متهم را اصغا میکند .

ماده ۱۹۲ — هرگاه در حین رسیدگی اداری تقصیر دیگری کشف شود موافق اوضاع و احوال یامجلس بهردو تقصیر تواما رسیدگی میکند و یا بتقصیری که اخیرا کشف شده است جداگانه موافق ترتیبات مقرره رسیدگی مینماید .

ماده ۱۹۳ — حکم مجلس بعدازصدور فورا بمتهم ابلاغ میشودوهرگاه غایب باشد بمحکمه برای ابلاغ حکم احضار میشود و درصورتیکه درمحکمه دیگری که درشهر دیگری است باشد بدان محکمه فرستاده میشود که درجلسهٔ فوق العاده اداری آن محکمه بمحکوم ابلاغ شود .

ماده ۱۹٤ — هرگاه در حین محاکمه اداری کشف شود که مقصر مرتکب جنحه یا جنایتی شده محاکمه مجلس عالی توقیف و مقصر موافق اصول محاکمات جزائی بمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب میشود و پس از صدور حکم قطعی محکمه مذکوره مجلس عالی برسیدگی تقصیر

ادارهٔ مداومت کرده حکم میدهد هر گاه مقصر درمورد جنحه یا جنایت درمحکمه عمومی محکوم بحبس یا جزائی شدید تر شده باشد مجلس رسیدگی عالی حتماحکم عزل را میدهد .

مادهٔ ۱۹۵ — هر گاه حکام وصاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه بواسطه اتهام بجنحه یاجنایت جلب بمحاکمه جزائی شوند درصورتیکه مجازات تقصیر منهمین موافق قانون حبس یاجزائی شدیدتر باشد مشار الیهم ازشغل خود موقتامنفصل خواهندشد وانفصال یاعودت انها بشغل خودشان منوط بختم محاکمه جزائی ورای مجلس عالی است .

باب چهارم

در دوایر و اشخاصی که وابسته بمحاکم میباشند

فصل اول

در مامورین اجرا ومامورین احضار واعلام

مبحث اول

درشرایط و اوصاف مامورین اجرا

ماده ۱۹۶ — مامورین اجرا برای اجرای احکام و قرارداد های محاکم معین میشوند عده مامورین مذکور را وزیر عدلیه موافق مقتضیات محل و وقت معین مینماید .

ماده ۱۹۷ — مامورین اجرا باید همان شرایط و اوصاف را دارا

باشند که در مواد (۱۴۷) و (۱۴۸) برای مستخدمین عدلیه مقرر است

ماده ۱۹۸ — مامورین اجرارا در طهران وزیر عدلیه و درولایت مدعی العموم بدایت یارئیس محکمه ابتدائی (درصورتیکه مدعی العموم نباشد) معین میکند

مادهٔ ۱۹۹ — اشخاص مذکوره نمیتوانند بشغل خودشان مباشرت نمایند مگر بعد از ودیعه گذاشتن وجه الضمانه در صندوق عدلیه که هر گاه از اعمال غیر قانونی آنها خسارتی بر کسی وارد آمد و در محکمه ثابت شود ازوجه الضمانه مذکوره پرداخته شود . مقداروجه الضمانه مذکور را در طهران وزیر عدلیه و درولایات محکمه ابتدائی معین میکند عوض وجه الضمانه مامورین اجرا میتوانند ضامن معتبر بدهند و مبلغ ضمانت نیز جداگانه معین میشود .

ماده ۲۰۰ — مامورین اجرا بایدقبل از مباشرت بشغل خودشان در جلسه اداری فوق العاده محکمه که در نزد آن ماموریت دارند قسم یاد نمایند

ماده ۲۰۱ — پس ازیاد کردن قسم مزبور بمامورین اجرا تصدیق نامه داده میشود و بعلاوه صاحبمنصبان مزبور لباس و مهر مخصوصی خواهند داشت (موافق نظامنامه)

مادهٔ ۲۰۲ — محل اقامت مامورین اجرا را که در نزد محکمه

ماموریت دارند باید رؤساء محاکم مذکوره معین نمایند و تغییر محل اقامت بدون اجازه رئیس محکمه مستلزم انفصال آنها از شغل خودشان است .

مادهٔ ۲۰۳ ـ محل اقامت اشخاص مذکوره باید درهمان شهر یا محلی که مقر محکمه است بوده ولی بکلی خارج از محکمه باشد .

مادهٔ ۲۰۴ ـ نصب مامورین اجرا بعد از یکسال از مباشرت آنها بشغل خودشان بعمل می آید .

مادهٔ ۲۰۵ ـ در صورت عدم کفایت مامورین اجرا محاکم میتوانند اجرای احکام را بصاحب منصبان نظمیه رجوع نمایند ودراین مواردحق الزحمهٔ که برای مامورین اجرا مقرر است بصاحبمنصبان نظمیه داده خواهد شد

مادهٔ ۲۰۶ ـ مامورین اجرا وصاحبمنصبان نظمیه در مورد اجرای احکام در تحت نظارت مدعی العموم بدایت و در مواقعی که شك و شبهه در مفاد قوانین راجعهٔ باجراء یا مضمون حکم برای آنها حاصل شود یا بعضی ازمواد حکم را ذینفع باید برؤساء محاکمی که حکم داده اند رجوع نموده دستورالعمل بخواهند .

مبحث دوم

در حقوق مامورین اجرا

مادهٔ ۲۰۷ ـ برای مامورین اجرا حقوق دولتی مقرر است .

بعلاوهٔ حقوق دولتی مامورین مزبوره حق الزحمه مخصوصی ازحق اجرای احکام که دولت اخذ می کند در یافت خواهند داشت . مقدار حق الزحمه مزبوره از احکامی که مقدار مدعابه آن معین است از هر یك صد تومان چهار قران میباشد و یا از هر ده تومان چهارصد دینار کسور ده تومان بحساب نمیاید .

مادهٔ ۲۰۸ ـ حق الزحمه مذکوره درصندوق مخصوصی که وزیرعدلیه معین خواهد کرد جمع شده سالی دو مرتبه مابین مامورین اجرای حوزه های ابتدائیه تقسیم خواهد شد

ماده ۲۰۹ ـ هرگاه بعضی ازمامورین اجرا قبل از انقضاء مدت شش ماه منفصل یافوت شدند نسبت بمدت خدمت آنها قسمت آنهابخود یاورثه آنها داده خواهد شد .

ماده ۲۱۰ ـ مامورین اجرا درصورتیکه در انجام وظایف خود ساعی بوده و خلاف قوانین و نظامات عدلیه رفتار نکرده باشند مثل مستخدمین دولتی حق ارتقاء رتبه و درجات را خواهند داشت (موافق قانون استخدام و نظامنامه ها)

ماده ۲۱۱ درصورتیکه نسبت بمامورین اجرا درموقع اجرای احکام مقاومت یاسوء رفتاری شود مشارالیهم حق دارند از نظمیه محل استعانت نمایند و مامورین نظمیه مکلفند که بدون تاخیر بانها کمك نمایند . این استعانت باید بموجب سند کتبی باشد مگر درموارد فوری .

ماده ۲۱۲ — هرگاه توهین یامقاومتی نسبت بمامورین اجرا شود مشار الیهم صورت مجلسی درآن باب مرتب و بامضای شهود و مطلعین و اجزای نظمیه (درصورتیکه باشند) میرسانند - همچنین درصورتیکه نظمیه محل تقاضای آنها را انجام ندهد صورت مجلسی مرتب میشود و بامضای مطلعین میرسد .

ماده ۲۱۳ — صورت مجلس مذکور بمدعی العموم بدایت یابیکی‌از معاونین او تبلیغ می شود تا تحقیقات و تفتیشات لازمه و جلب مقصرین بمحکمهٔ قانونی بعمل آید .

مبحث سوم

در تکالیف مامورین اجرا

ماده ۲۱۴ — اجرای احکام محاکم موافق قوانین مقرره دراصول محاکمات بعهده مامورین اجرا است .

ماده ۲۱۵ — مامورین اجرا نمی توانند ماموریتی را قبول‌نمایند که راجع بعیال آنها یاباشخاصی است که باآنها قرابت نسبی تا درجه چهارم و قرابت سببی تادرجه سیم دارند و همچنین اجرای احکامی را که راجع است بمخدومین یاخادمین آنها واو نسبت بزمان سابق .

ماده ۲۱۶ — مامورین اجرا باید در دفاتر مخصوص کلیه اقدامات خود را ثبت نمایند و دفاتر مذکوره را موافق ترتیبی که در اصول

محاکمات مقرر است نگاشته وبجاهای لازمه در مواقع مقرره تقدیم میکنند

ماده ۲۱۷ — مجازات اداری مامورین اجرا ازقرار تفصیل‌است:

(اولا) توبیخ وشماتت .

(ثانیا) کسر مقرری ماهیانه الی یك ثلث از یکماه الی ششماه .

(ثالثا) محرومیت از حق الزحمه مقرره در ماده (۲۰۷)

(رابعا) تنزل ازشغلی بشغلی

(خامسا) انفصال موقتی

(سادسا) انفصال از خدمت عدلیه . توبیخ و شماتت وتوقیف را خود رئیس محکمه یامدعی العموم بدایت میتواند بعد از اینکه شخصا رسیدگی کرد مجری دارد . سایر مجازات های اداری در طهران بحکم وزیر عدلیه ودر ولایات بحکم جلسه فوق العاده اداری محکمه معین میشود

ماده ۲۱۸ — هرگاه برمدعی العموم بدایت معلوم شود که مامورا‌جرا وجوهی را که نزد او امانت بوده تفریط کرده است و وجه مزبور بیش از وجه الضمانه است فورا از محکمه ابتدائی توقیف اموال او را بقدر کفایت خواسته مقررا بمحکمه که صلاحیت رسیدگی‌را داردجلب می کند.

ماده ۲۱۹ — شکایت از عمال نظمیه که در تحت نظارت و اوامر صاحب منصب اجرا انجام وظایف مینمایند راجع بمامور اجرا است

ماده ۲۲۰ — هرگاه بواسطه اقدامات غیر قانونی مامورین اجرا

خسارتی بر اشخاص وارد شود مشار الیهم موافق قانون مجازات اداری خواهند شد .

ماده ۲۲۱ — مامورین اجرا که وجه الضمانه آنها کلا یا جزاً بنادیه خسارات صرف شده است موقتا از شغل خود منفصل وفقط پس از تودیع وجه الضمانه یا تکمیل مقدار قانونی آن بشغل خود معاودت خواهند نمود

مبحث چهارم

در رئیس مامورین اجرا

ماده ۲۲۲ — برای مامورین اجرای هر حوزه استیناقیه یك نفر رئیس اجرا معین میشود

ماده ۲۲۳ — رئیس مزبور را درطهران وزیر عدلیه تعیین ومنصوب مینماید ودر ولایات مدعی العموم استیناف انتخاب ومعرفی می نماید وپس از تصویب وزیر عدلیه بحکم او منصوب میشود .

ماده ۲۲۴ — وظایف رئیس مذکور از قرار تفصیل است .

۱ - نظارت نسبت بمامورین اجرا از حیث اجرای وظایفشان

۲ - تسویهٔ اختلافاتی که فیمابین آنها روی میدهد

۳ - رسیدگی بشکایاتی که از آنها در مواقع انجام وظایفشان میشود

۴ - تقسیم حق الزحمهٔ مقرره در ماده (۲۰۷) مابین آنها

۵ - تحذیر وتوبیخ وشماتت صاحب منصبان اجرا در موارد تقصیرات

جزئی یا قصور واقدام در مقامات لازمه برای دادن مجازات شدید تر در موارد تقصیرات مهمه

۶ - در موارد مهمه رئیس مامورین اجرا خودش اجرای احکام را می نماید .

مادهٔ ۲۲۵ — اشخاصی که ازاقدامات رئیس مامورین اجرا شکایت دارند درظرف دوهفته از وقوع ماده شکایت در طهران بوزیر عدلیه و درولایت بمدعی العموم استیناف شکایت خودرا رجوع مینمایند

مبحث پنجم

مامورین احضار و اعلام

ماده ۲۲۶ — احضار واعلام بعهده مامورین اجرا است و مامورین مذکوره برای تبلیغ احضارو اعلام در تحت نظارت خودشان مامورین احضار خواهند داشت . عده مامورین مزبوره بتعیین رؤساء محاکم و تصویب وزیر عدلیه است

ماده ۲۲۷ — مقررات مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۲۰۲ و ۲۰۴ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۷ و ۲۲۰ شامل مامورین احضار نیز میباشد .

ماده ۲۲۸ — مامورین احضار ازمستخدمین دولت محسوب نیستند ولی مواجبی برای انها بطوری که بودجه وزارت عدلیه معین میکند مقرر است

ماده ۲۲۹ ـ مامورین احضار لباس و مهر مخصوص داشته در مواقع انجام وظایف خودشان موافق اصول محاکمات و نظامات عدلیه رفتار مینمایند

فصل دوم

در مباشرین و دفتر داکد ثبت اسناد و مدیر ثبت .

مادهٔ ۲۳۰ ـ تشکیل و ترتیب دائره ثبت اسناد وحقوق و حدود و تکالیف و ترتیب انجام وظایف انها بطوریست که در قانون مخصوص مقرر است

فصل سوم

در منتظرین رجوع شغلی

مادهٔ ۲۳۱ ـ اشخاصیکه دارای شرایط واوصاف مقرره بوده امتحان دخول بخدمت عدلیه را داده اند ولی بواسطهٔ نبودن جامنتظر خالی شدن محل واشغال آن با ترتیبات مقرره هستند منتظرین خدمت نامیده میشوند.

مادهٔ ۲۳۲ ـ اشخاص مذکوره رارئیس محکمه میتواند برای کمک با عضاء محکمه یا باجزای دفتر خانه و فرا گرفتن و آموختن عملیات کار دعوت نماید

ماده ۲۳۳ ـ منتظرین مادامیکه داخل در خدمت عدلیه نشده اند موظف نمیباشند ولی در مواردیکه معاون عضوی واقع میشوند که بدون عذر موجه غایب شده است است یا استعفا یافوت نموده ویا بالاخره بشغل دیگری معین شده است مقرری آن عضو را دریافت مینماید .

ماده ۲۳۴ ـ منتظرین را فقط بمحاکم ابتدائی ودفتر خانه آن و پارکه بدایت میتوان پذیرفت و عده منتظرین خدمت در هرمحکمه ابتدائی بعده اطاق‌ها خواهد بود مادامیکه اشخاص مذکوره درد فترخانه محکمه میباشند تابع قوانین و نظامات عدلیه بوده اوامر و دستورالعمل‌های مقامات لازمه را مجری میدارند .

مادهٔ ۲۳۵ ـ همینکه جائی بازشد رئیس محکمه منتظرین وابسته محکمه خود را امتحان عملی موافق پروگرام مقرر نموده وصورت امتحانات را با شرح اخلاق و رفتار آنها چنانکه در ماده (۱۵۰) مذکور است بوزارت عدلیه میفرستد .

فصل چهارم

در وکلای رسمی عدلیه

مبحث اول

در شرایط و اوصاف وکلای رسمی

مادهٔ ۲۳۶ ـ وکلای عدلیه بر دو قسمند : رسمی و غیر رسمی .

وکلای رسمی اشخاصی هستند که شغل خودشان را وکالت در محاکم قرار داده و بدین صفت معرفی‌شده اند . وکلای غیر رسمی کسانی هستند که عمل بوکالت را شغل خود قرار نداده و اگر وکالتی را میکنند بر سبیل اتفاق می باشد .

ماده ۲۳۷ — وکلای رسمی باید دارای صفات ذیل باشند :

(اولا) تابعیت ایران (ثانیا) سن که لا اقل باید سی سال باشد .
(ثالثا) معلومات معینه که پروگرام آن بتوسط وزارت عدلیه جداگانه مرتب و اعلام خواهد شد . و اشخاصی که داوطلب شغل وکالت رسمی درعدلیه هستند باید موافق پروگرام مزبور درمجلس امتحان (۱۴۷) امتحانات لازمه داده تصدیقنامه در دست داشته باشند .

ماده ۲۳۸ — اشخاص مفصله نمیتوانند وکلای رسمی یا غیر رسمی شوند .

(اولا) اشخاصی که بواسطه ارتکاب بجنحه و جنایات که مجازات آنها حبس باجزائی شدید تر است در تحت محاکمه هستند .
(ثانیا) محکومین بمجازات مذکوره .
(ثالثا) اشخاصی که ازخدمت دولتی بعد ازمحاکمه اخراج شده اند .
(رابعا) اشخاصی که شغل موظفی درادارات رسمی دولتی یاملتی دارند .
(خامسا) اشخاصی که بحکم محکمه از وکالت ممنوعند .
(سادسا) اشخاص ورشکسته

(سابعا) کسانیکه در تحت قیمومیت یا ولایت شرعی هستند .

ماده ۲۳۹ — اشخاصی که میخواهند در عدلیه وکیل رسمی شوند باید قبل از امتحان استدعا نامه ارسال داشته در آن اسم و اسم پدر و شهرت و اقامتگاه و سن وشغل سابق خود را درج نمایند باانضمام شهادتنامه در حسن اخلاق خود از معاریف و معتمدین محل خود . استدعا نامه مزبور در طهران بوزیر عدلیه و در ولایات برئیس محکمه استیناف یا ابتدائی داده میشود .

ماده ۲۴۰ — امتحانات مذکوره در ماده (۲۳۷)در طهران در وزارت عدلیه و درولایات در محاکم استیناف با حضور مدعی العموم استیناف بعمل میاید . صورت اشخاصی که امتحان داده و اوصاف مقرره را داراهستند بااوراق امتحانیه بوزارت عدلیه فرستاده میشود دادن تصدیقنامه در طهران منوط بتصویب وزیر عدلیه و درولایات بتصویب رئیس محکمه استیناف است ومقامات مذکوره مکلفند کمداقه لازمه را درعدم تخلف درمواد این فصل بعمل آورند .

ماده ۲۴۱ — وکلای رسمی عدلیه پس از انکه برطبق مواد فوق صلاحیت خودشان را ظاهر داشتند باید قبل از مباشرت بشغل خودشان در محکمه استیناف در جلسه اداری قسم یاد نمایند . صورت قسم نامه جداگانه مرتب است .

ماده ۲۴۲ — هرگاه پس ازدادن تصدیق نامه ثابت شود کهداوطلب شغل وکالت اظهاراتش جعلی ودارای صفات مقرره نبوده تصدیقنامه ازاو مسترد وبمحکمه

که صلاحیت دارد جلب وازشش ماه الی یک سال بسته باهمیت تقصیر محکوم بحبس خواهد بود .

ماده ۲۴۳ ــ مدعی‌العموم هرگاه در امتحانات و اجرای مواد این فصل مسامحه یا بی نظمی مشاهده کند بوزیر عدلیه راپورت خواهد کرد

ماده ۲۴۴ ــ تصدیق نامه همه ساله دربرج حمل تجدید میشود و برای تصدیقنامه تعرفه ذیل مقرر است :

۱) برای وکالت درمحاکم صلحیه پنج تومان .

۲) برای وکالت در محاکم ابتدائی و استیناف ده تومان

۳) برای وکالت در محکمه تمیز یازده تومان .

شخص واحد میتواند هرسه تصدیق را گرفته ودر تمام محاکم حق وکالت رسمی را داشته باشد

ماده ۲۴۵ ــ اشخاصی که تصدیقنامه وکالت رسمی را ندارند و وکیل اتفاقی هم نیستند نمی توانند در محاکم عدلیه وکالت نمایند .

ماده ۲۴۶ ــ هرگاه محاکم مشاهده کنند که وکلای رسمی ازحدود خود تجاوز مینمایند یا مرتکب اعمالی میشوند که در انظار قبیح ورکیک بوده موافق مقام آنها نیست حق دارند راسا یا به تکلیف مدعی العموم در جلسه اداری فوق العاده محکمه برفتار و اعمال آنها رسیدگی کرده مجازات اداری ذیل را بانها بدهند :

(اولا) توبیخ و شماتت .

(ثانیا) ممنوع داشتن آنها از شغل وکالت از یک الی سه ماه

(ثالثا) خارج کردن اسامی وکلای رسمی از لوحه وکلای رسمی‌عدلیه

در جلسات مزبوره مدعی العموم باید عقیده خود را اظهار دارد .

ماده ۲۴۷ ــ در مورد فقره دوم و سوم ماده قبل هرگاه وکلای محکوم و مدعی العموم شکایتی از حکم محاکم داشته باشند در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام حکم میتوانند ازحکم محکمه ابتدائی استیناف و ازحکم محکمه استیناف تمیز بدهند .

ماده ۲۴۸ ــ علاوه بر مجازات مذکوره در مادهٔ قبل وزیر عدلیه میتواند تحقیقات لازمه راجع برفتار و اعمال وکلای عدلیه نموده و در صورتیکه اطلاعات صحیحه از سوء اخلاق یااعمال آنها تحصیل کرده آنها را از وکالت در عدلیه ممنوع دارد

ماده ۲۴۹ ــ اسامی وکلای رسمی عدلیه باید دردفتر مخصوص وهمچنین در لوحه مخصوص که در اطاق پذیرائی محکمه نصب می‌شود ثبت شود

مبحث دوم

در تکلیف وکلاء

مادهٔ ۲۵۰ ــ وکلاء عدلیه‌حق ندارند ادعای موکلین خود رابخود بطور مصانعه و ساختگی یا در ظاهر باسم دیگری و در باطن بخود بای

نحو کان انتقال نمایند . درصورت وقوع چنین امری دعاوی آنها در عدلیه پذیرفته و استماع نخواهد شد .

مادهٔ ۲۵۱ — وکلاء رسمی عدلیه باید قبل از دخالت در کار باموکل خودشان قرار شرایط لازمه را درحق الوکاله بدهند ولی نمی توانند اجرت یومیه قرار داد نمایند واین سند تمبر شده را باید بمحکمه ارائه بدهند .

مادهٔ ۲۵۲ — عموم وکلاء باید قبل ازشروع بمحاکمه وکالت نامه معتبره تمبر شده بمحکمه تقدیم کنند . و درصورتیکه یك نفر از وکلاء در کلیه امور شخصی موکل خودش وکالت داشته باشد گذشته از آنکه وکالت نامهٔ کل باید تمبر شود باید برای هر دعوائی که متعلق بموکل اوست یك سواد وکالت نامه کل را تمبر کرده بمحکمه بدهد .

مادهٔ ۲۵۳ — درصورتیکه ثابت شود که وکیلی خیانت بموکل خود نموده و با طرف ساخته باولین خیانت اسم او از لوحهٔ وکلاء محو شده و خواه وکیل رسمی باشد خواه غیر رسمی در روز نامه درج میشود و هرگز بوکالت پذیرفته نخواهد شد . واین مجازات مانع دعوی ازخسارتی که موکل میتواند بوکیل اقامه نماید نخواهد بود .

مادهٔ ۲۵٤ — در صورتیکه وکیلی بوکالت نامه تقلبی داخل در عمل وکالت شود علاوه براینکه در محکمهٔ که صلاحیت دارد محکوم به مجازات خواهد شد اسم او از لوحهٔ وکلاء محو و خواه وکیل رسمی باشد خواه غیر رسمی در روزنامه اعلان و حکم بر بطلان عملی که

استناداً بان وکالت کرده است میشود بعلاوه باید ازعهدهٔ کلیه خسارات وارده بر موکل خود نیز بر آید .

مادهٔ ۲۵۵ — در صورتیکه وکیل درعدم حضور خود عذر موجهی داشته باشد باید قبل از افتتاح محکمه برئیس محکمه کتبا اظهار دارد واگر وکیل در توکیل باشد یك نفر وکیل معتمدی را قائم مقام خود نماید و یا آنکه بنزدیکترین روزی که محکمه بر قرار است حضور خودرا مقرردارد

مادهٔ ۲۵٦ — هرگاه وکیل در وقت مقرر در محکمه حاضر نشده و بتقصیر او کار محکمه بتاخیر افتاد در جلسهٔ دوم اظهارات او بدون الصاق تمبر یك تومان بوکالت نامه و درجلسه سوم بدون الصاق دوتومان مسموع نخواهد شد ودر دفعه چهارم از مدت یك ماه الی سه ماه بتعیین آن محکمه در تمام محاکم بوکالت پذیرفته نخواهد شد و بعلاوه موکل حق ادعاء و مطالبه خسارت را از وکیل خواهد داشت

مادهٔ ۲۵۷ — وکلاء باید کلیه اسناد راجعهٔ بدعوی را حاضرداشته که در موقع لزوم ارائه دهند و در صورتیکه موکل نخواهد اسنادش را تفویض وکیل نماید باید خودش با وکیل حاضر شود و یا بکسی که محل وثوق اوست بدهد تا در موقع محاکمه ارائه شود

ماده ۲۵۸ — در صورتیکه وکیل برای اثبات مدعای موکل خود دلیل موجهی داشته باشد ولی ابراز آن دلیل در انساعت از امکان خارج باشد باید درمحکمه ملتزم شودکه در روز معین حاضرشده وعمل راختم نماید.

ماده ۲۵۹ — وکلاء بهیچوجه نمی توانند ازموضوع محاکمه خارج شوند وهردفعه که میخواهند نطق کنند باید از رئیس محکمه اجازه بخواهند .

ماده ۲۶۰ — دروکالت نامه باید اسم وشهر وکیل و موکل ومحل اقامت آنها وموضوع وحدود وکالت مصرح باشد .

ماده ۲۶۱ — اقدامات وکیل باید درحدود وکالتش باشد ووظایف او بطوری است که درقوانین شرع ونظامات عدلیه مقرر است .

ماده ۲۶۲ — هرگاه موکل در محکمهٔ که صلاحیت دارد اثبات کند که وکیل تکاهل درحفظ حقوق او کرده دراینموضوع وکالت وکیل دیگر پذیرفته نشده وبتادیه حق الوکاله که گرفته است و سایر خسارات موکل بعد ازثبوت ملزم خواهد شد .

ماده ۲۶۳ — درصورتیکه وکیل از وکالت خود استعفاء نماید باید طوری قبلا بموکل خود اطلاع داده باشد که مشار الیه بتواند وکیل جدیدی بمحکمه معرفی نماید . وهرگاه وکیل بمفاد این ماده عمل نکرد و موجب فوت حقی ازحقوق قانونیه موکل شد، وکیل مستعفی ملزم است ازعهدهٔ خسارت ومصارف متعارفه که ازاین جهة برموکل واردشده برآید .

مواد الحاقیه باصول تشکیلات عدلیه

ماده ۲۶۴ — (۱) اکیدا ممنوع است که حکام عدلیه وصاحب منصبان ادارهٔ مدعی العموم دسته بندی یااتحادی نمایند برای تعطیل محاکم وادارات یاتوقیف جریان امور عدلیه یا برای اقدام دیگری بهیئت اجتماع از قبیل ترتیب اعتراض نامه وامثال آن . قدغن مزبور شامل دفتردارهای محاکم وتقریر نویسها وثبات وضباط ومامورین اجرا واحضار و وکلای رسمی عدلیه نیز میباشد .

ماده ۲۶۵ — (۲) اقدام مذکور در مادهٔ قبل مستلزم انفصال فوری مقصرین بوده ومنفصلین دیگر بخدمت عدلیه پذیرفته نخواهندشد .

کتاب دوم

در محاضر شرعیه و حکام صلحیه

باب اول

در تشکیلات محاضر شرعیه ومجالس فرق المادہ

ماده ۱ ـ محاضر شرعیه که مراجع رسمی محاکم عدلیه است و موفق مقررات قانونیه امور بان ارجاع واحکام صادره از آن بموقع اجرا گذاشته میشود در مرکز و ایالات و ولایات بحسب مقتضیات محل تعیین خواهد شد

ماده ۲ ـ مراجع رسمی مذکوره محاضری خواهد بود که وزارت عدلیه بعد از تشخیصات قانونی انها را بدین سمت شناخته و مرجع قرار میدهد ولی هرگاه متداعیین بتراضی مجتهد دیگری را برای ارجاع امر خود از عدلیه تقاضا نمایند عدلیه این تقاضا را قبول کرده ارجاع مینماید حکم صادر از محضر مزبور مثل احکام صادره از مراجع رسمی خواهد بود

ماده ۳ ـ هر محضری عبارت است از یك نفر مجتهد جامع الشرایط که حاکم محضر نامیده میشود ودو نفر معاون قریب الاجتهاد

ماده ٤ ـ وزارت عدلیه شخصی را که لا اقل دونفر از علماء مرجع

تقلید مشخص ومعرفی نمودند بمرجعیت وقضاوت خواهد شناخت

ماده ٥ ـ درمحلی که تصدیق شده کان مراجع تقلید بقدر کفایت نباشند وزارت عدلیه میتواند از تصدیق شده کان مزبور تقاضا نماید اشخاص دیگری را معرفی وتصدیق نمایند وبعد از معرفی وتصدیق دونفر از آنان وزارت عدلیه میتواند تصدیق شدکان را برسمیت بپذیرد

ماده ٦ ـ هرگاه عده تصدیق شدکان درمحلی بیشتر از قدر کفایت باشد وزارت عدلیه کسانی را که اکثر تصدیقا هستند و درصورت تساوی تصدیقات اوثق آنان را مرجع قرار خواهد داد

ماده ۷ ـ اگر عدهٔ تصدیق شده کان در محلی کمتر و در محلی زیاد تر از قدر کفایت باشد وزارت عدلیه می تواند عده ناقصه را از زایده تکمیل نماید

ماده ۸ ـ وزارت عدلیه در محل از اشخاصی که بترتیب مواد مذکوره فوق مشخص ومعرفی شده اند مستقیما یا بتوسط رئیس عدلیه محل تقاضای تصدی قضاوت را مینماید و هر یك از اشخاص مذکوره که قبول تقاضای وزارت عدلیه را نمودند در مرکز مستقیما ودر ایالات و ولایات بتوسط رئیس عدلیه محل بوزارت مزبوره اطلاع خواهند داد

ماده ۹ ـ اسامی اشخاصی که قبول قضاوت را نموده اند با مشخصات ومعینات ومحل اقامت در دفتر تسجیل احوال ودفتر حوزهٔ ابتدائیه ثبت

خواهد شد و حقوق آنان و معاونین و محررین آنان بقراری است که در بودجه معین است

ماده ١٠ — حاکم هرمحضر دونفر معاون ویك نفر محرر خودرا موافق شرایط مقرره انتخاب وبوزیر عدلیه معرفی مینماید .

ماده ١١ — مجلس فوق العاده مرکب است از حکام محاضر شرعیه وحکام صلحیه .

ماده ١٢ — عدهٔ اعضای مجلس فوق العاده لااقل پنج نفرخواهد بود.

ماده ١٣ — هرگاه درمحلی حکام محاضر شرعیه وصلحیه که مراجع هستند ازپنج نفر کمترباشند ازسایر اهل علم انمحل کسانیکه دارای شرایط قضاوت باشند برای عضویت مجلس فوق العاده موقتا دعوت خواهند شد و آراء آنها مناط اعتبار است .

ماده ١٤ — در موقعی که یکی از حکام شرعیه یاصلحیه فوت شود یا استعفاء دهدیابسببی از اسباب از شغل خود منفصل شود مجلس فوق العاده منعقد شده باکثریت آراء شخصی را که قابل قضاوت باشد مشخص وبوزارت عدلیه معرفی مینمایند و وزارت عدلیه مختار است که شخص تصدیق شده را بمرجعیت رسمی بشناسد یابقسمی که درماده (٤) وماده (٥) مذکوراست رفتار نماید .

ماده ١٥ — حکام محاضر شرعیه و محاکم صلحیه بزوال صفت

اجتهاد یاعدالت که درمجلس فوق العاده بثبوت برسد بکلی از شغل قضاوت منفصل میشوند .

ماده ١٦ — حکام محاضرشرعیه وصلحیه بیکی ازسه جهة ازمرجعیت رسمی منفصل میشوند :

١) درصورتیکه درمطلبی که بانان مرجوع شده موجبات قطع دعوی موجود باشد ولو بخلف وقطع وفصل را باندازهٔ طول بدهند که باعث تضییع حقوقی شود .

٢) درصورتیکه ازوظایف مقررهٔ قانونی که درمواد سابقه و آتیه مذکور ومعین شده تخلف نمایند .

٣) درصورتیکه بدون تصویب وزارتعدلیه غیبت یامسافرت نمایند .

ماده ١٧ — انفصال یکی از حکام محاضر شرعیه وصلحیه در موقع تخلف از وظایف مقررهٔ قانونی بعد از تکرار آنست دومرتبه که در کرت اولی وثانیه از طرف وزارت عدلیه بانان گفتنیا اخطار میشود ودر دفعهٔ سوم ازشغل خود منفصل میشوند وپس ازآن وزارت عدلیه آنان را برسمیت نخواهد شناخت .

ماده ١٨ — هرگاه یکی از حکام محاضر شرعیه یاحکام صلحیه برای امر مهمی بخواهد بیشتر از دو هفته غیبت از محضر یامحکمهٔ نماید باید شخصی راکه بصفت اجتهاد و عدالت متصف باشد درمجلس فوق العاده معرفی و مشخص نماید . بعد از تصدیق اکثریت مجلس مزبور بوزارت عدلیه

پیشنهاد مینماید و پس از تحصیل تصویب وزارت عدلیه میتواند غیبت یا مسافرت نماید .

باب دویم

در وظایف و ترتیب جلسات محاضر شرعیه و مجلس فوق العاده .

ماده ۱۹ — اشتغال محاضر شرعیه بامور راجعهٔ بانها موافق دستوری خواهد بود که وزارت عدلیه معین می نماید .

ماده ۲۰ — حکم صادر از محاضر را اولا حاکم محضر و بعد از آن دو نفر معاون امضا خواهند نمود .

مادهٔ ۲۱ — در احکام صادره از محاضر ذکر مدارك و دلایل حکم لازم است .

مادهٔ ۲۲ — ثبت و ضبط تقریرات و تحریرات در محاضر شرعیه بعهدهٔ محرر است

مادهٔ ۲۳ — احکام محاضر در دفتر محضر باید بتمام کلمات ثبت شود و محرر نمرهٔ ثبت را درخود حکم قید نماید

مادهٔ ۲۴ — تقریرات طرفین وشهود واسامی آنان و دلایل وقراین که طرفین بان استناد مینمایند باید درصورت مجلس قید شود

مادهٔ ۲۵ — محاکمات محضر علنی خواهد بود مگر در صورتیکه منافی عصمت باشد یا طرفین سری بودن آنرا تقاضا نمایند .

ماده ۲۶ — حکم صادر ازمحضر قطعی است و موافق قانون بموقع اجرا گذاشته میشود و شکایت از حکم محضر موجب تاخیر اجرا نمیشود مگر در صورتیکه از مجلس فوق العاده حکم صریح در توقیف اجرا صادر شود .

مادهٔ ۲۷ — حاکم محضر بعد از صدور حکم نمیتواند حکم خودرا تغییر بدهد مگر در موردیکه قانونا اعادهٔ محاکمه (تجدید نظر) جایز باشد .

مادهٔ ۲۸ — مراجع رسمی از رسیدگی بامری که بانها ارجاع شده و حق رسیدگی دارند نمی توانند امتناع نمایند مگر در صورتیکه دلیل موجه داشته باشند .

مادهٔ ۲۹ — چون محاکم ابتدائیهٔ هر حوزه امور شرعیه خود را باید بمحاضر شرعی که درهمان حوزه واقع است ارجاع نماید هر یك از محاضر شرعیه بامری رسیدگی خواهند کرد که از محکمهٔ ابتدائیه که محاضر مزبوره در حوزهٔ همان محکمه واقع است ارجاع میشود .

مادهٔ ۳۰ — اموری که در مجلس فوق العاده رسیدگی می شود از این قرار است :

۱) اموری که در یکی از محاضر شرعیه یا در نزد یکی از حکام صلح پیچیده و مشکل باشد و محضر یا محکمه صلح تقاضای رسیدگی و حل آنرا در جلسهٔ فوق‌العاده بنمایند .

۲) شکایتی که از حکم یا حاکم یکی از محاضر شرعیه یا معاونین آنها یا حکام صلحیه نموده باشند و از عدلیه ارجاع شده باشد اعم از اینکه مدعی عمومی باشد یا خصوصی .

۳) مطالبی که راجع به تنظیمات و ترتیب محاضر شرعیه است که پس از مذاکره و مشاوره تصفیه نموده بوزارت عدلیه پیشنهاد مینمایند تا اقدامات مقتضیه در رفع نواقص بعمل آید .

٤) مسائل فقهیه که حکم شرعی آن از برای یکی از حکام محاضر یا حکام صلح محل شبهه باشد .

۵) تعیین عرض حاکم محضر شرح یا محکمه صلحیه که مستعفی یا متوفی یا منفصل شده باشد در صورت تقاضای وزارت عدلیه بقسمی که در ماده (١٤) مذکور است .

ماده ۳۱ — حکم صادر ازمجلس فوق العاده باکثریت آراء خواهد بود ودر صورت تساوی آراء رای طرفی که حکم محاضر شرعیه در آن طرف زیادتر است مرجح است .

ماده ۳۲ — حاکمی که از او یا حاکم او شکایت شده در وقت رسیدگی بان شکایت نمی تواند عضو مجلس فوق العاده واقع شود ولی

اورا برای دادن توضیحات میتوانند حاضر نمایند .

ماده ۳۳ — در مجلس فوق العاده مسن ترین حکام محاضر شرعیه سمت ریاست خواهد داشت ونظم جلسه بعهدهٔ او خواهد بود .

ماده ۳٤ — مجلس فوق العاده در هر هفته یك روز منعقد میشود ولی درموقع لزوم وزارتعدلیه میتواند تکثیر جلسات را تقاضا نماید .

باب سیم

درتشخیص و تعیین حکام صلحیه

ماده ۳۵ — محکمه صلحیه خواه در محلات شهرها وخواه درمراکز بلوکات چنانچه در اصول تشکیلات عدلیه مقرر است دارای یك نفر فقیه عادل خواهد بود که لااقل ادنی درجهٔ اجتهاد را دارا باشد .

ماده ۳٦ — تشخیص حکام صلحیه در بدو امر بطریق امتحان خواهد بود .

ماده ۳۷ — تصدیق دونفر از مراجع تقلید دربارهٔ حکام صلح کافی ومغنی از امتحان است .

ماده ۳۸ — بعد از تشکیل محاکم صلحیه هرگاه حاکمی مستعفی

یامتوقی یابسببی از اسباب منفصل گردید وزارت عدلیه مخیر است که بطریق امتحان عوض او را منتخب کند یااز مجلس فوق العاده تقاضا نماید عوض او را تشخیص داده بوزارت عدلیه معرفی نماید .

ماده ۳۹ — شرایط واوصاف حکام صلح عینا همان شرایط واوصافی است که برای امنای صلحیه تعیین شده است .

ماده ۴۰ — ترتیب تعیین ونصب ونصب حکام صلح بلا تفاوت موافق ترتیب تعیین و نصب امنای صلحیه خواهد بود .

ماده ۴۱ — موجبات انفصال حکام صلح موافق موجبات انفصال حکام محاضر شرعیه است . بعلاوه تخلف از مقررات قانونی محاکم صلحیه نیز موجب انفصال آنان است .

ماده ۴۲ — هیئت ممتحنه مرکب خواهد بود لااقل ازسه نفر از تصدیق شدکان مراجع تقلید باحضور نماینده ازطرف وزارت عدلیه .

تبصره — مراد از تصدیق شدکان کسانی هستند که لا اقل دو نفر از مراجع تقلید اهلیت ولیاقت آنانرا برای قضاوت ورسیدگی بامورشرعیه تصدیق کرده باشد

ماده ۴۳ — اکثریت آراء هیئت ممتحنه مناط اعتبار خواهد بود

ماده ۴۴ — هیئت ممتحنه بعد از تصدیق اهلیت و تشخیص قابلیت

امتحان شدکان صورت مجلس امتحان و آراء خود را بتوسط نماینده وزارت عدلیه بوزارت مزبوره ارسال خواهند داشت .

ماده ۴۵ — هرکاه امتحان شدکان زیاد تر از کفایت حوزه ابتدائیه باشند با تساوی درجات آنان اهالی مجلس برای صلحیه همان محل مقدم و مرجح بردیکران خواهند بود

ماده ۴۶ — هرکاه امتحان شدکان دریك محل زیاد تر از احتیاج محل باشند با تساوی سایر شروط وزارت عدلیه بقرعه حکام صلح را معین خواهد کرد

***

قوانین موقتی راجع به تشکیلات عدلیه و محاضر عدول مجتهدین که مجموعا ۳۱۱ ماده است در کمیسیون عدلیه جمعا تصحیح و تصویب کردید بتاریخ ۲۱ شهر رجب تنکوز ئیل ۱۳۲۹

قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب سوم

قوانین موقتی محاکمات حقوقی

مواد عمومی

ماده ۱ — محاکم عدلیه بدعاوی حقوقی که راجع بانها است موافق قوانین رسیدگی کرده حکم یا فصل مینمایند و آنچه را که موافق قانون راجع بانها نبوده از خصایص محاکم اختصاصی است رد می نمایند . و اموریکه راجع بمحاضر عدول مجتهدین جامع الشرایط است پذیرفته و بطوریکه قانون معین می کند بمحاضر مزبوره ارجاع کرده وبرطبق احکام آنها حکم اجرا میدهند

ماده ۲ — محاکم عدلیه فقط وقتی شروع برسیدگی دعاوی حقوقی می نمایند که صاحبان دعوی این تقاضا را بطوری که قانون معین می کند کرده باشند

ماده ۳ — محاکم عدلیه مکلفند که بدعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده وبموجب آن حکم داده یا فصل نمایند . ودر صورتی که قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نباشد ویا ناقص ویا متناقض باشد باید محاکم عدلیه موافق روح و مفاد عمومی قوانین موضوعه امور را قطع وفصل نمایند

ماده ٤ — ابتدا ممنوع است که محاکم عدلیه بعذر اینکه قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نیست ویا ناقص و متناقض است صدور حکم را توقیف کنند . متخلفین از این قاعده در حکم اشخاصی خواهند بود که استنکاف از احقاق حق کرده باشند

ماده ٥ — در محاکم عدلیه بماهیت دعاوی حقوقی تا دو درجه می توان رسیدگی نمود

ماده ٦ — در محاکم عدلیه هیچ دعوائی نمیتواند از حیث ماهیت قابل رسیدگی در درجه بالاتر باشد مادام که در درجه پائین تر در آن باب حکم صادر نشده است

ماده ۷ — هیچ اداره دولتی و مقام رسمی نمی تواند حکم محکمه عدلیه را تغییر بدهد مگر خود محکمه که حکم داده است یا محکمه بالاتر در مواردیکه قانون معین می کند

باب اول

اصول محاکمات حقوقی در محاکم صلحیه

فصل اول

در صلاحیت محاکم صلحیه

ماده ۸ — امور راجعهٔ بمحاکم صلحیه از قرار تفصیل ذیل است :

اولا - دعاوی مشروحه ذیل در صورتیکه مدعی به بیش از دویست و پنجاه تومان نباشد .

ا) دعاوی راجعه باعیان اموال از منقول و غیر منقول .

ب) دعاوی راجعه بدیون از قبیل ثمن و مبیع و قرض و اجرت عمل کارگر و شاگرد و خادم و خادمه و حق الجعاله و حق الوکاله وحق النفقه والکسوه و حق السبق و امثال آن و دعاوی راجعه بخسارت و غرامت از قبیل خسارات وارده بر حاصل و محصول زراعتی و مستغلات و املاك و امثال آن در صورتیکه مدعی به بیش از مبلغ دویست و پنجاه تومان نباشد یا در هنگام اقامه دعوی مقدار مدعی به را نتوان صحیحا تعیین کرد .

ج) دعاوی راجعهٔ بمنافع چه متلق باشخاص باشد از قبیل اجیر و عمله و کارگر چه متعلق بمنافع اعیان باشد از قبیل مال الاجاره و حق السکنی و امثال آن .

د) دعاوی راجعه بحقوق مالی مثل حق الشفعه وحق العبور وحق المجری و امثال آن .

ه) دعاوی راجعه بحقوق غیر مالی مثل حق الحضانه و حق الوصایه و حق الولایه و امثال آن .

و) دعاوی خاصله از هتك شرف بواسطهٔ اظهار شفاهی یا کتبی علنی یا غیر علنی غیر از مواد مطبوعات و همچنین دعاوی حاصله از ضرب وشتم در صورتیکه مدعی اقامه دعوی حقوقی کند نه جزائی .

ثانیا - دعوای تصرف عدوانی در غیر منقول تا هر مقداری که باشد در صورتیکه این دعوی در ظرف سه ماه از تاریخ تصرف عدوانی اقامه شود والا دعوی راجع بمحکمه ابتدائی است .

ثالثا - دعوی ممانعت ازحق کسی در ملك دیگری از قبیل حق العبور حق مرتع حق مجری حق ناودان و امثال آن در صورتی که از زمان ممانعت اولیه بیش از سه ماه نگذشته باشد و الا بمحکمه ابتدائی رجوع خواهد شد .

رابعا - خواهش تامین و حفظ دلایل و امارات مدعی به تا هر مبلغی که باشد .

خامسا - اصلاح ذات البین در هر دعوائی و تا هر مقداری که مدعی به باشد موافق مواد (۸٤) و (٥٦)

ماده ۹ — دعاوی مفصله ذیل بمحاکم صلحیه راجع نیست واومقدار مدعی به دویست وپنجاه تومان یا کمتر باشد :

(۱) دعاوی مربوطه بمنال دیوانی .

(۲) دعاوی راجعه بامتیازاتیکه از طرف دولت داده میشود .

ماده ۱۰ — دعاوی در همان محکمه صلحیه اقامه میشود که مدعی در حوزه آن ساکن یامقیم است . وهرگاه مدعی بخواهد می‌تواند بصلحیه نیز رجوع نماید که مدعی علیه درحوزهٔ آن اقامتگاه دائمی یاموقتی دارد

ولی در بلوکات هرگاه مدعی بمحکمه اقامتگاه خودش رجوع نماید باید مخارج عادیه مسافرت وتوقف مدعی علیه راکه احضار شده است بمشارالیه بپردازد وبعد هرگاه حقانیت او ثابت شد مدعی میتواند در جزو خسارت خود این مصارف را هم موفق قانون از مدعی علیه بحق ادعا و مطالبه نماید .

ماده ۱۱ — دعاوی راجعه باموال غیر منقوله در صلحیهٔ باید اقامه شود که مال غیر منقول درحوزهٔ آن واقع است اگرچه مدعی و مدعی علیه هم درآن حوزه ساکن یامقیم نباشند .

ماده ۱۲ — هرگاه یك ادعا راجع بچند مدعی علیه باشد که در حوزه های صلحیهٔ مختلفه مقیمند مدعی میتواند یکی از صلحیه های مزبوره را اختیار کرده اقامه دعوی نماید .

ماده ۱۳ — درتمام موارد طرفین میتوانند تراضی نموده بهرمحکمهٔ صلحیه که بخواهند رجوع نمایند . تراضی طرفین در دفتر محکمهٔ صلحیه قیدشده بامضای طرفین میرسد ودرصورتیکه متداعیین سواد نداشته باشنداین نکته قید میشود .

ماده ۱۴ — ادعای متقابل یعنی دعوائی که درجواب دعوای مدعی اقامه میشود و مبتنی بریك اساس واز یك منشاء ناشی شده یابکلی مربوط بیکدیگر باشد راجع بهمان محکمه صلحیه است که دعوای اصلی درآنجا

اقامه شده است . ولی هرگاه ادعای متقابل نظر بمقدار مدعی به راجع بمحاکم صلحیه نباشد حاکم صلح رسیدگی ننموده بطرفین اعلام می کند که بمحکمهٔ ابتدائی حقوق رجوع نمایند .

ماده ۱۵ — درموارد اختلافاتیکه درباب صلاحیت مابین محاکم صلحیه حاصل میشود هرگاه طرفین اختلاف درحوزه یك محکمه ابتدائی واقع باشند رفع اختلاف درهمان محکمه ابتدائی بعمل می‌آید و اگر درحوزه های محاکم ابتدائی مختلفه واقع باشند رفع اختلاف راجع بمحکمهٔ ابتدائی است که دعوای مختلف فیه بدوا درحوزه آن اقامه شده . وهرگاه دعوای مختلف فیه دریك تاریخ درحوزه های مختلفه محاکم ابتدائی اقامه شده باشد رفع اختلاف بامحکمهٔ استیناف است .

ماده ۱۶ — اگر اختلافی درباب صلاحیت مابین محاکم صلحیه ومحاکم ابتدائی حاصل شود رفع آن باآن محکمهٔ استینافی است که طرفین اختلاف در حوزه آن واقعند . و هرگاه طرفین اختلاف در حوزه های استینافیه مختلفه واقع باشند رفع اختلاف بعهدهٔ آن محکمه استیناف است که دعوای مختلف فیه بدوا درحوزه آن اقامه شده‌است . وهرگاه دعوای مختلف فیه دریك تاریخ درحوزه های مختلفه محاکم استینافی اقامه شده باشد رفع اختلاف با دیوان تمیز است .

ماده ۱۷ — ارباب رجوع درمواردحدوث اختلاف بیکی ازمحاکمی که طرف اختلاف هستند رجوع نموده تعیین محکمه راکه صلاحیت رسیدگی

دارد در خواست مینمایند . و درخواست مذکور با توضیحات خود محکمه بمقامی که موافق ماده (۱۵) و (۱۶) صلاحیت رفع اختلاف را دارد تقدیم شده رسیدگی به دعوائی که باعث اختلاف شده است تا صدور حکم آن مقام بتاخیر میافتد .

فصل دوم

در عرضحال واحضار

ماده ۱۸ — عرضحالی که بمحاکم صلحیه در اقامه دعوی داده میشود ممکن است کتبی یا شفاهی باشد .

ماده ۱۹ — عرضحال شفاهی را محکمه صلحیه در دفتر ثبت کرده برای عارض قرائت می کند و بعد بامضای عارض میرساند . هرگاه عارض سواد نداشته باشد دیگری از طرف عارض امضا می نماید و جهة آن در دفتر قید می شود .

ماده ۲۰ — هرگاه عرضحال خارج از صلاحیت محکمه صلح باشد محکمه صلح قرار عدم قبول عرضحال را با جهات آن داده عرضحال را بصاحبش رد میکند . و هرگاه عرضحال شفاهی باشد محکمه صلح بخواهش عارض سوادی از اقرار خودش بعارض میدهد .

ماده ۲۱ — در عرضحال چه کتبی باشد و چه شفاهی باید عارض اطلاعات ذیل را بدهد :

۱ - اسم و شهرت و محل اقامت و شغل خود و مدعی‌علیه و همچنین اطلاعات مذکوره را در باب مطلعین ازقضیه در صورتی که مدعی باطلاع آنها استناد می کند بر سبیل اجمال قید میکند .

۲ - دلایل موجوده ادعای خود را .

۳ - مقدار مدعی‌به مگر در مواردی که تعیین مقدار ممکن نیست .

٤ - توضیح اینکه چه میخواهد یا چه اقدامی باید بشود .

ماده ۲۲ — مقدار مدعی به مبلغی است که در عرضحال صریحا قید شده است بضمیمه اجرت المثل و خسارت که بوجه مدعی به تا روز اقامه دعوی ضمیمه شده و عارض تادیه آنرا تقاضا می کند .

ماده ۲۳ — هرگاه درمقدار مدعی به اختلافی مابین مدعیین حاصل شود باید در موعدی که محکمهٔ صلح معین می کند مقدار مدعی به بواسطهٔ تحقیقات محلی یا استعلام از مطلعین و اهل خبره معین شود

ماده ۲٤ — مدعی می تواند اسناد خود را بمحکمه صلح سپرده قبض رسید دریافت دارد .

ماده ۲۵ — بموجب عرضحال مدعی محکمه صلح مدعی‌علیه را احضار

و بمدعی موعد حضور اورا اعلام میدارد .

ماده ۲۶ — احضار متداعیین بتوسط احضاریه بعمل میاید و در احضار نامه نکات مفصله ذیل باید تصریح شود :

۱ - اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مدعی و مدعی علیه .

۲ - موضوع ادعا .

۳ - باید در کجا احضار شونده حاضر شود .

٤ - تاریخ حضور (روز وماه وسال) باتعیین ساعت در مواقع لازمه

۵ - اسم مامور احضار و یا ادارهٔ که احضار نامه را تبلیغ می کند .

٦ - هرگاه احضار شونده حاضر نشود چه نتیجه برای اوخواهد داشت .

در مورد دعوت مطلعین و سایر اشخاص تاریخ و محل دعوت واینکه بتقاضای کی و جهة دعوت چیست باید تصریح شود و مطلعین مجبور بحضور نیستند .

احضار نامه باید دو نسخه باشد و هر دو نسخه را امین صلح امضا می کنند .

ماده ۲۷ — موعد مقرر برای حضور مدعی علیه در محکمه نباید از تاریخ ابلاغ احضار نامه بمدعی علیه کمتر از یك روز باشد و نیز برای هر چهار فرسخ از اقامتگاه مدعی علیه تا محکمه بر مدت مزبوره یکروز علاوه میشود .

ماده ۲۸ — احضارنامه باشخاص لازم یا بتوسط مامورین احضار یا پلیس محل و یا ضابط و کدخدا و غیره ابلاغ میشود .

ماده ۲۹ — احضاریه باید بخود احضار شوند ابلاغ شود و در صورتیکه احضار شونده غایب باشد احضاریه را مامور احضار بیکی ازاهل خانه مدعی علیه یا بمباشر ملك و یا بیکی از همسایگان اودر صورتیکه ابلاغ احضاریه را در عهده بگیرند تسلیم نموده در نسخه دیگر رسید میگیرد .

ماده ۳۰ — درصورتیکه هیچیك از اشخاص مذکوره در ماده قبل نباشند مامور احضاریك نسخه احضاریه را درشهر بصاحبمنصب یا کمیسری نظمیه و در ده بکدخدا میسپارد و در نسخه دیگر رسید میگیرد .

ماده ۳۱ — مامور احضاردرحین ابلاغ احضار نامه روی آن تاریخ ابلاغ را قید می کند ودر نسخهٔ دیگر احضار نامه گیرنده آن باید رسید وتاریخ ابلاغ احضاریه را نوشته امضا نماید وآن نسخه ثانوی را مامور احضاربمحکمهٔ صلح تسلیم می کند . هرگاه گیرنده احضاریه نتواند یانخواهد امضا بدهد در روی هردو نسخه صریحا نوشته میشودکه احضاریه یکی ودر چه تاریخ تسلیم شده وچرا امضا نشده است

ماده ۳۲ — مامور احضار در موارد ذیل نمی تواند تبلیغ احضار نامه نماید

۱ - بوالدین واجداد واحفاد خود

۲ - باقربای خود تا درجه سوم و همچنین به مخدوم و خدمهٔ سابق خود

ماده ۲۳ — موعدی را که بمحکمه صلح برای حضور متداعیین معین کرده است برضایت آنها میتواند بتاخیر بیاندازد

فصل سوم

در اقدامات ورسیدگی محکمه صلح

مبحث اول

در حضور متداعیین و رشیدگی محکمه صلح در مواردی که محکمه مذکوره حق حکم را دارد

ماده ۲۴ — در موعد مقرر طرفین یا شخصا در محکمهٔ صلح حاضر میشوند یا وکیل می فرستند

ماده ۲۵ — رسیدگی محکمه صلح علنی وشفاهی است ولی درمورد عصمت محاکمه سری خواهد بود

ماده ۲۶ — در موارد ذیل مدعی‌علیه میتواند جواب مدعی را نداده دعوی را رد کند

۱ - وقتیکه رسیدگی بدعوائی خارج از صلاحیت محکمه صلح است و یا

راجع بمحکمه صلح دیگری است

۲ - وقتیکه همان محکمه صلح یا محکمه صلح دیگری ویا در محکمه دیگری همان دعوی مابین همان اشخاص یا دعوای دیگری که مناسبت تامه با ادعای مدعی دارد سابقا عنوان شده ودر تحت رسیدگی است

۳ - در صورتیکه ادعای مدعی تماما راجع بمدعی علیه دیگری است

٤ - در صورتیکه مدعی صلاحیت اقامه دعوا را ندارد

٥ - درصورتیکه وکیل مدعی وکالت از طرف او ندارد

ماده ۲۷ — بعد از شروع برسیدگی محکمه صلح بدوا تکلیف صلح بطرفین نموده وسعی خود را در اصلاح ذات البین حتی درحین محاکمه تعقیب می کند وفقط در صورت عدم موفقیت بعد از رسیدگی حکم میدهد

ماده ۲۸ — در صورت اصلاح صلح نامه کتبی نوشته شده بامضای طرفین یا وکلای آنها میرسد . وکاریکه بمصالحه تمام شده از سر گرفتن آن جایز نیست

ماده ۲۹ — در صورت عدم اصلاح بعد از شروع برسیدگی محکمه صلح بمدعی تکلیف می کند که ادعای خود را بیان و اوضاع واحوال را تصریح کرده دلایل خود را اقامه کند وبعد جواب توضیحات مدعی‌علیه‌را گوش می کند بعد بمدعی ومدعی علیه بثبوت اجازه دادن توضیحات را میدهد وخودش توضیحات لازمه را میخواهد و همینکه مشاهده کرد که مسئله

روشن و بقدر کفایت توضیح شده است مذاکرات طرفین را ختم می کند

ماده ۴۰ — در دعوای تصرف عدوانی کسی در اموال غیر منقوله دیگری در صورتیکه اقامه دعوای مزبور در ظرف سه ماه از تاریخ تصرف عدوانی بعمل آمده ومدعی به بیش از دویست و پنجاه تومان باشد محکمه صلح داخل در مدافعه اسنادی که دلالت برحق مالکیت می نماید نمی شود لهذا هر گاه در باب تصرف عدوانی مابین طرفین گفتگو ومنازعه باشد محکمه صلح تحقیقات خود را فقط در باب تصرف آن نموده مال غیر منقول را بتصرف متصرف اول میدهد بدون اینکه بمدرك ومبنای حق مالکیت برسد وبطرفین اعلام میداردکه در باب حق مالکیت بمحکمه ابتدائی رجوع کنند

ماده ۴۱ — تاخیر رسیدگی بخواهش یك طرف فقط در موارد ضرورت بتصدیق محکمه وباندازهٔ لزوم قبول میشود

ماده ۴۲ — هر گاه یکی از متداعیین تحصیل سندی یا سوادی را که برای توضیح کار او لازم است از ادارات یا مقامات رسمی لازم بداند محکمه صلح باید برحسب خواهش او تصدیق کتبی بدهدکه فلان سند یاسواد آن ویا فلان استعلام برای فلان امر لازم است

ماده ۴۳ — در موارد ذیل رسیدگی بدعوا توقیف می‌شود

۱ - برضایت تمام صاحبان دعوا

۲ - در صورت فوت یا جنون یا ظهور عدم صلاحیت یکی ازصاحبان دعوا

۳ - در صورتیکه یکی از اتفاقات مذکوره در فقره دوم نسبت بوکیل یکی از صاحبان دعوا بعمل آید

ماده ۴۴ — رسیدگی‌که موافق ماده قبل توقیف شده بخواهش یکی از متداعیین یا اصحاب دعوا مجددا شروع می شود

ماده ۴۵ — محکمه صلح همینکه فهمید رسیدگی بدعوائی خارج از صلاحیت او است باید محاکمه را قطع کند

ماده ۴۶ — در مواردیکه محکمه صلح بواسطه ابهام یا عدم تصریح دچار اشکالاتی در حین رسیدگی میشود باید مواد دستور محاکم صلحیه را بامواد دستور محاکمات حقوقی سایر محاکم تطبیق نموده رفع اشکال خود را بنماید

مبحث دوم

در رسیدگی محکمه صلح در مواردیکه محکمه مذکوره فقط حق اصلاح را دارد

ماده ۴۷ — رجوع بمحاکم صلحیه برای ا.
طرفین دعوا ویا بمیل یکی از آنان بعمل میاید .

ماده ۴۸ — ترتیب احضار واعلام دروا

اصلاح ذات البین را دارد همان است که در فصل دوم مذکور است ولی در احضار نامه باید تصریح شود که معروض برای اصلاح بمحکمه دعوت می شود.

ماده ۴۹ — بعد از حضور متداعیین محکمه باظهارات و دلایل طرفین رسیدگی و تکلیف صلح وسعی دراصلاح ذات البین مینماید . در صورت عدم موفقیت باصلاح تحقیقات و عدم موفقیت خود را دردفتر نوشته بامضای طرفین میرساند . وهرگاه یکی ازطرفین یاهردو طرف نخواهند امضا کنند مراتب را محکمه صلح قید میکند .

ماده ۵۰ — درمورد ماده قبل محکمه صلح نباید طرفین را بهیچجهة معطل نماید وهمینکه مشاهده نمودکه طرفی یاطرفین حاضر باصلاح نیستند باید طرفین را بحال خودشان واگذار کرده و اعلام نماید که دعوای خودرا بمحاکمی که صلاحیت حکم را دارند رجوع نمایند .

ماده ۵۱ — هرگاه بعد ازتبلیغ دو احضار نامه معروض حاضر نشده یا کتبا جواب داد که حاضر باصلاح نیست محکمه مراتب را در دفتر قید کرده و بعارض اعلام میدارد که بمحکمه که صلاحیت حکم را دارد رجوع نماید .

ماده ۵۲ — هرگاه مدعی علیه بعد از تبلیغ یك یادو احضاریه حاضر شده وبعد استنکاف از حضور نمود محکمه صلح بموجب ماده قبل رفتار می نماید .

ماده ۵۳ — استنکاف مدعی علیه از حضور در محکمه صلح یاعدم قبول صلح بعد از حضور در هر حالی از احوال مانع نمیشود که طرفین کارشانرا درمحکمه دیگری که صلاحیت اصلاح را دارد بطیب خاطر رجوع نموده خواستار اصلاح شوند .

ماده ۵۴ — همینکه محکمه صلح باصلاح ذات البین موفق شد مراتب را در دفتر قید کرده بامضای طرفین میرساند وصلح نامه ممضی بامضای امین صلح و حاکم صلح و ممهور بمهر محکمه مرتب نموده دردو نسخه بطرفین تسلیم مینماید .

ماده ۵۵ — هرگاه محکمه صلح از عرض حال مدعی مشاهده نماید که امر ازامور مستعجله وفوری بوده واقدام لازم خارج ازصلاحیت محکمه است یامحکمه تصور کندکه اقدام او در احضار طرف و اصلاح ذات البین موجب تضییع حق عارض خواهد شد بمشارالیه اعلام میدارد که بمحکمه که صلاحیت اقدام را دارد رجوع کند ومراتب را در دفتر خود قیدمی کند

فصل چهارم

در دلائل و تحقیقات

مبحث اول

مواد عمومی

ماده ۵۶ — مدعی باید ادعای خود را ثابت کند و مدعی علیه که

اعتراض می کند باید اعتراض خودرا مدلل دارد والا اعتراض او منشاء اثر نیست .

ماده ۵۷ — محکمه صلح خودش درصدد تحصیل دلائل برنمی آید . مدرك حکم او فقط دلایلی است که طرفین اقامه می کنند .

ماده ۵۸ هرگاه بعد از اصغای اظهارات طرفین محکمه صلح مشاهده کند که بعضی از اوضاع واحوال که برای حل مسئله اهمیت دارد بدون دلیل مانده مطلب را بطرفین اعلام نموده موعدی را برای دادن توضیحات واقامه دلایل معین میکند .

ماده ۵۹ — اشخاصی که ظنین هستند براینکه تحقیقات محلی واستطلاع از مطلعین و استعلام ازاهل خبره بعدها ممکن نخواهد بود یا لااقل مشکل خواهد شد می توانند از محکمه صلح خواهش کنند که دلایل آن را تامین کند .

ماده ۶۰ — خواهش تامین دلایل چه درحین محاکمه وچه قبل از اقامه دعوا ممکن است .

ماده ۶۱ — خواهش تامین دلایل در صورتیکه قبل از اقامه دعوی باشد راجع است بمحکمه صلحی که موضوع معاینه یا تحقیق در حوزهٔ آن واقع است یا اشخاص مطلع در حوزهٔ آن مقیمند . و هرگاه بعد از اقامه دعوی (درحین محاکمه) باشد اقدام آن راجع بمحکمه صلحی است

که مشغول برسیدگی است . در این مورد در صورتی که تامین دلایل فوریت داشته باشد طرفین می توانند باجازهٔ محکمهٔ که مشغول رسیدگی است بمحکمه صلحی که دلایل درحوزهٔ آن واقع است رجوع نمایند . ومحکمه حق ندارد در دادن اجازه با وجود فوریت مطلب مسامحه نماید .

ماده ۶۲ — خواهش تامین دلایل چه کتبی باشد چه شفاهی بایدحاوی نکات ذیل باشد :

۱ - اسم و شهرت خواهش کننده و طرف او .

۲ - اشاره باوضاع و احوالی که مبتنی است بر دلایلی که تامین آنرا می خواهند .

۳ - جهة خواهش تامین دلایل .

ماده ۶۳ — در مواردیکه تامین دلایل فوریت داشته باشد اجازهٔ آنرا محکمهٔ صلح میدهد بدون اینکه بدوا طرف را احضار کند و اینقرار محکمه صلحیه قابل شکایت نیست .

ماده ۶۴ — بعد از تامین دلایل محکمه صلح بخواهش مستدعی تامین موافق دستوری رفتار مینماید که درباب معاینه محل و خواستن عقیده اهل خبره و استعلام از اهل محل مقرر است .

ماده ۶۵ — در مواردیکه مستدعی تامین دلایل طرف خود را معین نکرده اجرای آن در صورتی بعمل می آید که از برای خواهش کننده

ممکن نباشد اسم طرف خود را معین نماید .

ماده ٦٦ — مقصود از تامین دلایل حفظ آنست و بهیچوجه دلالت نمیکنند بر اینکه دلایلی که تامین شده حتما در حین محاکمه مدرك ادعای صاحب آن خواهد بود یا دلایل تامین شده حتما معتبر خواهد بود .

ماده ٦٧ — هرگاه طرف مستدعی تامین برای حضور درموقع اجرای تامین احضار نشده باشد و یا احضاریه باو نرسیده باشد حق دارد در حین رسیدگی بدعوا تخلفی را که ازترتیب قانون شده است خاطرنشان کند .

مبحث دوم

در باب شهود

ماده ٦٨ — هرگاه دردعاوی که راجع بمحاکم صلحیه است طرفین یا طرفی محتاج باقامه شهود شدند و محکمهٔ صلح اقامهٔ آنرا مفید و موافق قانون دانست موضوع شهادت را معین کرده بطرفین اعلام میدارد .

ماده ٦٩ — در روز معین شهود در محکمه حاضرشده بعداز اظهار اسم وشغل وسن و محل اقامت خودشان متعهد میشوند که حقیقت را بگویند و هرگاه شهود قرابت نسبی یا سببی با یکی از متداعیین داشته باشند نیز اظهار داشته و درجه قرابت خود را معین میکنند و همچنین اگر خادم یا مخدوم یکی از متداعیین باشند نیز اعلام میدارند . و در موارد قرابت ویا خادم ومخدوم بودن شهود درامور شرعیه موافق ماده (٧٤) عمل مینماید

ماده ۷۰ — شهود شهادت خودشان را یك یك در حضور حاکم صلح ومتداعیین (هرگاه حاضر باشند) ادا می‌نمایند . و هرگاه یکی از متداعیین اظهاری راجع بر رد شهود داشته باشد پس از اظهار در صورت مجلس قید شده وبامضای رد کننده میرسد . وهرگاه رد کننده سوادنداشته باشد یا نتواند امضا کند این نکته در صورت مجلس قید میشود . قبول یاعدم قبول حاکم صلح ردکننده را بقانون شرع انور خواهد بود

ماده ۷۱ — متداعیین حق ندارند درحین اداء شهادت کلام شهودرا قطع کنند ولی بعد از آن حاکم صلح میتواند بخواهش طرفین یا خودش رسما سؤالات لازمه را ازشهود بکند

ماده ۷۲ — هرگاه برای غور رسی بشهادت شهود معاینه محل لازم یا مفید باشد حاکم صلح شهادت شهود را در محل استماع می کند

ماده ۷۳ — شهادت شهود باقید اسم وشهرت و شغل و محل اقامت وقرابت وتعهدی که داده اند تماما در صورت مجلس درج وبرای هر یك از شهود قرابت شده بامضای آنها میرسد . و در صورت بی سوادی یا عدم استطاعت امضا این نکته در صورت مجلس قیدمیشود وبعد صورت‌مجلس بامضای حاکم صلح وتقریر نویس میرسد

ماده ۷٤ — کیفیت اداء وشروط شهادت واختلاف شهود واختلاف اظهارات آنها ورد وجرح شهود بعد از اداء شهادت یا امتناع آنها ازاداء شهادت وسایر مسائل راجعه بشهود موافق قوانین شرع انور خواهد بود

مبحث سوم

درحلف وتحلیف

ماده ۷۵ — در مواردیکه محاکمه طرفین منجربحلف وتحلیف شود این نکته در صورت مجلس قید وحلف وتحلیف در حضور حاکم صلح (فقیه) بعمل خواهد آمد

ماده ۷۶ — اتیان بقسم راجع بخود متداعیین است وربطی بوکیل ندارد

مبحث چهارم

در اقرار

ماده ۷۷ — هر گاه یکی از متداعیین در حین رسیدگی یا محاکمه کتبا یا شفاها اقرار صریح بامری کند که دلالت برحقانیت طرف او نماید دلایل دیگری از طرف بهیچوجه خواسته نخواهد شد

ماده ۷۸ — اقرار یکی ازشرکاء در امری فقط دربارهٔ اقرار کننده معتبر است و ضرر متوجه سایر شرکاء نمیشود مگر اینکه بوجهی شرعی ملزم باشند .

مبحث پنجم

در اسناد کتبی

ماده ۷۹ — اسناد کتبی خواه رسمی باشد خواه عادی وکلیه نوشتجاتی

که طرفین ابراز می کنند باید مورد مداقهٔ محکمه صالح بشود .

ماده ۸۰ — اعتبار اسناد رسمی بنحویست که درباب دوم این کتاب و قانون ثبت اسناد مذکور است .

ماده ۸۱ — هیچکس نمیتواند اظهار بی اطلاعی نسبت بسندی کند که خودش آن سند را داده و امضا کرده و یا از طرف او آن سند داده شده و بامضای او رسیده است بلکه در مقام رد یا باید ادعای جعلیت نسبت بان نماید ویا مدلل نماید که بجهتی از جهات قانونی آن سند از اعتبار افتاده است و اگر سکوت کند سکوت او دلیل بر قبول نیست .

ماده ۸۲ — اگر ادعای جعلیت نسبت باسناد کتبی که برای صدور حکم اهمیت دارد اقامه شود محکمه بدوا بطرفی که آن اسناد را ابراز کرده تکلیف می کند که آن اسناد را پس بگیرد . هرگاه صاحب اسناد باین تکلیف راضی نشد حاکم صلح بطرفی که ادعای جعلیت اسناد را کرده است عاقبت وخیم آن ادعا را درصورت عدم ثبوت آن خاطر نشان میکند . اگر با وجود آن مدعی جعلیت درادعای خود ثابت و مصر باشد حاکم صلح رسیدگی کار را توقیف کرده اسنادی را که نسبت ساختگی بانها داده شده نزد مدعی عمومی محکمه بدایت میفرستد که موافق قانون در محکمه بدایت بمسئله جعلیت اسناد رسیدگی شود .

ماده ۸۳ — ادعای جعلیت نسبت باسنادیکه برای صدور حکم اهمیت ندارد مانع از توقیف محاکمه نمیشود .

مبحث ششم

در معاینهٔ محلی و عقیده اهل خبره

ماده ۸٤ — معاینهٔ محلی با حضور اهل خبره یا بی حضور آنها بخواهش یکی از متداعیین یا بتصویب محکمه صلح بعمل میاید .

ماده ۸۵ — معاینه در حضور امین صلح باقیه محکمه ومتداعیین و دونفر شاهد صحیح که کتبا یا شفاها احضار شده باشند بعمل میاید

ماده ۸٦ — هرگاه متداعیین بعد از آگاهی و اعلام بدون عذرصحیح در وقت مقرر حاضر نشوند عدم حضور آنان مانع از معاینه نمیشود وحق شکایت هم بعد از معاینه از محکمه صلح نخواهند داشت .

ماده ۸۷ — محکمهٔ صلح میتواند بنظر خودش یا بخواهش متداعیین یا یکی از آنان اطلاعات اهل خبره را بخواهد .

ماده ۸۸ — در این صورت متداعیین بتراضی یك یا سه نفر از اهل خبره انتخاب می کنند وهرگاه تراضی نشد عده لازم را خود محکمه صلح معین می کند و در اینصورت طرفین حق دارند که بموازین رد یا جرح شهود آنانرا رد یا جرح کنند .

ماده ۸۹ — از معاینه محلی و افادات اهل خبره صورت مجلس مرتب میشود که بامضای امین یا حاکم صلح و متداعیین و شهود و خبره

میرسد و هرگاه کسی از حضار سواد نداشته باشد در صورت مجلس قید می شود . در صورتیکه معاینهٔ محلی وعقیدهٔ اهل خبره قاطع باشد حاکم صلح میتواند فورا در خود محل حکم بدهد .

کتابخانهٔ مجلس شورای ملی تأسیس ۱۳۰۴

فصل پنجم

در تامین مدعی به

ماده ۹۰ — تامین مدعی به بخواهش مدعی درصورتی بعمل میاید که یا اسناد رسمی در دست بوده یا مدعی به در معرض تفریط و تضییع بوده و تدارك ممکن آن نباشد .

ماده ۹۱ — ترتیب تامین مدعی به که ازمحاکم صلحیه تقاضامیشود موافق قوانینی است که درباب دوم این کتاب مصرح است .

ماده ۹۲ — بتقاضای مدعی محکمهٔ صلح حق دارد از مدعی علیه که اقامتگاه معین دائمی واموال غیر منقول ندارد تقاضا کند که درصورت استیناف حکم امین صلح وثیقه یا کفیل معتبر از اهل محل برای تامین مدعی به بدهد

ماده ۹۳ — هرگاه مدعی علیه آن تقاضا را قبول نکرد محکمه صلح حق دارد اموال منقوله مدعی علیه را باندازهٔ مدعی به توقیف کند .

فصل ششم

در حکم

ماده ۹۴ — محکمه صلح بعد از شنیدن اظهارات و دلایل طرفین تمام اوضاع و احوال مسئله را در نظر گرفته و اهمیت اعتبار دلایل را سنجیده حکم میدهد واین حکم نباید برخلاف قوانین باشد .

ماده ۹۵ — محکمه صلح حق ندارد درباب چیزی حکم بدهدکه ادعا نشده است یابیشتر ازآنچه بنداعین تقاضا کرده اند حکم بدهد .

ماده ۹۶ — درموارد احکام قطعی محکمه صلح درخود حکم موعدیرا معین مینمایند که محکوم علیه درظرف آنموعد طوعا حکم را مجری دارد .

ماده ۹۷ — درصورتیکه برمحکمه صلح ثابت شود که محکوم علیه نمی تواند تمام محکوم به را بپردازد میتواند نظر بمبلغ محکوم به و استطاعت محکوم علیه برای تادیه وجه اقساطی قرار داده و درآن باب تصدیق به طرفین بدهد .

ماده ۹۸ — هرگاه محکوم علیه درسر وعده اقساط را نرسانیده محکمهٔ صلح بتقاضای محکوم له حکم نادیهٔ بلا تاخیر وجه را میدهد .

ماده ۹۹ — احکام غیر قطعی (قابل استیناف) محکمهٔ صلحیه فقط

در موارد ذیل و آنهم درصورت تقاضای محکوم له درصورتیکه بتوان تصور کرد که تعویق اجرا باعث اشکالات دراجرای حکم درآتیه خواهد شد موقتا قابل اجرا است .

۱ - درموردیکه حکم محکمهٔ صلح مبتنی برسند رسمی است وادعای جعلیت نسبت بان اسناد نشده است یاحکم محکمه صلح بموجب سند غیر رسمی است ولیکن طرفی که برضد او آن سند اقامه شده است اعتبار واصالت آن سند را اعتراف کرده است .

۲ - درمواردیکه محکمهٔ صلح درباب تصرف عدوانی کسی در اموال دیگری حکم تخلیه نداده است ویا بواسطهٔ انقضای مدت اجاره حکم داده که شیئی اجاره شده بصاحبش رد وتسلیم شود .

۳ - هرگاه درموارد اجیر شدن واجیر کردن و استخدام وادعائی که از این نوع تعهدات شخصی حاصل میشود محکمه صلح حکم بدهد که شخص اجیر شده یا مستخدم مرخص است .

۴ - هرگاه مدعی تامین صحیح برای اجرای موقت بدهد وبرعهده بگیرد تمام خساراتی را که از نسخ یانقض حکم محکمه صلح دردرجات بالاتر حاصل تواند شد .

۵ - درموارد احکام غیابی درصورتیکه ابلاغ سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب عادتا ممکن نباشد .

ماده ۱۰۰ — درتمام صور خمسه درمادهٔ قبل از شخصی که خواستکار

اجرای موقت شده باین ترتیب تامین خواسته میشود اگر موضوع حکم اموال معین باشد صورتی از آن برداشته بدست امینی سپرده تسلیم آن را بمحکوم له و همچنین فروش آنرا ممنوع میدارند . وهرگاه مدعی به وجه باشد بعد ازوصول درجای مطمأن توقیف میکنند ودر سایر موارد کفیل معتبر گرفته میشود .

ماده ۱۰۱ — بعد از صدور حکم محکمهٔ صلح حکم را بطوراختصار نوشته و بمتداعیین علنا اعلام میدارد .

ماده ۱۰۲ — درحین اعلام حکم محکمهٔ صلح مکلف است برای طرفین توضیح نماید که حکم قطعی است یاغیر قطعی و بکدام محکمه و درچه مدت می توانند رجوع کنند وهرگاه در مدت مقرره اقدام نکردند حکم قطعی خواهد شد .

ماده ۱۰۳ — محکمهٔ صلح باید حکم خودرا درظرف یکهفته ازتاریخ صدور آن نوشته بمحکوم له داده وسواد حکم کتبی را نیز باشخاص لازم درظرف سه روز ازتاریخ رجوع بدهد .

ماد ۱۰۴ — احکام کتبی محکمهٔ صلح باید مواد ذیل را حاوی باشد

۱ - تاریخ صدور حکم .
۲ - اسم وشهرت وشغل متداعیین .
۳ - اوضاع واحوال کار بطور اختصار .

۴ - ماحصل حکم ودلایل وملاحظاتی که مدرک حکم است .

۵ - مقدار خساراتی که محکوم له ازمحکوم علیه مطالبه نموده و حکم صادر شده یا درنحت رسیدگی است .

۶ - تصریح باینکه حکم فوری الاجرا یاقابل اجرای موقت است .

فصل هفتم

در احکام غیابی و اعتراضات

ماده ۱۰۵ — هرگاه مدعی علیه بعد از دومرتبه احضار درمحکمه صلحیه حاضر نشده و توضیحات کتبی هم (موافق ماده ۱۰۶) نفرستاد حاکم صلح بخواهش مدعی شروع برسیدگی نموده بعد از تحقیقات حکم غیابی میدهد . وهرگاه دراثنای محاکمه مدعی حاضر نشد وبمحکمه هم اطلاع نداد که درغیاب او رسیدگی نمایند حاکم صلح رسیدگی را موقوف میدارد ولی مدعی می تواند تجدید رسیدگی ومحاکمه را تقاضا نماید وباید بهمان محکمه عرض حال مجدد بدهد . محکمه درصورت تقاضای مدعی علیه بدلایل رسیدگی کرده حکم غیابی میدهد

ماده ۱۰۶ — مدعی علیه می تواند حاضر نشده توضیحات کتبی خود را مستقیما یا بتوسط وکیل فرستاده وخواهش کند که سواد حکم محکمه را باو ابلاغ نمایند . در این صورت توضیحات کتبی مدعی علیه بمدعی ارائه شده وحکمی که صادر میشود غیابی نخواهد بود

در این مواد در صورتیکه توضیحات شفاهی مدعی علیه ضرورت داشته باشد حاکم صلح مدعی علیه یا وکیلش را احضار می کند

ماده ۱۰۷ — مدعی نیز میتواند از حاکم صلح خواهش کند که در غیاب او رسیدگی کرده سواد حکم را باو ابلاغ کند . ولی اگر حاکم صلح حضور مدعی یا وکیل او را لازم دید احضارخواهد کرد . وهرگاه مدعی تقاضای محکمه صلح را اطاعت نکرد رسیدگی موقوف میشود مگراینکه مدعی علیه خواهش رسیدگی وصدور حکم کند .

ماده ۱۰۸ — هرگاه حاکم صلح مطلع شودکه جهت عدم حضورمدعی یا مدعی علیه موانعی بوده که رفع آن ممکن نبوده است یا آنکه احضار نامه بموقع نرسیده است رسیدگی را بتعویق انداخته موعد مجددی برای حضور متداعیین معین می کند ومراتب را بطرفی که حاضرشده شفاها وبطرف غائب کتبا اعلام داشته وجهات عدم حضور را درصورت مجلس قید می کند

ماده ۱۰۹ — هرگاه مدعی‌علیه در سر موعد حاضر نشد ولی قبل از صدور حکم حاضر شد بیانات او را باید محکمه صلح استماع نماید و حکمی که بعد از استماع توضیحات و دلایل او صادر میشود غیابی محسوب نمی شود

ماده ۱۱۰ — سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب باید ابلاغ شود ودر ظرف دو هفته ازروز وصول حکم محکوم علیه غایب حق دارداعتراض

نموده تجدید رسیدگی را بخواهد . و هرگاه در مدت مقرر بدون عذر موجه اعتراض نکرد حکم قطعی بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و غایب برحجت خود باقی میماند واعتراض او همه وقت مسموع است واحکام غیر قطعی را محکوم علیه فقط میتواند در مدت مقرر استیناف نماید

ماده ۱۱۱ — همین که اعتراض نامه محکوم علیه رسید محکمه صلح موعد جلسه را معین وبطرفین اطلاع میدهد وبعد از رسیدگی مجددحاکم صلح حکم داده حکم سابق را از اعتبار می‌اندازد

ماده ۱۱۲ — خواه درحین اظهار اعتراض وخواه پس از آن تازمان صدور حکم مجدد محکوم علیه که حاضر شده میتواند توقیف اجرای موقت حکم غیابی را هرگاه درباره او صادر شده بخواهد وباین خواهش اوباید در ظرف سه روز جواب قطعی داده شود . هرگاه حاکم صلح اجرای موقت را معوق گذاشت وطرف تامین مدعابه را خواست اقدام لازم برای تامین مدعابه موافق قوانین بعمل میاید

ماده ۱۱۳ — در صورتیکه در رسیدگی ثانوی باز مدعی علیه حاضر نشد بخواهش مدعی حکم غیابی ثانوی صادر میشود واین حکم غیابی بموقع اجرا گذاشته شده وغایب برحجت خود باقی میماند . ودر موارد احکام غیر قطعی حکم غیابی را میتوان درحدود قوانین استیناف نمود

فصل هشتم

در شکایت از احکام و قرار های محاکم صلحیه

ماده ۱۱۴ — احکام حاکم صلح (فقیه محکمه) قطعی است

ماده ۱۱۵ — احکام امنای صلحیه را در صورتیکه مبلغ مدعی به بیش از بیست تومان بوده باشد یا این که قیمت مدعابه معلوم نباشد میتوان در محکمه ابتدائی حقوق استیناف نمود و مدت استیناف از تاریخ اعلام حکم بیست ویك روز است . بعد از انقضاء مدت مزبوره حکم امین صلح قطعی می شود

ماده ۱۱۶ — در شکایت استینافی باید مستانف جهات عدم صحت حکم را بیان کند وادعای جدیدی در این شکایت پذیرفته نمیشود

ماده ۱۱۷ — عرضحال استینافی در دو نسخه بهمان امین صلحی که حکم داده است داده میشود و او مکلف است که قبض رسید بمستانف داده یك نسخه از شکایت نامه را با اوراق رسیدگی و تمام متعلقات کار بمحکمه ابتدائی بفرستد ونسخه دیگری را بطرف مقابل تسلیم نماید .

ماده ۱۱۸ — ازاقدامات امین صلح نمی توان قبل از استیناف حکم او شکایت نمود مگر در موارد مفصله ذیل که قبل ازصدور حکم هم ممکن است :

۱ - شکایت ازتعطیل وتعویق رسیدگی .

۲ - شکایت ازعدم قبول عرضحال و اعتراض نامه برحکم غیابی وعرض حال استیناقی واعاده محاکمه (تجدید نظر)

ماده ۱۱۹ — قرار هائی را که امین صلح میدهد میتوان فقط باحکم استیناف نمود مگر قرارهائی را که امین صلح درباب درخواست تامین مدعابه واجرای موقت میدهد که بدون حکم هم میتوان استیناف کرد .

ماده ۱۲۰ — درکلیه مواردیکه بموجب دوماده قبل میتوان ازقرار های امین صلح شکایت یااستیناف نمود ازقرارهای حاکم صلح هم شکایت یا استیناف ممکن است جز درمورد عدم قبول عرضحال استیناقی .

ماده ۱۲۱ — درموارد سه ماده قبل شکایت باید درظرف یکهفته ازتاریخ اقدامی که باعث شکایت یا ابلاغ قرار هائی که داده شده است بعمل آید مگر شکایت ازتعطیل و تعویق که مدت ندارد. ودرهر وقت قابل استماع است

ماده ۱۲۲ — شکایت از قرار های امین وحاکم صلح مستقیما بخود محکمه ابتدائی داده می شود . در محکمه ابتدائی بشکایت های مذکوره در ماده (۱۱۸) و (۱۱۹) بدون احضار متداعیین رسیدگی می‌شود . ولی هرگاه متداعیین خواستند حاضر شوند توضیحات شفاهی آنها را محکمه استماع می کند .

فصل نهم

در ترتیب رسیدگی استینافی در محکمه ابتدائی

ماده ۱۲۳ — روز محاکمه را محکمه معین کرده بطرفین در ضمن احضاریه اطلاع می دهد .

ماده ۱۲۴ — مستانف علیه می تواند تا روزی که برای محاکمه معین شده‌است توضیحات کتبی خود را بمحکمه ابتدائی بدهد . عدم حضور متداعیین مانع از رسیدگی و صدور حکم نمیشود . و همچنین عدم حضور یکطرف مانع از دادن توضیحات شفاهی طرف دیگر نمیشود .

ماده ۱۲۵ — رسیدگی استینافی باحکام امنای صلحیه علنی است و شفاهی اول حکم امین صلح که باعث شکایت شده است قرائت میشود بعد مواد شکایت مستانف بعد توضیحات کتبی مستانف علیه (هرگاه باشد) پس از آن مابین طرفین مذاکره شفاهی شروع میشود .

ماده ۱۲۶ — تحقیقات راجعه بصحت دلایل را یا خود محکمه ابتدائی یا یکی از اعضاء آن بر حسب ماموریت از طرف محکمه مجری میدارد .

ماده ۱۲۷ — رئیس محکمه می تواند توضیحات لازمه را ازطرفین بخواهد و همین که مشاهده نمود که مسئله بقدر کفایت روشن شده است

مذاکره شفاهی را قطع می کند .

ماده ۱۲۸ — رئیس محکمه باید سعی کافی برای اصلاح ذات البین بنماید و هرگاه طرفین راضی باصلاح شدند این نکته درصورت مجلس قید و بامضای طرفین می رسد .

ماده ۱۲۹ — در مواردی که باید موافق قانون مدعی العموم محکمه ابتدائی در محاکمه حقوقی حاضر شود خود یا معاونش حاضر شده قبل از صدور حکم عقیده خود را اظهار میدارد .

ماده ۱۳۰ — امین صلح را که حکم داده است و حاکم صلح را که قرار داده است می توان برای توضیحات بمحکمه خواست .

ماده ۱۳۱ — ترتیب اتخاذ آراء قطعی اعضاء محکمه و صدورحکم و اعلام و انشاءآن بطوری است که برای محاکم ابتدائی معین شده‌است

ماده ۱۳۲ — احکام استینافی محاکم ابتدائی قطعی است ودر حدود قوانین اجرا می شود .

فصل دهم

در تغییر احکام محاکم ابتدائی که استینافا صادر می شود

ماده ۱۳۳ — در موارد ذیل می توان احکام محاکم ابتدائی را

که استیناف صادر شده است تمیز نشود :

۱ - در صورت نقض قوانین یا سوء تفسیر آن

۲ - درصورتی که مواد قانون اصول محاکمات رعایت نشده باشد وآن مواد باندازه مهم باشد که بواسطه نقض آن مواد نتوان حکم را حکم قانونی دانست .

فصل یازدهم

در رد وجرح امنای صلحیه

ماده ۱۳٤ — درموارد مفصله ذیل امین صلح باید خودش ازرسیدگی امتناع نماید ومتداعیین می توانند او را رد نمایند

۱ - وقتیکه امین صلح نفع شخصی درادعائیکه اقامه شده است داشته باشد

۲ - وقتیکه امین صلح با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم داشته باشد

۳ - وقتیکه امین صلح قیم یکی ازمتداعیین است یا کفیل امور اواست ویا یکی از متداعیین مباشر امور امین صلح است

٤ - وقتی که امین صلح یا زوجه او وارث یکی از متداعیین هستند

۵ - وقتیکه امین صلح با یکی از متداعیین یا اشخاصی که با آنها قرابت سببی یا نسبی دارند محاکمهٔ جزائی داشته اند ویك سال از زمان ختم

آن محاکمه نگذشته است

٦ - در صورتیکه مابین امین صلح ویکی ازمتداعیین یا عیال او محاکمه حقوقی درمحکمه دیگری مطرح است

۷ - وقتی که امین صلح سابقا اظهار عقیده کتبا در باب ادعائی که اقامه شده نموده است .

ماده ۱۳۵ — رد امین صلح باید باتعیین مدرك باشد . در صورتیکه رد ازطرف مدعی باشد باید قبل از شروع برسیدگی واگر ازطرف مدعی علیه است لااقل درنوبت اول که بمحکمه حاضر میشود بعمل آید .

هرگاه اعلام رد کتبی نباشد باید درصورت مجلس قید و بامضای رد کننده برسد .

ماده ۱۳٦ — همین که امین صلح اظهارات مدعی یامدعی علیه راصحیح دانست رضایت خودرا در ورقه رد یادر صورت مجلس قید و امضا کرده عرضحال عارض را بامنضمات آن نزد نزدیکترین محکمه صلح برای رسیدگی می فرستد .

ماده ۱۳۷ — هرگاه امین صلح اظهارات راجعهٔ برد را مقرون بصحت ندید اعلام ردرا باتوضیحات خودش در ظرف دو روز از تاریخ وصول اظهار مزبور نزد مدعی العموم محکمهٔ ابتدائی که درحوزه آن واقع است فرستاده منتظر حکم محکمه مذکوره میشود . محکمه مذکوره مکلف است که درظرف یك هفته باحضور مدعی العموم رسیدگی کرده حکم قطعی بدهد

حضور متداعیین در رسیدگی محکمه ابتدائی لازم نیست .

فصل دی از دهم

در اجرای احکام محاکم صلحیه

ماده ۱۲۸ — احکام محاکم صلحیه در موارد مفصله ذیل قطعی و قابل اجرا است :

۱ - احکام حاکم صلح .

۲ - احکام قطعی امنای صلحیه .

۳ - احکام غیر قطعی امنای صلحیه در صورتی که در موعد مقرر استیناف نشده .

٤ - احکام غیابی حاکم صلح که درمدت مقرره اعتراض نشده .

٥ - احکام غیابی امنای صلحیه که در موعد مقرر اعتراض و استیناف نشده .

ماده ۱۳۹ — درمواریکه حکم محکمهٔ صلح قطعی شده و همچنین در موارد اجرای موقت محکمهٔ صلح بخواهش ذیحق ورقه اجرائیه باومیدهد .

ماده ۱٤۰ — احکام محاکم صلح بتوسط اشخاصیکه درباب چهارم قانون موقتی تشکیلات عدلیه نوشته شده بموقع اجرا گذارده میشود . تمام اشخاص مفصله درحین اجرای حکم تابع اوامر محکمه صلح هستند .

ماده ۱٤۱ — اجرای احکام محاکم صلح موافق قوانینی است که کلیه برای اجرای احکام عدلیه مقرر است .

***

قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی راجع بمحاکم صلحیه که یك صدو چهل و یك ماده است در کمیسیون قوانین عدلیه تصحیح و تصویب شده است بتاریخ ۲٦ شهر رمضان ۱۳۲۹

باب دوم

اصول محاکمات حقوقی در محاکم ابتدائیه

فصل اول

در تجدید صلاحیت محاضر شرعیه و محاکم ابتدائی

مبحث اول

در صلاحیت محاضر شرعیه

ماده ۱۴۲ — دعاوی حقوقی غیرازمواردیکه قانونا ازخصایص محاکم صلحیه است ابتدا بمحاکم ابتدائی رجوع میشود

ماده ۱۴۳ — دعاوی حقوقی راجعه بامور عرفیه وهمچنین امور شرعیه که خارج از صلاحیت محاکم عدلیه نباشد محاکم عدلیه بترتیبی که قانون محاکمات حقوقی معین میکنند رسیدگی خواهد کرد

ماده ۱۴۴ — امورشرعیه موضوعاتی است که بموجب قوانین شرع انور اسلام مقرر است

ماده ۱۴۵ — موارد ذیل را بمحاکم عدلیه بمحضر عدول مجتهدین ارجاع خواهد کرد

ا - مواردیکه منشاء اختلاف ونزاع جهل بحکم شرعی یاجهل بموضوعات شرعیه باشد

ب - دعاوی راجعه بنکاح وطلاق

ج - احکام غیابی در امور شرعیه

د - مواردیکه حکم بافلاس یا حکم بحجر مفلس یا حکم بتوقیف مال ممتنع از ادای دین یا حکم بقصاص لازم میشود

تبصره - اگرچه حکم بافلاس کلیتا از وظایف حکام شرع است لیکن مراد از حکم بافلاس که دراینجا ذکر شده افلاس حقوقی است

ه - مواردیکه قطع وفصل خصومت جز باقامه شهود (بینه) یا بحلف و احلاف ممکن نیست

و - مواردیکه احکام شرعیه طرفین یا یکی از آنان متناقض یا مجمل و مبهم باشد

تبصره - مراد از احکام احکام صادره از حکام شرع است در قضایا نه مطلق اسناد وفوشتجات

ز - مواردی که نزاع در اصل وقفیت یا اصل وصیت یا تولیت متولی یا وصایت وصی باشد

ح - مواردیکه نصب متولی یاناظر شرعی یاقیم یا وصی لازم شود .

ماده ۱۴۶ — در مواردیکه شرعی و عرفی بودن امر محل اشتباه شود تراضی متداعیین برای رسیدگی عدلیه لازم است .

ماده ۱۴۷ — در مواردی که امر شرعی مشتبه باشد که امور مذکوره در ماده (٤) از مختصات محاضر شرع است یا از امور مشترکه است عدلیه حق رسیدگی گرچه طرفین تراضی نمایند نخواهد داشت و باید بمحضر عدول مجتهدین رجوع نماید .

ماده ۱۴۸ — غیر از موارد ماده (٤) در امور شرعیه درصورتیکه متداعیین بدوا تراضی برسیدگی محاکم عدلیه نمایند محکمه رسیدگی خواهد کرد و الا بمحضر شرع ارجاع خواهد نمود .

ماده ۱۴۹ — در مورد شکایت از حکم یا حکام شرع عدلیه مطابق قانون تشکیلات بجلسه عمومی عدول مجتهدین ارجاع خواهد کرد .

مبحث دویم

در صلاحیت محاکم ابتدائی

ماده ۱۵۰ — محاکم ابتدائی بکلیه دعاوی که بموجب قانون راجع بمحاکم عمومی است رسیدگی مینمایند باستثناء اموری که قانون بمحاکم صلحیه اختصاص داده .

ماده ۱۵۱ — ادعا یا درمحکمه ابتدائی اقامه میشود که مدعی‌درحوزه آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد و یا در محکمهٔ که مدعی علیه در حوزه آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد و مستثنیات این ماده بموجب قوانین‌معین

است . هرگاه مدعی بمحکمه اقامتگاه خود رجوع نماید باید مخارج عادیهٔ مسافرت و اقامت مدعی علیه را در محل اقامت خود بپردازد و بعد در صورتیکه ذیحق شد میتواند مبلغی را که از این بابت نادیه کرده است در جزء خسارت خود منظور داشته از طرف خود مطالبه نماید .

ماده ۱۵۲ — محلی که شخص در آنجا ازحیث شغل یا کسب یاخدمت قلمی یا نظامی و یا علاقه ملکی اقامت دارد اقامتگاه دائمی محسوب میشود .

ماده ۱۵۳ — هرگاه میزان اقامت شخص مدعی علیه از حیث علاقه ملکی است و علاقه ملکی در محل های متعدد دارد مدعی از میان آن محل ها محلی را انتخاب میکند که مدعی علیه درآنجا است .

ماده ۱۵٤ — هرگاه مدعی علیه اقامتگاه دائمی نداشته باشد مدعی می تواند درمحل اقامت موقتی مدعی علیه اقامه دعوا نماید . توقف‌مختصر مسافر درحین مسافرت که عادتا وافی بمدت اتمام محاکمه نیست از این قاعده مستثنی است واقامت موقتی حساب نمیشود .

ماده ۱۵۵ — درمورد اقامت موقتی مدعی علیه میتواند خواهش کند که کاررا بمحکمه احاله نمایند که اقامتگاه دائمی او در حوزهٔ آن واقع است . در اینصورت محکمه بارضایت مدعی مسؤل مدعی علیه را اجابت‌می نماید . مدعی علیه که نتواند اقامتگاه دائمی خودرا درایران ثابت نماید حق چنین خواهشی را ندارد .

ماده ۱۵۶ — هرگاه مدعی علیه درخارج ایران بوده و در ایران اقامتگاه دائمی او معین نباشد مدعی میتواند اقامه دعوا در محکمه نماید که مدعی علیه درحوزه آن اموال غیر منقوله دارد .

ماده ۱۵۷ — دعاوی حاصلهٔ از حق مالکیت و هرحق دیگری نسبت باموال غیر منقوله و همچنین ادعا برخسارتی که باموال غیر منقوله وارد آمده است درمحکمه رسیدگی میشود که اموال غیر منقوله در حوزهٔ آن واقع است .

ماده ۱۵۸ — ادعائی که راجع است بمدعی علیهم متعدد یااموال غیر منقول متعدد که درحوزه های مختلف ابتدائی اقامت دارند ویاواقعند بانتخاب مدعی دریکی ازمحاکم مذکوره که صلاحیت دارد اقامه میشود .

ماده ۱۵۹ — دعوای متقابل (دعوائی که در جواب ادعای مدعی اقامه میشود ومربوط بان ادعا است) درهمان محکمهٔ که دعوای اصلی مطرح رسیدگی است اقامه میشود مگر اینکه دعوای متقابل خارج ازصلاحیت آن محکمه باشد .

ماده ۱۶۰ — هرگاه هنگام رسیدگی بدعاوی دعوای دیگری پیدا شود که از حیث ضمانت مربوط بادعای اولی (اصلی) باشد بادعای ثانوی نیز درهمان محکمه اولی رسیدگی خواهد شد . ولی اگر بقرینه یابعضی نوشتجات ثابت شود که ادعای اولی فقط برای جلب مدعی علیه دعوای

ثانی است بمحکمهٔ که قانوناً مرجع آن دعوا نیست مدعی علیه دعوای ثانی حق دارد که آن دعوا را ازآن محکمه بمحکمهٔ که راجع است احاله نماید .

ماده ۱۶۱ — درتمام دعاوی متداعیین میتوانند بتراضی محکمه ابتدائی دیگری را غیراز آنچه قانون معین میکند برای رجوع انتخاب نمایند .

مبحث سوم

در اختلاف حاصله از صلاحیت محاکم عدلیه و ترتیب تسویه آن در محاکم عدلیه

ماده ۱۶۲ — هر محکمه باید خودش معین کند دعوائی که در محکمه اقامه شده است بانمحکمه راجع است یا نه و نباید از محکمه که از حیث درجه بالاتر است در آن باب تعلیمات بخواهد اشخاصی که ازفرار محکمه درباب صلاحیت آنها شکایت دارند میتوانند بمحاکمی که ذیلاً مذکور است رجوع کنند سواد مصدق قرار محکمه را درباب رد یاقبول عرضحال باید بشکایت نامه ضمیمه نمایند بدین ترتیب مسئله اختلاف در صلاحیت محاکم مطرح میشود .

ماده ۱۶۳ — تسویه اختلافات حاصله فیمابین محاکم ابتدائی راجع بمحکمه استیناف است . هرگاه طرفین اختلاف در یك حوزه استینافیه نباشند تسویه اختلاف راجع بدیوان تمیز است

ماده ۱٦٤ — شکایت نامه در دو نسخه یکی بمحکمه استیناف تقدیم ویك نسخه آن بطرف مقابل ابلاغ شده بعد ترتیبی که برای رسیدگی بقرار های محاکم ابتدائی درمحکمه استیناف مقرراست اقدام میشود ورسیدگی محکمه ابتدائی موقتا تا صدور حکم محکمه عالی باید توقیف شود .

ماده ۱٦٥ — اختلافات راجعه بصلاحیت درمحکمه استیناف باحضور مدعی العموم آن محکمه مطرح و قطع و فصل میشود .

ماده ۱٦٦ — اختلاف حاصله مابین محاکم ابتدائی ومحاکم تجارتی نیزموافق مواد (۱٦۲) الی (۱٦٥) تسویه میشود

ماده ۱٦۷ — تسویه اختلافات حاصله فیمابین محاکم استیناف راجع بمحکمه تمیز است

ماده ۱٦۸ — اشتباهات حاصله از اینکه کاری که در محاکم عدلیه مطرح شده است راجع بمحاکم عدلیه است یا ادارات دیگر دولتی بایددر محاکم حل و تسویه شود .

ماده ۱٦۹ — طرح اختلاف در مورد ماده قبل یا بواسطه شکایت اشخاص از قرار محکمه بعمل میاید و با ادارهٔ که کار را خارج از صلاحیت محکمه عدلیه میداند بتوسط مدعی العموم مراتب را با دلایل لازمه برئیس آنمحکمه اعلان می کند .

ماده ۱۷۰ — در مورد شکایت اشخاص از قرار محکمه ابتدائی در باب صلاحیت (رجوع بماده ۱٦۲) وهمچنین در مورد اختلاف حاصل فیمابین محکمه مذکوره و ادارهٔ دولتی حل مسئله راجع بمحکمه استیناف است . و رسیدگی محکمه ابتدائی تا صدور حکم محکمه استیناف توقیف میشود لیکن محکمه ابتدائی می تواند موافق قوانین تامین مدعی به را بخواهد .

ماده ۱۷۱ — در محکمه استیناف مجلس مخصوصا در تحت ریاست رئیس اول آن محکمه مرکب از حاکم محل وسه نفر عضو محکمه استیناف و دو نفر از رؤساء ادارات محلی بحکم اقدمیت تشکیل و با حضور رئیس اداره که طرف اختلاف است بموضوع اختلاف رسیدگی می شود . وحکمی که از مجلس مذکور با اکثریت پس از اظهار عقیده مدعی العموم استیناف صادر می شود قطعی است .

ماده ۱۷۲ — هرگاه طرفین اختلاف محکمه استیناف و یکی ازادارات دولتی باشد بترتیبی که در ماده (۱٦۸) مذکور است حل مسئله بمحکمه تمیز رجوع میشود .

ماده ۱۷۳ — در مورد ماده قبل در محکمه تمیز مجلس مخصوصی مرکب ازپنج نفر اعضاء شعبه حقوقی محکمهٔ تمیز وپنجنفر از اعضاء شورای دولتی در تحت ریاست رئیس اول محکمه تمیز تشکیل و بمسئله مختلف فیها رسیدگی وحکم قطعی صادر میشود .

فصل دوم

در وکلای متداعیین

ماده ۱۷۴ — وکلای متداعیین باید دارای شرایط و اوصافی باشند که در مواد (۲۳۶) الی (۲۳۸) قانون تشکیلات عدلیه مقرر است .

ماده ۱۷۵ — وکالت نامه که بوکیل رسمی وغیر رسمی داده میشود باید بعد از تصدیق موثقین محلی بتصدیق مباشر ثبت اسناد یا حاکم صلح برسد و یا درمحاضر شرع که مراجع رسمی عدلیه اند یا در یکی ازادارات رسمی دولتی یا ملتی که موکل شغل و خدمتی در آن اداره دارد تصدیق شود و یا بالاخره در دفترخانه‌حکومتی یا نظمیه مصدق شود که بعبارة اخری علم بتحقیق وکالت حاصل شود .

ماده ۱۷۶ — هرگاه درمحلی مباشرثبت‌اسناد وحاکم صلح وادارات دولتی هیچیك نباشند تصدیق موثقین اهل محل کافی است

ماده ۱۷۷ — هرگاه وکالت نامه غیر مصدق یا وکالت شفاهی باشد باید موکل در محکمه حاضر شده اقرار بصحت وکالت وکیل یاوکالت‌نامه و امضای خود نموده این نکته دردفتر محکمه ثبت شده بامضای موکل برسد

تنبیه — در امور راجعهٔ بمحاکم صلحیه تصدیق ضابط یا کد خدا یا

اداره پلیس محل هم پذیرفته است . وهرگاه وکالت شفاهی باشد درنزد حاکم صلح اظهار ودر دفتر ثبت وبامضای موکل میرسد واگر موکل سواد نداشته باشد شخص دیگری از طرف او امضا مینماید و این نکته در دفتر قید می شود

ماده ۱۷۸ — وکیل نماینده موکل خودش است وهر اقدامی که در حدود وکالت نامه نماید کاملا بموکل تعلق می گیرد

ماده ۱۷۹ — در وکالت نامه باید صریحا قید شود که وکیل حق اقدامات ذیل را کلا یا بعضا دارد والا اقدامات وکیل در این موارد بموکل تعلق نخواهد یافت

۱ - حق استیناف ۲ - حق‌دادن تمیز ۳ - حق صلح ٤ - حق‌انتخاب محضر شرع - ٥ - حق اظهار جعلیت نسبت بسند طرف مقابل وجواب دادن بطرف در صورتیکه اوچنین اظهاری بکند ٦ - حق انتخاب حکم برای حکمیت ۷ - حق وکالت در توکیل ۸ - حق تعیین مصدق

ماده ۱۸۰ — موکل حق دارد هرزمان که بخواهد وکیل خود را معزول کند و باید بمحکمه مراتب را کتبا یا شفاها اطلاع بدهد در این صورت هرگاه موکل مدعی علیه است محکمه مجبور نیست که رسیدگی را بتعویق بیاندازد . ولی اگر مدعی است بسته بخواهش مدعی علیه است که محکمه کار را توقیف کند ویا منتظر تعیین وکیل جدیدی نشده رسیدگی را تعقیب بکند

ماده ۱۸۱ — اقدامات وکیل که در حدود وکالت نامه او قبل از اعلام بخود او وبمحکمه شده است کاملا معتبر خواهد بود . اظهار شفاهی در عزل وکیل باید درصورت مجلس قید وبامضای موکل برسد

ماده ۱۸۲ — وکیل حق دارد که از وکالت خود استعفا کند ولی بعد ازاستعفا محکمه وکالت او را برای طرف مقابل نخواهد پذیرفت و درصورت غیبت موکل وکیل باید طوری قبل از وقت او را ازاستعفای خود مطلع نماید که موکل بتواند درموعد مقرر شخصا در محکمه حاضر شود یا وکیل جدیدی بفرستد .

ماده ۱۸۳ — هرگاه موکل درهمان شهریکه مقر محکمه است نباشد باید وکیل استعفای خودرا در همان وقتی که بموکل می نویسد بمحکمه نیز اعلام نماید .

ماده ۱۸۴ — رئیس محکمه در این صورت نظر بمسافت موعدی‌را معین می کند که تا انقضای آن وکیل استعفا نکرده درحدود وکالت خود کار های موکل خود را انجام بدهد اگر وکیل قبول کرد تا انقضای موعد در وکالت خود باقی خواهد بود .

ماده ۱۸۵ — درصورت فوت وکیل کاریکه در تحت رسیدگی است توقیف میشود تا وقتی که موکل وکیل جدیدی معین کند و یا تا زمانیکه طرف مقابل موکل احضار او را از محکمه بخواهد . هرگاه بعد ازاحضار

در موعد مقرر طرف غائب حاضر نشد و وکیل جدیدی هم معین نکرد محکمه بخواهش طرف برسیدگی مداومت مینماید .

فصل سوم

در عرایض

ماده ۱۸۶ — محکمه بدون عرضحال شروع برسیدگی نمیکنند و در عرضحال باید نکات مفصله قید شود :

(۱) تعیین محکمه که بان عرضحال داده می شود (۲) اسم ورسم پدر و شغل و اقامتگاه مدعی و مدعی علیه (۳) تعیین قیمت مدعا به مگر اینکه ممکن نباشد (٤) بیان اوضاع و احوالی که باعث ادعا شده است بطوریکه مقصود واضح و روشن باشد (۵) اقدامی را که از محکمه تقاضا میکنند .

ماده ۱۸۷ — دعاوی متعددهٔ که مدرک و مبنای آنها مختلف است نباید در یك عرضحال نوشته شود ولو اینکه راجع بیك شخص باشد . در این موارد برای هر ادعائی باید عرض حال مخصوصی داده شود .

ماده ۱۸۸ — عرضحال رامی‌توان شخصا بمحکمه داد یابتوسط وکیل یا پست فرستاد . وکالت وکیل را در دادن عرضحال میتوان روی خود عرضحال قید کرد .

ماده ۱۸۹ — بواسطه مرض یا بی سوادی ممکن است که کسی دیگر از طرف عارض عریضه را امضا کند ولی این نکته باید در عرضحال یا جهت آن قید شود . و نیز هر گاه کسی از جانب دیگری عرضحال میدهد باید در عرضحال جهة حق عریضه دادن را صریحا قید کند .

ماده ۱۹۰ — باید عرضحال بزبان فارسی نوشته شود ولی امضا ممکن است بزبان غیر فارسی باشد . در این صورت مترجم محکمه یا کسی که معروف محکمه است و زبان امضا را می داند امضا را تصدیق می کند .

ماده ۱۹۱ — مطالبی که بعرضحال ضمیمه می شود (۱) اسنادی که مدرك ادعای عارض است یا سواد مصدق آنها . و درصورتیکه مدعی نخواهد که اصل یا سواد سند مصدق خود را بعرضحال ضمیمه کند میتواند بعضی از فقرات یا نکات اسناد مذکوره را خارج نویس کرده ضمیمه نماید و یا مفاد سند را در عرضحال یا در ورقه جدا گانه بیان نماید (۲) هر گاه اسناد بزبان غیر فارسی نوشته شده باشد ومدعی اسناد مزبوره را بعرضحال ضمیمه کرده باشد باید ترجمه اسناد مزبوره بزبان فارسی نیز ضمیمه شود (۳) وکالت نامه وکیل در موقعی که او عرضحال میدهد .

ماده ۱۹۲ — در باب اسنادی که ضمیمه می شود قواعد مفصله ذیل باید رعایت شود .

۱ - باید درخود عرضحال یا در فهرست جداگانه نوشتجات و اسنادیکه

ضمیمه میشود صریحا قید شود .

۲ - هر گاه مدعی سواد سندی را به عرضحال خود ضمیمه می نماید باید سواد مصدق باشد یا سوادی را که متداعیین تصدیق کرده اند به محکمه بدهند .

۳ - در صورتیکه اسناد خیلی مفصل باشد مثل دفتر تجارتی و امثال آن جاهائیکه مدرك عرض اوست ازدفتر خارج نویس کرده ضمیمه عرضحال می نماید .

ماده ۱۹۳ — مواردیکه عرضحال مسترد می شود از قرار ذیل است :

۱ - وقتی که در عرضحال معین نیست که چه کس اقامه دعوا کرده است و مدعی علیه کیست و مدعی به چیست و مدعی چه اقدامی را تقاضا می کند .

۲ - وقتی که خود مدعی عرضحال را نداده و صلاحیت عریضه دهنده در دادن عریضه معلوم نیست .

۳ - وقتی که قیمت مدعی به معین نشده است و بغیر از موردی است که تعیین آن ممکن نیست و یا مدعی به مالی نیست . در کلیه این موارد عرضحال باتوضیح جهة عدم قبول آن بصاحب آن مستقیما (هر گاه خودش حاضر باشد) یا توسط وکیل ویا بایست اعاده میشود که عرضحال بطوریکه قانون تقاضا میکند داده شود .

ماده ۱۹۴ — ازاین اقدام رئیس محکمه عارض میتواند درظرف دو هفته از روز اعلام یاوصول عرضحالی که مسترد است به محکمه استیناف شکایت نماید .

ماده ۱۹۵ — مواردیکه عرضحال را قبول کرده ولی بمجرای قانونی نمی اندازند ازقرار ذیل است .

اولا - درصورتیکه مدعی محل محل اقامت مدعی علیه را معین نکرده یا بطور مبهم نشان داده و قید هم نکرده است که محل اقامت مدعی علیه را نمی داند .

ثانیا - وقتی که بعرضحال وسواد آن و سواد اسناد موافق قانون تمبر الصاق تمبر نشده است .

ثالثا - در مواردیکه اسناد یاسوادهای مذکوره درعرضحال یادر فهرستی که ضمیمه عرضحال شده است نباشد .

رابعا - وقتی که مخارج اعلان یامخارج لازم دیگری تادیه نشده باشد.

خامسا - هر گاه محل اقامت مدعی معین نشده باشد . در موارد چهار فقره اولی این ماده بمدعی نواقص عرضحال را اطلاع داده از روزابلاغ هفت روز مهلت میدهند که نواقص مزبوره را رفع نماید وهر گاه نکرد عرضحال را بصاحبش مسترد میدارند . پس از آن تجدید اقامه دعوا مستلزم تجدید عرضحال است در مورد فقره آخری اعلانی در باب اینکه عریضه بمجرای قانونی نیفتاده نوشته شده دراطاق پذیرائی محکمه درمدت

یکماه بدیوار نصب می شود و عرضحال بامنضمات آن در دفتر خانه محکمه بطور امانت میماند تاصاحبش پیدا شود .

ماده ۱۹۶ — بعد از اینکه عرضحال قبول و بمجرا افتاد رئیس محکمه کاررا موافق نوبت مقرره بیکی از اعضاء میسپارد که درتحت نظارت او مقدمات کار تهیه شود و عرضحال را بامنضمات آن بدفترخانه محکمه برای اقدامات لازمه بفرستد .

تنبیه — ترتیب جریان کار در دفتر خانه و ترتیب دوسیه و غیره در نظامات داخلی مقرر است .

فصل چهارم

در تقویم مدعی به

ماده ۱۹۷ — قیمت مدعی به مبلغی است که در عرضحال قید شده است .

ماده ۱۹۸ — تقویم مدعابه بترتیب ذیل بعمل میاید .

۱ - درصورتیکه مدعی به وجه معین باشد قیمت مدعا بعبارت است از وجه نقد مذکور درعرضحال بعلاوه خساراتی که از تعویق تادیه آن تا روز اقامه دعوا برداین وارد شده است لیکن اثبات مدعی به دایم الملازمه باثبوت خسارت نیست .

۲ - در دعاوی راجعه باموال غیر منقوله قیمت مدعا به مبلغی است که مدعی معین کرده و مدعی علیه در جلسه اول محاکمه آن مبلغ را تکذیب نکرده است .

۳ - در دعاوی چند نفر مدعی که هریك یك قسمت ازکل را مطالبه می نمایند قیمت مدعابه مساویست باحاصل جمع تمام قیمت هائیکه مطالبه می شود .

٤ - در دعاوی که موضوع آن حقوقی است که بمواعد معین پرداخته می شود مثل مال الاجاره ووجه کرایه وغیره قیمت مدعا به حاصل جمع تمام اقساطی است که مطالبه میشود هرگاه نادیه حق مزبور محدود بزمان معین نباشد یا مادام العمر باشد قیمت مدعا به مساویست بحاصل جمع آنچه که باید درظرف ده سال کارسازی شود .

ماده ۱۹۹ — در مواردیکه مابین متداعیین در تعیین قیمت اموال غیر منقوله که موضوع ادعا است منازعه واختلافی حاصل شود حد وسط قیمت هائیکه متداعیین معین کرده اند مدعی به محسوب خواهد شد یعنی قیمتی را که مدعی ومدعی علیه اظهار کرده اند جمع نموده حاصل جمع را تنصیف می نمایند . هرگاه موضوع اختلاف مابین اظهارات متداعیین زیاد باشد یادر صورتیکه از برای محکمه تردیدی درباب قیمت واقعی مدعابه غیر منقول حاصل شود به تحقیقات محلی واستعلام عقیده اهل خبره محکمه قیمت واقعی را معین میکند .

فصل پنجم

در اقدامات محکمه قبل از رسیدگی بدعوا

مبحث اول

احضار بمحکمه وابلاغ احضار نامه

ماده ۲۰۰ — در روی عرض حال که قبول شده است رئیس محکمه حکم احضار مدعی علیه را میدهد وهرگاه محل اقامت مدعی علیه معین باشد بتوسط احضاریه احضار میشود والا بتوسط اعلان در مطبوعات

ماده ۲۰۱ — احضاریه در دونسخه نوشته شده ونکات مشروحه ذیل را حاوی است

۱ - تاریخ ۲ - اسم وشهرت وشغل ومحل اقامت مدعی ومدعی علیه ۳ - اسم مامور احضار ٤ - موضوع ادعا ٥ - تعیین محکمه که رسیدگی خواهد نمود ٦ - موعد احضار ۷ - نتیجه عدم حضور مدعی علیه موافق قانون هرگاه دراحضاریه رعایت نکات مفصله نشده باشد احضاریه باطل است وحکم بطلان باید از محکمهٔ که احضاریه فرستاده است داده شود

ماده ۲۰۲ — احضار نامه باسواد عرضحال مدعی و سواد نوشتجات واسناد (در صورتیکه بعرضحال ضمیمه شده باشد) بمدعی علیه در محلی که مدعی نشان داده است ابلاغ میشود

ماده ۲۰۳ — هر گاه مدعی علیه در حوزه همان محکمه اقامت داشته باشد که او را احضار می کند احضارنامه بتوسط مامور احضار ابلاغ میشود واگر در حوزهٔ محکمه دیگری است احضار نامه توسط آن محکمه ابلاغ میشود . واگر مدعی علیه در جائی باشد که محکمه نداشته باشد احضارنامه بتوسط اداره پلیس محل ابلاغ خواهد شد . احضار نامه راجعه بمدعی علیه که درخارجه اقامت دارد بتوسط وزارت خارجه تبلیغ میشود

ماده ۲۰۴ — احضار نامه با منضمات آن بخود مدعی علیه ابلاغ میشود وهر گاه مشار الیه در منزل خود نباشد بیکی از اهل خانه یا کسان او که مقصدی امور او هستند تبلیغ میشود . واگر اشخاص مذکوره نباشند یا نخواهند رسید بدهند مامور احضار در شهر یك نسخه را باداره نظمیه یا کمیسری محل ودر ده به کد خدا تسلیم کرده در نسخه ثانی رسید میگیرد

ماده ۲۰۵ — مامور احضار در حین ابلاغ احضار نامه بمدعی علیه تاریخ ابلاغ را در نسخهٔ احضار نامه که ابلاغ میکنند قید کرده رسید در نسخه ثانوی احضار نامه میگیرد . ودر نسخه ثانوی نیز تاریخ ابلاغ را یاد داشت میکنند . هر گاه گیرنده احضار نامه نخواهد یا نتواند رسید بدهد این نکته رامامور در نسخه ثانوی احضار نامه باجهة آن یاد داشت میکنند .

ماده ۲۰۶ — مامور احضار میتواند در مواقع لازمه یك یا دو نفر

شاهد از اهل محل و یا از اداره نظمیه محل با خود همراه بر دارد که در صورت امتناع مدعی علیه از قبول احضار نامه از مراتب مطلع و شاهد باشند

این نکته در نسخه دیگر احضار نامه قید و بامضای شهود میرسد

ماده ۲۰۷ — احضار نامه را میتوان بمدعی علیه در خارج خانه او هم ابلاغ کرد .

ماده ۲۰۸ — دعاوی راجعه بشرکت ها مطلقا احضار نامه بمدیر یا مباشر امور تسلیم میشود . و همچنین در دعاوی راجعه بورشکسته یك نسخه احضار نامه بکسی ابلاغ میشود که بحکم محکمه مامور اداره کردن امور مفلس است و دیگری بخود مفلس و در نسخه ثالث و رابع رسید گرفته میشود .

ماده ۲۰۹ — در صورتیکه مدعی علیه دریکی از ادارات رسمی باشد احضار نامه برئیس آن اداره ابلاغ میشود . و هر گاه رئیس مذکور احضار نامه را قبول نکند یا غایب باشد احضار نامه بامین صلح محل یا مدعی العموم محکمه ابتدائی ابلاغ و مشار الیه یك نسخه احضار نامه را گرفته نسخه ثانوی را امضا میکند .

ماده ۲۱۰ — اسامی اشخاصیکه احضار میشوند اعلان شده ودراطاق انتظار محکمه بدیوار نصب میشود . و این اعلان تا روزیکه برای حضور احضارشونده درمحکمه مقرر است باید در اطاق مذکور بماند .

ماده ۲۱۱ — مامور احضار نمیتواند در موارد ذیل ابلاغ احضار نامه نماید :

(۱) باشخاصیکه اسلاف یا اعقاب او هستند .

(۲) به برادر و خواهر و برادر زاده و خواهر زاده و غیره تااقربای درجه‌سیم .

۳ - بعیال و اقربای عیال خود تادرجه سیم (٤) بمخدوم و خدمه‌سابق (٥) درمظان تهمت .

ماده ۲۱۲ — هرگاه مدعی علیه بموجب احضار نامه اولیه حاضر نشد در احضار نامه دوم باید این مطلب صریحا قید شود .

ماده ۲۱۳ — درصورتیکه احضار نامه موافق مقررات این فصل ترتیب یاتبلیغ نشود بحکم محکمه که احضاریه فرستاده است ازدرجه اعتبار ساقط است .

ماده ۲۱٤ — درصورتیکه مدعی نتواند محل اقامت مدعی علیه‌را معین کند بتوسط اعلان در مطبوعات اخطار میشود .

ماده ۲۱۵ — هرگاه در عرضحال مدعی اشاره شده است که مدعی علیه در فلان جای ایران اموال غیر منقولی دارد علاوه براعلان مذکور در ماده قبل احضار نامه را برای مباشر یا مستاجر علاقه مدعی علیه نیز میفرستند .

ماده ۲۱۶ — احضار مدعی علیه در مطبوعات سه دفعه متوالی باید اعلان شود . مقصود از مطبوعات روز نامه های رسمی یانیم رسمی پایتخت وولایات است و همچنین بعضی از روز نامه هائیکه بزبان خارجه طبع میشود ولی بمیل مدعی اعلان درسایر جراید هم که زیاد منتشر میشود جایزاست جزآنکه مخارج اعلان در روز نامجات غیر رسمی جزو خسارت مدعی در صورتیکه ذیحق شود محسوب نخواهد شد مضمون اعلان در روزنامه‌اهمان مضمون احضار نامه است بافهرست اسنادی که مدعی بعرضحال خودش ضمیمه کرده .

تنبیه — وزیر عدلیه دراول هرسال مطبوعاتی را که بزبان خارجه منتشر میشود واعلانات عدلیه باید درآن درج شود معین کرده در روزنامه های رسمی ونیم رسمی اعلان میدارد .

مبحث دوم

موعد احضار بمحکمه

ماده ۲۱۷ — مواعد مفصله برای حضور متداعیین درمحکمه‌مقرراست

۱ - هرگاه اشخاصی که احضار می شوند در ایران اقامت داشته باشند دو هفته ودر موارد فوری باجازه رئیس محکمه که در روی عرضحال باید قید شود احضار مدعی علیه زودتر هم ممکن است .

۲ - هرگاه درخارجه اقامت داشته باشد . برای ممالک دول همجوار دوماه وممالک دول غیر همجوار سه ماه وبرای ممالک بعیده مثل (امریکا)

و اقصای شرق وغیره چهار ماه .

ماده ۲۱۸ — مواعد مفصله در فقره اول و دوم ماده قبل از روز ابلاغ احضار نامه بمدعی علیه محسوب می شود و از برای اشخاصی که درایران هستند بهر چهار فرسخ مسافت اقامتگاه مدعی علیه تا مقر محکمه یکروز اضافه می شود . موعد مذکور در فقره سوم از روز طبع آخرین اعلان در مطبوعات محسوب میشود .

ماده ۲۱۹ — هرگاه مدعی بعد از اعلان درمطبوعات ازمحل اقامت مدعی علیه مطلع شد میتواند خواهش فرستادن احضار نامه بنماید و در این صورت مواعد موافق فقره اول ودوم ماده (۲۱۷) معین میشود .

ماده ۲۲۰ — در صورت احضار چند نفر مدعی علیه بموجب یك عرضحال طویل ترین موعد احضار درباره یکنفر ازآنان باید قانوناً معین شود شامل تمام آنان شده و دریك موعد احضار میشوند .

ماده ۲۲۱ — هرگاه احضار شونده درخارجه اقامتگاه دائمی داشته ودر ایران احضار نامه باو تبلیغ شود مدعد احضار موافق فقره اول ماده (۲۱۷) خواهد بود مگر اینکه محکمه باقتضای موقع برموعد احضاربیفزاید .

ماده ۲۲۲ — درصورتیکه قواعد راجعه باحضار رعایت نشده و این عدم رعایت باعث بطلان احضار نامه و تجدید موعد بشود طرفی که ازنقض

قواعد احضار متضرر شده میتواند از کسی که باعث خسارت شده تمام خسارت خودرا مطالبه وبعد از ثبوت دریافت نماید .

مبحث سوم

در حضور بمحکمه وانتخاب محل اقامت

ماده ۲۲۳ — درموعد مقرر متداعیین باید خود یاو کیلشان در محکمه حاضر شده دردفتر خانه محکمه محل اقامت خودرا معین کنند .

ماده ۲۲۴ — کلیه نوشتجات راجعه بمتداعیین ازمحکمه بمحل اقامتی که معین کرده اند فرستاده می شود و مادام که تغییر محل اقامت خودشان را بمحکمه اطلاع نداده اند نمی توانند بعدم اطلاع از مفاد نوشتجاتی که باقامت گاه اولی آنان فرستاده شده متعذر شوند .

ماده ۲۲۵ — هرگاه متداعیین یا وکلای آنها محل اقامت خودشانرا معین نکنندکلیه نوشتجات راجعه بانان در دفتر خانه محکمه میماند ومتداعیین نمیتوانند بعدم اطلاع ازمفاد آن نوشتجات متعذر شوند .

مبحث چهارم

در مقدمات کتبی دعوا

ماده ۲۲۶ — در موعدیکه برای حضور در محکمه معین شده است مدعی علیه باید جواب کتبی بادعای مدعی (بعرضحال او) بدهد و در این

جواب صریحا قید می شود که مدعی علیه ادعای مدعی و دلایل اورا قبول یا رد می کند در صورت رد مدعی علیه میتواند اوضاع و احوال و دلایلی را که دارد کتبا تصریح کند . در باب تقدیم اسناد مدعی علیه موافق فقره اول و دوم و سوم ماده (۱۹۱) و تمام فقرات ماده (۱۹۲) رفتار خواهد کرد .

ماده ۲۲۷ — بعد از وصول جواب مدعی علیه سواد آن با منضمات بمدعی ابلاغ شده جلسه رسیدگی معین و بطرفین اعلام میشود .

ماده ۲۲۸ — هر گاه مدعی علیه در راس موعد مقرر جواب نداد مدعی میتواند از رئیس محکمه تعیین جلسه رسیدگی فورا بخواهد و مدعی‌علیه با احضار نامه برای جلسه رسیدگی احضار میشود .

ماده ۲۲۹ — همینکه کاری بجلسه رسیدگی محول شد در دفتری که نوبت رسیدگی کارها را معین میکنند ثبت میشود .

فصل ششم

در رسیدگی بدعوا

ماده ۲۳۰ — مرافعات راپورت عضو محکمه و مذاکرات طرفین در جلسه علنی محکمه بعمل میاید .

ماده ۲۳۱ هر گاه رسیدگی علنی منافی با اصول مذهبی یا نظام اجتماعی (مخل امنیت و آسایش عمومی) یا مضر باخلاق حسنه باشد محکمه بصوابدید خود و تصدیق مدعی العموم می تواند مشاوره نموده قرار جلسه سری را بدهد . این قرار محکمه در دفتر محکمه ثبت وعلانیه اعلام می شود .

ماده ۲۳۲ — همچنین جلسه محکمه را بتراضی طرفین یابتقاضای یکطرف میتوان سری نمود بشرطی که محکمه خواهش آنان را موافق ماده قبل بداند و مدعی‌العموم موافق باشد .

ماده ۲۳۳ — قرار محکمه درباب سری بودن جلسه همیشه بعد از اظهار عقیده مدعی‌العموم در آن باب بعمل میاید .

ماده ۲۳۴ — راپورت کار را عضو محکمه بموجب اسناد یا دلایل که طرفین در عرضحال و جواب بر عرضحال کتبا بمحکمه تقدیم کرده اند میدهد ولی بهیچوجه مجاز نیست که اظهار عقیده نماید .

ماده ۲۳۵ — بعد از راپورت مزبور مذاکرات طرفین شروع میشود هر گاه یکطرف حاضر نباشد طرف دیگر میتواند توضیحات شفاهی خود را بدهد .

ماده ۲۳۶ — مذاکرات طرفین عبارتست از اینکه اول مدعی وبعد

مدعی علیه تقاضای خودشان را بیان کرده اوضاع و احوال و دلایل آنرا ذکر میکند .

۲۲۷ — در مذاکرات شفاهی هر یك از متداعیین میتوانند دلایل تازه که در لوایح کتبی خودشان ذکر نکرده اند اقامه کنند . درصورت اظهار اوضاع و احوال جدیدی که در لوایح طرفین ذکر نشده یا اقامه دلایل جدیدی برای ثبوت مطلب طرف مقابل میتواند استمهال نموده تاخیر جلسه را خواهش کند .

ماده ۲۳۸ — مدعی میتواند تقاضای اولی خود راکه در عرضحال تصریح کرده کم و کسر کند ولی بهیچوجه نمیتواند آنرا زیاد کند یا ماهیت ادعای خود را تغییر دهد و یا کتبا تقاضائی بکند که از عرضحال او مستقیما مفهوم و حاصل نیست .

ماده ۲۳۹ — مواد مفصله تغییر ماهیت ادعا یا تقاضا حساب نمی‌شود

(۱) وقتی که مدعی موضوع ادعای خود را واضحتر معین و محدود میکند .

(۲) وقتی که مدعی اجرت المثل و خسارت خود را معین و علاوه می کند .

(۳) در صورت نقد یا فروش اموال مدعی که مشار الیه قیمت آنرا از مدعی علیه میخواهد .

ماده ۲۴۰ — درصورتیکه مدعی بخواهد تغییر در ماهیت تقاضای خود بدهد باید مراتب را کتبا در همان جلسه بمحکمه اظهار کند

ماده ۲۴۱ — رئیس محکمه وباجازه او اعضای محکمه می توانند در صورت مبهم بودن اظهارات طرفین توضیحات لازمه را خواسته تقاضای جواب صریح در رد یا قبول اوضاع واحوال دلایل واسناد بنمایند

ماده ۲۴۲ — درصورتیکه دریك ادعا چند تقاضا شده باشد و اختلاط آنها با یکدیگر باعث اشکال رسیدگی شود محکمه میتواند آن چندتقاضا را از همدیگر مفروق نموده قرار بدهد که طرفین توضیحات خودشان را نسبت بهر تقاضائی جداگانه بدهند

ماده ۲۴۳ — در اثناء مذاکرات شفاهی رئیس محکمه تکلیف صلح بطرفین می کند و هرگاه طرفین مصالحه نمودند مراتب در صورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد ومفاد آن غیر قابل استیناف است

ماده ۲۴۴ — هرگاه مصالحه نشد مذاکرات طرفین امتداد می یابد وهمینکه رئیس محکمه مسئله را بعد از اصغای مذاکرات و دلایل طرفین واضح و روشن دید مذاکره را ختم می کند

ماده ۲۴۵ — مدرك حکم محکمه دلایل کتبی است که طرفین بمحکمه تقدیم می کنند وهمچنین دلایل شفاهی آنان که درحین مذاکره شفاهی اظهار میدارند ودر صورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد

مبحث دوم

در دعوای متقابل

ماده ۲۴۶ — مدعی علیه حق دارد که در مقابل ادعای مدعی اقامه دعوا نماید و چنین دعوی را در صورتیکه مربوط بدعوی اولی (اصلی) باشد دعوی متقابل نامند وبدان دعوی درهمان محکمه یا دعوی اصلی رسیدگی میشود مگر اینکه دعوی متقابل نوعا از صلاحیت محکمه خارج باشد

ماده ۲۴۷ — در صورتیکه ادعای مدعی علیه درمقابل ادعای مدعی دعوای متقابل نباشد یاباشد ولی برسیدگی درآن دعوی خارج از صلاحیت آنمحکمه باشد محکمه با دعای مدعی علیه در ضمن دعوای صلح رسیدگی بلکه باید مدعی علیه در همان محکمه یا محکمه که صلاحیت دارد علیحده اقامه دعوی نماید .

ماده ۲۴۸ — دعوی متقابل لااقل درجلسه اولی محکمه اقامه شود .

ماده ۲۴۹ — هرگاه در جلسه محکمه اقامه دعوی متقابل شد جلسه رسیدگی را بخواهش یکی از طرفین میتوان بتاخیر انداخت در صورت تاخیر رسیدگی رئیس محکمه مدتی را از سه روز الی یکهفته معین میکند که مدعی علیه عرضحال کتبی داده اسناد و دلایل خود را بمحکمه ابراز نماید .

مبحث سوم

عقیده مدعی العموم

ماده ۲۵۰ — مداخلهٔ مدعی العموم درمحاکمه حقوقی در مواردی است که در باب دوم قانون موقتی تشکیلات عدلیه مقرراست مواد (۱۲۲) الی (۴۴) قانون مزبور .

ماده ۲۵۱ — در جلسه رسیدگی بعد از راپورت عضو مخبر و مدافعه طرفین مدعی العموم عقیده خود را اظهار میدارد و مفاد عقیده مشارالیه در صورت مجلس قید میشود .

فصل هفتم

در ترتیبات اختصاری محاکمه

ماده ۲۵۲ — هرگاه متداعیین تراضی نمایند ومحکمه هم مانعی نداشته باشد کلیه دعاوی را میتوان بترتیبات اختصاری رسیدگی نمود .

ماده ۲۵۳ — علاوه برماده قبل درموارد مفصله ذیل قواعدمحاکمه اختصاری باید رعایت شود .

(۱) دعاوی حاصله از معاملات و قرار داد هائیکه موضوع آن وجه یا

اموال منقوله باشد و همچنین اجاره و استیجار خانه وانبارو دکاکین و امثال آن .

(۲) ادعای خسارت از بابت خسارات وارده بر اموال منقوله کسی .

۳ ـ ادعای خسارت وارده براموال غیر منقوله وبصرف عدوانی کسی در اموال غیر منقوله دیگری در صورتیکه حق مالکیت مدعی در اموال غیر منقوله ثابت باشد .

٤ ـ منازعات واختلافاتیکه از اجرای احکام محاکم حاصل میشود .

٥ ـ دعاوی راجعه بامتیازاتی که برای اسکشافات و اختراعات داده شده است .

ماده **۲۵٤** ـ در محاکم اختصاری رئیس محکمه بموجب عرضحال روز جلسه رسیدگی را معین میکند و طرفین احضار میشوند . این موعد باید طوری معین شود که مابین ابلاغ احضار نامه وروز رسیدگی کمتر از یکهفته و بیشتر از دو هفته نباشد . بموعد مزبور مدت مسافت هم اضافه می شود .

ماده **۲۵۵** ـ در امور فوریه اگر مسافت اقامتگاه مدعی علیه از محکمه بیش از چهار فرسخ نیست رئیس میتواند روز جلسه را زودتراز موعدیکه در ماده قبل مقرر شده معین نماید وحق دارد که طرفین را برای اول جلسه محکمه که بعد از روز ابلاغ احضار نامه خواهد شد احضار کند .

ماده **۲۵۶** ـ مدعی باید تمام اسناد خود یاسواد آنها را باعرضحالی که میدهد تقدیم کند و مدعی علیه باید تمام اسناد خود را در اول جلسه محاکمه که حاضر میشود ابراز نماید .

ماده **۲۵۷** ـ در صورتیکه مدعی نتوانسته باشد بواسطه کمی مدت اسناد لازمه را حاضر کند حق دارد تعویق جلسه را تقاضا کند وهر گاه محکمه این خواهش مدعی علیه را مقرون بصحت دانست جلسه دیگری معین میکند وتاخیر آن جلسه دیگر جایز نیست مگر بتراضی طرفین .

ماده **۲۵۸** ـ مدعی نیز می تواند تعویق جلسه را بخواهد ولی فقط در صورتیکه مدعی علیه اقامه دلایلی کند که تکذیب آن برای مدعی مقدور نباشد مگر باراٴه اسناد جدیدی . در این صورت برای حاضر کردن اسناد جدید جلسه دیگری معین میشود وتعویق جلسه دیگر جایز نیست مگر بتراضی طرفین . هر گاه محکمه یقین حاصل کند که دعوی پیچیده ومشکل بوده و بمرافعات شفاهی توضیح نمیشود میتواند بطرفین تکلیف کند که هر کدام در اوراق کتبی تقاضا وٴدلایل خودشان را بمحکمه تقدیم کنند .

ماده **۲۵۹** ـ سایر ترتیبات محاکمه اختصاری مثل ترتیبات محاکمه عادی است .

فصل هشتم

در دلایل و تحقیقات

مبحث اول

مواد عمومی

ماده ۲۶۰ ـ مواد عمومی راجع بدلایل و تامین دلایل و امارات بترتیبی است که در مواد (۵۶) الی (۶۷) این کتاب مقرر است .

مبحث دوم

در تحقیقات از اهل محل

ماده ۲۶۱ ـ درموارد منازعات راجعه بمساحت و حدود ملکی در صورتیکه یکی از طرفین یاهردو طرف باطلاع اهل محل متمسك شوندولو اینکه بطور کلی ذکر کنند واسامی مطلعین رانبرند محکمه میتواند تحقیقات محلی بعمل آورد .

ماده ۲۶۲ ـ برای اجرای تحقیقات محلی محکمه یکی از اعضای خود را مامور نموده وقت تحقیقات را مستقیما یابتوسط ادارهٔ نظمیه محل بطرفین اطلاع میدهد .

ماده ۲۶۳ ـ طرفین میتوانند بعد از ورود عضو محکمه بمحل در باب تحقیقات ازاهل محل تراضی بانتخاب اشخاصی نمایند که در محل ساکن یامقیم ونیز میتوانند در محل تراضی نموده حل مسئله را بتصدیق مصدقین که مرضیا انتخاب کرده اندوا گذار نمایند .

ماده ۲۶۴ ـ عضو محکمه صورت اشخاصی را که متداعیین انتخاب کرده اند مرتب نموده بامضاء طرفین میرساند .

ماده ۲۶۵ ـ در صورت عدم تراضی طرفین در انتخاب اشخاص عضو محکمه اقدام باستماع مطلعینی که طرفین یایکی از آنان باو معرفی می نمایند میکنند . طرفین حق دارند که مطلعین یکدیگر را در موارد مفصله رد کنند :

۱ ـ در صورتیکه یکی از مطلعین خادم یامخدوم یکی ازطرفین است .

۲ ـ اشخاصیکه بایکی از متداعیین قرابت نسبتی یاسببی تادرجه سهم دارند یاقیم یا مباشر ویاوکیل یکی از طرفین هستند ویا یکی از متداعیین محاکمه دارند یادرقضیه ذی نفعند .

ماده ۲۶۶ ـ ترتیب استعلام واجرای تحقیقات از اشخاص مذکوره در ماده قبل بطوری است که برای شهود مقرر است و باید بقید التزام کتبی متعهد شوند که موافق حقیقت امر و حقانیت اطلاعات خودرا اظهار کنند .

ماده ۲۶۷ — عدم حضور متداعیین مانع ازاجرای تحقیقات نخواهد بود .

ماده ۲۶۸ — تعیین صحت واعتبار تحقیقات محلی منوط بنظر محکمه است مگر در مواردی که طرفین تراضی در انتخاب اشخاص نموده و حل مسئله را فقط بتصدیق آنها واگذار کرده اند .

مبحث سیم
در اسناد کتبی

اول در ترتیب ابراز و خواستن اسناد کتبی

ماده ۲۶۹ — اسناد کتبی عبارتست از کلیه نوشتجات طرفین اعم از اینکه رسمی باشد یا عادی .

ماده ۲۷۰ — هرگاه طرفی سندی ابراز کند که در آن سند بسند دیگری رجوع شده باشد طرف مقابل حق دارد ابراز آن سند دیگر را هم بخواهد .

ماده ۲۷۱ — هر کدام از متداعیین حق دارند ابراز اصل اسناد طرف را بخواهند مگر اینکه طرف مقابل ثابت نماید که اصل سند مفقود شده است و تحصیل آن بهیچوجه ممکن نیست .

ماده ۲۷۲ — هرگاه سندی مدرك ادعا یا اظهار یکی از طرفین بوده در نزد طرف مقابل باشد بتقاضای طرف باید آن سند ابراز شود . و در این صورت طرفی که ابراز سند را از طرف مقابل تقاضا میکند باید صریحا اظهار کند که چه سندی را میخواهد و جهت ادعای او که آن سند در نزد طرف مقابل است چیست .

ماده ۲۷۳ — در مورد مادهٔ قبل در صورتیکه طرف مقابل اعتراف بوجود سند را در نزد خود نموده ولی امتناع از ابراز آن نماید محکمه میتواند آن سند را از جمله دلایل مثبته بداند .

ماده ۲۷۴ — درموارد دعاوی راجعه بامور تجارتی و حرفتی هرگاه طرفی اشاره بدفاتر و اسناد شرکتی بکند دفاتر و اسناد مزبوره باید در محکمه ابراز شود . در صورتیکه تسلیم دفاتر و اسناد مزبوره در محکمه ممکن نباشد محکمه عضوی را مامور مینماید که با حضور طرفین دفاتر و اسناد مزبوره را معاینه و آنچه لازم است خارج نویس نماید .

ماده ۲۷۵ — هرگاه ابراز تمام سند یا اظهار علنی مفاد آن در محکمه برای یکی از متداعیین یا شخص ثالثی یا ادارهٔ دولتی بملاحظات شخصی یا دولتی صحیح یا مناسب نباشد محکمه یکی از اعضای خود را مامور میکند که با حضور طرف یا طرفین آن سند را معاینه وفقط آنچه را که لازم و راجع بکار است خارج نویس نماید .

ماده ۲۷۶ — برای تحصیل اصل سند یا اطلاعات دیگری که راجع بمسئله متنازع فیها و در ادارات دولتی یا نزد مستخدمین دولتی است از محکمه تصدیقی بتقاضا کننده داده میشود که فلان سند یا فلان اطلاع درفلان موعد لازم است .

ماده ۲۷۷ — ادارات و مستخدمین دولتی باید فورا سواد مصدق اسناد را با اطلاعات لازمه بشخصی که تصدیق نامه محکمه را ابراز میکند بدهند چه خواهش او شفاهی باشد چه کتبی .

تنبیه — بدون ابراز تصدیقنامه هم ادارات واشخاص مذکوره مکلفند که اطلاعات لازمه و سواد مصدق اسناد را بشخصی که تقاضا می کند بدهند ولی تقاضا باید کتبی باشد .

ماده ۲۷۸ — هرگاه ابراز اصل اسناد لازم باشد ادارات و اشخاص مذکوره در ماده (۲۶۷) بعد از ابراز تصدیقنامه محکمه اصل اسناد را مستقیما بخود محکمه میفرستند . فرستادن دفاتر امور جاریه بمحکمه لازم نیست . استخراج از آن دفاتر در صورتیکه مصدق بتصدیق اداره باشد کافی است .

ماده ۲۷۹ — هرگاه یکی از متداعیین از بابت دعوی جنحه وجنایت ادعای خسارتی نماید که رجوع بان دوسیه جنحه و جنایت لازم باشد باید دوسیه مزبور بمحکمه که تقاضای آنرا کرده است فرستاده شود

ماده ۲۸۰ — هرگاه ادارات و مستخدمین دولتی نتوانند در موعدی که محکمه معین کرده است اسناد یا اطلاعات لازمه را بدهند تصدیقی بتقاضا کننده داده تصریح مینماید که برای چه تاریخ اسناد یا اطلاعات را خواهند داد و بموجب این تصدیق محکمه موعد جدیدی برای رسیدگی معین می کند .

دوم — در اعتبار اسناد کتبی

ماده ۲۸۱ — محکمه نمیتواند هیچ سندی را بدون مداقه در مفاد و بدون دلیل رد کند .

ماده ۲۸۲ — اسنادی که راجع بمعاملات وتعهدات و تقبلات میباشد بر دو نوع است اسناد رسمی و عادی . اسناد رسمی از قرار تفصیل ذیل است :

۱ - اسنادی که در اداره ثبت اسناد بطوری که قانون معین کرده ثبت یا تصدیق شده باشد

۲ - تسجیلات و تصدیقات محاضر شرعیه که مراجع عدلیه اند درامور راجعه بانها .

۳ - تصدیقات محاکم عدلیه در صورتی که خارج از صلاحیت آنها نباشد و همچنین تصدیقات ادارات دولتی در اموری که راجع بانها است در صورتی که تصدیق خارج ازصلاحیت آنها نباشد

ماده ۲۸۳ — اسناد عادی سندی است که غیر از اسناد رسمی باشد

ماده ۲۸۴ — اسناد رسمیه درحق طرفین وورات و قایم مقام آنها معتبر است تا اندازهٔ که قانون معین کرده (رجوع بقانون ثبت اسناد و مواد آتیه)

ماده ۲۸۵ — اسناد عادی در دوموردِ اعتبار اسناد رسمی‌را داشته دربارهٔ طرفین معاهدین ووراث وقایم مقام آنان معتبر است .

اولا - در مواردی که اسناد مزبوره را طرفی که بر علیه آن اقامه شده است تصدیق نماید ثانیا در صورتی که در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که رد کرده است فی‌الواقع امضا ومهر نموده است

ماده ۲۸۶ — اظهار شك و تردید و اظهار بی‌اطلاعی نسبت باسناد رسمی پذیرفته نیست و فقط میتوان ادعای جعلیت نسبت باسناد مذکوره نمود و یا ثابت نمود که اسناد مذکوره بجهتی ازجهات قانونی از اعتبار افتاده است

ماده ۲۸۷ — اظهار شك و تردید نسبت باسناد عادی جایز است مگر از طرف شخصی که باسم او آن سند نوشته شده ومهر وامضای‌اورا دارد نسبت باین نوع اسناد نیز فقط ادعای جعلیت پذیرفته است

ماده ۲۸۸ — هرگاه رعایت قانون تمبر در اسنادی که موافق

قانون مزبور بایستی تمبر شده حق تمبر را بپردازد نشده باشد عدم رعایت قانون مزبور باعث رد آن اسناد در محاکم عدلیه نمیتواند بود ولی در صورتی که حق قانونی تمبر این نوع اسناد تادیه نشده باشد محکمه موافق قانون تمبر مجازات خاطی را معین میکنند

ماده ۲۸۹ — سواد اسناد درصورتیکه بتوسط ادارات یااشخاصی که صلاحیت تصدیق را دارند تصدیق شده باشد حکم اصل سند را داردمگر در مواردی که‌طرف مقابل عدم تطابق سوادرا با اصل دعوی ثابت‌نماید .

ماده ۲۹۰ — در مواردی که سواد مصدق حکم اصل سند رادارد بجای اصل اسناد پذیرفته است مگر در مواردی که قانون ابراز اصل سند را تقاضا میکنند .

ماده ۲۹۱ — اسنادی که درممالك خارجه موافق قوانین آن ممالك نوشته شده است درمحاکم عدلیه ایران اسناد قانونی شناخته میشودمادامیکه مفاد آنها مخالف باقوانین ایران نباشد مگراینکه اعتبار آنها تکذیب و بدرجه ثبوت برسد

ماده ۲۹۲ — در مورد ماده قبل اسنادیکه در ممالك خارجه نوشته شده است فقط در صورتی درمحاکم عدلیه ایران پذیرفته است که(اولا) سفارت یا قونسولگریهای ایران در خارجه تصدیق کرده باشند که اسناد مذکوره موافق قوانین مملکت متوقف فیهای‌انان نوشته شده است و (ثانیا)

مفاد اسناد مذکوره بر خلاف قوانین ایران نباشد .

ماده **۲۹۳** — دفاتر تجارتی در مورد دعوای تاجری بر تاجری در صورتیکه این دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتی حاصل شده باشد دلیل حساب میشود .

ماده **۲۹۴** — دفتر تجارتی درموارد مفصله‌ذیل دلیل محسوب نمیشود (اولا) در صورتیکه مدال شود که اوراق جدیدی بدفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد . (ثانیا) وقتی که در دفتر بعضی بی ترتیبی و اغتشاش کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد (ثالثا) وقتی که تاجر بموجب همان دفتر سابقا اقامه دعوی را درباب مطلبی نموده ومدال شده است که تادیه طلب او شده است ودر ادعای خود بیحق است . (رابعا) وقتی که بحکم محکمه صاحب دفتر ورشکسته بتقصیر اعلام شده است . (خامسا) در مواردیکه موافق قوانین تاجر مغلوب الحقوق اعلام شده است در موارد مذکوره دفتر تجارتی که بر نفع صاحب آن دلیل نمیشود بر ضرر او سندیت دارد .

ماده **۲۹۵** امضائیکه در روی نوشته یا سندی باشد برعلیه امضاکننده دلیل است .

ماده **۲۹۶** — هرگاه امضای اجرای تعهدی در خود تعهد نامه نشده

و در نوشته علیحده شده باشد آن نوشته برعلیه امضا کننده دلیل است در صورتیکه در نوشته مصرح باشد که بکدام تعهد یا معامله مربوط است

ماده **۲۹۷** — در اسناد رسمی تاریخ سند معتبر است ولی در اسناد عادی تاریخ سند فقط درباره اشخاصی معتبر است که در ترتیب آن شرکت نموده اند و همچنین در بارهٔ وراث و قایم مقام آنان . ولی سایر اشخاصی که ضرری برای خود در آن اسناد تصور مینمایند می‌توانند تاریخ سند را تردید یا تکذیب نمایند (رجوع بماده ۲۸۴ الی ۲۸۷)

ماده **۲۹۸** — اسنادی که در محکمه ابراز میشود و معتبرند ممکن است بر نفع طرف مقابل دلیل باشد در این موارد ابراز کننده سند حق ندارد از سند خود استنکاف نماید ویا از محکمه خواهش کند سند او را کان لم یکن فرض کنند

ماده **۲۹۹** — اگر در حین ترتیب ویا بعد از ترتیب یارد و بدل اسناد رسمی فیمابین چند نفر بعضی از آنان مقاوله نامه مخفیانه منعقد نمایند که نتیجه آن نسخ کلیه یا بعضی از مواد آن باشد مقاوله مذکوره فقط در حق اشخاصیکه آنرا امضا ومهر کرده اند معتبر خواهد بود و سایرین برعایت مفاد آن مجبور نمی باشند

مبحث چهارم — در اقرار

ماده **۳۰۰** — اقرار کتبی است در صورتیکه در یکی از نوشتجات که

بمحکمه داده شده است اظهار شده باشد . و شفاهی است در موردیکه در حین مذاکره در محکمه بعمل آید . در اقرار شفاهی طرفی که می‌خواهد از اقرار طرف دیگر استفاده نماید باید از محکمه خواهش کند که مخصوصا اقرار مزبور در صورت مجلس قید شود

ماده ۳۰۱ — هر گاه کسی اقرار بامری نماید که دلیل حقانیت طرف است خواستن دلیل دیگر برای ثبوت آن حق لازم نیست .

ماده ۳۰۲ — اگر محکمه از دلایل و شواهد علم حاصل کرد باقرار شخصی در حکم اقرار شفاهی است

ماده ۳۰۳ — اقرار یکی از شرکاء دلیل است فقط نسبت بشخصی که اقرار کرده و شامل سایر شرکاء نمی شود مگر اینکه بوجهی شرعی ملزم باشند

ماده ۳۰۴ — اقرارمدعی افلاس درامور راجعه باموال خودبملاحظه حفظ حقوق دیگران منشاء حکم نمیشود تا افلاس یا عدم افلاس اومعین شود

فصل نهم

در رسیدگی بصحت دلایل

مبحث اول — در مواد عمومی

ماده ۳۰۵ — رسیدگی بدلایل بخواهش یکی از متداعیین ویا بنظر

خود محکمه بعمل می‌آید . ولی محکمه وقتی برسیدگی دلایل اقدام می کند که در باب صحت آن مابین طرفین منازعه باشد

ماده ۳۰۶ — رسیدگی بدلایل در جلسه علنی محکمه بعمل می‌آید باستثنای مواردیکه موافق قانون رسیدگی را می توان بیکی از اعضای محکمه محول کرد

ماده ۳۰۷ — تاریخ ومحل رسیدگی بطرفین اطلاع داده می‌شود و منوط بمیل متداعیین است که خودشان حاضر شوند یا وکیل بفرستند

ماده ۳۰۸ — عدم حضور متداعیین بعد از اطلاع مانع از اجرای تحقیقات ورسیدگی نمیشود مگر اینکه حضور آنان برای تصدیق اصالت وهویت موضوع تحقیقات لازم باشد

ماده ۳۰۹ — درباب تحقیقات صورت مجلس مرتب وبامضای متداعیین که حضور داشته اند میرسد

ماده ۳۱۰ — هرگاه موضوع تحقیقات در حوزهٔ محکمهٔ دیگری واقع است سوادقرار محکمهٔ که مشغول رسیدگی بدعوی است بدان محکمه ارسال میشود . بعد ازوصول سواد مزبور محکمه مذکوره مکلف است که تحقیقات لازمه را بعمل آورده صورت مجلس تحقیقات خود را بمحکمهٔ که مشغول رسیدگی بدعوا است بفرستد

مبحث دوم — در معاینه محلی

ماده ۳۱۱ — محکمه میتواند بنظر خودش یابخواهش یکی ازمتداعیین برای معاینه محلی یك یا چند نفر از اعضای خود را مامور کند

ماده ۳۱۲ — درقرار محکمه راجع باجرای معاینه‌محلی محل‌وموضوع و وقت معاینه باید معین شود

ماده ۳۱۳ — صورت معاینه محلی باید نوشته شود وبامضای‌اشخاصیکه معاینه را اجرا میدارند ومتداعیین برسد . نقشه محل درصورت لزوم باید منضم بصورت مزبور شود .

ماده ۳۱۴ — صورت مذکوره درجلسه محکمه قرائت میشود وطرفین حق دارندکه توضیحات شفاهی خودشانرا بدهند ولی حق ندارنداعتراضی بکنند که بموجب معاینهٔ محلی مدلل شد و در موقع ترتیب صورت معاینه آن اعتراض را نکرده اند .

ماده ۳۱۵ — صورت معاینه محلی را نمی توان بواسطه شهودی که درحین معاینه حاضر نبودند ویا حاضر بوده واعتراضات خود را در موقع ترتیب صورت مجلس مزبور قید نکرده اند تکذیب کرد .

ماده ۳۱۶ — مخارج معاینه محلی را محکمه ازبرای هردفعه‌علیحده معین نموده بدفتر خانه محکمه اطلاع می دهد . هرگاه معاینه محلی را یك

طرف خواستار شده مخارج آن برعهده او است . واگر طرفین تقاضا کرده اند بانظر محکمه بوده است بالمناصفه برعهده طرفین است .

مبحث سوم — عقیده اهل خبره

ماده ۳۱۷ — درمواردیکه موضوع تحقیقات مطلبی است که اطلاعات مخصوصه لازم دارد محکمه می تواند بنظر خودش ویا بخواهش یکی‌از متداعیین بعقیدهٔ اهل خبره رجوع کند .

ماده ۳۱۸ — محکمه موضوع تحقیقات واشخاصی راکه برای تحقیقات انتخاب شده اند وموعد حضور آنان را درمحکمه یاجای دیگر در قرارداد خود معین می کند و در مسائلی که تحقیقات مفصله دقیقانه لازم است یکی از اعضای خودرا برای نظارت تحقیقات مزبوره مامور می کند .

ماده ۳۱۹ — اهل خبره را باید طرفین بتراضی معین کنند وهرگاه تراضی‌نشد خود محکمه بقرعه معین می کند . عدهٔ منتخبین بایدطاق‌باشد .

ماده ۳۲۰ — فقط اشخاصی باید ممیزی را قبول کنندکه بمناسبت علم یاشغل ویاکسب دارای معلوماتی که لازم است باشند وممیزین می‌توانند استعفا نموده یاقانونا مردود شوند .

ماده ۳۲۱ — در صورتی که اهل خبره به‌تراضی طرفین تعیین شده باشند ردآنان پذیرفته نمیشود . در صورتی که درتعیین اهل خبره تراضی

نشده باشد رد آنان درمدت سه روز از روز اعلام محکمه بمتداعیین راجع به تعیین اهل خبره باید اظهار شود مگراینکه جهات رد بعد معلوم شود. درصورت اخیر رد اشخاص خبرهٔ که معین شده اند باید قبل ازشروع آنان بتحقیقات بعمل آید.

ماده ۳۲۲ — هرگاه تحقیقات درخارج از محل که محکمه واقع است باید اجرا شود. محکمه می تواند تعیین اهل خبره را (درصورت عدم ترازی طرفین) بعضوی که ماموریت نظارت واجرای تحقیقات را دارد واگذار کند که در آنجا بقرعه معین کند.

ماده ۳۲۳ — اهل خبره باید عقیده خودرا باجهات آن اظهار کنند. در صورتیکه اهل خبره سواد نداشته باشند یازبان فارسی را خوب ندانند وهمچنین درموردی که موضوع تحقیقات ساده وروشن است محکمه می تواند بعقیدهٔ شفاهی آنان اکتفا کند ولی عقیده شفاهی اهل خبره دراین موارد درصورت مجلس درج و بامضای آنان میرسد.

ماده ۳۲۴ — درصورتیکه تکمیل یاتوضیح تحقیقات اهل خبره لازم شود محکمه می تواند تکمیل یاتوضیح لازم را ازآنان بخواهد و یاعقیده اشخاص خبره دیگری را که مجددا معین شده اند تحصیل کند.

ماده ۳۲۵ — در مواری که اهل خبره بعد از قبول ماموریت بدون عذر موجه حاضر نشوند ویا حاضر شده درموعد مقرر عقیدهٔ خودرا اظهار

ننمایند مستحق حق الزحمه نیستند و بجای آنان موافق قانون اشخاص دیگری انتخاب یامعین خواهند شد.

ماده ۳۲۶ — حق الزحمه اهل خبره را قبل از مباشرت آنان به تحقیقات درصورتی که متداعیین معین نکرده اند باید محکمه تعیین کند و مقدار حق الزحمه که محکمه معین می کند بسته بکمیت و کیفیت و وقت و ارزش زحمتی است که اهل خبره متحمل شده اند. قرار محکمه دراین باب باید فورا مجری شود واهل خبره نمی توانند از اینقرار محکمه شکایت نمایند.

ماده ۳۲۷ — مخارج تحقیقات را بدوا هر کدام از متداعیین که رجوع بخبره را خواهش کرده باید بپردازد. و هرگاه این اقدام را طرفین متفقا خواهش کرده اند ویا بنظر محکمه رجوع باهل خبره لازم شده است مخارج بالمناصفه بعهده طرفین است.

ماده ۳۲۸ — درصورتی که عقیده اهل خبره با اوضاع و احوال محقق و معلوم مسئله موافقت نداشته باشد محکمه متابعت آن عقیده را می نماید.

مبحث چهارم

در رسیدگی باسناد کتبی

اول — قواعد عمومی

ماده ۳۲۹ — رسیدگی باصل محاسبه و دفاتر یا در محکمه بعمل میاید یا درمحلی که اسناد کتبی درآنجااست . و این رسیدگی را میتوان در صورت لزوم بیکی از اعضاء محکمه محول کرد .

ماده ۳۳۰ — موعد رسیدگی بطرفین اطلاع داده میشود که هرگاه بخواهند حاضرباشند .

ماده ۳۳۱ — در رسیدگی بمحاسبه ذیل هر صفحه را که رسیدگی شده عضو محکمه و طرفین امضاء میکنند و هرگاه مدعی و مدعی علیه متعدد باشند از هر طرف یك نفر انتخاب و ذیل صفحه ها را امضا می کند .

ماده ۳۳۲ — بعد از ختم تحقیقات صورت مجلسی ترتیب داده و تصریح می نمایند که مواد اختلافات یا منازعه کدام است .

ماده ۳۳۳ — هر گاه صورت محاسبه و حساب ها طولانی و درهم باشد محکمه می تواند برای واضح کردن آن اهل خبره را معین کند .

ماده ۳۳۴ — هرگاه درحین ابراز سندی که بزبان غیر فارسی نوشته شده است ترجمه فارسی آن سند تقدیم می شود نظر باهمیت آن سند و مفاد آن منوط برای محکمه است که بان ترجمه اکتفا نماید و یاتحقیقات لازمه در تطابق آن با اصل بعمل آورد . ولی هرگاه طرفی که برضد او آن سند ابراز شده است این تحقیقات را بخواهد محکمه باید آنرا مجری دارد .

ماده ۳۳۵ — درمورد ماده قبل تحقیقات راجعه بترجمه اسناد کتبی یا بتوسط مترجمین عدلیه یا بتوسط خبره بعمل میاید .

دوم — رسیدگی باسناد در صورت اظهار تردید

(شك و شبهه) در اعتبار آن

ماده ۳۳۶ — هرگاه طرفی اظهار تردید در اعتبار سندی که طرف دیگر ابرازکرده بنماید یا اظهار دارد که ازصحت و سقم آن اطلاعی ندارد محکمه بترتیب ذیل رفتار خواهد کرد .

ماده ۳۳۷ — اظهار تردید باید بعد از ارائه سند طرف مقابل تا انتهای جلسهٔ اول محاکمه بعمل آید

ماده ۳۳۸ — در مقابل این اظهار تردید طرف دیگر باید درهمان

جلسه صریحا اعلام نماید که آن سند را استرداد می کند یا نه . هرگاه صاحب سند اعتراضی نکرده و یا سند خود را استرداد نمود محکمه باسناد دیگر رجوع می کند ولی این رفتار و اظهار صاحب سند دلیل بر بطلان آن نخواهد بود . هرگاه صاحب سند سند خود را استرداد نکرد باعتبار آن سند رسیدگی می شود

ماده ۳۳۹ — رسیدگی باعتبار سند از قرار تفصیل است :

۱ - تدقیق در صحت سند و تطبیق مفاد آن اسناد دیگر

۲ - تحقیقات از شهودی که در سند قید شده است و یا از شهود و اماراتیکه طرفین بشهادت آنان برای تکذیب یا ثبوت اصالت متمسك شده اند .

۳ - مطابقه خط وامضای سند متنازع فیه با خط وامضای اسنادی که اصالتشان ثابت و معتبر است .

ماده ۳۴۰ — تدقیق در صحت سند وتطبیق مفاد آن با اسناد دیگر ممکن است از طرف رئیس محکمه بعهده یکی از اعضاء محکمه واگذار شود و عضو مذکور بعد از اجرای تحقیقات ذیل سند را امضا میکند و در این مورد برای تطبیق با سند مشکوك باید اسنادی را انتخاب کرد که یا رسمی باشد و یا طرفین اصالت آن اسناد را اعتراف کرده باشند

ماده ۳۴۱ — هرگاه تراشیدگی و امثال آن در سند باشد عضو

محکمه در صورت مجلس قید و بامضای طرفین میرساند .

ماده ۳۴۲ — تدقیق خط و مهر بترتیبی بعمل میاید که در مواد (۳۵۶) الی (۳۶۳) مقرر است

سیم — در ادعای جعلیت اسناد

ماده ۳۴۳ — ادعای جعلیت اسناد را درکلیه احوال محاکمه میتوان نمود و طرفی که میخواهد ادعای جعلیت کند باید اعلام نامه مخصوصی در این باب بمحکمه بدهد هرگاه درحین جلسه این اظهار بشود درصورت مجلس محکمه قید و بامضای اظهار کننده میرسد .

ماده ۳۴۴ — نسخه ثانوی اعلام نامه مدعی جعلیت و یا سوادصورت مجلس بخود طرف مقابل یا موکل او در صورتیکه وکیل وکالت جواب چنین اعلام نامهٔ را داشته باشد ابلاغ میشود . و مشار الیه مکلف است که در ظرف یك هفته صریحا جوابی که دارد بدهد .

ماده ۳۴۵ — در صورتیکه در سر وعده جواب طرف مقابل نرسید ویا جوابی برسد که مشعر بر استرداد سند باشد محکمه آن سند را از عداد دلایل صاحب سند خارج کرده بموجب دلایل دیگر اگر موجود باشد رسیدگی می کند

ماده ۳۴۶ — در صورتیکه طرف مقابل اعتراض نموده بخواهدازسند

خود استفاده کند مضمون آن بمدعی جعلیت ابلاغ ودر ظرف یك هفته مشار الیه باید دلایل خود را کتبا بمحکمه تقدیم کند . هرگاه مدعی جعلیت در ادعای خود باقی‌ماند محکمه بخواهش او قرار رسیدگی بادعای جعلیت را می دهد

ماده ۳۴۷ — قرار محکمه در باب رسیدگی با دلایل مدعی جعلیت بطرف ابلاغ میشود . ومشار الیه مکلف است که در ظرف یك هفته ازروز ابلاغ اعتراض‌خود را با دلایل بمحکمه تقدیم کند واصل سندی راکه موضوع ادعای جعلیت است در ظرف سه روز ازتاریخ اعلام قرار مذکوربمحکمه تسلیم نماید والا محکمه میتواند بخواهش مدعی جعلیت سند مذکور را از جزو دلایل طرف خارج نماید

ماده ۳۴۸ — محکمه بعد از وصول اعتراض طرف مقابل تحقیقات لازمه را بطوریکه در رسیدگی باصالت اسناد و تدقیق و مهر قانونا مقرر است بعمل می‌آورد وهرگاه رجوع باهل خبره وتحقیقات ازشهود ومطلعین لازم شود محکمه وظایف خود را موافق قوانین مقرره مجری میدارد و نتیجه تحقیقات در جلسه محکمه قرائت و پس از استماع مذاکرات شفاهی طرفین واظهار عقیده مدعی العموم محکمه قرار لازم را در باب عدم جعلیت ویا جعلیت سند داده و در صورت اخیر سند جعلی را ازعداد دلایل صاحب سند خارج مینماید

ماده ۳۴۹ — شخصی که ادعای جعلیت سندی را نموده و در موعد مقرر بدون عذر صحیح دلایل خود را بمحکمه تقدیم ننموده و یاتقدیم نموده ولی‌محکمه ادعای او را بی‌مدرك وماخذ دانسته محکوم است‌بمجازاتی که ازبرای مفتری معین شده است

ماده ۳۵۰ — در صورتیکه بعد از اجرای تحقیقات محکمه جعلیت سند ثابت شود بدون اینکه جاعل آن معلوم باشد . و همچنین در موردیکه مدعی جعلیت شخص معینی راکه درحال حیات است بساختن آن‌سند متهم سازد محکمه حقوق سند مزبور را با اوراق راجعه بمسئله جعلیت قزدمدعی عمومی میفرستد . ودرصورت اخری (اتهام شخص بساختن سندی) محکمه حقوق رسیدگی بکار را توقیف نموده منتظر ختم عمل در محکمه جزا میشود . ویابخواهش یکی از متداعیین رسیدگی کاررا تااندازهٔ که مربوط بسند متنازع فیه وادعای جعلیت نیست دنبال کرده باتمام میرساند

ماده ۳۵۱ — هرگاه بواسطه اتهام‌شخصی‌بساختن سندی کار بتوسط مدعی عمومی بمحکمه جزا ارجاع شد و محکمه جزا حکم برائت متهم را صادر و قراری در باب جعلیت یا اصالت سند تداد بخواهش یکی ازمتداعیین محکمه حقوق می تواند اجرای تحقیقات را در باب سند نموده وقرار رد یا قبول آنرا بدهد

ماده ۳۵۲ — در حکمی که محکمه در باب جعلیت اسناد می‌دهد باید

تکلیف اسناد و نوشتجات راجعهٔ بادعای جعلیت معین شود . هر گاه وجود اسناد ونوشتجات مزبوره در دفتر خانه محکمه دیگر لزومی نداشته باشد محکمه قرار اعاده آنها را بصاحبان آنها از مدعیین و مطلعین و غیره میدهد واسنادی که ادعای جعلیت بانها شده ولی بجعلیت آنها حکم صادر نشده است نیز بصاحبان اسناد رد میشود . وهمچنین اسنادی که ازادارات خواسته شده است ویا در یکی از تاسیسات عمومی امانت باشد بخود آنها مسترد میشود . و اسنادی که جعلیت آنها ثابت شده در حضور محکمه و مدعی العموم ابطال ودر دفتر خانه محکمه ضبط میشود

ماده **۳۵۳** — در کلیه موارد مذکوره در ماده قبل اعاده اسناد و نوشتجات فقط وقتی بعمل میاید که حکم محکمه در آن باب قطعی شودمگر اینکه بواسطه تقاضای ادارات یا تاسیسات عمومی صدور حکم مخصوصی در باب استرداد لازم شود

ماده **۳۵۴** — هیچکدام از اعضاء و منشی های محاکم حق ندارند از اسناد ونوشتجاتی که ادعای جعلیت بانها شده است سوادی بکسی بدهند مگر بحکم محکمه ولی از نوشتجاتیکه ادعای جعلیت نسبت بانها نشده است منشی محکمه برضایت طرفین می تواند سوادی بانان بدهد

ماده **۳۵۵** — هر گاه منشی های محاکم از مفاد ماده قبل تخلف ورزند اولا - از شغل خودشان منفصل خواهد شد ثانیا - از بیست الی

چهل تومان از مقرری آنان کسر خواهد شد

چهارم — درتدقیق خط و مهر
در مورد اظهار تردید وادعای جعلیت

ماده **۳۵۶** — هر گاه کسی که خط ومهر یا و اسناد داده شده در حال حیوة است از او مطالبه می شود که مجددا چیزی بخط خود بنویسد تا تطبیق نمایند . و در این باب و در خود خط ومهر نهایت تدقیق بعمل می آورند .

ماده **۳۵۷** — هر گاه خط ومهر یکی اسناد داده شده است که فوت شده و ورثه منوفی تکذیب یا اظهار تردیدی یا بی اطلاعی نمایند ترتیب تدقیق آنست که سه نفر از اهل خبره بتراضی طرفین معین می شوند ودر صورت عدم تراضی محکمه بقرعه معین می کند که در تحت نظارت عضو محکمه بسند متنازع فیه رسیدگی شود . و مراتب در صورت مجلس قید و بامضای طرفین میرسد .

ماده **۳۵۸** — اگر درنزد شخصی که مهر یاخط خودرا انکارمیکند نوشتهٔ ازنوشتجات مشروحهٔ درماده بعد پیدا شود باخط و مهر او مقایسه و تطبیق می شود و اگر پیدا نشد منکر را مجبور بکتابت می نمایند تاخطی را که انکار کرده باخط جدید مطابقه شود .

ماده ۳۵۹ — هرگاه طرفین در نوشتجاتی که اساس تطبیق ومعاینهٔ اسناد می شود ومتفق نشدند نوشتجات ذیل را مامور محکمه ماخذ معاینه و تطبیق قرار می دهد :

۱ - نوشتجاتی که دارای مهر یا امضای مصدق در حضور محکمه یا مباشرت ثبت اسناد می باشدویا آنهائی که راجع بدعاوی بوده ودرحضور محکمه ممضی و ممهور شده اند .

۲ - بعضی نوشتجات رسمیهٔ که منکر درموقع دیگری نوشته باشد .

۳ - اسناد عادیه که منکر سابقا اقرار و اعتراف کرده باشد باینکه آن اسناد بخط ومهر اوست .

تبصره — خط ومهر اسنادی راکه منکر انکار می کند اساس تطبیق نمی‌توان قرار داد .

ماده ۳۶۰ — اگر اوراق و نوشتجاتی که باید تطبیق شود دریکی از ادارات باشد در موارد ادعای جعلیت باید اوراق مذکوره را بمحل تطبیق بیاورند ادارات دولتی بقید مسؤلیت مکلفند که حکم محکمه را در این باب مجری دارند و الا مدعی جعلیت که از عدم اجرای حکم محکمه متضرر شده است حق دارد ادعای خسارت را از ادارات بنماید .

ماده ۳۶۱ — اگر حمل اوراق مذکوره ممکن نباشد ویا دارندهٔ آنها درشهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد محکمه بموجب راپورت عضو

محکمه حکمی می‌تواند صادر کند که بموجب آن تدقیق خط ومهر درمحلی که نوشتجات و اوراق مذکوره واقع است بعمل آید .

ماده ۳۶۲ — اشخاصی که نوشته شدن سند متنازع فیه و یا مهر و امضا شدن سند مزبور را دیده اند و همچنین اشخاصی که در بعضی اتفاقا مطلعند و از اطلاعات آنان میتوان حقیقت مسئله را کشف نمود احضار شده اظهارات آنان بعد از دادن التزام در صحت شهادت استماع و سند مذکوره بانان ارائه و کلیه اظهارات آنان در صورت مجلس قید شده بامضای آنان میرسد .

ماده ۳۶۳ — پس از تدقیقات و رسیدگی در خصوص صحت و سقم خط تکذیب شده یاتردید شده لایحهٔ متضمن مراتب رسیدگی ونتیجه آن از طرف عضو محکمه و اهل خبره نوشته و امضا شده با اسناد متنازع فیها بمحکمه تقدیم می شود ومحکمه درحضور طرفین لایحه مزبوره را قرائت و بعد از مذاکرات طرفین قرار لازم در باب اعتبار اسناد متنازع فیها یا عدم اعتبار می دهد .

فصل دهم

در اظهارات و تقاضا های اتفاقی

مبحث اول

در ایرادات

ماده ۳٦٤ ــ مدعی علیه که بمحکمه احضار شده است میتواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهد در موارد مفصله ذیل ایراد نماید :

(۱) وقتیکه دعوای راجع بمحکمه دیگری است

(۲) وقتیکه در همان محکمه یا محکمه دیگری همان مسئله ما بین همان اشخاص در تحت رسیدگی است و یا اگر همان مسئله نیست مسئله ایست که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد

(۳) در موردی که ادعای مدعی کاملا راجع به مدعی علیه دیگری است .

(٤) در صورتی که شخصی که اقامهٔ دعوا کرده صلاحیت آن را ندارد .

(٥) در صورتی که وکیل طرف مقابل وکالت از موکل خود نداشته باشد .

ماده ۳٦٥ ــ در مورد فقره پنجم ماده قبل حق ایراد را مدعی هم دارد .

ماده ۳٦٦ ــ نقض قوانین راجعهٔ بترتیب صورت عرضحال باعث نمیشود که مدعی علیه از دادن جواب امتناع نماید .

ماده ۳٦۷ ــ در فقره اول و چهارم و پنجم ماده (۳٦٤) خود محکمه هم مکلف است قطع نظر از اینکه ایراد از طرف متداعیین شده یا نشده از رسیدگی بدعوی امتناع نماید .

ماده ۳٦۸ ــ خواه مدعی علیه ایرادات مذکوره در ماده (۳٦٤) را در ضمن جواب کتبی که بادعای مدعی میدهد درج کند خواه علیحده محکمه مکلف است که بدوا قبل از رسیدگی بماهیت دعوا بایرادی که شده است علیحده رسیدگی کرده قراری بدهد .

ماده ۳٦۹ ــ قرار محکمه درباب قبول ایراد قابل شکایت است و میتوان قبل از استیناف حکم محکمه درباب ماهیت دعوا قرار مذکور را استیناف نمود قرار محکمه را در باب رد ایراد فقط در موردی میتوان قبل از صدور حکم در اصل دعوا استیناف نمود که ایراد راجع بصلاحیت محکمه باشد موعد این شکایت ازروز اعلام قرار محکمه یك هفته است و بنظر محکمه است که نسبت باوضاع و احوال کار بمحاکمه اصل دعوا مداومت نماید و یا آنرا تا صدور حکم محکمه استیناف توقیف کند .

ماده ۳۷۰ ــ درمواردی که مدعی علیه ایرادات مفصله ذیل رابنماید حق ندارد از محکمه بخواهد که بایرادات او علیحده از ماهیت دعوا

رسیدگی شود .

۱ - ایراداتیکه مدعی حق اقامه دعوی را ندارد .

۲ - ایراداتیکه حق دعوا قبل از اقامهٔ آن بواسطهٔ تادیه مدعی به یااجرای قرار داد یا تعهد یا بواسطهٔ صدور حکم محکمهٔ عدلیه یا مصالحه و امثال آن ساقط شده است .

مبحث دویم

در تامین مدعی به

اول — قواعد عمومی

ماده ۳۷۱ — تامین مدعابه را میتوان در ابتدای دعوا یا در حین محاکمه درخواست نمود .

ماده ۳۷۲ — درخواست تامین مدعابه را درابتدای دعوا درصورتی محکمه می پذیرد که بداند عدم قبول آن باعث تضییع حقوق مدعی در آتیه خواهد شد .

ماده ۳۷۳ — در صورتیکه محکمه در خواست تامین مدعی به را که در عرضحال شده است رد نماید مدعی میتواند در حین محاکمه از نو درخواست مزبور را بنماید .

ماده ۳۷٤ — درخواست تامین را فقط در ادعائی میتوان نمود که

قیمت یا عین مدعی به آن معین باشد .

ماده ۳۷۵ — قبول یا رد در خواست تامین مدعی به منوط بنظر محکمه است مگر درصورتیکه ادعای مدعی مبنی براسناد رسمی و امارات صدق و یا مدعی به در معرض تضییع باشد .

ماده ۳۷٦ — قرار محکمه رادر باب درخواست تامین میتوان علیحده از استیناف اصل دعوا استیناف نمود . شکایت از قبول تامین باعث تعویق اجرای آن نمیشود ولی شکایت از قرار محکمه در باب موقوفی حکمی که درباب تامین صادر شده بود باعث تعویق اجرای آن میشود و تامین بحالت خود باقی میماند .

ماده ۳۷۷ — تامین مدعی به را رئیس محکمه با حضور دو نفر عضو محکمه میتواند اجازه بدهد در صورتیکه درخواست آن وقتی شده است که محکمه جلسه ندارد و بنظر رئیس محکمه اقدام تامین تاخیر پذیر نیست .

ماده ۳۷۸ — درصورت ماده قبل رئیس محکمه حکمی بعنوان دایره اجرا صادر میکند که مثل احکام محاکم بموقع اجرا گذارده میشود . ولی رئیس محکمه مکلف است که در اولین جلسه محکمه اقدام خودش را بمحکمه اعلام نماید و تصدیق یا تغییر حکم رئیس منوط بقرار محکمه است .

ماده ۳۷۹ — در صورتیکه مدعی علیه بموجب حکم قطعی عدلیه بری الذمه بشود حق خواهد داشت خساراتی راکه باو از تامین مدعی به تعلق گرفته است از مدعی مطالبه کند .

دوم - اقسام تامین مدعی به

ماده ۳۸۰ — اقسام تامین مدعی به از قرار تفصیل است . توقیف اموال غیر منقوله مدعی علیه توقیف اموال منقوله و دادن ضامن و در صورت عدم امکان اقسام مذکوره دادن کفیل .

تبصره - مالی که درخواست تامین آن شده باید از مستثنیات دین نباشد

ماده ۳۸۱ -- مدعی باید در حین استدعای تامین قیمت آنرا نیز معین کند .

ماده ۳۸۲ -- اموال غیر منقوله که توقیف می شود باید متناسب باشد با مبلغ مدعی به و مدعی به و مدعی باید درحین در خواست تامین صریحا قید کند که کدام مال غیر منقول مدعی علیه را میتوان توقیف نمود .

ماده ۳۸۳ -- هرگاه اجرای قسمی ازاقسام تامین برای ادعای مدعی کافی نباشد نظر بمقدار مدعی به میتوان کلیه اقسام را اجرا نمود .

ماده ۳۸۴ — درموقع تامین توقف غیر مدعی به ازاموال مدعی علیه

جایز نیست مگر درصورتیکه توقیف عین مدعی به ممکن نباشد .

ماده ۳۸۵ — هرگاه ملکی که عین مدعی به توقیف شود مدعی علیه حق ندارد محصولات آن را تصرف کند یا اشجار آن را بیندازد مگر باندازه که برای حفظ خود ملك از خرابی لازم است ودر این مورد محکمه می تواند بخواهش مدعی بمتداعیین اجازه نظارت نسبت بمحصولات و کلیه اشجار واقعهٔ درملك بدهد .

ماده ۳۸۶ — درخواست مدعی علیه را درباب تغییر قسمی از تامین بقسمی دیگر یا مالی بمال دیگر در صورتی محکمه می تواند قبول نماید که مدعی راضی باشد باستثناء دو مورد ذیل که رضایت مدعی لازم است .

۱ - هرگاه مدعی علیه ثابت نماید که تامینی که تکلیف می کند معادل تامین سابق است وبرقراری تامین سابق اورا تضییق می نماید .

۲ - درصورتی که مدعی علیه درعوض اقسام مذکوره در ماده (۳۸۰) بقدر کفایت وجه نقد یا اسناد معتبره به نرخ روز تامین بدهد .

سوم — در ترتیب توقیف اموال غیر منقوله

ماده ۳۸۷ — حکم کتبی محکمه درباب توقیف بادارهٔ ثبت اسناد ارسال و در آن صریحا اسم و اسم پدر ولقب و شغل مدعی علیه و

موضوع ادعا و مقدار مدعی‌به واسم ملك توقیف شده قید می شود حکم مذکور توسط دایرهٔ ثبت اسناد بدایرهٔ اجرا فرستاده می شود .

ماده ۳۸۸ — مدعی می تواند سواد این اقرار را هرچند نسخهٔ که لازم باشد برای ارائه به‌مقامات رسمی ازمحکمه بخواهد ومادام که قرار محکمه در اعتبار خود باقی است سواد های مزبوره حکم اصل قرار محکمه را دارد .

ماده ۳۸۹ — بعد اززوال جهت توقیف رفع آن نیز بموجب حکم کتبی محکمه که بادارهٔ ثبت اسناد ارسال می شود بعمل می آید ومدعی علیه حق گرفتن سواد را بطوریکه درماده قبل مصرح است دارد اعتبار سواد همان است که درآن ماده قید شده .

ماده ۳۹۰ — مخارج تحصیل حکم کتبی محکمه درتوقیف و رفع آن و مخارج سواد حکم مذکور و مخارج ادارهٔ ثبت اسناد موافق تعرفه است که قانونا مصرح است

چهارم — ترتیب توقیف اموال منقوله

ماده ۳۹۱ — اموال منقوله مدعی‌علیه در محل خود توقیف میشود توقیف اموالی که ضایع شدنی است ممنوع است

ماده ۳۹۲ — در ضمن درخواست توقیف مدعی باید معین کند که

کدام مال باید توقیف شود و نزد کی است ودر کجا واقع است و نکات مذکوره در حکم کتبی محکمه نیز باید صریحا قید شود

ماده ۳۹۳ — توقیف اموال منقوله به ترتیبی باید بعمل آید که قانون اجرای احکام عدلیه معین کرده است

ماده ۳۹۴ — بعد از اینکه صورتی از اموال توقیف شده بر داشته شد باید در همانجا که واقع است مهر وموم شده و از صاحب آن اموال التزام حفظ آن اموال گرفته شود ودر صورت تفریط مجازات صاحب‌اموال بطوری است که در قانون اجرای احکام عدلیه مقرر است

ماده ۳۹۵ — هرگاه صاحب اموال از دادن التزام امتناع نماید اموال مزبوره به شخص دیگری بطوری که قانون اجرای احکام عدلیه معین می کند سپرده خواهد شد

ماده ۳۹۶ — هرگاه اموال منقوله یا وجوه نقدی که باید توقیف‌شود در نزد شخص ثالثی باشد ورقه اجرائیه در باب توقیف آن بشخص ثالث ابلاغ وقبض رسید دریافت میشود ومراتب را فورا بمدعی علیه نیز اعلام مینمایند سایر اقدامات در این باب به‌ترتیبی است که درقانون اجرای‌احکام عدلیه مقرر است

پنجم — در باب ضمانت

ماده ۳۹۷ — برای تامین مدعی به ممکن است یك یا چند نفر ضامن

بشوند در صورتیکه ضامن یك نفر نباشد هر کدام از آنان باید صریحاً قید کنند که چه مقدار از مدعی به را تضمین مینمایند

ماده ۳۹۸ — ضامن میتواند فقط ضمانت تادیه وجه را بنماید یعنی قید نماید که در صورت ثبوت مدعی به بر عهده من است که فلان مبلغ را بپردازم ویا صریحا ضمانت تادیه فوری وجه را نماید ضمانت اولی را ضمانت مقید ودومی را ضمانت مطلق یا کامل نامند

ماده ۳۹۹ — ضمانت اشخاص مفصله ذیل قبول نمیشود .

(۱) اعضاء محاکم و ادارهٔ مدعی العموم .

(۲) وکلای رسمی عدلیه برای موکلین خود .

(۳) کلیه اشخاصی که بموجب قانون قرار داد یا تعهدی رانداردند

(٤) مفلسین

مادهٔ ٤۰۰ — قبول ضمانت راجع به محکمهٔ است که قرار تامین مدعی به را داده است .

ماده ٤۰۱ — مدعی علیه در عوض خود ضامن میدهد یا باید ضامنها را شخصا در محکمه حاضر کند ویاضمانت نامه بخط ومهر و امضای خود آنان که در اداره ثبت اسناد تصدیق شده به محکمه تقدیم کند درهردو مورد مدعی علیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی استطاعت ضامنهای

خودرا در محکمه ثابت کند

ماده ٤۰۲ — رئیس محکمه بعد ازحاضر شدن ضامن یاوصول ضمانت نامه بخط و مهر ضامن روزی را معین میکند و طرفین در جلسه محکمه حاضر شده در باب پذیرفتن ضامن مذاکره نمایند :

ماده ٤۰۳ — محکمه از ضامنی که حاضر شده اطلاعات لازمه را در باب عایدات و محل اقامت وشغل واوضاع و احوالی که بموجب ماده (۳۹۹) میتواند مانع ضمانت او بشود از او بخواهد :

ماده ٤۰٤ — در موردی که مدعی در روز معین حاضر نشود محکمه میتواند ضمانتی را که برای کلیه مدعی به یا قسمتی از آن کافی است قبول کند :

ماده ٤۰۵ — ضمانت ضامنی که خودش درمحکمه حاضر شده درصورت مجلس قید و باامضای او میرسد واین تصدیق صورت مجلس همان اثرضمانت نامه را دارا که باخط و مهر و امضای ضامن باشد

ماده ٤۰٦ — هرگاه حکم قطعی محکمه‌را محکوم علیه مجری‌نداشت ضامن کامل مکلف است که بعد از ابلاغ ورقه اجرائیه مبلغی را که‌ضمانت کرده است فورا بپردازد ولی ضامن مقید در صورتی مسئول است که دارائی محکوم علیه کفایت تادیه محکوم به را ننماید یا محکوم علیه از اداء امتناع نماید .

ماده ۴۰۷ -- قبل ازصدور حکم قطعی مدعی بهیچوجه حق ندارد تادیه مدعی به را از ضامن بخواهد ولی بعد ازصدور حکم مذکور مدعی میتواند توقیف مال ضامن کامل را باندازهٔ که ضمانت کرده است موقتا تاوقتی که محکوم به اداء نشده است بخواهد .

مبحث سوم

در جلب شخص ثالث

ماده ۴۰۸ — مدعی علیه در صورتی که خود را محق به جلب شخص ثالثی به محکمه دانسته خواستارآن بشود باید عرضحال در اینباب به محکمه قبل از موعدی که برای حضور او در محکمه معین شده است بدهد .

ماده ۴۰۹ — مدعی نیز در صورتیکه بخواهد برای جواب باعتراض مدعی علیه شخص ثالثی را به محکمه جلب کند میتواند در جلسه اول محکمه این اظهار را بنماید ولی عرضحال خود را دراین باب باید لااقل فردای آن روز بدهد .

ماده ۴۱۰ — باید در عرض حال اسم وشهرت وشغل ومحل اقامت شخص ثالث وجهة جلب او به محکمه صریحا قید شود

ماده ۴۱۱ — محکمه یك نسخه از سواد عرض حال راجع به جلب

شخص ثالث را به مشار الیه ودیگری بطرف مقابل از متداعیین ابلاغ می نماید

ماده ۴۱۲ — بعد از وصول عرضحال برئیس محکمه مشارالیه نظر به محل اقامت شخص ثالث وطبیعت کار موعدی را برای حضور او معین می کند واگر جلسه محکمه معین شده باشد آن را تغییر میدهد

ماده ۴۱۳ — هرگاه یکی از متداعیین درباب شخص ثالث اعتراضی نماید محکمه باید بعد از رسیدگی باظهارات طرفین قرارلازم را بدهد

ماده ۴۱۴ — هرگاه شخص ثالث حاضر نشد محکمه رسیدگی را تعقیب می کند در این صورت ودر صورتیکه شخص ثالث جواب داده از حضور خود استنکاف ورزد طرفی که جلب شخص ثالث را خواستار شده است میتواند از محکمه نامین مدعی به را نسبت بشخص ثالث بخواهد

ماده ۴۱۵ — شخص ثالث درصورتیکه حاضر شد مجاز است که تمام نوشتجات کار را که دردفترخانه محکمه است ملاحظه نماید وتوضیحات کتبی بدهد و در تمام مذاکرات شفاهی شرکت نماید .

ماده ۴۱۶ — مخارج احضار شخص ثالث بعهدهٔ کسی است که جلب اورا خواستار شده است ولی اگر شخص ثالث حاضر نشد طرفی که خواستار جلب او شده بود بعد ازختم دعوای اصلی می تواند اقامه دعوی بر او نماید .

مبحث چهارم

دخول شخص ثالث بدعوا

ماده ۴۱۷ — هرگاه شخص ثالثی بملاحظه نفعی که برای او ازمحق شدن یکی ازمتداعیین حاصل است بخواهد دردعوائی شرکت نماید میتواند در هر مرحلهٔ از مراحل کار عرضحال داده اظهار نماید که با کدام یك از متداعیین میخواهد شرکت نماید و سواد عرضحال شخص ثالث به متداعیین ابلاغ میشود .

ماده ۴۱۸ — ازقرار محکمه که راجع به رد یاقبول عرضحال مذکوره در ماده قبل صادر می‌شود متداعیین وشخص ثالث میتوانند قبل ازاستیناف اصل دعوا شکایت نمایند .

ماده ۴۱۹ — هرگاه دخالت‌شخص ثالث مربوط به محق شدن مدعی یا مدعی علیه نبوده و مقصود از دخالت او اظهار حق است مستقلا نسبت بمالی که موضوع دعوا ما بین متداعیین است باید در عرضحال صریحا قید شود که طرف او یکی از متداعیین است یا هر دو طرف و تمام جهات و دلایل را ذکر نماید .

ماده ۴۲۰ — ترتیبات رسیدگی در موارد دخول شخص ثالث همان است که کلیه برای رسیدگی به دعاوی مقرر است و عرض حال را باید

خود شخص ثالث یا وکیل ثابت‌الوکاله اش بدهد و سواد آن به متداعیین ابلاغ شود .

مبحث پنجم

در رد حکام عدلیه

ماده ۴۲۱ — حکام عدلیه در موارد مفصله ذیل باید از رسیدگی امتناع نمایند و متداعیین نیز حق خواهند داشت آنها را رد کنند .

(۱) وقتیکه خود حاکم یا عیال او یا اشخاصیکه با حاکم قرابت نسبی تا درجه سوم دارند و همچنین اشخاصی که با مشار الیه قرابت سببی تا درجه سوم دارند یا محاکمه راجع به خدمه حاکم است .

(۲) وقتیکه حاکم یا عیال او وارث یکی ازمتداعیین است و یا با یکی از متداعیین دعوا دارد .

(۳) وقتی که حاکم قیم یا ولی یکی از متداعیین است یا کفیل امور او است و یا آنکه یکی از متداعیین مباشر امور حاکم است .

ماده ۴۲۲ — امتناع حاکم از رسیدگی یا رد او باید لا اقل در جلسه اول رسیدگی بعمل آید مگر آنکه جهت رد حاکم درحین محاکمه حادث شود .

ماده ۴۲۳ — اظهار رد باید کتبی باشد و یا شفاهی اظهار شفاهی در صورت مجلس قید و بامضای اظهار کننده میرسد در اظهار رد باید جهات

آن با دلایل ذکر شود .

ماده ۴۲۴ — خواهش رد به محکمه ابلاغ و محکمه مکلف است که لا اقل تا جلسه دیگر جواب بدهد هرگاه جواب مذکور بدون عذر موجه بیش از مدت معینه به تعویق افتد دلیل بر اعتراف حاکم مردود خواهد بود .

ماده ۴۲۵ — جواب حاکمی که رد را قبول نکرده است بی‌حضور او در جلسه مشاوره (سری) محکمه با حضور مدعی العموم مطرح مذاقه می شود .

ماده ۴۲۶ — قرار محکمه در باب قبول رد حاکم قطعی است وقابل شکایت نیست ولی قرار محکمه در باب عدم پذیرفتن رد قابل شکایت است قبل از استیناف حکم در اصل دعوا .

ماده ۴۲۷ — شکایت نامه به محکمه که قرار داده است در ظرف سه روز از اعلام قرار مزبور داده می شود و محکمه مکلف است که شکایت نامه را بلا تاخیر به محکمهٔ عالی با استخراج از صورت مجلس و منضمات آن و سواد قرار محکمه بفرستد مادام که محکمه عالی در باب شکایت رای نداده است حاکم مردود نمی تواند در همان کار رسیدگی نماید .

ماده ۴۲۸ — هر گاه چند نفر از اعضاء محکمه رد شوند و عده باقی مانده برای رسیدگی کافی نباشد رسیدگی توقیف شده اظهار رد و جواب های اعضاء مردوده به محکمه عالی فرستاده میشود که تکلیف را معین کنند و محکمه عالی در صورتیکه خواهش رد را قبول کرد برای تکمیل عده اشخاصی که موافق قانون تشکیلات صلاحیت دارند قایم مقام معین می کنند و یا آن کار را بمحکمه دیگری در همان درجه باشد محول می کند .

ماده ۴۲۹ — در محکمه تمیز در صورتیکه دارای بیش از یك شعبه باشد به مسائل راجعه به رد و امتناع حکام عدلیه در مجلس عمومی رسیدگی میشود .

مبحث ششم — درتوقیف وتعقیب و بطلان محاکمه

ماده ۴۳۰ — توقیف محاکمه درموارد مفصله ذیل بعمل می آید :

۱ - برضایت اصحاب دعوا .

۲ - درصورت فوت یاجنون یامحجوب الحقوق شدن یکی از متداعیین ویا وکیل یکی از آنان .

ماده ۴۳۱ — درموارد فقره دوم ماده قبل در صورتی که محاکمه بدرجه صدور حکم رسیده باشد یعنی مذاکرات شفاهی طرفین ختم شده

باشد محکمه می تواند عقیده مدعی العموم را در مواردی که قانون تقاضا می کند شنیده حکم بدهد .

ماده ۴۳۲ درصورتی که توقیف محاکمه برضایت اصحاب دعوا شده باشد طرفین باید همان وقت بمحکمه اعلام نمایند که کدام یك از آنان مخارج محاکمه را بعهده میگیرند .

ماده ۴۳۳ — هر گاه یکی از متداعیین ازبابت مخارج محاکمهٔ مفروض محکمه باشد در صورت توقیف محاکمه فورا حکم بتادیه مخارج مزبوره می شود بدون آنکه محکمه منتظر تعقیب محاکمه (بعد از توقیف) بشود

ماده ۴۳۴ — درموقع عزیمت یکی ازمتداعیین بمحل ماموریت نظامی یاماموریت دولتی یامسافرت عادی محاکمه توقیف نمیشود و محکمه فقط مهلت کافی بعازم مسافرت یاماموریت برای تعیین وکیل میدهد .

ماده ۴۳۵ — درصورت توقیف محاکمه محکمه می تواند بخواهش یکی از اصحاب دعوا مدعی به را موافق قانون تامین نماید .

ماده ۴۳۶ — تعقیب محاکمه بعد از توقیف بارضایت متداعیین و وبخواهش یکی ازآنان بعمل می آید ودرصورت آخری باید عارض کتبا خواهش تعقیب محاکمه را نموده از محکمه احضار طرف را بخواهد .

ماده ۴۳۷ — تعقیب محاکمه درهمان محکمه بعمل می آید که توقیف شده است .

ماده ۴۳۸ — هر گاه محاکمه توقیف شده ودر مدت یك سال ازتاریخ توقیف خواهش تعقیب محاکمه نشود آن محاکمه کان لم یکن فرض خواهد شد وبرای تجدید محاکمه عارض باید عرضحال مجدد بدهد .

ماده ۴۳۹ — هر گاه دردوسیه محاکمه توقیف شده اقرار واعترافات طرف و اطلاعات مطلعین ضبط شده باشد و بعد در حین محاکمه مجددا اشخاص مذکوره (مطلعین) در حال حیات نباشند متداعیین می توانند در محاکمه مجدد از دوسیه محاکمه توقیف شده استفاده نمایند .

فصل یازدهم

در حکم

مبحث اول

در صدور حکم

ماده ۴۴۰ — بعد از ختم مذاکره شفاهی متداعیین و اظهار عقیده مدعی العموم محکمه هر گاه بتواند فورا رای می دهد والا رئیس و اعضاء باطاق مخصوص رفته بعد از مشاوره در امریکه موضوع محاکمه اظهار علم خودشان را می نمایند .

ماده ٤٤١ — انتخاذ رای باین ترتیب بعمل می‌آید که رئیس محکمه اول ازرای کوچکترین عضو محکمه از حیث مقام شروع کرده بعد از همه رای خود را اظهار می نماید .

ماده ٤٤٢ — رای محکمه باکثریت آراء اعضاء آن معلوم میشود .

ماده ٤٤٣ — رای محکمه باید کتبا نوشته شده بامضای رئیس واعضای محکمه برسد واین رای کتبی در جلسه علنی محکمه باید قرائت شود ولو اینکه مذاکره شفاهی طرفین درجلسه سری بعمل آمده باشد محکمه بعد ازامضاء رای کتبی حق تغییر آن را ندارد .

ماده ٤٤٤ — در رای کتبی باید نکات مفصله قید شود :

۱ - تاریخ جلسه محکمه .

۲ - اسم وشهرت اعضاء محکمه که رای داده اند ومدعی العموم که عقیده خودرا اظهار داشته .

۳ - اسم وشهرت مدعی ومدعی علیه .

٤ - موضوع دعوی و جهات و دلایل حکم وتصریح اجرای موقت در صورتی که در آن باب رای داده شده باشد و همچنین تصریح اینکه مخارج محاکمه برعهده کیست .

ماده ٤٤٥ — در امور غامضه که مشاوره طولانی لازم داشته باشد

هیئت حاکمه می تواند دادن رای را تاجلسه دیگر که نهایت آن پنج روز است بتاخیر اندازد ولی رئیس محکمه مکلف است که این نکته را درجلسه علنی محکمه اعلام کند .

ماده ٤٤٦ — بعد ازقرائت رای کتبی محاکمه رئیس روزی را معین می کند که حکم محکمه نوشته شده برای قرائت بطرفین داده شود و آن روز قانونا روز اعلام حکم محسوب میشود .

ماده ٤٤٧ — حکم محکمه باید درظرف پنج روز از اعلام رای کتبی انشاء وبامضای رئیس واعضاء ومنشی محکمه برسد .

ماده ٤٤٨ — رای محکمه یا راجع بماهیت دعوا است کلیتا ویابه بعضی مسائل در حین رسیدگی بدعوا حادث ومطرح میشود رای محکمه در صورت اولی حکم ودر صورت ثانوی قرار نامیده میشود

ماده ٤٤٩ — احکام وقرار های محکمه‌را یکی از اعضا که در وقت دادن رای جزو اکثریت بوده بانتخاب رئیس انشاء می کند درحکم باید علاوه بر رای کتبی نکات مفصله تصریح شده باشد

۱ - تقاضای مدعیین وعقیده مدعی العموم (در صورتیکه اظهار عقیده نموده)

۲ - دلائل محکمه که مدرک حکم است

ماده ۴۵۰ — بعد از اینکه حکم تهیه شد طرفین میتوانند آن رادر دفتر خانه محکمه قرائت نموده وسوادی ازآن یا از صورت مجلس واعلانات و احکامات محکمه راجع به آن حکم بگیرند

ماده ۴۵۱ — بجای سواد طرفین حق دارند که خلاصه حکم را که عبارت از رای کتبی محکمه وملاحظاتی که مبنای رای محکمه بوده بخواهند سواد ها وخلاصه احکام بامضای رئیس محکمه ومنشی میرسد

ماده ۴۵۲ — هرگاه منشی (دفتر دار) قبل از اینکه حکم موافق قانون بامضاء برسد سواد آن را بکسی بدهد از شغل خود معزول وبخدمت دولتی قبول نخواهد شد

ماده ۴۵۳ — هرگاه مدعی های عمومی بعد از مداقه در اصل احکام ملاحظه کنند که برخلاف قوانین صادر شده است بوظیفه خود رفتار مینمایند

ماده ۴۵۴ — هیچ حکم یاقراری را نمیتوان مجری داشت مگر اینکه بطرفین یا بوکیل آنان اعلام شده باشد

ماده ۴۵۵ — هرگاه وکیل استعفا کرد یا فوت شده باشد اعلامات لازمه با قید جهت آن بموکل می‌شود

مبحث دوم - در احکام غیابی

ماده ۴۵۶ — در اموریکه رسیدگی به آن ازخصایص محاکم عدلیه

است در صورتیکه یکی از متداعیین یاهردو طرف در موعد مقرر در جلسه محاکمه حاضر نشوند قواعد ذیل باید مرعی شود

۱ - هرگاه مدعی علیه حاضر نشد مدعی میتواند از محکمه خواهش کند که به توضیحات شفاهی او رسیدگی گردد حکم بدهد و یا آنکه مدعی علیه را مجددا احضار کند

۲ - هرگاه مدعی حاضر نشد بدون اینکه از محکمه خواهش کرده باشد که در غیاب او رسیدگی کرده حکم بدهد محکمه رسیدگی را موقوف نموده وبخواهش مدعی حکم خسارت وارده برمدعی علیه را بواسطه احضار بی جهت میدهد و یا آنکه بخواهش مدعی علیه شروع برسیدگی کرده و اقداماتیکه باید محکمه قانونا برای تهیه حکم از قبیل رسیدگی بدلایل و غیره بنماید بعمل می‌آورد در صورت موقوفی محاکمه مدعی میتواند عرض حال مجدد داده تجدید محاکمه نماید

ماده ۴۵۷ — هرگاه هیچ کدام از طرفین حاضر نشدند بدون اینکه از محکمه خواهش رسیدگی را در غیاب خودشان کرده باشند رسیدگی بدعوا از نوبت خارج وبدان کار رسیدگی نخواهد شد مگر اینکه یکی از متداعیین رسیدگی بدعوا را بخواهد

ماده ۴۵۸ — هرگاه مدعی علیه حاضرنشد ولی درجواب کتبی خوداز محکمه خواهش نمود که غیاب او بموجب جوابی که داده است رسیدگی کرده وحکم بدهد این حکم محکمه غیابی محسوب نخواهد شد دراین مورد

مدعی علیه میتواند از محکمه خواهش کند که سواد حکم محکمه را باقامتگاه واقعی او برساند منوط بنظر محکمه است که حضور مدعی علیه را در این موارد برای دادن توضیحات شفاهی بخواهد یا نه

ماده ۴۵۹ ـ مدعی علیه نیز می‌تواند خواهش کند که محکمه درغیاب او رسیدگی کرده حکم بدهد وچنین حکمی‌غیابی محسوب نخواهد شد هرگاه حضور مدعی‌را محکمه برای دادن توضیحات شفاهی لازم بداند نمی‌تواند او را احضار کند واگر مدعی حاضر نشد محکمه رسیدگی را موقوف میدارد ویا بخواهش‌مدعی علیه شروع برسیدگی می کند

ماده ۴۶۰ ـ درصورتیکه مدعی اقامه دلایلی کندکه محتاج رسیدگی باشد مدعی علیه در موعد مقرر حاضرنشود محکمه بدون اینکه حکم درماهیت دعوا نماید قرار درباب رسیدگی بدلایل میدهدواین قرار محکمه در حکم حضوری محسوب بوده از این جهت قابل اعتراض نخواهد بود

ماده ۴۶۱ ـ هرگاه مدعی علیه غایب قبل ازاینکه محکمه رای‌بدهد حاضر شد محکمه حضور او را پذیرفته توضیحات شفاهی او را منظور خواهد داشت و حکمی که پس از آن صادر می شود غیابی محسوب نخواهد شد .

ماده ۴۶۲ ـ هرگاه درکاری مدعی‌علیهم متعدد باشند وبعضی حاضر شده برخی حاضر نشوند حکم محکمه بعد از رسیدگی نسبت بسهم آنان

که حاضر نشده اند غیابی خواهد بود همین طور است در موارد مدعی های متعدد حکمی که با حضور بعضی ازآنان صادر می شود نسبت بغائبین از آنان غیابی محسوب خواهد بود .

ماده ۴۶۳ ـ سواد حکم غیابی به محکوم علیه غایب در اقامتگاهی که انتخاب کرده و به محکمه اطلاع داده است ابلاغ میشود و هرگاه مدعی علیه غایب اقامتگاه خود را اطلاع نداده است در اقامتگاهی که مدعی به محکمه نشان داده است ابلاغ می شود .

ماده ۴۶۴ ـ هرگاه اقامتگاه محکوم‌علیه غایب را مدعی معین ننماید حکم غیابی اعلان می شود و هرگاه مدعی علیه غایب مال غیر منقولی دارد سواد حکم بدانجا نیز فرستاده می شود .

ماده ۴۶۵ ـ محکوم علیه غایب می تواند بر حکم غیابی اعتراض نماید و مدت این اعتراض هشت روز است قبل از انقضاء مدت مزبوره اجرای حکم‌غیابی جایز نیست مگر درمواردی‌که محکمه قانونا حکم اجرای موقت را داده باشد .

ماده ۴۶۶ ـ مدت مذکوره درماده قبل ازتاریخ ابلاغ واقعی‌سواد حکم غیابی بمدعی علیه غایب حساب می‌شود حق مسافت هم برای هرچهار فرسخ محل اقامت محکوم علیه غایب از مقر محکمه یك روز منظور می شود .

ماده ۴۶۷ هر گاه محکوم علیه غایب در مدت مقرره اعتراض ننمود اعتراض او دیگر پذیرفته نخواهد شد ولی مشار الیه می تواند در مدت مقرره حکم صادر را استیناف نماید .

ماده ۴۶۸ — در اعتراض خود بر حکم غیابی محکوم علیه غایب باید یاجواب دعوای مدعی را بدهد یا اگر جواب خود را سابقا داده است بدان اشاره کرده نسخ حکم غیابی را خواستار شود .

ماده ۴۶۹ — عرضحال اعتراض دردو مورد به صاحبش عودت داده می شود .

۱ - در صورت انقضای مدت اعتراض

۲ - در صورتیکه وکیل وکالت نامه خود را بعرض حال ضمیمه نکرده باشد ومراتب در صورت مجلس محاکمه قید می‌شود

ماده ۴۷۰ — عرضحال اعتراض بلا اثر میماند وقرارمحکمه در آن باب بصاحب آن اعلام میشود که نواقص را رفع نماید

۱ - وقتیکه موافق تعرفه که قانونا مقرر است مخارج محاکمه تادیه نشده باشد

۲ - وقتی که عده سواد ها بقدر کفایت نباشد . در صورتیکه سواد سندی را باعتراض نامه منضم نموده باشد

ماده ۴۷۱ — قرار محکمه را درباب عدم قبول اعتراض برحکم غیابی

می توان قبل از صدور حکم محکمه در اصل دعوا استیناف نمود ولی قرار محکمه را درباب قبول اعتراض فقط می‌توان با حکم در اصل دعوا استیناف کرد

ماده ۴۷۲ — همین که محکمه اعتراض محکوم علیه غایب راقبول کرد سوادی از اعتراض ومنضمات آنرا بطرف مقابل فرستاده روز جلسه رامعین وبطرفین اعلام می کند بعد از رسیدگی مجدد محکمه حکمی می دهد که حکم سابق را از اعتبار میاندازد

ماده ۴۷۳ — اعتراض محکوم علیه غایب حکم اجرای موقت را توقیف نمی کند مگر اینکه در اول اعتراض یا در حین محاکمه ثانوی مادام که حکم مجدد صادر نشده است محکوم علیه غایب توقیف اجرای موقت حکم غیابی را بخواهد باین خواهش مدعی علیه محکمه مکلف است که بقبول یاعدم قبول در ظرف سه روز جواب بدهد

ماده ۴۷۴ — در موارد مستعجله درتوقیف اجرای موقت حکم غیابی رئیس محکمه می تواند رای بدهد ولی مکلف است که بعد موافق ماده (۳۷۸) رفتار نماید

ماده ۴۷۵ — هر گاه محکوم علیه غایب بعد ازاعتراض وقبول اعتراض او برای رسیدگی ثانوی باز حاضر نشد و حکم غیابی ثانوی صادر شد محکوم علیه غایب دیگر نمیتواند برای حکم غیابی ثانوی مجددا اعتراض نماید ولی میتواند حکم ثانوی را در مدت مقرره استیناف نماید

ماده ٤٧٦ — هر گاه مدعی در مدت یك سال اجرای حکم غیابی را که صادر وموافق قانون به محکوم علیه غایب اعلام شده تقاضا نکند دیگر حق تقاضای اجرای آنرا نخواهد داشت

مبحث سوم — در اجرای موقت احکام

ماده ٤٧٧ — احکام محاکم ابتدائی مادام که اعتبار احکام قطعی را نیافته است اجرا نمی شود مگر اینکه خود محکمه در باب اجرای موقت دراحکام قرار بدهد .

ماده ٤٧٨ — اجرای موقت احکام فقط بخواهش یکی ازمتداعیین می شود و آنهم مخصوص است بموارد ذیل مفصله ذیل :

۱ - وقتی که حکم بموجب اسنادی صادر شده که اعتبار آنها محقق است ویا آنکه حکم بموجب اسناد عادی صادر شده ولی طرف اعتبار آن اسناد را اعتراف کرده .

۲ - وقتی که موعد اجاره منقضی شده وبموجب حکم محکمه مستاجر محکوم شده است برد یاتسلیم یاتخلیه عین مستاجره .

۳ - در موقعی که محکمه حکم کرده است که عین مدعی به از تصرف عدوانی خارج شده بمالك ذیحق تسلیم شود .

٤ - وقتی که در منازعات رجعه باجیر نمودن و اجیر شدن حکم محکمه درباب مرخصی اجیر صادر شده است .

۵ - درکلیه مواردی که اوضاع و احوال مدلل کند که بواسطه تاخیر اجرای حکم یاقرار محکمه خسارت کلی برای محکوم‌له حاصل خواهد شد ویا آنکه تاخیر باعث عدم اجرای حکم یاقرار در آتیه خواهدبود .

ماده ٤٧٩ — تامینی که درمورد اجرای موقت از محکوم‌له خواسته می شود بطوری است که درماده (۳۸۰) معین است .

ماده ۸۰ — محکمه می تواند نسبت بخواهش اجرای موقت موضوع کلی قرار اجرای بعضی از اجزاء آن را بدهد ولی درصورتی که تفکیك جزء ازکل ممکن باشد .

ماده ٤٨١ — درصورتی که ازاجرای موقت حکم برای محکوم علیه خسارتی وارد بیاید که نتوان مقدار آن را صحیحا معین کرد وتامین از محکوم له گرفت خواهش‌اجرای موقت پذیرفته نمی شود ولواینکه محکوم‌له تامین لازم را بدهد موافق ماده (٤٧٩)

ماده ٤٨٢ — هر گاه محکمه ابتدائی در حکم یاقراری که میدهد در اجرای موقت‌آن حکم یاقرار رائی نداده باشد دیگر نمی تواند مجددا درآن باب رای بدهد و محکوم له فقط می تواند بمحکمه استیناف رجوع نموده اجرای موقت را بخواهد .

ماده ٤٨٣ — محکمه استیناف خواهش محکوم له را بطرف‌ابلاغ کرده رسیدگی کرده حکم می دهد بدون اینکه رسیدگی بخواهش اجرای موقت را منوط برسیدگی بماهیت دعوی بدارد .

باب سیم

در استیناف احکام

فصل اول

مواد عمومی

ماده ٤٨٤ — احکام غیر قطعی محاکم ابتدائی در موعدی که قانون معین می نماید قابل استیناف است .

ماده ٤٨٥ — احکام مفصلة الذیل قابل استیناف نیستند .

۱ - احکامی که از محاکم ابتدائی استیناقا صادر شده (نسبت باحکام محاکم صلحیه) .

۲ - احکام غیر قطعی محاکم ابتدائی که بواسطه انقضای موعد استیناف قطعی شده اند .

۳ - احکام محاکم ابتدائی که برطبق احکام عدول مجتهدین جامع الشرایط کتبا صادر شده است .

٤ - احکامی که برطبق حکم حکم یامصدقین صادر شده است که متداعیین بموجب سند در تعیین آنان تراضی کرده رای آنان را قاطع دعوی دانسته اند .

٥ - در صورتیکه متداعیین بموجب سند تراضی کرده باشند که بدعوای آنان فقط یك دفعه رسیدگی وبطور قطعی حکم صادر شود .

٦ - احکام مستند باقرار اسناد یاصورت مجلس در دو مورد مذکور فقره چهارم و پنجم باید بامضای اصحاب دعوا ممهور و ممضی باشد .

ماده ٤٨٦ — دعوائی که غیر قابل استیناف است در صورتی که متداعیین هم باستیناف آن راضی باشند و در حکم محکمه ابتدائی هم ذکر نشده باشد که آن حکم بطور قطعی صادر شده است استیناف نمی شود حتی اگر اتفاقا درآن حکم قید شده باشد که استیناف آن ممکن است باز آن حکم را استیناف نمی توان نمود .

ماده ٤٨٧ — اگر دعوا را جهات عدیده باشد ممکن نیست یکی از آن جهات را تقریبا استیناف نمود ولی ممکن است قراراتی را که قبل از صدور حکم یا باحاکم داده می شود در مواردی که قانون اجازه داده است علیحده از حکم استیناف نمود رجوع بمواد (۱٦۲) و (۱٦۳) و (۳٦۹) و (۳۷٦) و (٤۱۸) و (٤۲٦) و (٤۷۱) و (٤۸٤) و (٥۰٤)

ماده ٤٨٨ — قرارهائیکه از محکمه در خصوص دعوای صلاحیت صادر میشود قابل استیناف است لیکن در صورتیکه رسیدگی بدعوا از وظایف محکمه بود که رسیدگی کرده است وبیك سبب قانونی نقل آن به محکمه دیگر هم ممکن بوده ولی قبل از شروع به محاکمه نقل آن رابه

محکمه دیگر درخواست ننموده اند در این صورت قراریکه در این خصوص داده میشود قابل استیناف نخواهد بود

ماده ۴۸۹ — لازم است تقاضای استیناف از طرف مدعی یا مدعی علیه ویا قایم مقام آنان مثل وراث و اوصیاء و وکلاء ماذون بر استیناف وسایر اشخاصیکه قانونا این سمت را دارند بشود

فصل دوم

در موعد استیناف

ماده ۴۹۰ — مهلتی که برای استیناف احکام محاکم ابتدائی معین شده است برای اشخاصیکه درایران مقیمند (۳۱) روز است وبرای کسانی که درخارجه مقیمند مدت موافق ماده (۲۱۷) است مهلت استیناف ازتاریخ ابلاغ حکم بطرفین یا محل اقامت آنان محسوب میشود هرکدام محل اقامت یکی از متداعیین که در ایران مقیمند در شهریکه مقر محکمه استیناف است نباشد برمدت مقرر به هرچهار فرسخ مسافت یک روز علاوه می شود

ماده ۴۹۱ — در موارد حکم غیابی مدت استیناف از روز انقضای مهلت اعتراض محسوب میشود

ماده ۴۹۲ — مهلت استیناف قرارهای محکمه که قابل شکایت استینافی

است از روز اعلام آن قرار ها بطرفین یک هفته است

ماده ۴۹۳ — اگر صدور حکم ازروی سند مجهول باشد مدت مهلت استیناف از تاریخ اثبات جعلیت آن سند درمحکمه محسوب میشود و اگر یکی ازطرفین را سندی بوده باشد که مدار حکم برآن سند است ومحکومیت طرف مذکور بواسطه کتمان آن سند در دست طرف مقابل باشد مهلت استیناف از تاریخ وصول آن سند بدست صاحب خود شروع میشود در صورت اخری صاحب سند باید روزوصول سند را بدست خودفقط بموجب نوشته ثابت نماید

ماده ۴۹۴ — در صورت فوت یا جنون مستانف قبل از انقضای مدت استیناف جریان استیناف توقیف شده و ابتدای مدت ازتاریخ ابلاغ حکم بوراث یا قیم یاقایم مقام مستانف محسوب خواهدشد ابلاغ حکم را میتوان بتمام وراث من حیث المجموع نمود بدون تعیین اسم و شغل آنان .

ماده ۴۹۵ — با انقضای مدت استیناف حق استیناف هر یک ازطرفین ساقط می شود ولی اگر درمدت استیناف از طرف قایم مقام استیناف نشده باشد متضرر حق خواهد داشت که در محکمه ابتدائی بر قایم مقام خود اقامه دعوا نماید .

فصل سوم

در عرضحال و مقدمات رسیدگی استینافی

ماده ۴۹۶ — استیناف دعوا بتقدیم عرضحال میشود واین عرضحال باید مستقیما به محکمه استیناف داده شود و تاریخ تقدیم و ثبت آن ابتدای دعوای استینافی خواهد بود لازم است در آن عرضحال اسم و شهرت و شغل ومحل اقامت مستانف ومستانف علیه و حکم و قراریکه استیناف می شود و اینکه صدور حکم از کدام محکمه است و تاریخ ابلاغ آن بمستانف و جهت استیناف و طلب حضور مستانف علیه یا وکیل او به محکمه درج شود .

ماده ۴۹۷ — بعرضحال مذکور باید ضمیمه شود :

۱ - لایحهٔ که متضمن ادعاء و اعتراضات مستانف باشد .

۲ - التزامنامه مستانف که هر گاه غیر محق درآید خسارات وارده بر مستانف علیه را از مصارف محاکم ابتدائی و استینافی خواهد پرداخت

۳ - قبض صندوق محکمه درباب ودیعه نهادن مبلغی که عبارت است از صدی چهار مبلغ محکوم به حکم محکمه ابتدائی و هر گاه موضوع استیناف مالی نباشد مطلقا ده تومان است .

۴ - وکالت نامه مصدقه وکیل در صورتیکه عرضحال را وکیل تقدیم می کند .

ماده ۴۹۸ — از مبلغ مذکور در ماده قبل در صورتیکه مستانف غیر محق درآید بمستانف علیه درازای مصارف محاکمه وخسارات وارده بر او که ثابت شده تادیه خواهد شد و تادیه مصارف محاکمه بر تادیه خسارات مقدم است و اگر مستانف محق شد مبلغ مذکور به او مسترد می شود هر گاه مصارف و خسارات مستانف علیه بعد از ثبوت حقانیت او بیش از مبلغی است که در صندوق گذاشته شده است مستانف بموجب التزامنامه بحکم محکمه خواهد پرداخت .

ماده ۴۹۹ — هر عریضه استینافی که دارای شرایط مذکوره درماده (۴۹۶) و (۴۹۷) نباشد قبول نخواهد شد عدم قبول عرضحال بایددرظرف سه روز از تاریخ ورود عرضحال بدفتر خانه محکمه استیناف از طرف دفتر خانه مذکوره بعارض اعلام شودکه نواقص را رفع نماید واگربعرتب شدن عریضه جدیدی محتاج باشد مستانف را تا انقضای مهلت استیناف این حق خواهد بود هر گاه بواسطه مسامحه یا اهمال مامورین محکمه اعلام مذکور در موعد مقرر بعمل نیاید و مهلت استیناف منقضی شود مستانف میتواند به محکمه شکایت نماید ومحکمه بعد از ثبوت حقانیت مستانف مهلت استیناف او را تجدید نموده مراتب را بمدعی العموم اطلاع می دهد

ماده ۵۰۰ — در صورتیکه مهلت استیناف منقضی شده باشد عرضحال مستانف بموجب قرار محکمه استیناف باو مسترد میشود

ماده ۵۰۱ — سواد مصدق عرضحال با منضمات آن بمستانف علیه

ابلاغ میشود ومشارالیه درظرف یك هفته یك لایحه که متضمن جواب های او است ترتیب داده وبه محکمه تقدیم می‌نماید پس ازآن جلسه رسیدگی معین وبطرفین اعلام میشود هریك از مستانف ومستانف علیه باید شخصا یا وکیل آنان در روز معین برای رؤیت دعوا در محکمه استیناف حضور بهم رسانند واگر یکی از آنان بر خلاف این قاعده رفتار کرد بموجب درخواست طرف حکم غیابی داده میشود ولی در این صورت محکوم علیه غایب می تواند بر حسب قانون درمحکمه استیناف بان حکم اعتراض نماید

ماده ۵۰۲ — در موارد استیناف احکامیکه با ترتیبات اختصاری صادر شده است ترتیب لایحه از طرف مستانف ومستانف علیه لازم نیست بلکه مستانف باید فقط عرضحال استینافی بضمیمه قبض صندوق و التزامنامه که درماده (۴۹۷) مذکوراست تقدیم نماید ونسخه ثانوی عرضحال بااحضاریه بطرف مقابل ابلاغ و برای جلسه که معین شده است احضار می‌شود

ماده ۵۰۳ — اگر در یك حکم یا قراریکه استیناف شده اجرای موقتی آنها درج نشده باشد استیناف آن حکم یا آن قرار اجرای آنهارا بتاخیر میاندازد

ماده ۵۰۴ — هرگاه اجرای موقت حکم یا قراریکه قابل استیناف است قانونا جایز بوده و این نکته در حکم یا قرار تصریح نشده باشد مستانف علیه میتواند قبل از رسیدگی بدعوای استیناف عریضهٔ تقدیم

کرده و تامین بدهد که در صورت محکومیت خود مبلغ محکوم به را رد نماید وپس از آن از محکمه استیناف اجرای موقتی آن حکم یاقرار را درخواست کند وهمچنین اگر محکمه ابتدائی بدون سبب قانونی قرار اجرای موقتی حکم را داده باشد مستانف میتواند که بروفق اصول مستانف علیه را معجلا به محکمه استیناف جلب و اجرای موقتی آن حکم را منع نماید

ماده ۵۰۵ — اگر محکمه ابتدائی در مواردی که قانونا ماذون به اصدار حکم قطعی بوده در حکم خود قطعی بودن حکم را قید نماید ویا قید کند که آن حکم قابل استیناف است استیناف آن حکم قبول نخواهد شد وهرگاه محکمه در مواردیکه ماذون باصدار حکم قطعی نبوده در حکم خود قطعی بودن آنرا قید کرده باشد استیناف آن حکم قبول خواهد شد در مورد اخیر محکمه استیناف اجرای حکم را تعطیل نمی کند تاوقتی که غیر قطعی بودن آن ثابت شود بعد از ثبوت باید معجلا طرفین را احضار وتکلیف حکم را معین نماید

فصل چهارم

در شرایط وترتیب رسیدگی استینافی

ماده ۵۰۶ — ممکن نیست که در محکمه استیناف ادعای جدیدی نمود یعنی ادعائی غیر از آنکه در محکمه ابتدائی شده است ولی دعاوی مفصله

ادعای جدید محسوب میشود

۱ - اگر مستانف تقاضای تادیه قیمت مالی را نماید که در محکمه ابتدائی محکوم به بوده است که طرف فروخته ویا مفقود داشته

۲ - در صورتیکه در مقابل اصل ادعا که راجع بمطلب باشد ادعای تقاص یا حساب بشود

۳ - ادعای وجه اجاره وپس افتادن آن وسایر متفرعات از قبیل ضرر وزیان که بعد از صدور حکم ابتدائی به مدعی به اصلی تعلق گرفته

٤ - وقتیکه ابراز دلایل جدیدی برای ابطال ادعای اصلی بشود

ماده ۵۰۷ — کسی غیر از صاحبان دعوی که در محاکمه ابتدائی بوده اند حق ندارد داخل دعوای استینافی شود

ماده ۵۰۸ — اگر مستانف دعوای خود را بدون عذر موجه قانونی سه ماه متوالی ترك نماید بنا بخواهش مستانف علیه محکمه در سقوط دعوای استیناف قراری داده وحکم محکمه ابتدائی بمنزله حکم قطعی محسوب میشود

ماده ۵۰۹ — اصول و قواعدی که در محاکم ابتدائی در خصوص ترتیبات محاکمه وصدور حکم رعایت میشود در محاکم استیناف نیز مرعی خواهد بود مگر در مواردیکه صریحا تکلیف آنها در این باب کتاب معین است

ماده ۵۱۰ — محکمه استیناف هر گاه دید حکمی که تقاضای استیناف آن شده قابل استیناف نبود قراری داده عرضحال را رد و حکم محکمهٔ ابتدائی را تایید می کند وهرگاه بعد از رسیدگی مستانف را محقق دید مجددا بماهیت دعوا رسیدگی نموده حکم میدهد .

ماده ۵۱۱ — هر گاه باحکامی که از محکمه استیناف غیابا صادر می شود اعتراض شود بدعوای اعتراضی درخود محکمه استیناف بروفق اصول محاکمات رسیدگی می شود .

ماده ۵۱۲ — احکام حضوریکه از محاکم استیناف صادر می شود و همچنین احکامی که غیابا صادر شده ودر موعد مقرر برای اعتراض عریضهٔ اعتراض داده نشده باشد قطعی محسوب می شود .

ماده ۵۱۳ هریك از طرفین که در محکمه استیناف غیر محق درآمد تادیه کلیه مصارفی که طرف کرده و مطالبه می نماید اعم از مصارف محکمه ابتدائی و استیناف به نحوی که درماده (٤۹۷) و (٤۹۸) مذکور است محکوم خواهد شد .

باب چهارم

در وسایل فوق العاده برای اعتراض برحکم

فصل اول

در اعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم

ماده ۵۱۴ — اگر درخصوص دعوائی حکمی صادر شود که برحقوق شخص ثالث خللی وارد آورد وآن شخص چه اصاله وچه بتوسط و کیل نه درحین محاکمه و صدور حکم بمحکمه احضار شده ونه در محاکمه دخالت کرده باشد ممکن است که برآن آن حکم اعتراض نماید .

ماده ۵۱۵ — در مورد ماده قبل شخص ثالث حق دارد که بهر گونه حکم وقرار صادر از محاکم ابتدائی و استیناف اعتراض نماید وهمچنین چون حکم حکم درحق غیر از کسانی که اورا معین کرده اند نافذ و مجری نیست شخص ثالث می تواند برحکم اوهم اعتراض نماید .

ماده ۵۱۶ — اعتراض مذکور در دو مادهٔ قبل بر دو قسم است اعتراض اصلی واعتراض طاری (غیر اصلی) اعتراض اصلی عبارت است از اعتراضی که ابتداء از طرف شخص ثالث واقع شود درحالی که فیمابین

او وشخصی که حکم درحق او صادر شده است سابقا دعوائی بوقوع نرسیده باشد اعتراض طاری (غیر اصلی) اعتراض یکی از طرفین است برحکمی که سابقا از یك محکمه صادر شده و در اثنای محاکمه طرف دیگر برای اثبات مدعای خود آن حکم را ابراز نمود .

ماده ۵۱۷ — هرگاه محقق شود که دعوای شخص معترض بی‌اصل است معترض بتحمل خساراتی را که از بابت اعتراض او بطرف مقابل وارد آمده وثابت شده محکوم می شود .

ماده ۵۱۸ — اعتراض اصلی را باید بموجب عریضهٔ تقدیم نمود و این عریضه بمحکمه رجوع می شود که حکم معترض علیه از آنجاصادرشده واحضار طرفین نیز بعمل می آید .

ماده ۵۱۹ — اعتراض طاری (غیر اصلی) کتبا یاشفاهابدون اینکه محتاج به تقدیم عرضحال جدید و احضار طرفین باشد بمحکمه که دعوی در آنجا رؤیت می شود بیان خواهدشد ولی اگر درجه آن محکمه پست‌تر از محکمه باشد که حکم معترض علیه را صادر کرده است لازم است که معترض عریضهٔ بمحکمه که حکم را صادر کرده است تقدیم نماید و طرفین موافق اصول بان محکمه احضار شوند .

ماده ۵۲۰ — ممکن است که اعتراض طاری (غیراصلی) تاروزاجرای

حکم معترض علیه اقامه شود و بعد از اجرای حکم معترض علیه هم شخص ثالث می تواند اعتراض نماید و هرگاه مدلل نماید که حقوقی که اساس وماخذ اعتراض است بجهتی از جهات قانونی ساقط نشده است .

ماده ۵۲۱ — در صورت وقوع اعتراض طاری غیر اصلی از طرف شخص ثالث هرگاه محکمه موافق اصول کیفیات مسئله مشاهد کند حکمی که در خصوص اعتراض مذکور صادر می شود تغییر در اصل دعوی خواهد داد حکم اصل دعوی را بتاخیر انداخته منتظر نتیجه دعوی اعتراض می شود والا به دعوای اصلی رسیدگی کرده منفردا قطع می نماید .

ماده ۵۲۲ — اعتراض شخص ثالث اجرای احکام قطعی را بتاخیر نمی اندازد ولی اگر ثابت گردد که از اجرای حکم معترض علیه خطر یا ضرری واقع خواهد شد که جبران آن در آتیه ممکن نخواهد بود محکمه که دعوای اعتراض در آن اقامه شده است بعد از تحصیل تامین صحیح از شخص معترض قراری در تاخیر اجرای حکم معترض علیه بمدت معین می دهد .

ماده ۵۲۳ — اگر محقق شود که اعتراض شخص ثالث مقبول است از حکم معترض علیه فقط مواد راجعه بحقوق شخص معترض رد می شود وباقی مواد حکم بحال خود باقی میماند ولی اگر مواد حکم مذکور غیر قابل تفکیک باشد دراینصورت کلیه آن حکم رد می شود .

فصل دوم

در اعاده محکمه — (تجدید نظر)

مبحث اول

در موارد اعاده محاکمه

ماده ۵۲۴ — درصورت وجود یکی ازجهات اعادهٔ محاکمه دراحکامی که بطور قطعی حضورا از محاکم ابتدائی و استیناف صادر شده وهمچنین در احکامی که غیابا صادر وقطعی شده (بواسطه انقضای مدت اعتراض درمحکمه استیناف وانقضای مدت استیناف احکام غیابی محکمهٔ ابتدائی) می توان اعاده محاکمه نمود .

ماده ۵۲۵ — در این صورت باید خود یا وکیل شخصی که مستدعی اعاده محاکمه است عریضهٔ متضمن استدعای خود تقدیم وجهت یاجهاتی را که برای اعاده محاکمه قانون نامعین شده است در عریضه خود بیان نماید .

ماده ۵۲۶ — جهات اعاده محاکمه از قرار تفصیل است .

۱ - صدور حکم درمطلبی که موضوع اعاده نبوده .

۲ - درصورتیکه حکم بمقدار بیشتر از مدعی به صادر شده است .

۳ - درصورتی که از محکمهٔ ابتدائی یااستیناف حکم قطعی صادر شده و حکم مذکور مغایر باحکم سابقی است که همان محکمه درخصوص همان دعوا ومابین همان اصحاب دعوا داده است بعبارة اخری در صورت صدور حکم جدیدی برخلاف حکم سابق بدون اینکه سبب قانونی وجود داشته وموجب این مغایرت باشد .

٤ - در موری که درمفاد یك حکم مواد متضاد باشد .

٥ - در صورتیکه طرف مقابل مستدعی اعاده محاکمه حیله و تقلبی نموده باشد که درحکم محکمه اثری داشته باشد .

٦ - اگر ثابت گردد که اسناد و نوشتجاتی که اساس حکم و قرار محکمه اتخاذ شده است مزور ومجعول بوده است .

۷ - اگر بعد ازصدور حکم اسناد و نوشتجاتی که راجع بان حکماست بدست صاحب آن بیاید و ثابت شود که آن اسناد و نوشتجات را طرف مقابل مکتوم داشته ویا باعث کتمان آنها بوده .

۸ - هرگاه محقق شود که در مواردیکه قانون دخالت مدعی العموم را درمحاکمه حقوقی اقتضا می کند محاکمه بدون مداخله او شده و حکم برعلیه طرفی صادر شده که حضور مدعی العموم برای حفظ منافع اوست .

مبحث دوم

در موعد اعاده محاکمه

ماده **۵۲۷** — مدت مهلت معینه برای اعاده محاکمه همان است که برای استیناف قانونا معین شده است و هرگاه عرضحال اعاده محاکمهٔ در ظرف همان مدت تقدیم نشود قبول نخواهد شد .

ماده **۵۲۸** — اگر حکم درحضور طرفین صادر شده باشد مدت استدعای اعاده محاکمه در غیر از موارد مندرجه در مواد (۵۳۰) الی (۵۳۳) از تاریخ ابلاغ حکم بطرفین یا به محل اقامت آنان و اگر غیابی باشد از انقضای مدت معینه برای اعتراض و استیناف یعنی از تاریخ قطعی شدن بران حکم محسوب می شود .

ماده **۵۲۹** — اگر سبب اعاده محاکمه فقره اول و دوم ماده (۵۲٤) و طرفی که متضرر شده است اداره خیرات عمومی باشد از موعد مقرر مستثنی است .

ماده **۵۳۰** — درمورد مادهٔ قبل هر وقت مدعی (ادارهٔخیرات عمومی) بتواند ثبت کند که حکم در خارج از موضوع ادعا یا زیاد تر از مقدار مدعی به صادر شده حق اعاده محاکمه را خواهد داشت .

ماده **۵۳۱** — مدت اعاده محاکمه درمواردی که از خصایص محاکم

در حق صغار که ولی یا قیم نداشته اند از تاریخ ابلاغ حکم بصغار یا به محل اقامت آنان بعد از وصول بعد بلوغ محسوب می شود وهر گاه ولی یا قیم داشته اند در روز ابلاغ حکم بولی یا قیم محسوب می شود .

ماده ۵۲۲ ـ اگر سبب اعاده محاکمه مجعول یا مزور بودن اسنادی باشد که ابراز شده یا بواسطه حیله و تقلبی که طرف مقابل کرده ویا بجهة وجود بعضی اسناد و نوشتجات مکتومهٔ در نزد طرف مقابل یا اشخاص دیگر که ابراز آنها در حین محاکمه نشده در این سه مورد مهلت قانونی برای تقدیم عرضحال اعاده محاکمه از روز ثبوت جعلیت اسناد یا محق شدن حیله و تقلب طرف مقابل درمحکمه که صلاحیت دارد یا روز وصول نوشتجات مکتومه بدست صاحب آنها محسوب خواهد شد ولی در مورد کشف تقلب و اسناد مکتومه لازم است که اثبات بروز آن بواسطه اسناد کتبی باشد .

ماده ۵۲۳ ـ اگر محکوم علیه قبل از انقضای مدت اعاده محاکمه وفات کند یا مجنون شود ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم بورثه یا ولی محسوب خواهد شد .

مبحث سیم

در استدعای اعاده محاکمه و ترتیب رسیدگی

ماده ۵۲۴ ـ عرضحال اعادهٔ محاکمه باید بهمان محکمه داده شود که

حکم را صادر کرده است وهمان هیئت حاکمهٔ که حکم را داده اند اعادهٔ محاکمه می نمایند اگر استدعای اعاده محاکمه برای ابطال حکمی باشد که از یك محکمه صادر شده و در محکمه دیگر در حین رسیدگی بدعوای دیگری جزء دلایل اقامه شده است و استدعای اعادهٔ محاکمه به محکمه آخری داده شود آن محکمه مکلف است که عرضحال اعادهٔ محاکمه را به محکمهٔ که آن حکم را صادر کرده است رجوع نماید و خودش موافق احوال و کیفیات مسئله کاری را که در تحت رسیدگی است تا ختم اعاده محاکمه توقیف نماید و یا رسیدگی را تعقیب کرده به انجام برساند .

ماده ۵۲۵ ـ عریضه اعادهٔ محاکمه قبول نمی شود مگر اینکه عارض برای تادیه ضرر و زیانی که بطرف مقابل میتواند وارد شود مبلغی در صندوق محکمه بودیعه گذاشته قبض آن رابعرضحال ضمیمه کند مبلغ مذکور در اعادهٔ محاکمه معادل باصدی پنج مبلغ یا قیمت محکوم به خواهد بود ودیعه گذاشتن مبلغ مذکور باعث نمی شود که متضرر بتواند بیش از آن مبلغ ادعای خسارات نماید هر گاه استدعای اعاده محاکمه راجع بدولت و ادارات دولتی است ودیعهٔ مبلغ مذکور لازم نیست در مواردی که بتوان محکوم به را تقدیر کرد (موضوع آن مالی نباشد) مقطوعا بیست و پنج تومان ودیعه گذاشته می شود .

ماده ۵۲۶ ـ استدعای اعاده محاکمه اجرای حکمی را که اعادهٔ آن استدعا شده است بتاخیر نمی اندازد و اگر تاخیر اجرای آن استدعا

شده باشد محکمه نمیتواند بمجرد استدعا بهیچوجه من الوجوه حکم بتاخیر اجری نماید .

ماده ۵۳۷ — در محاکمه که بموجب استدعا اعادهٔ محاکمه می شود غیر از جهاتی که در ماده (۵۲۶) مندرج است سبب دیگری را نمیتوان موضوع محاکمه قرار داد .

ماده ۵۳۸ — اگر ظاهر گردد که استدعای اعاده محاکمه مبنی بر اساس نیست استدعای مذکور رد و عارض بتادیه خسارت طرف مقابل از وجه نقدی که درصندوق محکمه ودیعه گذاشته است محکوم می شود وهرگاه طرف مقابل ثابت نماید خسارت او بیش از مبلغی است که در صندوق محکمه ودیعه گذاشته است عارض غیر محق بتادیه باقی خسارت طرف مقابل نیز محکوم می شود .

ماده ۵۳۹ — اگر اسبابی که برای اعاده محاکمه ذکر شده موافق قانون موجود باشد قراری در محکمه داده می شود که بموجب آن استدعای اعادهٔ محاکمه قبول شود و مبلغی که در صندوق محکمه امانت است بصاحب آن رد شود و اجرای حکم سابق به تاخیر افتد و طرفین بحالت قبل از صدور حکم سابق که باعث اعادهٔ محاکمه شده است معاودت مینمایند ولی اگر محکوم به سابق حاوی چند ماده بوده و اعادهٔ محاکمه راجع به بعضی از آن مواد باشد اجرای بقیه مواد به تاخیر نمی افتد .

ماده ۵۴۰ — پس از اینکه محکمه درباب قبول اعاده محاکمه قرار لازم دادبماهیت دعوی درهمان محکمه با حضور طرفین رسیدگی وتحقیقات شده حکم جدیدی صادر می نود .

ماده ۵۴۱ — در خصوص حکمی که برحسب استدعای اعادهٔ محاکمه صادر شده است دیگر استدعای اعاده محاکمه نمیتوان نمود .

فصل سوم

در تمیز احکام

مبحث اول

در مواد عمومی

ماده ۵۴۲ — احکام مفصلةالذیل قابل تمیز هستند :

۱ - احکام (حضوری) محاکم استیناف

۲ - احکام غیابی محاکم استیناف که مدت اعتراض بر آنها منقضی شده است .

۳ - احکام قطعی محاکم ابتدائیه

۴ - احکام قابل استیناف که از محاکم ابتدائی چه حضورا و چه غیابا صادر شده ولی بواسطهٔ انقضای مدت استیناف قطعی گشته اند .

ماده ۵۴۳ — احکام مفصله قابل تمیز نیست .

۱ - احکامی که از محاکم عدلیه بر طبق احکام عدول مجتهدین جامع الشرایط صادر شده .

۲ - احکامی که مستند باقرار صریح باشد .

۳ - حکم حکم و مصدقین که طرفین در انتخاب آنان تراضی نموده و بموجب التزام قانونی حکم آنانرا قاطع دانسته اند .

٤ - در صورتی که طرفین بالتزام قانونی ملتزم بسقوط حق تمیز شده باشند

ماده ٥٤٤ -- مهلت تمیز برای ساکنه ایران دو ماه است و برای کسانیکه مقیم ممالک خارجه اند سه ماه وابتدای این مدت ازقرار تفصیل است

۱ - برای احکام محاکم استیناف ا - در صورتیکه حکم حضوری باشد از روز ابلاغ آن بطرفین ب - در صورتیکه غیابی باشد از روز انقضای مدت اعتراض بر آن

۲ - برای احکام محاکم ابتدائی (ا) در صورتیکه حکم حضوری بطور قطعی صادر شده باشد ازروز ابلاغ آن بطرفین (ب) اگر حکم حضوری قابل استیناف بوده واستیناف نشده باشد از روز انقضای مدت استیناف (ج) هرگاه حکم محکمه ابتدائی غیابی باشد از روز انقضای مدت استیناف

ماده ٥٤٥ -- مدت تمیزبواسطه فوت محکوم علیه توقیف شدهوابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم بورثه یا قیم آنان محسوب خواهد شد

مبحث دوم

در ترتیب استدعای تمیز

ماده ٥٤٦ -- استدعای تمیز بموجب تقدیم عرضحال می شود واین عرضحال در طهران مستقیما به محکمه تمیز و در خارج طهران به محکمه استیناف و اگر نباشد به محکمه ابتدائی تقدیم خواهد شد و قبض رسید دریافت میشود

ماده ٥٤٧ -- عرضحال در ظرف مدت مذکور در ماده (٥٤٤) به یکی از مقامات مذکور باید داده وثبت شودوالا مدت تمیز منقضی خواهد شد ولازم است که در عرضحال تاریخ روز وماه وسال و اسم و شهرت و شغل ومحل اقامت مدعی ومدعی علیه واینکه حکمی که تمیز میشوداز کدام محکمه صادر شده وتاریخ ابلاغ حکم بمحکمه کی بوده است وچه مغایرتی با قانون دارد صریحا قید شود

ماده ٥٤٨ -- به عرضحال مذکور درماده قبل باید منضم شود

۱ - صورت حکمی که تمیز میشود

۲ - لایحه متضمن مواد ادعا و ادله مستدعی تمیز و ایضاح و تفاصیل اعتراضات او

۳ — قبض صندوق محکمه ابتدائی یا استیناف در وصول مبلغی که برای

ضمانت ضرر وزیان طرف مقابل در صورت محق بودن او بودیعه گذاشته میشود مقدار این مبلغ مساویست با صدی پنج قیمت محکوم به حکمی که تمیز میشود و هرگاه محکوم به را نتوان تقدیر کرد (یعنی موضوع حکم مالی نباشد) پانزده تومان مقطوعا ودیعه گذاشته می شود

ماده ۵۴۹ — عرضحالی که بروفق دو ماده قبل نباشد قبول نمی‌شود واگر مدت تمیز منقضی نشده باشد به مستدعی تمیز در ظرف سه روز از طرف دفتر خانه اعلام میشود که نواقص عرضحال را رفع کند و اگر مدت تمیز منقضی شده باشد عرضحال بصاحبش رد میشود

ماده ۵۵۰ — هرگاه دفتر خانه محکمه ابتدائی یا استیناف نواقص عرضحال تمیزی را در موقع خود بعارض اعلام ننماید ومدت تمیز منقضی گردد عارض می تواند به محکمه تمیز شکایت نماید ومحکمه مذکور بعد از رسیدگی واثبات حقانیت عارض دو هفته مهلت میدهد که نواقص عرضحال خود را تکمیل نماید وهرگاه در مدت مذکوره عارض نواقص مذکوره را رفع نکرد عرضحال قطعا رد میشود وهرگاه محکمه ابتدائی یا استیناف بدون سبب قانونی عرضحال را رد کند پس از شکایت بدیوان تمیز محکمه تمیز قراری در برقراری حق تمیز عارض داده و مهلتی که در هر حال نباید بیش از مهلت قانونی باشد برای تقدیم عرضحال معین می کند و مراتب را در هردو مورد بمدعی العموم محکمه تمیز اعلام میدارد

ماده ۵۵۱ — استدعای تمیز اجرای احکام را تا وقتی که احکام نقض

نشده است بتاخیر نمی اندازد ولی هرگاه اجرای حکم موجب ضرروزیانی برای مستدعی شود که تدارک آن در آتیه ممکن نباشد ومستدعی تمیز تامین صحیح بطوریکه برای تامین مدعی به مصرح است بدهد براینکه در صورت عدم حقانیت مثل محکوم به را تسلیم طرف مقابل خواهد نمود اجرای حکم بتاخیر می افتد هرگاه لازم شود که محکوم به نقدی ودیعه گذاشته شود در طهران بصندوق وزارت عدلیه ودر ولایات بصندوق محاکم تسلیم میشود

ماده ۵۵۲ — سواد عرض حال ولایحه که موافق ماده (۵۴۸) باید منضم بعرض حال باشد از طرف دفتر دار محکمه مصدق شده و در عرض یك هفته از تاریخ تقدیم آن بمدعی علیه ابلاغ میشود و مدعی علیه تمیز مکلف است که در ظرف یك هفته از تاریخ وصول سواد عرض حال و لایحه با لایحه جوابیه متضمن اظهارات و مدافعات و تمام ادله که بر ضد اعتراضات مدعی دارد ترتیب داده وبدفترخانه محکمه که تقدیم عرضحال شده است بدهد

ماده ۵۵۳ — درصورتیکه عریضهٔ تمیزی به محکمه ابتدائی یا استیناف تقدیم شده باشد دفتر دار محکمه مکلف است سواد عرضحال ومنضمات انرا مصدق نموده وبمدعی علیه ابلاغ نماید وپس از اینکه لایحه جوابیه رادر ظرف یك هفته دریافت داشت توضیحات طرفین را رئیس محکمه درانف یاد داشت اگر لازم باشد با اولین پست بمحکمه تمیز ارسال دارد واگر عرض حالی که مستدعی بطریق مذکور در فوق بدفتر خانه محکمه تقدیم نموده

است جامع شرایط مقتضیه نباشد بمشار الیه اخطار میشود که شرایط را تکمیل نماید ولی اگر مستدعی تمیز آن را تکمیل نکند و هم چنین در صورتیکه مدعی علیه درظرف یك هفته لایحه جوابیه را ندهد عریضه تمیزی بتاخیر نیافتاده فورا بمحکمه تمیز فرستاده میشود در این صورت دفتر دار ابتدائی یا استیناف باید در یاد داشتی که بعریضه مذکوره منضم وبه محکمه تمیزارسال میدارد وتاریخ تقدیم عرضحال ومنضمات آنرا و کیفیت اخطاری که بمستدعی شده است تصریح نماید وهریك ازمامورین محاکم که بواسطه عدم رعایت این ماده ومادہ (۵۵۰) سبب تاخیر ارسال عریضه وباعث ضرر یکی از طرفین شده مورد مجازات خواهد بود

مبحث سیم

در احضار متداعیین و ترتیب رسیدگی

ماده ۵۵۴ — پس از وصول عریضه به محکمه تمیز و انقضای یك هفته از ابلاغ آن بمدعی علیه بحسب ترتیب قیمت عرایض دردفترمخصوص روز حضور در محکمه معین شده وطرفین یا وکیل آنان به محکمه احضار می شوند واگر مدعی علیه در طهران اقامت داشته باشد مهلتی که درورقه احضاریه معین میشود نباید کمتر ازیك هفته از تاریخ ابلاغ ورقه مذکوره باشد واگر در خارج باشد برای هرچهار فرسخ مسافت یك روز بر مدت مذکور اضافه میشود

ماده ۵۵۵ — اوراق احضاریه که بخارج داده میشود باید از طرف

رئیس محکمه تمیز برئیس محکمه ابتدائی که در محل اقامت احضارشونده واقع است فرستاده شود رئیس مذکور مکلف است که ورقه مذکوره را به محض وصول به شخص یا به محل اقامت احضار شده موافق اصول احضار ابلاغ ورسید احضار شونده را در ضمن مراسله جوابیه برئیس محکمه تمیز ارسال دارد

ماده ۵۵۶ — رئیس هرشعبه عرایض و اعتراضات و اجوبه واسناد طرفین را بادوسیه محکمه که حکم آن تمیز می شود بانظریات بیك یاچندنفر اعضای شعبه برای تحقیق وتدقیق داده ومدتی که زیادتر از ده روزنباشد از برای دادن راپورت معین می نماید .

ماده ۵۵۷ — بعد از اینکه ممیز تحقیقات خودرا تمام و در حضور اعضاء قرائت نمود بدوا دیوان تمیز درمسئله رد یاقبول عرضحال تمیزی موافق قانون مداقه نموده قرار رد یاقبول را میدهد و هرگاه قرار قبول داد شروع برسیدگی تمیزی دراصل دعوی می نماید و رئیس شعبه انچه را که صلاح بداند از متداعیین استفسار می کند وسؤال وجواب را منشی نوشته طرفین در خاتمه آن مهر وامضا می نمایند .

ماده ۵۵۸ — بعد از اتمام استیضاح ازطرفین در راپورت ممیز آنچه ضرورت داشته باشد اصلاح میشود .

ماده ۵۵۹ — ترتیب رسیدگی و اتمام مذاکره و گرفتن رای به

طریقی است که موافق اصول محاکمات مقرر است .

ماده ۵۶۰ — بعد ازاینکه اعضاء شعبه حقوق رای دادند طرفین احضار ورای دیوان تمیز از نقض وابرام برآنها قرائت می شود .

ماده ۵۶۱ — صورت رای بامضاء اعضاء شعبه باید بمنشی تسلیم شود که در دفتر باقید ممره وتاریخ ثبت نماید .

ماده ۵۶۲ — محکمه تمیز بدعوا ازروی لوایح و نوشتجات رسیدگی و تدقیق می کند احضار طرفین بمحکمه فقط برای توضیح اظهارات و اعتراضات و جواب هائی است که درعریضه ولوایح آنها بیان شده است بنا براین بعد از آنکه در روز معین نوشتجات موجوده درحضور طرفین یا در غیاب یکی از آنان در صورت عدم حضور بعد از احضار قرائت شد محکمه به تدقیقات تمیزی مباشرت کرده و حکمی که صادر میشود معتبر خواهد بود .

ماده ۵۶۳ — اگر تدقیق دعوی در روز معین تمام نشد و بجلسه دیگری محول گشت روزحضور معین شده بطرفین اعلام می شودواگرطرفین در روز مذکور حاضر نشدند در غیاب آنان برسیدگی مداومت خواهد شد .

ماده ۵۶۴ — هرگاه علاوه برنوشتجات و اوراقی که طرفین تقدیم

کرده اند اطلاع بسایر نوشتجات مقتضی باشد محکمه تمیز می تواندسایر اوراق را خواسته مطالبه نماید .

ماده ۵۶۵ — مقصود از تمیز تدقیق در حکمی است که تمیز شده و در صورت توافق حکم مذکور با قوانین و اصول محاکمه آن حکم ابرام و الا نقض می شود .

مبحث چهارم

در موارد نقض و ابرام

ماده ۵۶۶ — درموارد چهارگانه ذیل احکام نقض می شود (۱) اگر محکمه که حکم داده است خارج ازصلاحیت قانونی خود بدعوائی رسیدگی کرد (۲) هرگاه رسیدگی موافق صلاحیت قانونی محکمه بوده ولی حکم بر خلاف قانون صادر شده (۳) اگر بادعائی بر خلاف اصول محاکمه رسیدگی شده و عدم رعایت اصول مذکوره بدرجه اهمیت دارد که حکم را از اعتبار حکم قانونی میاندازد (۴) اگر احکامیکه از دو محکمه در یك موضوع و ماده صادر شده میاین همدیگر باشند

ماده ۵۶۷ — هرگاه قضیه در محکمه رؤیت شده باشد که رسیدگی بان اصالتا از خصایص آن محکمه نبوده و همچنین اگر بدعوای تجارتی در محکمه حقوق و یا بدعوای حقوقی در محکمه تجارتی و یا بدعوائی که از خصایص محاکم شرعیه است در محاکم عرفیه و یا بدعوائی که از

خصایص محکمه ابتدائیه است در محکمه استیناف و یا بدعوائی که از خصایص محکمه استیناف است در محکمه ابتدائی یا خارج از مرجع استینافی آن دعوی رسیدگی شده باشد حکم صادر نقض می شود و لو اینکه در اثنای رسیدگی خواه در محکمه ابتدائی و خواه در استیناف از قبل هیچیك از متداعیین در این خصوص اعتراض نشده باشد ولی اگر دعوائی از خصایص یکی از محاکم تجارتی بوده ودر محکمه تجارتی دیگر رسیدگی شده و یا راجع بیکی از محاکم ابتدائیه بوده و در محکمه ابتدائیه دیگر رویت شده و در اثنای رسیدگی هیچیك از طرفین اعتراض نکرده اند حکم صادر نقض نمی شود .

ماده ۵۶۸ — حکم صادر درخصوص دعوائی مادام که محکم مذکور با قوانین جاریه که در حین وقوع آن دعوی معتبر و مجری بوده مخالف نباشد نقض نمی شود

ماده ۵۶۹ — هرگاه عین مفادحکم مطابق یکی از مواد قانونی است ولی اسباب موجه حکم بامادہ قانونی دیگری که معنی دیگری دارد تطبیق شده آن حکم نقض می شود .

ماده ۵۷۰ — اگر دردعوائی که از قراردادی ناشی شده بمفادصریح سند یا بقانون و نظامنامه متعلقه بان قرار داد معنی دیگری داده شود حکم صادر درآن خصوص نقض میشود

ماده ۵۷۱ — اصول و کیفیاتی که برای تایید مفاد حکمی در خود حکم مندرج است در محکمه تمیز محقق ومعتبر محسوب است ولی چنانچه از اوراقی که اساس آن سند اصول و کیفیات است ویا از اسنادونوشتجاتی که طرفین در حین محاکمه ابراز می کنند عدم صحت مندرجات مذکوره ثابت گردد حکم مذکور نقض میشود

ماده ۵۷۲ — هرگاه در یکی از محاکم بر خلاف اصول محاکمه بدعوائی رسیدگی شده باشد در دومورد حکم آن محکمه نقض می‌شود

۱ - هرگاه اصول محاکمه که رعایت نشده بوظایف محکمه راجع بوده وعدم رعایت اصول مزبور صحیح است بدرجه اهمیت داشته که در حکم محکمه نافذ ومؤثر بوده و بهمان جهت نمی توان حکم محکمه راحکم قانونی دانست

۲ - اگر مدعی یا مدعی علیه بعدم رعایت اصلی از اصول ترتیبات محاکمه اعتراض نموده باشند وبان اعتراض رسیدگی نشده باشد

ماده ۵۷۳ — اگر احکام متغایر از یك محکمه ویا از محاکم ابتدائیکه در حوزه یك محکمه استیناف هستند صادر شده ودر موقع اعاده محاکمه یا استیناف بر خلاف قوانین مقرره نسخ نشده باشد در محکمه تمیز نقض می شود

ماده ۵۷۴ — هرگاه احکام متغایر از دو محکمه صادر شده واحکام مذکوره متعلق بیك دعوی وراجع به متداعیین معین باشد بدون اینکه صورت

قضیه تغییر کرده باشد در این صورت حکم ثانی نقض وحکم اولی نیز در صورتیکه مخالف قانون باشد نقض میشود

ماده ۵۷۵ — اگر یك حکم مغایرصریح قانون باشد با اصول ترتیبات محاکمه رعایت نشده باشد وآن عدم رعایت بدرجه اهمیت داشته باشد که از حکم محکمه مؤثر وآن را ازاعتبار حکم قانونی بیاندازد آن حکم نقض میشود ولو دلایلی که بمستدعی تمیز برای نقض اقامه می کند کافی وموجب نقض نباشد

مبحث پنجم

در اقدام محکمه تمیز بعد از نقض

ماده ۵۷۶ — محکمه تمیز باصل وماهیت دعوائیکه حکم ان را نقض می کند رسیدگی ننموده رسیدگی را به محکمه که قانون معین می کند محول می دارد

۵۷۷ — اگر حکم بواسطه عدم صلاحیت محکمه نقض شده محکمه تمیز دعوی را مستقیما بمحکمهٔ که صلاحیت رسیدگی را دارد محول می کند و در سایر موارد بشعبه دیگر همان محکمه که حکم منقوض را داده است رجوع می کند واگر محکمه بیش از یك شعبه نداشته باشد دیوان تمیز محکمه را که درعرض محکمه حاکمه است معین و رسیدگی مجدد را بدان ارجاع مینماید .

ماده ۵۷۸ — اگر یکی ازدوحکم مغایر هم که بصورت قطعی صادر شده موافق قانون بوده ودیگری نقض شود مجددا بدعوی رسیدگی نمی شود ولی هرگاه هردو نقض شوند دعوی بمحکمه که موافق ماده قبل محول می شود تابعد از رسیدگی حکم مجدد صادر شود .

ماده ۵۷۹ — برای تصحیح حکم منقوض یاتجدید رسیدگی بدعوی بعد از نقض تقدیم عریضه جدید لازم نیست بلکه ارائه حکم محکمه تمیز کافی است .

ماده ۵۸۰ — هرگاه حکمی درمحکمه تمیز بواسطه وجود یك یاچندین سبب از اسبابی که موجب نقض می‌شود نقض شده ویرای تجدیدرسیدگی به محکمه مرجوعه محول گشته اگر مفاد حکم منقوض مبنی برآن بوده مستند باشد و مجددا یکی از طرفین نقض آن را بخواهند هیئت عمومی محکمه تمیز درخصوص آن حکم تدقیقات جدیده بعمل آورد وعندالزوم آن را نقض می کند و اگر حکمی که در خصوص نقض ثانی داده می شود مستند به همان علل و اسبابی باشد که موجب نقض حکم اولی شده بود محکمهٔ که دعوی به آن محل می شود بامتثال حکم محکمه تمیز مکلف است .

ماده ۵۸۱ — در حکمی که در محکمهٔ تمیز صادر می شودباید اسم و شهرت وشغل ومحل اقامت طرفین وحکمی که به تمیز رجوع شده است

و خلاصهٔ اعتراضات و ادله طرفین و اسبابی که موجب نقض یا تصدیق آن آن حکم می شود ذکر شود .

ماده ۵۸۲ ـ تمام احکام دیوان تمیز باید بتوسط مدعی‌العموم دیوان مذکور بوزیر عدلیه تقدیم شود .

مبحث ششم

در تمیزیکه از طرف مدعی‌العموم تقاضا می شود

ماده ۵۸۳ ـ چنانچه در ماده (۱۶۳) قانون تشکیلات عدلیه مقرر است مدعی‌العموم دیوان تمیز حق دارد برای محافظت قانون حکم قطعی را که بر خلاف قوانین صادر شده تمیز نماید .

ماده ۵۸۴ ـ تقاضای تمیز از طرف مدعی‌العموم دیوان تمیز مدت ندارد هروقت مطلع شد میتواند تمیز نماید .

ماده ۵۸۵ ـ رسیدگی تمیزی که تقاضای آن ازطرف مدعی‌العموم شده چون برای حفظ قانون است بدون حضور متداعیین بعمل می‌آید و هرگاه حکم نقض شد بلا ارجاع خواهد بود .

ماده ۵۸۶ ـ نقض محکمه تمیز در مورد سه ماده قبل فایدهٔ برای متداعیین نخواهد داشت .

باب پنجم

در مواعد

فصل اول

قواعد عمومی در حساب کردن مواعد

ماده ۵۸۷ ـ مواعدی را که قانون معین کرده باید بنظر وتصویب محکمه معین شود و موعدی را که محکمه معین می کند باید موافقت داشته باشد با امکان انجام امری که برای ایفای آن موعد تقاضا یا تعیین شده (ماه که در مواعد قانون معین شده و میشود سی روز تمام است)

ماده ۵۸۸ ـ هرگاه روز آخر موعد ومصادف شود با روزتعطیل ادارات آن روز که ادارات تعطیل است بحساب نمیرود وروزآخر موعد روزی خواهد بود که ادارات بعد از تعطیل باز میشوند .

تبصره ـ در تعطیل ادارات اعیاد ملی و مملکتی و روز های مخصوص سوگواری مذهبی رعایت خواهد شد

ماده ۵۸۹ ـ هرگاه در روزی که برای تعیین متداعیین در محکمه معین شده است محکمه جلسهٔ نداشته یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد انقضاء موعد روزی خواهد بود که محکمه جلسه داشته و حاضر باشد .

ماده ۵۹۰ — در مواعدی که محکمه روز و تاریخ انقضای آن را مخصوصا معین کرده است درهمان روز و تاریخ منقضی میشود .

فصل دوم

در دادن مهلت وتجدید مواعد

ماده ۵۹۱ — دادن مهلت فقط یك دفعه جایز است باستثناء دو مورد ذیل که می توان بیش از یکدفعه مهلت داد (۱) درصورت تراضی متداعیین یااصحاب دعوا (۲) در صورتی که تقاضا کننده مهلت ثابت نماید که عدم انجام کاریکه محکمه خواسته است بواسطه حدوث موانعی بوده که رفع آن موانع درحیطهٔ اقتدار تقاضا کننده نبوده است .

ماده ۵۹۲ — دادن مهلت بعد از انقضای مدت قانونی درمواردذیل ممنوع است .

۱ - برای اعتراض برحکم غیابی و تقدیم عرضحال استینافی چه از حکم وچه از قرار محکمه و عرضحال راجع باعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم واعادهٔ محاکمه وتمیز .

۲ — وقتی که متداعیین بعد ازانقضاء موعدی که معین شده بودمجددا استمهال نمایند مگر اینکه در مورد فقره ثانوی بمحکمه ثابت نمایند

که در اعلام مدت مزبوره سهو یا خطائی شده است که بدان جهت رعایت قوانین راجعه بموعد را ممکن نبود .

ماده ۵۹۳ — عرض متداعیین را بامکان توکیل نمی توان جهت عدم استفادهٔ از موعد و استمهال قرار داد .

ماده ۵۹۴ — خواهش تجدید موعد درصورتی پذیرفته است که موانع یا معاذیر تقاضا کننده مشروع بوده ورفع موانع در حیطهٔ اقتدار او نباشد .

ماده ۵۹۵ — خواهش تجدید موعد منقضی بمحکمه راجع است که اوراق و نوشتجات بان محکمه ارسال شده‌است وهمان محکمه بتقاضای مزبور رسیدگی کرده قرار می دهد .

ماده ۵۹۶ — هرگاه کسی استدعای تجدید موعد نماید باید در ظرف دو هفته استدعای مزبور بعمل آید وابتدای این موعد از تاریخی است که محکمه قرار خودرا درباب انقضای موعد مقرر اعلام نموده است حق مسافت یك روز برای هر چهار فرسخ بر موعد مزبور علاوه می شود .

ماده ۵۹۷ — سواد خواهش تقاضا کننده بطرف مقابل اعلام وتاریخ

حضور طرفین در محکمه معین و باذان ابلاغ می شود .

ماده ۵۹۸ — درصورت قبول خواهش تقاضا کننده موعد جدیدی معین و این موعد جدید بهیچوجه نباید پیش از موعدیکه قانونا مقرر است باشد و ابتدای موعد مجدد از تاریخ اعلام قرار محکمه در باب قبول خواهش تجدید موعد حساب خواهد شد .

باب ششم

در اجرای احکام عدلیه

فصل اول

در قواعد عمومی

مبحث اول

در مقدمات اجرا

ماده ۵۹۹ — هیچ حکمی از احکام محاکم عدلیه بموقع اجرا گذاشته نمیشود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می کند از محکمهٔ که صلاحیت دارد صادر شده باشد .

ماده ۶۰۰ — احکام محاکم عدلیه فقط وقتی بموقع اجرا گذاشته

می شود که محکوم له این تقاضا را از محکمه بکند و محکوم له که اجرای حکم خود را می خواهد باید کتبا یا شفاها صدور ورقه اجرائیه را تقاضا نماید .

ماده ۶۰۱ — ورقه اجرا باید بامضای رئیس و منشی محکمه رسیده بمهر محکمه ممهور باشد هرگاه مدعی یا مدعی علیه متعدد باشند یا حکم راجع باموال منقول یا غیر منقول متعدد باشد میتوان بعدهٔ هر کدام ورقهٔ اجرائیه داد .

ماده ۶۰۲ — درورقه اجرائیه باید اسم مامور اجرا صریحا نوشته شود و بعد از تبلیغ ورقه اجرائیه تمام عملیات اجری بعهده اواست .

ماده ۶۰۳ مامور اجرا مکلف است بتقاضای محکوم علیه اصل ورقه اجرائیه را باو ارائه دهد .

ماده ۶۰۴ — حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمیباشد

ماده ۶۰۵ — محکوم علیه و محکوم له میتوانند هر یك دو نفرشاهد برای حضور در حین عملیات اجرا دعوت نمایند ولی عدم حضور شهود مانع از اجرای حکم نخواهد بود .

ماده ۶۰۶ — محکوم له حق دارد وسیله اجرای حکم را بمامور اجرا

بنماید وهرگاه مشار الیه آن وسیله را درنظر تکرفت تقاضا کند که این نکته در دفتر مشارالیه نوشته شود .

ماده ۶۰۷ — محکوم له حق دارد درحین عملیات اجرا حاضر باشد ولی نمی تواند دخالت در امر اجرا نموده تعلیماتی بدهد که از وظایف مامور اجرا است .

ماده ۶۰۸ — مامور اجرا باید مطالب مفصله را در دفتر خودش درج نماید (۱) اسم و اسم پدر خود ومحکمه که از آن ماموریت دارد (۲) مفاد حکم محکمه که بموقع اجرا گذاشته می شود و تاریخ وصول ورقه اجرائیه باو (۳) اسم و شهرت و شغل محکوم له و محکوم علیه و شهودی که حاضرند (٤) تاریخ شروع باجرا و محلی که در آنجا حکم اجرا می‌شود (٥) اقداماتی که کرده است وتاریخ هر اقدامی (٦) تصریح به مهلت هائی که داده شده است یا توقیفاتی که در حین اجرا بعمل آمده است (۷) مقدار محکوم به وتاریخ تسلیم آن بمحکوم له (۸) حق‌اجرائی که بخزانه تسلیم شده است .

ماده ۶۰۹ — مامور اجرا بتقاضای محکوم له و محکوم علیه باید سواد مصدقی از مندرجات دفتر خود باوان بدهد و حق سواد در تعرفه معین است

ماده ۶۸۰ — بعد از مباشرت باجزا مامور اجرا حق ندارد اجرای

حکم را تعطیل یا توقیف و یا قطع نماید مگر بقرار محکمهٔ که حکم داده است یا بابراز قبض محکوم‌له که از محکوم علیه مبلغ محکوم به رسیده‌است و یا بالاخره رضایت نامهٔ کتبی محکوم له در تعطیل یا توقیف ویا قطع اجرا تخلف مامور اجرا از وظایف خود باعث مجازاتی که معین شده است خواهد بود .

ماده ۶۱۱ — مامور اجرامحکوم به را به محکوم علیه تسلیم نموده قبض رسید میکیرد وهرگاه محکوم به نباید بمشار الیه داده شود بمحکمهٔ که حکم داده است تسلیم میشود .

ماده ۶۱۲ — در صورتی که مال محکوم علیه کفایت حق طلبکار یا طلبکاران را ننماید مامور اجرا مبلغ محکوم به را بمحکمه تسلیم مینماید که موافق فصل ششم این باب رفتار بشود .

ماده ۶۱۳ — اجرای حکم را مامور اجرا در روی ورقه اجرائیه کرده بمحکمهٔ که آنرا داده است مسترد میدارد وبمحکوم علیه قبض اجرای حکم را میدهد .

ماده ۶۱٤ — هرگاه محکوم علیه درحین اجرا فوت شود تازمان معین شدن ورثه یا قیم (در صورت صغیر بودن آنها) اجرا توقیف میشود

ماده ۶۱۵ — شکایت از مامورین اجرا و تخلفات آنان از حدود

قانونی بمدعی العموم محکمهٔ راجع است که مامور اجرا در آن محکمه ماموریت دارد ولی منازعات راجعه به مفاد احکام راجع است بمحکمه که حکم داده است

ماده ۶۱۶ — شکایات مزبوره باید در ظرف دو هفته از تاریخ وقوع ماده شکایات یا اظهارات بعمل آید والا بی اثر خواهد ماند

ماده ۶۱۷ — شکایت ازمامورین اجرا باعث تعویق یا توقیف اجرای حکم نمی شود مگر اینکه قرارمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد بتقاضای مدعی العموم در آن باب صادر شود

ماده ۶۱۸ — در مورد حدوث اختلاف ومنازعه در مفاد حکم تقدیم احضار نامه باعث تاخیر اجرای حکم خواهد شد تا زمانیکه محکمه حکم را داده است قرار لازم را بدهد

ماده ۶۱۹ — بعد از وصول اظهار نامه محکمه سواد اظهار نامه را بطرف مقابل ابلاغ نموده معجلا مشار الیه را برای رسیدگی احضار می کند ولی عدم حضور احضار شده باعث تعویق رسیدگی و دادن قرار نمی شود

مبحث دوم
در کیفیت اجرا

ماده ۶۲۰ — هرگاه محکوم علیه طوعا مدلول حکم محکمه را قبول ننموده مامور اجرا بموجب مواد آتیه مدلول حکم را اجرا مینماید

ماده ۶۲۱ — هرگاه محکوم به عین معین از منقول یا غیر منقول است وبرای مامور اجرا ممکن است که گرفته بمحکوم له تسلیم نماید عینا گرفته بذی حق خواهد داد واگر برای تسلیم آن یا تخلیه محل مدتی لازم باشد باندازه لزوم مهلت داده میشود

ماده ۶۲۲ — اگر محکوم علیه اقدام بتصرف محکوم به نکند مامور اجرا موافق قانون اقدام کرده بتصرف محکوم له می دهد و هرگاه محکوم به عین معین است ولیکن محکوم علیه اصرار در انکار دارد ویا مخفی کرده است ودست رسی بان شیئی نیست محکوم علیه ممتنع محسوب خواهد شد .

ماده ۶۲۳ — هرگاه محکوم علیه ممتنع مال منقول یا غیر منقول دیگری دارد برای اداء دین او در ازای عین محکوم به توقیف می شود (رجوع بفصل دوم این باب) واگر مال دیگری که دست رس بان باشد نداشته باشد یا مال منقول یا غیر منقول محکوم علیه ممتنع ایفای دین اورا ننماید موافق مواد آتیه رفتار میشود .

ماده ۶۲۴ — در صورتی که محکوم علیه مدعی افلاس شد و اثبات نمود یا افلاس او از سابق معلوم بود شخص او از توقیف مصون است ولیکن ذمه مدیون مشغول است وهر وقت تمکن حاصل نماید محکمه بموجب اظهار طلبکار در صدد مطالبه حق او بر میاید

تنبیه — مقصود از مفلس غیر ازورشکسته به تقصیر است یا ورشکسته

به بی احتیاطی که مجازات آنان در قانون مجازات معین شد

ماده ۶۲۵ — اگر افلاس محکوم علیه معلوم نیست وخودش هم در صدد اثبات افلاس بر نیامده و امتناع از ادای دین دارد محبوس میشود و هرگاه در اثنای حبس افلاس او محقق شد رها می شود .

ماده ۶۲۶ — اگر طالب کار خودش قبل از انقضاء مدت حبس استدعای خلاصی محبوس را ننماید مجددا حق استدعای حبس او را نخواهد داشت .

ماده ۶۲۷ — هرگاه محکوم له ثابت نماید که محکوم علیه در صدد فرار است حق دارد توسط مامور اجرا ضامن یا کفیل از او بخواهد در صورتی که محکوم علیه امتناع از دادن ضامن یا کفیل نماید به تقاضای محکوم له توقیف میشود .

فصل دوم

در توقیف اموال منقوله

مبحث اول

در مواد عمومی

ماده ۶۲۸ — عدم حضور محکوم له و محکوم علیه و شهود مانع از اجرای توقیف نخواهد بود .

ماده ۶۲۹ — مامور اجرا باید در موارد مفصله ماموری از نظمیه برای حضور در عملیات توقیف دعوت نماید (۱) هرگاه در باب خانه یا اطاق بسته است و یا قفل است وباز نمیکنند (۲) هرگاه توقیف درغیاب محکوم بعمل میاید .

ماده ۶۳۰ — اشیاء مفصله که از مستثنیات دین است توقیف نمیشود (۱) لباس و اشیاء و اسبابی که برای ایفای حوائج ضروریه مدیون و خانواده او لازم است (۲) آذوقه موجوده بقدر احتیاج یك ماهه مدیون و نفقه و کسوه اشخاص واجب‌النفقه (۳) اسناد مدیون باستثنای کاغذ های قیمتی و سهام شرکت ها (٤) لباس رسمی و نیم رسمی مدیون و همچنین اسلحه و اسب اهل نظام حاضر خدمت (۵) اسباب و آلات زراعتی و حرفتی و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است وهمچنین دوابی که برای زراعت لازم است .

مبحث دوم

در ترتیب صورتیکه ازاموال منقوله برداشته می شود

ماده ۶۳۱ — قبل از توقیف اموال منقوله باید صورتی مرتب‌شود که در آن کلیه اسامی اشیاء نوشته شود و در موقع لزوم کیل و وزن و عدد اشیاء معین شود در صورت اشیاء طلا و نقره هرگاه عیار آنها معین

باشد قید می شود در جواهرات عدد و اندازه و صفات و اسامی آنها معین می شود ودر کتاب ها اسم کتاب و مؤلف و تاریخ طبع و درصورت تصویر و پرده های نقاشی مفاد پرده و طول و عرض آنها و اسم نقاش و در مال‌التجاره چه در انبار باشد و چه در جای دیگر اسم مال‌التجاره و عده عدل و نمره آنها تصریح می شود از اسهام و کاغذهای قیمتی عدد و نوع و قیمت اسمی آنها در صورت معین می شود .

ماده ۶۳۲ — در صورت اشیاء کلیه باید نو یا مستعمل بودن آنها قید شود .

ماده ۶۳۳ — در مواردی که صورت اشیاء موجود باشد مامور اجرا صورت جدیدی ترتیب نداده بهمان صورت رسیدگی کرده اختلاف را قید می کند.

ماده ۶۳۴ — هرگاه نسبت به اشیائی که باید توقیف شود اشخاص ثالث اظهار حقی نمایند مامور اجرا اسم مدعی و چگونگی اظهار او را قید می کند .

ماده ۶۳۵ — عدد و کیل و وزن باید با تمام حروف و با اعداد نوشته شود صورت باید قیطان کشیده و ممهور به مهر مامور اجرا باشد .

ماده ۶۳۶ — در صورت باید تاریخ شروع و انجام نوشته شده و

تصحیحات که در صورت سهو و اشتباه عمل میاید درآخر صورت تصریح و به امضای مامور اجرا برسد تراشیدن و پاک کردن در صورت ممنوع است .

ماده ۶۳۷ — درمواردی که داین ومدیون وشهود حاضرباشندصورت بامضای آنها میرسد . هرگاه امتناع از امضا نمایند مراتب در صورت قید می شود .

ماده ۶۳۸ — اشخاص مذکوره در ماده قبل می توانند ایرادات خود را درباب صورت مرتبه به مامور اجرا اظهار نمایند وهرگاه مامور اجرا ایرادات آنان را قبول نکرده در آخر صورت جهات آنرا قید می کند .

ماده ۶۳۹ — به تقاضای داین ومدیون مامور اجرا باید سوادی از صورت مرتبه بانها بدهد حقی که از آنها گرفته می شود موافق تعرفه است .

ماده ۶۴۰ — هرگاه از اموال منقوله در جای محفوظ معینی باشد مامور اجرا مدخل آنجارا بسته ومهر و موم می نماید . وهرگاه اشیاء جای محفوظ و معین نباشد بهرکدام از اشیاء کاغذی وصل کرده مهر می کند داین و مدیون نیز می توانند مهر خودرا پهلوی مهر مامور اجرا بزنند .

ماده ۶۴۱ — هر گاه طول توقیف باعث فساد بعضی اشیاء توقیف شده بشود باید اشیاء مزبوره را جدا کرده طوری توقیف نمایند که بتوان سر کشی و مراقبت نمود .

ماده ۶۴۲ — هر گاه داین و مدیون در موقع عملیات توقیف حاضر نشوند یا حاضر شوند وایرادی ننمایند بعد حق ایراد وشکایت را از اقدامات مامور اجرا نخواهند داشت باستثنای مواردی که توقیف باید معجلا بدون انتظار حضور داین ومدیون مجری شود (مثلا در مورد توقیف اشیائی که ضایع شدنی است)

مبحث سوم

در تقویم اموال منقوله

ماده ۶۴۳ — تقویم اموال منقوله در حین توقیف بعمل می آید و در صورت درج می شود . تقویم را داین می کند باحضور مدیون و در صورت اختلاف در قیمت اشیاء هر کدام از طرفین حق دارند تقاضای تقویم مقوم را نمایند مخارج مقوم بعهدهٔ شخصی است که اورا خواستار شده است .

ماده ۶۴۴ — هر گاه طرفین در انتخاب مقوم تراضی ننمایند یاطرفی حاضر نشود یا امتناع از تقویم نماید مدعی العموم و در غیاب او رئیس

محکمه مقوم را معین می کند . عدهٔ مقومین باید طاق باشد و درصورتی که اکثریت حاصل نشود حدوسط قیمت های مقوم را مامور اجرا اختیار می کند .

مبحث چهارم

در حفظ اموال توقیف شده

ماده ۶۴۵ — اموالی که باید توقیف شود درهمانجا که هست توقیف میشود و درصورت لزوم بجای محفوظی نقل میشود . درهرحال باید اموال توقیف شده را بشخص مسؤلی سپرد .

تبصره — اموال دیگری را باسم مال مدیون درغیر خانه مدیون نمی توان توقیف کرد .

ماده ۶۴۶ — هرگاه در انتخاب چنین شخص مسئولی داین و مدیون تراضی نکردند مامور اجرا معین میکند .

ماده ۶۴۷ — مامور اجرا باید حتی القدور کسی را معین نماید که دارائی داشته وبدون نقل اشیاء بجای دیگر مسؤل حفظ آن شود .

ماده ۶۴۸ — مامور اجرا نمی تواند بدون تراضی کتبی طرفین اموال توقیف شده را باشخاص ذیل بسپارد : (۱) باقوام واقربای خود تا درجه سوم (۲) بداین و مدیون و عیال آنان و همچنین باشخاصی که باداین و

مدیون قرابت نسبی و سببی تادرجه سوم دارند و بمخدوم وخدمه آنان مگر اینکه شخص دیگری برای حفظ اموال توقیف شده پیدا نشود .

ماده ۶۴۹ — سواد صورت اموال توقیف شده بشخصی که مسؤلیت حفظ را بر عهده گرفته داده شده وقبض رسید دریافت میشود .

ماده ۶۵۰ — شخص حافظ حق الحفظ میگیرد . وهرگاه داین ومدیون در این باب تراضی نکردند حق مزبور موافق تعرفه مقرره خواهدبود .

ماده ۶۵۱ — حافظ اشیاء توقیف شده حق ندارد اشیاء توقیف شده را استعمال نماید یابکسی بدهد والا از حق الحفظ مقرر محروم وبعلاوه مسؤل خسارات وارده خواهد بود .

ماده ۶۵۲ — هرگاه حافظ اموال توقیف شده در اموال مذکوره تعدی نماید علاوه برتادیه خسارت وارده از یك ماه الی یکسال بسته به اهمیت تقصیر حبس خواهد شد .

ماده ۶۵۳ — هرگاه اشیاء توقیف شده منافعی داشته باشد حافظ اشیاء مزبوره باید حساب آنرا بدهد .

ماده ۶۵۴ — حق الزحمه حافظ اشیاء توقیف شده را در صورتیکه مدیون امتناع از ادای دین کرده مشارالیه باطلاع مامور اجرامیپردازد ودر

صورتیکه اشیاء فروخته شود ازبقیه اشیاء مبیعه داده میشود وهرگاه مدیون امتناع نکرده باشد داین تادیه می کند

مبحث پنجم

در توقیف اموال منقوله مدیون

که در نزد اشخاص ثالث است

ماده ۶۵۵ — هرگاه معلوم شود که وجه نقد یا اموال منقوله دیگری از مدیون نزد اشخاص ثالث میباشد ورقه اجرائیه در باب توقیف آن بشخص ثالث ابلاغ و رسید ورقه دریافت میشود و مراتب فورا بمحکوم علیه نیز کتبا اعلام مینمایند

ماده ۶۵۶ — بموجب رسیدی که می سپارند اشخاص ثالث مکلفند که اموال توقیف شده را بصاحب آن بدهند

ماده ۶۵۷ — مقامات رسمی بعد از گرفتن ورقه اجرائیه مکلفند که از اموال محکوم علیه که درنزد آنها است چیزی بمشار الیه ندهند مگر اشیائی که از مستثنیات دین است

ماده ۶۵۸ — نقض دوماده قبل موجب مسؤلیت شخص ثالث ومقامات رسمی در مقابل محکوم له خواهد بود . ودر صورتیکه محکوم علیه مفلس

باشد کسی که مال را بمحکوم علیه داده باید تادیه خسارت محکوم له را بقدر آنچه داده بنماید

ماده ۶۵۹ — هرگاه بموجب قرار داد اشخاص ثالث وجهی باقساط معینه بمحکوم علیه دادنی باشند در التزامی که بعد از ابلاغ ورقه اجرائیه میدهند باید صریحا قید نمایند که چند قسط پرداخته شده وتادیه اقساط دیگری برذمه آنها هست یا نه چه وقت خواهند داد و بعد از ابلاغ ورقه اجرائیه باشخاص ثالث اقساط را باید در نزد خود آنان توقیف نمود یا در نزد امینی که متداعیین یا داین ومدیون انتخاب کرده اند . وهرگاه تراضی نکنند در نزد امینی که محکمه معین می کند

ماده ۶۶۰ — در مورد ماده قبل هرگاه معلوم شود اشخاص ثالث اطلاعاتی که داده اند موافقت با واقع امر ندارد و کمتر از آنچه نزد آنان بود صورت داده اند باید ازعهده خسارت محکوم له برآیند

ماده ۶۶۱ — در صورتیکه حقوق دیوانی مدیون توقیف شودمراتب ذیل لازم الرعایه است (۱) هرگاه مدیون معیل یا صاحب اولاد باشد فقط ربع حقوق او بداین تادیه میشود والا ثلث (۲) خرج مسافرت و مواجب اهل نظام که درجنك هستند توقیف نمیشود

ماده ۶۶۲ — در مواردیکه طلب داین باید ازحقوق دیوانی پرداخته شود ورقه اجرائیه باداره بتوجه مدیون با اداره لازمه دیگر ابلاغ و کسر

از حقوق وتادیه آن بداین بعهدهٔ رئیس آن اداره است

فصل سوم

در توقیف اموال منقوله

مبحث اول

مواد عمومی

ماده ۶۶۳ — در مواردی که محکوم علیه امتناع از ادای محکوم به نموده ومحکوم به غیر منقول باید بتصرف طلب کار داده شود . وهمچنین در مواردی که تادیه دین باید از اموال غیر منقوله داین بعمل آید مامور اجرا اطلاع نامه بمدیون فرستاده اعلام میدارد که هرگاه در ظرف دوماه از تاریخ ابلاغ آن طلب داین تادین نشود مال غیر منقول بتصرف محکوم له داده خواهد شد یا از مال مذکور ادای دین بعمل خواهد آمددرهمان وقتی که اعلان مذکور بعمل میآید مال غیر منقول مدیون توقیف وبدایره ثبت اسناد اطلاع داده میشود

ماده ۶۶۴ — از روز وصول اعلام مذکور مدیون نمی تواند مال غیر منقول را بکسی دیگر انتقال بدهد مگر بشرط معین در ماده (۶۶۵) ونیز حق ندارد از اشیاء واسباب متعلقه بمال غیر منقول چیزی بفروشد یا انتقال دهد . از اشجار وجنگل فقط باندازهٔ میتواند ببیاندازد که برای حفظ

مال غیر منقول از خرابی لازم باشد . تخلف ازمفاد این ماده مستلزم حبس است که بسته باهمیت تقصیر بنظر محکمه ازیك ماه الی شش ماه معین خواهد شد و بعلاوه در موقعیکه محکوم علیه معین باشد مسؤل خساراتی است که بر داین وارد آمده است

ماده ٦٦٥ — درمدت دوماه که معین شده قبل ازانقضای مدت مزبوره مدیون میتواند مال غیر منقول توقیف شده را بفروشد یارهن بگذارد

(۱) در مواردی که قبل از اجرای صیغه معامله مبلغ محکوم به را باطلاع محکمه که مال توقیف شده درحوزه آن واقع است بمدیون پرداخته قبض رسید دریافت دارد

(۲) در صورت رضایت داین در فروش مال غیر منقوله بتوسط مدیون

ماده ٦٦٦ — قرارداد ها وتعهدات راجعهٔ بمال غیرمنقول درصورتیکه قبل از ابلاغ اطلاع منعقد شده باشد بعد از آنهم در قوت خود باقی است ولی هرگاه قرار داد یا تعهدی بعد از ابلاغ اطلاع نامه منعقد شده باشد مدیون میتواند نقض آنرا از محکمه بخواهد . در صورتیکه ثابت کند قرار داد های مذکوره برضرر ومال غیر منقول منعقد شده است

مبحث دوم

در ترتیب صورت اموال غیر منقوله

ماده ٦٦٧ — بعد از انقضاء موعد مذکوره در ماده (٦٦٣) مامور

اجرا بترتیب دادن صورت اموال غیر منقوله مباشرت می کند و تاریخ اقدام خود را بمدیون اطلاع میدهد .

ماده ٦٦٨ — در صورت مزبور باید قید شود (۱) تاریخ و مفاد ورقهٔ اجرائیه که بموجب آن اجرای حکم بعمل میاید (۲) محلی که مال غیر منقول در آنجا واقعست یعنی درکدام ولایت و بلوك و ناحیه یاشهر و محله واقعست (۳) توصیف مال غیر منقول بطریق اختصار (٤) مال مزبور متعلق به کی است مال یك مالك است یا مشاع است اشخاص دیگر حق بان مال دارند یا نه واگر دارند چه نوع حقی است بچه مبلغ مرهون شده است .

ماده ٦٦٩ — و نیز در صورت باید تصریح شود (۱) حدود ملك و همسایه های آن (۲) مساحت ملك ازهر طرفی و اراضی و جنگل هرگاه معین باشد و مزارع و عدد و قنوات (۳) سایر اطلاعات راجعه به وضع ملك (از وضع زراعت و حشم و اسباب زراعت و مسافت از شهر و راه های معتبره و غیره) که کاشف از حال و وضع ملك تواند شد .

ماده ٦٧٠ — درصورتیکه بتوان مساحت تحقیقی ملك را معین کرد باید مامور اجرا مقدار بذر افشان و حاصل را تحقیق کرده در صورت قید نماید .

ماده ٦٧١ — در صورت راجعه بخانه باید قید شود (۱) خانه از

چه ساخته شده (۲) اندازه خانه از عرض وطول و ارتفاع (۳) عدهٔ اطاق ها و انبار و زیر زمین و غیره هرگاه خانه بچند قسمت یا حیاط علیحده تقسیم شده باشد که متصل بهمدیگر باشند صورت هر یك جداگانه برداشته می شود .

ماده ۶۷۲ ـ در صورت راجعه بکار خانه جات اطلاعات مصرحهٔ در ماده قبل قید می شود بعلاوه عدد ماشین و آلات و تعیین حاصل کار خانه .

ماده ۶۷۳ ـ مدیون درحین ترتیب صورت باید اسناد راجعه بملك یا مال غیر منقوله رابمامور اجرا ارائه بدهد و هرگاه ندهند حق ندارد بعد ها از عدم صحت صورتی که مامور اجرا ترتیب داده است شکایت کنند .

ماده ۶۷۴ ـ هرگاه حدود یا قسمتی از ملك متنازع فیه باشد مراتب در صورت قید شده تصریح می شود که طرف منازعه کیست و در کجا به منازعه رسیدگی می شود .

ماده ۶۷۵ ـ هرگاه قسمتی از ملك برای اداء دین کافی است صورت همان قسمت مرتب میشود مگر اینکه قسمت را ازکل نتوان تجزیه کرد یا اگر قابل تجزیه باشد تجزیه باعث خرابی ملك شود .

ماده ۶۷۶ ـ صاحب ملکی که قابل تجزیه است حق دارد که قسمتی از آن را درمقابل دین خود از کل تجزیه کرده همان را برای عملیات اجرا بمامور اجرا واگذار کند .

مبحث سوم

در تقویم اموال غیر منقوله

ماده ۶۷۸ ـ داین باید قیمت ملك را تاانتمام ترتیب صورت اموال غیر منقوله کتبیا معین و امضا نموده به مامور اجرا بدهد این تقویم نامهٔ داین به مدیون در صورتی که درحین ترتیب صورت حاضر بوده تبلیغ می شود .

ماده ۶۷۷ ـ صاحب ملك هرگاه تقویم داین را نازل دیدحق دارد درظرف یك هفته ازتاریخ ابلاغ تقویم نامه باو قیمت ملك را از روی حد وسط فایدهٔ خالص سه سال آخری ملك معین نموده و بمامور اجرا بدهد هرگاه صاحب ملکی کمتر ازسه سال مالك بوده حد وسط فایدهٔ خالص زمان مالکیت خودرا معین میکند .

تبصره ـ مقصود ازفایده خالص منافعی است که برای مالك بعداز وضع مخارج عادیه مرسومهٔ ملك و مالیات و عوارض دیوانی از هر قبیل می ماند .

ماده ۶۷۹ ـ مدیون باید اطلاعاتی را که درجواب کتبی خود می

دهد که مبتنی براسناد و صورت حساب نموده هرگاه لازم شود اسناد و نوشتجات مزبوره‌را ارائه دهد .

ماده ۶۸۰ — جواب کتبی مدیون بداین تبلیغ میشود و مشار الیه مختار است یاتقویم مالك را قبول کند ویا درصورت رد در ظرف یکهفته باطلاعات مندرجه درآن کتبا اعتراض نماید .

ماده ۶۸۱ — در صورتیکه مابین داین و مدیون در باب حد وسط فایدهٔ خاص ملك را موافقت نشود باطلاعات اهل خبره رجوع میشودعدهٔ خبره باید طاق باشد و هرگاه طرفین تراضی در انتخاب آنان نکردند مدعی العموم معین میکند وهرگاه مدعی العموم نباشد رئیس محکمه .

ماده ۶۸۲ — هرگاه مدیون حاضر نباشد مدعی العموم اهل خبره‌را معین میکند .

ماده ۶۸۳ — بعد از تعیین حدوسط فایده خاص مال غیر منقول قیمت عادله مال مزبور معین میشود بانحطورکه از تحقیقات محلی باید معلوم گردد که نسبت حد وسط خاص عایدی درعرض سه سال اخری به قیمت ملکی چیست واز نسبت مزبوره و حد وسط خاص عایدی ماغیر منقول توقیف شده در عرض سه سال که از خبره معین کرده اند قیمت ملك را معین نمود .

ماده ۶۸۴ — بعد ازترتیب صورت مال غیر منقول وتقویم آن مامور اجرا اوراق راجعه بمال مزبور را بمحکمه که باید مال غیر منقول را به تصرف مدیون بدهد یا از قیمت آن ادای طلب داین را بنماید می فرستد .

ماده ۶۸۵ — تحقیقات محل بترتیبی بعمل می آید که در اصول محاکمات حقوقی مذکور است .

مبحث چهارم

درحفظ مال غیر منقول توقیف شده

ماده ۶۸۶ — مال غیر منقول بعد از ترتیب صورت و تقویم در تصرف مالك سابق موقتا می ماند بارعایت شرایطی که در ماده (۶۶۲) مذکور است .

ماده ۶۸۷ — مدیون درمورد ماده قبل مکلف است مال غیر منقول را موافق صورت تحویل گرفته و موافق آن تحویل بدهد .

ماده ۶۸۸ — در صورتیکه مال غیرمنقول دردست مدیون بماند مشار الیه مکلف است که حساب عایدات آن‌را بدهد .

ماده ۶۸۹ — در صورتی که منافع مال غیر منقوله توقیف شود منافع

مذکوره به امینی که داین و مدیون بتراضی معین کرده اند سپرده می شود و درصورت عدم تراضی بشخص امینی که مدعی العموم و اگر مدعی العموم بناشد رئیس محکمه کتبا معین میکنند .

فصل چهارم

در تادیه طلب داین

ماده ۶۹۰ — هرگاه بعد از انقضای موعدیکه برای تادیه طلب داین معین شده طلب مزبوررا مدیون ادا نکرد باطلاع مدعی العموم (ودرجائیکه مدعی العموم نباشد به اطلاع رئیس محکمه) و رضایت داین عین مال توقیف شده را بقدر طلب بقیمتی که تقویم شده بداین می دهند اگر داین راضی نشد که ازعین بردارد بترتیبی که درفصل پنجم مذکور است باطلاع مدعی العموم ازمال باندازه طلب داین در معرض فروش گذارده می شود وطلب داین تادیه میشود و هرگاه مال قابل تجزیه نباشد تماما فروخته شده ومعادل طلب داین تادیه وبقیه بصاحب مال مسترد میشود

ماده ۶۹۱ — هرگاه مال نزد داین مرهون باشد بعد از انقضای مدت دین بمدیون اطلاع داده میشود که برای ادای دین حاضر شوددرصورت عدم حضور وتادیه دین مال مرهون تقویم شده وبرضایت داین معادل طلب از عین مال مرهون باو داده میشود والا درحکم ماده قبل خواهد بود

فصل پنجم

در فروش اموال توقیف شده

مبحث اول

در فروش مال منقول

ماده ۶۹۲ — بعد از ترتیب صورت مال وتقویم آن داین ومدیون باید بمامور اجرا اعلام نمایند که بتراضی درباب محل و موعد فروش چه قراری داده اند هرگاه طرفین در این باب تراضی نکردند مامور اجرا از قرار ذیل رفتار می کند

ماده ۶۹۳ — محل فروش را مامور اجرا معین مینماید وباید محل مزبور خارج از محل هائیکه از طرف دولت یا بلدیه معین شده است نباشد و اگر محل ها متعدد شد یا معین نشده باشد در محلی فروش بعمل میاید که برای منافع مدیون ترجیح داشته باشد

ماده ۶۹۴ -- در مواردی که حمل اموال منقوله بمحل دیگری باعث مخارج زیاد است اشیاء توقیف شده درمحلی که حفظ میشود بفروش میرسد

ماده ۶۹۵ -- فروش در حضور مامور اجرا ومامور نظمیه ویکنفر

از طرف مدعی العموم باید بعمل آید

ماده ۶۹۶ — موعد فروش را مامور اجرا نظر بکمیت و کیفیت اشیاء توقیف شده معین می کند وموعد مزبور نباید کمتر از یك هفته وبیش از دو ماه باشد ابتدای این موعد از روز اتمام ترتیب صورت و تقویم است در اشیاء ضایع شدنی یا اشیائی که حفظ آنها باعث مخارج زیادی است میتوان موعد را کمتر قرار داد

ماده ۶۹۷ — تاخیر از موعد مقرر درماده قبل برضایت طلب کاران یا طلب کار ممکن است

ماده ۶۹۸ — اعلان فروش را ماموراجرا بعمل آورده ودر اعلام باید محل و تاریخ (روز و ساعت) فروش و اسم صاحب مال و تقویم آن تصریح شود .

ماده ۶۹۹ — اعلان باید لا اقل یك هفته ودر موارد فوری لااقل یك روز قبل از تاریخ فروش در اداره نظمیه محل و معابر نصب شود و هر گاه قیمت مال بیش از شصت تومان باشد باید در روز نامه هم اعلان مزبور درج شود .

ماده ۷۰۰ — داین ومدیون می توانند علاوه براعلاناتی که بواسطه

مامور اجرا بعمل می آید خودشان هم بخرج خودشان اعلانات لازمه را در مطبوعات و غیره بعمل آورند .

ماده ۷۰۱ درصورت تغییر روز فروش بحکم محکمه یا تراضی طرفین باید تغییر روز و جهت آن مجددا اعلان شده و مراتب در دفتر مامور اجرا قید شود .

ماده ۷۰۲ — مصنفات یا مترجمات خطی وهمچنین مصنفات ومترجمات چاپی که هنوز برای خرید فروش منتظر نشده بدون رضایت مصنفین یا مترجمین در حال حیات آنان و بدون رضایت وراث و قایم مقام آنان در حال ممات بمعرض بیع نمیاید

ماده ۷۰۳ — هر گاه کسی مصنفات یا مترجمات دیگری را برای طبع وانتشار خود یا حق طبع را خریده یا باو منتقل شده باشد فروش مصنفات یا مترجمات مذکوره یا حق طبع جایز است ولی هر گاه تعهدی منتقل الیه نسبت بمصنف یا مترجم قبول کرده باشد خریدار ثانوی باید قبلا اجرای تعهد مزبور را بعهده بگیرد .

ماده ۷۰۴ — ابتیاع مصنفات و مترجمات و پرده های نقاشی وسایر صنایع مستظرفه حق مالکیت اولی یا صناعی را بخرنده نمیدهد .

ماده ۷۰۵ — در روز هائی که برای فروش معین شده است مردم

می توانند اشیاء را معاینه نمایند فروش در دو ساعت بظهر مانده شروع و یك بغروب مانده ختم می شود و هرگاه در روز معین تمام نشد بروز دیگر محول میشود .

ماده ۷۰۶ -- داین می‌تواند مثل سایر مردم در خرید شرکت نماید ولی اشخاصی که صورت را ترتیب داده اند یا تقویم کرده اند و همچنین اجزاء اداره نظمیه و مامورین اجرا و سایر اشخاصی که مباشر امرفروش هستند نمیتوانند درخرید شرکت کنند صاحب مال می تواند خواهش کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند و یا اینکه خردش قیمت مال را حاضر کرده منع از فروش نماید

ماده ۷۰۷ -- دروقت فروش مامور اجرا قیمت هر چیزرا بطوریکه داین و مدیون یامقوم معین کرده اند اعلان کرده می پرسد کی بیشترمیدهد و قیمتی را که خریده تکلیف می کند دو دفعه بلند اعلام مینماید تا آنکه یقین حاصل نماید که دیگرکسی بیشتر نمیدهد آنوقت سه دفعه می گوید کی بیشتر میدهد و در دفعه آخری چکش را میزند و بعد از آن دیگر اضافه قیمت قبول نمیشود و مال متعلق بکسی است که بالا ترین قیمت را قبل از زدن چکش آخری قبول کرده .

ماده ۷۰۸ -- تاریخ فروش و نمرهٔ شبهٔی فروخته شده و بالا ترین قیمتی که داده شده است و اسم و شهرت خریدار در دفتر مامور اجرا

نوشته شده بامضای خریدار میرسد واگر نتواندامضا کند کسی دیگر ازطرف او امضا می کند و جهت قید می شود

ماده ۷۰۹ -- مشتری باید تمام قیمت را نقد بدهد مگر اینکه طرف اطمینان داین و مدیون و مامورین اجرا باشد یا داین قبول کند .

ماده ۷۱۰ -- هرگاه مامور اجرا مشاهده کند که مال فروخته شده برای ادای‌طلب داین کافی است فروش راتوقیف نموده بقیه مال را بصاحب آن مسترد میدارد .

ماده ۷۱۱ — در موارد ذیل فروش بعمل نخواهد آمد (۱) هرگاه مشتری حاضر نشود یا بیش از یك نفر نباشد (۲) در صورتی که هیچ کس بیش از قیمتی که برای اشیاء در حین تقویم معین شده مشتری نشود .

ماده ۷۱۲ — درصورتیکه فروش بواسطه حاضر نشدن مشتری‌بعمل نیاید طلب کاران می توانند خواهش اعلان فروش جدید را بنمایند یااینکه اشیاء را بقیمتی که معین شده بر دارند رای طلب کاران در این مورد نسبت باکثریت مبلغ طلب آنان مناط اعتبار است .

ماده ۷۱۳ -- در صورتیکه در دفعه دوم هم فروش بعمل نیاید اشیاء توقیف شده بصاحب آن مسترد شده طلب کاران میتوانند درصورتیکه

راضی به بر داشتن عین مال نباشند نادیه طلب خود را از مال دیگر مدیون بخواهند .

ماده ۷۱٤ — در موارد ذیل فروش از درجه اعتبار ساقط است

(۱) هر گاه معلوم شود که شیئی فروخته شده مال مدیون نبوده است .

(۲) وقتی که کسی مال را خریده است که حق خرید را نداشته است

(۳) وقتی که مال را زود تر از موعد مقرر فروخته اند

(٤) در صورتی که کسی را بدون جهت قانونی مانع از خریدن شده اند یا بالا ترین قیمت را که تکلیف کرده است رد کرده اند

(٥) درصورتیکه مزایده بدون اطلاع مدعی العموم بعمل آمده باشد در مورد فقره اول این ماده عین مال بصاحب واقعی آن بر میگردد خریدار باید پول خودرا ازمدیون مطالبه نماید و هر گاه معلوم ومحقق شود که مواضعه دراین باب مابین مدیون و طلبکاران بوده خریدار پول خود را از مدیون وطلبکاران مطالبه نماید .

مبحث دوم

در فروش اموال غیر منقوله

ماده ۷۱٥ ترتیبات فروش اموال غیر منقوله مثل اموال منقوله

است باستثنای مواردی که تکلیف آنها دراین مبحث معین است

ماده ۷۱٦ — صورت اموال غیر منقوله برئیس محکمه ابتدائی که مال غیرمنقول درحوزه آن واقع است داده میشود و مشارالیه مامور اجرا را برای فروش مال معین میکند داین و مدیون نیز میتوانند در انتخاب مامور مزبور تراضی نمایند فروش در شهری که مقر محکمه ابتدائی است بعمل میاید

ماده ۷۱۷ — موعد فروش مال غیر منقول که کمتر از سیصد تومان قیمت داشته باشد یکماه است ومال که ازسیصد الی پنج هزار تومان قیمت داشته داشته باشد دوماه وبرای اموال غیر منقوله که قیمتش از پنج هزار تومان است سه ماه . ابتدای تاریخ مزبور ازروز اعلان فروش است (چه توسط اوراق چه درمطبوعات)

ماده ۷۱۸ — در اعلان باید تصریح شود (۱) اسم و شهرت صاحب ملك وطلبکار (۲) اسم خود واسم پدر ومحل اقامت مامور اجرا (۳) محل مال غیر منقول وتعریف مختصر آن (٤) تصریح اینکه تمام ملك فروخته میشود یاقسمتی از آن و کدام قسمت ها (٥) ملك مرهون است یانه و هر گاه مرهون است نزد کیست وبا اجازه او فروخته میشود (٦) تاریخ و محل فروش (۷) قیمتی که ازآن مزایده شروع خواهد شد .

ماده ۷۱۹ — لا اقل باید یکماه قبل ازتاریخ فروش در خود ملك

ودر ملك محلی که فروش بعمل خواهد آمد اعلان مزبور نصب شود .

ماده ۷۲۰ — اوراق راجعه بملك از صورت مرتبه وتقویم باید در دفتر خانه محکمه برای اشخاصی که میخواهند تحصیل اطلاعات نمایند حاضر باشد .

ماده ۷۲۱ — برای فروش هرمال غیر منقولی ورقهٔ ترتیب داده می شود که درآن اسم ملك و قیمتی را که فروش از آن شروع میشود درج مینمایند .

ماده ۷۲۲ — درحین فروش یك نفر امین از طرف رئیس محکمه و مدعی العموم حاضر شده نظارت می نمایند وبعد ازقرائت ورقه مامور اجرا میپرسد که کی بیشتر میدهد قیمت هائی که تکلیف میشود در ورقه با اسم تکلیف کننده درج وبحضار اعلام میشود وبعد ورقه بامضای شخصی که بالاترین قیمت را داده است وداین و مدیون ومامور اجرا وامین ناظر میرسد .

ماده ۷۲۳ هرگاه فروش بعمل نیامد و کسی بر قیمت تقویم نیفزود طلبکاران می توانند ملك را بقیمتی که تقویم شده بردارند یاتقاضای فروش جدید را درهمان محل یادر شهری که بیشتر مرکزیت داشته باشد بنمایند .

ماده ۷۲۴ هرگاه در دفعه ثانی هم فروش بعمل نیامد طلبکاران

باید ملك را بقسمی که مقوم معین کرده است قبول کنند ویاتادیه دین خودرا ازمال دیگر مدیون بخواهند .

ماده ۷۲۵ — در موارد ذیل فروش از درجه اعتبار خارج ساقط است : (۱) هرگاه معلوم شود که ملك مال مدیون نبوده است (۲) وقتی که کسی ملك را خریده است که حق خریدرا نداشته است (۳) وقتیکه مال را زودتر از موعد مقرر فروخته اند (٤) در صورتی که کسی رابدون جهت قانونی مانع از خریدن شده اند یا بالاترین قیمتی راکه تکلیف کرده است رد کرده اند (۵) درصورتیکه مزایده بدون اطلاع مدعی العموم بعمل آمده باشد درمورددقره اول این ماده عین ملك بصاحب واقعی آن برمیگردد وخریدار باید پول خودرا از مدیون مطالبه نماید وهرگاه محقق شود که دراین باب مواضعه مابین مدیون وطلبکار بوده خریدار پول خودرااز مدیون وطلبکاران باید مطالبه نماید .

ماده ۷۲۶ — هرگاه ملك مشاع باشد صورتی از تمام ملك برداشته میشود ولی سهم مدیون بفروش میرسد مگر اینکه سایر شرکاء فروش تمام ملك را بخواهند . در این صورت حاصل فروش مابین داین و شرکاء به اندازه سهم آنان تقسیم میشود . واگر منازعه مابین شرکاء و مدیون در سهم هریك باشد بعد از رسیدگی محکمه حاصل فروش تقسیم میشود .

ماده ۷۲۷ — مالك ملکی که صورت آن مرتب و تقویم شده است حق

دارد از محکمه توقیف مزایده را بخواهد در صورتیکه بتواند ثابت کند که منافع خالص ملك درعرض دوسال برای ادای دین او کافی است خواهش توقیف بمحکمه داده میشود که مزایده درحوزهٔ آن بعمل می آید

مادهٔ ۷۲۸ درمورد ماده قبل مدیون باید تامینات صحیحه در باب رسانیدن اقساط بدهد و انتخاب یکی از اقسام منوط بتراضی طرفین است . هرگاه درراس وعده دامن قسط مقرر را پرداخت طلب کار می تواند فروش ملك را مجدد تقاضا کند یا قسط را از موضوع تامین بردارد

ماده ۷۲۹ — شخص ثالث که حقی بملك توقیف شده دارد یا ملك توقیف شده را مال خود میداند میتواند برای توقیف مزایده عرضحال بمحکمه که صلاحیت دارد بدهد . و در این مورد شخص ثالث با داین و مدیون احضار میشوند و بمحکمه که باید مزایده در حوزه آن بعمل آید مراتب اطلاع داده میشود

ماده ۷۳۰ — در صورتیکه محکمه شخص ثالث را قوی یافت مزایده را توقیف و مدعی به داین را تا صدور حکم موافق قوانین تامین می نماید ولی هرگاه حق شخص ثالث راجع به قسمتی از ملك باشد مزایده سایر قسمت ها توقیف نمیشود

ماده ۷۳۱ — شکایات از عدم رعایت قوانین راجعه بترتیب صورت

وتقویم و سایر اقدامات مامور اجرا در عرض یك هفته از تاریخ وقوع ماده شکایت بمدعی العموم داده میشود و مشار الیه مامور اجرا را تغییر داده به ماده شکایت رسیدگی می کند

ماده ۷۳۲ — شکایت از بی ترتیبی مزایده در ظرف یك هفته بعد از وقوع آن بمدعی العموم داده میشود و مدعی العموم هر گاه شکایت را صحیح دانست مراتب را بمحکمه رجوع می کند . قبل از صدور حکم محکمه در این مورد ملك بتصرف خریدار داده نمیشود

فصل ششم

در تقسیم حاصل فروش مابین طلبکاران متعدد

ماده ۷۳۳ — هرگاه حاصل فروش مال مدیون ایفای دین را ننماید باید بمحکمه ابتدائی تسلیم شود . وهرگاه طلبکاران تراضی در باب تقسیم آن نکردند بترتیب ذیل رفتار میشود

ماده ۷۳۴ — رئیس محکمه یکی از اعضاء را معین می کند که تقسیم را مرتب کند . تقسیم نامه بطلبکاران ارائه میشود که هر شکایتی دارند در ظرف یك هفته از تاریخ ارائه تقسیم نامه بمحکمه بدهند

ماده ۷۳۵ — هرگاه شکایتی اظهار نشود محکمه تقسیم نامه را امضا

می کند والا رسیدگی کرده قرار قاطع میدهد .

ماده ۷۳۶ — طلبکاریکه ورقه اجرائیه خود را بعد از امضای ورقه تقسیم نامه بمحکمه ابراز کرده است حق شرکت در تقسیم آن ندارد . ولی طلبکار مزبور وهمچنین طلبکارانی که بتمام حق خودشان نرسیده اند می توانند ایفای حق خودشانرا از سایر اموال مدیون بخواهند و هرگاه مدیون چیزی نداشته باشد اعلام افلاس اورا تقاضا کنند

فصل هفتم

در اتخاذ وسایل برای تادیه دین

ماده ۷۳۷ — هرگاه مال منقول وغیر منقول مدیون کفایت ادای دین را ننماید طلبکار میتواند از محکمه بخواهد که مدیون را حاضر کرده استعلام نماید که وسایل دیگری برای ادای دین دارد یا نه واگر دارد کدام است ومحکمه که مدیون در حوزه آن اقامتگاه دائمی یا موقتی دارد مدیون را احضار واظهارات او را در صورت مجلس مینویسد

ماده ۷۳۸ — مدیون میتواند خودش بدون احضار محکمه که در حوزه آن اقامت دارد حاضر شده در محکمه اظهاراتی راجع بداده دین خود یا عدم قدرت بر اداء بنماید

ماده ۷۳۹ — مدیون بعد از احضار در موعد مقرر در محکمه حاضر میشود وهرگاه محل اقامت مدیون در مقر محکمه ابتدائی نباشد و بواسطه بعد مسافت نتواند در محکمه ابتدائی حاضر شود در نزدیک ترین محکمه صلح اظهارات خود را مینماید و صورت مجلس معجلا از محکمه صلح بمحکمه ابتدائی فرستاده میشود که برای موعد مقرر در محکمه ابتدائی حاضر باشد

ماده ۷۴۰ — هرگاه مدیون در محکمه ابتدائی یا محکمه صلح حاضر نشد رئیس محکمه حکم میدهد که او را بمحکمه ابتدائی یا محکمه صلح جلب نمایند (موافق جلب در موارد امور جزائی) . وهرگاه مدیون فرار کرد یا پنهان شد اقدام لازمه در پیدا کردن مدیون بعمل آمده حکم محکمه و قرار محکمه در جلب او اعلان میشود

ماده ۷۴۱ — بعد از پیدا کردن مدیون مشارالیه را بمحکمه حاضر می کنند ومحکمه رسیدگی کرده قرار توقیف او را بواسطه عدم اطاعت حکم محکمه در باب احضار میدهد ومدیون از توقیف خارج نمی شود مگر باقیات افلاس خود یا بدادن کفیل (ضامن تن) .

ماده ۷۴۲ — هرگاه مدیون محکوم علیه افلاس خود را ثابت کرد ولی معلوم شد که افلاس از روی تقصیر هست بمحکمه که صلاحیت رسیدگی دارد جلب وموافق قانون مجازات محکوم خواهد شد

ماده ۷۴۳ -- هر گاه مدیون قادر بر ادای دین باشد ولی امتناع از ادای آن نماید واستیفای دین از مال او ممکن نباشد محکمه بتقاضای داین حکم حبس اورا تازمانیکه ادای دین نماید خواهد داد .

ماده ۷۴۴ — هر گاه مدیون بعد از دادن کفیل قرار کرد یاپنهان شد کفیل ملزم است به اداء دین او و اگر نداد در حکم خود محکوم علیه است

ماده ۷۴۵ — درمواردماده (۷۴۳) که حبس اسباب وصول دین است اشخاص مفصله حبس نمی شوند : (۱) صغار ومجانین و اشخاصی که بیش از هفتاد سال دارند . (۲) زنان حامله یا زنانیکه از وضع حملشان چهل روز نگذشته است . (۳) اولیای اطفال در صورتیکه آنها بواسطه توقیف والدین بیمعاش بمانند . (٤) مریض در صورتیکه طبیب حرکت یا توقیف مریض را مضر بداند .

ماده ۷۴۶ — مدیون که توقیف خود را برخلاف قانون می داند می تواند از مامور اجرا تقاضا نماید که اورا نزد رئیس محکمه ابتدائی ببرند ومامور اجرا مکلف است بقید مسؤلیت که این تقاضای اورامجری دارد رئیس محکمه هر گاه توقیف را برخلاف قانون دید فورا حکم استخلاص مدیون را میدهد .

ماده ۷۴۷ — در دفتر مامور اجرا باید قید شود : (۱) ورقه که

مدرك حبس است . (۲) مقدار دین . (۳) مدت توقیف . (٤) محل اقامت طلبکار . (۵) مخارج اجرای قرار محکمه درباب توقیف .

ماده ۷۴۸ — هر گاه مدیون درمحکمه برای دادن توضیحات راجعه بادای دین حاضرشد باحضور طلب کاران باظهارات او رسیدگی می‌شود وهر گاه معلوم شود که مدیون مفلس نبود افلاس او جعلی است حکم بتوقیف اوشده موافق قانون مجازات میشود .

ماده ۷۴۹ — هر گاه مدیون مستخدم دولت باشد مامور اجرافورا قرار محکمه را درباب توقیف برئیس اداره متبوعه مدیون اطلاع میدهد که اگر مال دیوان نزد اوباشد گرفته شود . قرار محکمه درباب توقیف مدیون توسط رئیس اداره باید فورا بموقع اجرا گذاشته شود .

باب هفتم

دراصلاح وحکمیت

فصل اول — در صلح متداعیین

ماده ۷۵۰ — درهر مرحله از مراحل وهر دوری ازادوارمحاکمه حقوقی طرفین می توانند بمحکمه اعلام نمایند که میخواهند منازعهٔ خودرا بصلح تمام نمایند

تبصره - صلح متداعیین در محکمه تمیز باعث توقیف رسیدگی محکمه مذکوره نمیشود ولی حکمی که صادر میشود فقط برای محافظت قانون است واثری برای متداعیین نخواهد داشت

ماده ۷۵۱ — در صورتیکه در محاکمه مدعی یا مدعی علیه متعدد باشند هر کدام از آنان می توانند علیحده از سایرین با طرف یا اشخاصی که طرف هستند صلح نمایند

ماده ۷۵۲ — اشخاصیکه میخواهند محاکمه خودرا بصلح تمام نمایند یا باید عرضحال بمحکمه داده تقاضای صلح را بنمایند و یا هرکاه در خارج صلح کرده اند صلح نامه را در اداره ثبت اسناد یا درمحکمه صلح بتصدیق برسانند ویا در محکمه حاضر شده اقرار بصحت صلح کنند

ماده ۷۵۳ — عرضحال تقاضای اصلاح که ممضی بامضای طرفین دعوی است بمحکمه داده میشود که مشغول رسیدگی است وهرکاه عرضحال مزبور با پست یا توسط وکیل بمحکمه ارسال میشود باید قبلا در مباشرت ثبت اسناد یا محکمه صلح یا در یکی از ادارات رسمی مصدق شود

ماده ۷۵۴ — در صورتیکه صلح باید در محکمه داده شود قبل از ترتیب صلح نامه محکمه سؤالات لازمه را از طرفین نموده یقین حاصل می نماید که طرفین راضی بصلح هستند بشرایطی که تراضی حاصل کرده اند و

بعد صورت مجلس مرتب وبامضای طرفین واعضاء محکمه میرسد و بعد عقد صلح جاری میشود

ماده ۷۵۵ — هرکاه صلح طرفین صورت نگیرد گذشت هائی که طرفین هنگام تراضی بصلح بهمدیگر کرده اند لازم الرعایه نیست

ماده ۷۵۶ — اموریکه بصلح میگذرد بکلی قطع وتمام شده محسوب است وطرفین و وراث وقایم مقام آنان دیگر بهیچ وجه نمی توانند امور مزبوره را از سر بگیرند

فصل دوم

در حکمیت

ماده ۷۵۷ — کلیه اشخاصیکه صلاحیت دعوا را دارند می توانند منازعه خود را به حکمیت یك یا چند نفر که بعده طاق بتراضی انتخاب کرده اند واگذار نمایند

ماده ۷۵۸ — تراضی طرفین بقطع دعوا از طریق حکمیت باید در قرار نامه مخصوصی تصریح شود قرار نامه مذکور بامضای طرفین دعوا باشخاصی که حکمیت مسئله را قبول کرده اند باید برسد قرار نامه مذکور باید در ضمن عقد لازم مرتب وطرفین در قرار نامه باید بقاطعیت اتفاق یا

اکثریت آراء حکم ملتزم شوند

ماده ۷۵۹ — درقرار نامه مذکوره باید صریحا قید شود (۱) اسم و اسم پدر وشغل طرفین و حکم (۲) موضوع منازعه که باید بحکمیت قطع شود غیر از اطلاعات مذکوره شرایط دیگری هم که مخالف قانون نباشد میتوان ذکر کرد

ماده ۷۶۰ — هرگاه موعد معینی برای حکم حکم در قرارنامه معین نشده باشد باید حکم خودرا درظرف دوماه ازتاریخ ثبت قرار نامه دردفتر محکمه بدهد

ماده ۷۶۱ — تاانقضای مدت مذکوردر ماده قبل طرفین حق ندارند بمحکمه رجوع نمایند یا تعقیب محاکمه را از محکمه بخواهند

ماده ۷۶۲ — قرار نامه باید در اداره ثبت اسناد یا درمحکمه صلحیه یا در محکمه که مشغول رسیدگی بدعوائی است که به حکمیت رجوع شده مصدق شود هرگاه تصدیق قرار نامه بهیچ وسیله از وسایل مزبوره میسر نشود در موردی که دعوا در محکمه رسیدگی میشود باید طرفین وحکم ها در محکمه حاضر شده اقرار بصحت قرار نامه نمایند واقرار آنان ضبط شود

ماده ۷۶۳ — هرگاه دعوائی در محکمه درتحت رسیدگی است ابراز قرار نامه مصدق حکمیت دعوا را در هر مرحله از مراحل و هر دوری

از ادوار محاکمه باستثنای محاکمهٔ تمیزی توقیف مینماید ولی تامین مدعی به اگر بعمل آمده است بقوت خود باقی میماند مگر اینکه در قرار نامه حکمیت رفع آن قید شده باشد

تبصره — هرگاه در دور تمیزی کاری به حکمیت قطع شد حکم دیوان تمیز فقط برای محافظت قانون است و اثری برای متداعیین نخواهد داشت

ماده ۷۶۴ — تغییر حکم قبل از صدور حکم آنان فقط در موارد ذیل جایز است (۱) بتراضی طرفین (۲) بتقاضای یك طرف در صورتی که بعد از ترتیب قرار نامه در صورتیکه قرار نامه حکمیت قرابت سببی تا درجه سیم مابین حکم یکی از متداعیین وطرف مقابل او حادث یا محاکمه مابین آنان حاصل شود تقاضای تغییر حکم در مورد دوم این ماده نظر بمبلغ مدعی به راجع است یا بمحکمه صلاح ویا بمحکمه ابتدائی

ماده ۷۶۵ — حکم ها در رسیدگی وحکم تابع ترتیب اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین را ننمایند و همچنین متابعت شرایط قرار نامه حکمیت را بنمایند کلیه اسناد و نوشتجات را طرفین بحکم ها می دهند

ماده ۷۶۶ — درموارد ذیل حکمیت مرفوع می شود (۱) درصورت

تراضی طرفین (۲) در صورت فوت یا جنون یکی از متداعیین (۳) اگر درحین رسیدگی کشف اوضاع واحوالی شود که مربوط به جنحه یاجنایت در حکم حکم نافذ و مؤثر بوده و تفکیک جهت حقوقی از جزائی ممکن نباشد (٤) هرگاه طرفین بعد از فوت یا جنون یا رد بعضی از حکمایجای آنان کسی را انتخاب ننمایند یا کار را به حکمیت حکمهائیکه بعدهٔ طاق باقی مانده اند واگذار نکنند .

ماده ۷٦۷ — هرگاه حکم ها در موعد مقرر حکم ندهند طرفین می توانند ترضی خودشان و حکم ها موعد جدیدی بر این صدور حکم معین کنند .

ماده ۷٦۸ — هرگاه تراضی متداعیین و حکم ها در تعیین موعد جدیدی حاصل نشود یا حاصل شود و حکم ها نتوانند حکم خودشان را در موعد مقرر در اصل نسخه ندهند نوشته شده بدهند حکمیت ملغی می شود .

ماده ۷٦۹ — حکم ها حکم را موافق انصاف و دلیل می دهند قبل از صدور حکم حکم ها مشاوره نموده و رای آنها باکثریت مناط اعتبار است .

ماده ۷۷۰ — در حکم باید اسم و شهرت متداعیین و حکم ها

موضوع منازعه و اسباب و مدرك حکم تصریح شود و به امضای حکم ها برسد .

ماده ۷۷۱ — هرگاه بعضی ازحکم ها از امضای حکم امتناع نمایند سایرین امضا نموده واین امتناع را درحکم قید می نمایند حکمی که بامضای اکثریت حکم ها رسیده است همان اعتبار دارد که بامضای تمام حکم ها رسیده باشد مگر اینکه اتفاق را طرفین مناط قاطعیت قرار داده باشند .

ماده ۷۷۲ — حکم حکم قابل استیناف و تمیز نیست .

ماده ۷۷۳ — بعد از ابلاغ ویا اعلام حکم حکم بطرفین وظیفه حکم ها بانجام رسیده و حکم حکم نظر بمبلغ مدعی به در مدت یك هفته به محکمه صلح یا محکمه ابتدائی که حکم حکم در حوزه آن صادر شده است داده می شود .

ماده ۷۷٤ — احکام حکم بتقاضای یکی از متداعیین نسخ می شود (۱) در صورتی که حکم آنان بعد از انقضاء موعدی که معین شده بوده صادر شده باشد . (۲) در صورتیکه قرار نامه بامضای تمام اشخاصیکه باید موافق ماده (۷۵۸ آن را امضا نمایند نرسیده باشد .

ماده ۷۸۵ — احکام حکم ها درموارد ذیل باطل واز درجه اعتبار ساقط است (۱) نسبت باشخاصی که درترتیب قرارنامه حکمیت شرکت نداشته

اند یا اگرداشته اند مأذون نبوده اند (۲) نسبت بمطالبی که موضوع حکمیت نبوده (۳) نسبت بمسائل ودعاویکه مربوط بجنحه وجنایت است

(٤) نسبت بامور یکه از خصایص رسیدگی عدول مجتهدین جامع الشرایط است .

مادهٔ ۷۷٦ — شکایت از حکمیت وتقاضای نسخ و افتادن حکم حکم ازاعتبار بمحکمه راجع است که اصل حکم حکم ها بدان محکمه تقدیم شده .

ماده ۷۷۷ — مدت شکایت از حکم حکم یکماه است و ابتدای مدت مزبور از روز اعلام یا ابلاغ حکم حکم محسوب میشود .

ماده ۷۷۸ — احکام حکمها موافق قواعدی که برای اجرای احکام محاکم عدلیه مقرر است بموقع اجرا گذاشته میشود .

ماده ۷۷۹ — ورقهٔ اجرائیه را محکمهٔ که حکم حکم بدان تقدیم شده است میدهد .

باب هشتم

در مخارج عدلیه

فصل اول

در مخارج محاکمه

ماده ۷۸۰ — مخارج محاکمه عبارتست (۱) از حق تمبریکه بر اوراقی که بمحکمه داده میشود تعلق میگیرد (۲) از حقی که برای خرج احکام اخذ میشود .

ماده ۷۸۱ — حق تمبر از عرضحال کتبی یا شفاهی وعرضحال متقابل واعتراض برحکم غیابی واعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم وعرضحال یا شکایت نامه استیناف وعرضحال اعاده محاکمه و تمبری و وکالت نامه و التزام نامه و ورقه اجرائیه یک قران است باستثنای محاکم صلحیه که از اوراق مذکوره آنچه بمحاکم صلحیه داده میشود ده شاهی اخذ میشود .

ماده ۷۸۲ — خرج احکام صادره ازمحاکم صلحیه و ابتدائی نسبت بمبلغ مدعی به از قرار تومانی یکشاهی است .

ماده ۷۸۳ — ربع خرج احکام درحین دادن عرضحال وسه ربع دیگر

در حین صدور حکم اخذ میشود . هرگاه در عریضه قدر مدعی به معین نشده باشد باحضور مدعی معین میشود درصورتی که تعیین مقدار مدعی به در وقت دادن عرضحال ممکن نباشد در محاکم صلحیه دو قران و در محاکم ابتدائی پنج قران گرفته میشود وبقیه در بعد از تعیین مدعی‌به در حین صدور حکم اخذ میشود .

ماده ۷۸٤ — محکمه مکلف است که مقدار مدعی‌به را قبل‌ازصدور حکم معین نماید و هرگاه قیمت آنرا نتوان معین کردیعنی مدعی‌به موضوع مالی نداشته باشد بقیه‌خرج حکم درمحاکم صلحیه هشت قران و درمحاکم ابتدائی دو تومان گرفته می شود .

ماده ۷۸۵ — خرج احکام محاکم استیناف و حکمی که بعد از اعتراض به حکم غیابی صادر می شود دو مقابل خرج حکم معمولی است ماده (۷۸۲) ولی از محکوم به حکمی که مورد استیناف یا اعتراض است دریافت می شود .

ماده ۷۸٦ — برای استیناف قرارهائیکه موافق اصول محاکمات حقوقی استیناف آنها علیحده ازخود حکم جایز است در محاکم ابتدائیه دو قران و در سایر محاکم پنج قران دریافت می شود ربع خرج ابتداء اخذ و سه ربع دیگر در حین صدور حکم دریافت می شود .

ماده ۷۸۷ — در مورد اعتراض شخص ثالث و اعاده محاکمه و تمیز

خرج حکم سه مقابل خرج حکم معمولی است (۷۸۲) و تابع قواعد ماده (۷۸۵) است .

ماده ۷۸۸ — خرج حکم در محکمه که پس از نقض محکمه تمیز رسیدگی می کند تومانی نیم شاهی است از محکوم به حکمی که نقض شده است .

ماده ۷۸۹ — خرج قرار اجرای موقت که در محکمه عالی داده می شود قبل از دخول در اساس دعوی بطوری است که برای سایرقرار ها مقرر است

ماده ۷۹۰ — در ارجاع بشرع و قرار رجوع به حکمیت و قرار رجوع به مصدقین واهل خبره خواه بعد ازقبول عرضحال درحین‌رسیدگی در محاکم صلحیه یکقران و در سایر محاکم پنج قران اخذ میشود .

ماده ۷۹۱ — از قرار توقیف اموال در محاکم صلحیه دو قران و در سایر محاکم یك تومان دریافت میشود .

ماده ۸۹۲ — در خواهش کتبی یا شفاهی تامین دلایل که از محاکم صلحیه می شود یك قران و ازصورت مجلسی که مشعر بر اقدامات‌محکمه صاحبه در تامین دلایل است پنج قران دریافت می شود .

فصل دوم

در خرج اجرای حکم

ماده ۷۹۳ — حقی که برای اجرای حکم بعد از اجراء اخذمیشود عشر مبلغ محکوم به است .

ماده ۷۹٤ — مخارجی که درحین اجرای حکم پیش میاید از قبیل حق‌الزحمهٔ اهل‌خبره و تقویم اموال منقوله وغیر منقوله وحق حفظ اموال هر گاه بتراضی داین ومدیون معین نشده باشد تا وقتی که تعرفه آن مقرر و اعلام شود موافق اجرة المثل متعارفی توسط رئیس محکمه معین می شود .

فصل سوم

در مخارج دفتر خانه

ماده ۷۹۵ — خرج سواد احکام و اوراقی که از دفتر خانه‌طرفین مجازند بگیرند برای هرصفحه در محاکم صلحیه یك قران در سایرمحاکم دو قران گرفته میشود پانزده سطر یك صفحه محسوب است و هرسطری بیست و پنج کلمه حساب می شود .

ماده ۷۹۶ — خرج مهر محکمه برای تصدیق مطابقت سواد با اصل یك قران است .

ماده ۷۹۷ — برای سایر تصدیقاتی که از دفتر خانه محکمه در حدود صلاحیت آنها داده می شود درمحاکم صلحیه دو قران ودرسایر محاکم چهارقران است

فصل چهارم

درباب اشخاصی که استطاعت تادیه مخارج عدلیه را ندارند

ماده ۷۹۸ — اشخاصی که افلاس وعدم استطاعت خود را درمحکمه ثابت کرده اند از تادیه مخارج عدلیه معافند .

ماده ۷۹۹ — اشخاص مذکوره باید تصدیقنامهٔ از ادارهٔ که درآن خدمت می کنند یا از محکمه صلح یا از معاریف موثقه که آنان را میشناسند در محکمه ارائه نمایند .

ماده ۸۰۰ — در تصدیقنامه باید اطلاعات صحیحه درباب دارائی و وضع معیشت وترتیب کذران خانه مدعی‌افلاس یا عدم استطاعت او دادهشود

ماده ۸۰۱ — هر گاه معلوم شود که مدعی افلاس در اظهار خود کاذب بوده است دو مقابل وجهیکه از تادیه آن معاف شده است از او دریافت خواهد شد .

ماده ۸۰۲ -- رسیدگی بعدم استطاعت مدعی افلاس از کلیه مخارج عدلیه معاف است .

ماده ۸۰۳ -- هر گاه مدعی افلاس محکوم له واقع شود مخارج عدلیه از محکوم به بعد از اجرای حکم موضوع خواهد شد .

ماده ۸۰۴ -- معافیت مدعی افلاس از مخارج عدلیه باعث معافیت او از تادیه خسارت طرف او در صورت محکومیت او نخواهد بود .

فصل پنجم

درتعلق مخارج عدلیه

ماده ۸۰۵ -- درمواردیکه اقدام محکمه بموجب قانون مستلزم تادیه حقی است اداء حق بعهدهٔ شخصی است که ازمحکمه آن اقدام را مطالبه مینماید ولی درحین صدور حکم یاپس ازآن مخارج مزبور بطوریکه در مواد آتیه مذکور است بیکی از متداعیین تعلق میگیرد .

ماده ۸۰۶ — هر گاه طرفین یابکی از آنان در ضمن عقد لازم ملتزم شده باشند که درصورت محکوم علیه شدن مخارج عدلیه و خسارت طرف (یعنی محکوم له) را تادیه نماید محکمه محکوم علیه را بتادیه حقوق مزبوره الزام می نماید .

ماده ۸۰۷ — هر گاه التزام مذکور در ماده قبل داده نشده باشد مخارج عدلیه را رجوع کننده (یعنی شخصی که خواستار اقدام یاقریاحکمی میشود) تادیه مینماید چه عارض باشد وچه معروض ولی محکوم له حق دارد تادیه مخارج عدلیه وخساراتی که براو وارد شده است پس ازصدور حکم قطعی از محکوم علیه بخواهد ومحکمه پس از رسیدگی وثبوت خسارت و تعیین مقدارآن حکم آنرا میدهد .

ماده ۸۰۸ — خرج مواردیکه قانون اصول محاکمات استثنا مینماید بمحکوم علیه درصورت محکومیت او تعلق نخواهد گرفت رجوع بماده (۲۱۶) و (۳۱۶) و (۳۲۷) .

ماده ۸۰۹ — دعاوی که از پنج تومان کمتر است ازخرج عدلیه معاف است .

ماده ۸۱۰ — درصورت اصلاح ذات البین بترتیب ذیل رفتار میشود هر گاه اصلاح درجلسهٔ اول محکمه واقع شود فقط ربع دوم مخارج محاکمه

مطالبه میشود وهرگاه صلح درجلسات دیگر یادروقتی صادر شودکه سبد گی دعوی بدرجه صدور حکم رسیده است (یعنی مذاکرات شفاهی طرفین وعقیده مدعی العموم اصغا شده) ربع دوم وسوم دریافت میشود وهرگاه طرفین بعد ازصدور حکم صلح نمایند این صلح آنان ،وثر تادیه درخرج محاکمه نخواهد بود .

ماده ۸۱۱ — درمورد ماده قبل هرگاه طرفین معین نکردند که خرج محاکمه بعهده کی است بالمناصفه ازطرفین مطالبه میشود .

ماده ۸۱۲ — هرگاه بموجب حکم محکمه هردو طرف هریك ازجهتی محکوم له ومحکوم علیه باشند مخارج محاکمه نسبت بمبلغ مدعی به یا محکوم به بماده (۷۸۲) الی (۷۸۸) نسبت به بی حق بودن هریك از طرفین به هر کدام تعلق می یابد .

کتاب قانون محاکمات حقوقی که دارای هشتصدو دوازده ماده است که هشتصد و چهار ماده آن از طرف وزارت جلیله عدلیه بعد از جلب نظریات آقای مشیر الدوله و مسیو پرنی مستشار عدلیه پیشنهاد شده وهشت ماده آن محض تکمیل وظایف محاضر شرعیه ومحاکم عدلیه و تصحیح سایر مواد و تطبیق آن با قوانین مقدسه اسلامیه ازطرف علماء

اعلام و نظار با احترام مجلس مقدس شورای ملی شید الله ارکانه پیشنهاد و در ابتدای کتاب اضافه شده در کمیسیون عدلیه تماما تصحیح و تصویب گردید

بتاریخ ۱۹ شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۲۹

قسمت دوم

قانون موقتی

دوره سوم تقنینیه

قانون موقتی

محاکم تجارت

قانون

محاکم تجارت

فصل اول

درتشکیل محاکم تجارت

ماده ۱ — تعیین عده محاکم صلحیه وابتدائی تجارت در نقاطی که از حیث توسعه امور تجاری قابل محاکم مزبوره میباشد پس از تصویب وزارت عدلیه بموجب فرمان دولتی خواهد بود

ماده ۲ — حوزه هر یك از محاکم صلحیه و ابتدائی تجارت همان حوزه محکمه صلحیه ابتدائی حقوقی است که آن محکمه تجارت در حوزه محکمه مزبوره تشکیل می شود - و هر گاه چند محکمه تجارت در حوزه یك محکمه حقوق لازم باشد برای هریك از محاکم مزبوره یك حوزه مخصوصی بتصویب وزارت عدلیه معین میشود

ماده ۳ — هریك از محاکم صلحیه و بدایت تجارت درتحت ریاست یك نفر رئیس تشکیل می‌یابد ودر محکمه بدایت یارئیس مزبور در صورت تعدد اطاق های محکمه بقدر لزوم معاون خواهد داشت - رئیس محکمه ریاست یکی ازاطاق‌ها ومعاونین ریاست اطاقهای دیگررا در عهده میدارند - اطاقی که رئیس درآن ریاست مینماید اطاق اول نامیده می‌شود رئیس در

صورت لزوم ریاست هریك از اطاقهای دیگر را که بخواهد مینماید

ماده ٤ — در هریك از محاکم صلحیه و بدایت غیر از رئیس دو نفر عضو و در محکمه بدایت یك نفر عضو علی‌البدل میباشد

ماده ۵ — محکمه صلحیه تجارت در تحت ریاست یك نفر امین صلح که از طرف دولت معین میشود تشکیل می یابد در هر محکمه دو نفر عضو می باشند اعضاء محکمه صلحیه تجارتی مثل اعضاء محاکم ابتدائی تجارت انتخاب میشوند

ماده ٦ — درهرمحکمه تجارت یك دفترخانه مقرر است که در تحت مدیری دفتر دار محکمه می باشد دفتر دار مزبور بعده اطاقهای محکمه تجارت تقریر نویس وبقدر حاجت ثبات وضباط خواهد داشت

ماده ۷ — شرایط و اوصاف رؤسای محاکم تجارت و معاونین آنان و دفتر دار ها وتقریر نویسها بطوری است که در قانون تشکیلات عدلیه برای رؤسا و معاونین و دفتر دار ها و تقریر نویس های محاکم ابتدائی مقرر است

ماده ۸ — رؤسای محاکم تجارت و معاونین آنان موافق قانون تشکیلات عدلیه از طرف دولت معین می‌شوند

ماده ۹ — اعضاء محاکم تجارت از طرف تجار موافق مواد آتیه انتخاب می شوند

ماده ۱۰ — رؤسای تجارتخانها وتجاریکه ازحیث امانت و دیانت و

ترتیب ونظم امور تجارتی خود وعقل اقتصادی معروف و دارای دستگاه و دفتر منظم می باشند اعضاء محکمه تجارت حوزه خود را مطابق مواد آتیه ونظام نامه مخصوص انتخاب می کنند

ماده ۱۱ ـ انتخاب کنندگان علاوه بر اوصاف قبل باید دارای شرایط ذیل باشند

۱ (تابعیت ایران (۲ سن لا اقل بیست وپنج سال (۳ عدم ورشکستگی بتقصیر یا تزویر (٤ عدم محکومیت بارتکاب جنحه وجنایت (٥ عدم اخراج از خدمت دولت بعلت محکومیت (٦ نبودن درتحت قیمومیت

ماده ۱۲ ـ انتخاب مزبوره در تحت نظر رئیس محکمه استیناف و اگر نباشد درتحت نظر رئیس محکمه ابتدائی آن حوزه بعمل می آید

ماده ۱۳ ـ اعضاء محکمه تجارت باید دارای همان شرایطی باشند که برای اعضاء محاکم حقوقی مقرر است ـ علاوه بر صفاتی که در انتخاب کنندگان شرط شده سن آنان باید کمتر از سی سال نباشد و از حیث معلومات باید از قوانین و عادات تجارتی تا اندازه که معمول مملکت است وهمچنین از اصول محاکمات تجارت مطلع باشند

ماده ۱٤ ـ انتخاب اعضاء محکمه تجارت برای مخفی وبرای مدت دوسال است ولی پس از انقضاء یك سال در دوره اول نصف از اعضاء منتخبه بقرعه خارج وبجای آنان اعضاء جدید برای مدت دوسال انتخاب میشوند

ماده ۱۵ ـ اشخاصیکه بدرستی وظایف خودرا انجام داده اند میتوان مجددا بسمت عضویت انتخاب نمود

ماده ۱٦ ـ هرگاه عضوی فوت شود یا استعفا نماید ویا موافق اصول تشکیلات عدلیه پس از محاکمه اخراج شود عضوی که در موقع انتخاب پس از او دارای اکثریت بوده است بجای او منصوب میشود و عضویت او فقط برای بقیه زمانی است که از مدت انتخاب عضو خارج شده یامستعفی یا متوفی باقی مانده است

ماده ۱۷ ـ جلسه محکمه تجارت وقتی قانونی محسوب است که غیر از رئیس دونفر از اعضاء حاضر باشند ورای محکمه به اکثریت مناط اعتبار است ـ در مواردیکه عضوی از حضور در محکمه معذور باشد عضو علی البدل برای نیابت عضو غائب دعوت میشود (عضو علی البدل ازهمان منتخبین تجار خواهد بود

ماده ۱۸ ـ اعضای محاکم تجارت قبل ازمباشرت بشغل خودشان قسم یاد مینمایند که بدرستی و صحت وظایف خود را انجام دهند درصورتی که محکمه تجارت در شهری باشد که محکمه استیناف در آن تشکیل شده قسم مزبور در محکمه استیناف و اگر نباشد درمحکمه ابتدائی و هرگاه محکمه ابتدائی نیز نباشد در خود محکمه تجارت باحضور رئیس و نظار انتخابات بعمل میاید و در هرصورت باید قسمنامه را به محکمه استیناف آن حوزه به فرستند که اسامی اعضاء محکمه تجارت در دفتر مخصوص ثبت شود و مدعی العموم باید در حین اتیان بقسم حاضر باشد

ماده ۱۹ ـ ترتیبات داخلی محاکم تجارت موافق قوانینی است که

برای محاکم حقوقی مقرر است

ماده ۲۰ - محاکم تجارت و اعضاء آنها در تحت نظارت عالیه وزیر و نظامات وزارت عدلیه میباشند

ماده ۲۱ - مشاغل اعضاء محاکم تجارت مجانی و بلا عوض خواهد بود در صورتی که اعضای محاکم تجارت در تمام یك دوره به درستی و امانت وظایف خود را انجام دهند به پیشنهاد وزارت عدلیه بمقام معاونت افتخاری ریاست شعبه تجارت نایل خواهند شد و اگر در تمام دو دوره وظایف را به نحو مرقوم بجا آورند مقام ریاست شعبه مزبوره را افتخارا دارا خواهد شد

ماده ۲۲ — ترتیب انتخابات اعضاء محاکم تجارت بموجب نظامنامه جداگانه خواهد شد

فصل دوم

در صلاحیت محاکم

ماده ۲۳ — محاکم تجارت بامور راجعه بمعاملات تجارتی که طرفین یا یك طرف آن تاجر باشند رسیدگی مینماید (معاملات تجارتی عبارت از نقل و انتقالی است که غرض از آن صرف انتفاع باشد)

ماده ۲۴ — کلیه معاملات تجار معامله تجارتی محسوب است مادامی که خلاف آن محقق نشده باشد

ماده ۲۵ — دعاوی راجعه باموال غیرمنقول از صلاحیت محاکم تجارتی خارج است

ماده ۲۶ — کلیه دعاوی راجع بورشکستگی تجارتی از صلاحیت محاکم تجارت است مطابق قانون ورشکسته

ماده ۲۷ — صلاحیت محاکم صلحیه تجارتی در موارد ذیل است ۱) وقتی که اصل مدعابه بیش از دویست و پنجاه تومان نباشد ۲) وقتی که موضوع ادعای متقابل یا ادعای تقاص (تفریقا) از ادعای اصلی بیش از دویست و پنجاه تومان نباشد ۳) خسارتی که طاری بردعوای اصلی (تا دویست و پنجاه تومان) میشود بالغ بهر مقدار باشد .

ماده ۲۸ — در جاهائیکه محکمه تجارت تشکیل نشده امور راجعه بمحکمه مزبوره درمحکمه حقوق رویت میشود و محاکم حقوق درین موارد موافق قوانین و اصول محاکمات تجارتی رسیدگی کرده حکم میدهند .

ماده ۲۹ — دعاوی راجعه بخسارات در صورتیکه اصل دعوا تجارتی باشد بمحکمه تجارت راجع است

ماده ۳۰ مدعی میتواند بهریك از محاکم مفصله که بخواهد رجوع نماید ۱) بمحکمه واقعه در محل اقامت خوو بترتیب مقرر در ماده ۱۵۱) اصول محاکمات حقوقی ۲) بمحکمه که مدعا علیه در حوزه آن اقامت دارد ۳) بمحکمه که در حوزه آن تعهد بعمل آمده و مال التجاره تسلیم شده ٤) بمحکمه که در حوزه آن باید وجه تادیه

شود - در بن دو صورت اخیر نیز باید ماده ۱۵۱) اصول محاکمات حقوقی مراعات شود

فصل سوم

اصول محاکمات در محاکم تجارتی

ماده ۳۱ — باستثنای قواعدی که در بن فصل مصرح است سایر قواعد و ترتیبات محاکم تجارتی موافق اصول وقواعدی‌است که برای محاکم حقوقی مقرر است

مبحث اول در عرض حال

ماده ۳۲ — ترتیب‌دادن عرض حال وسایر قواعد راجعه بان‌بنحوی است که برای محاکم حقوقی مقرر است

مبحث دوم

در احضار مدعی علیه و تامین مدعابه

ماده ۳۳ — موعد احضار نباید کمتر از دو روز از تاریخ ابلاغ احضارنامه باشدولی درموارد فوری رئیس محکمه میتواند طرفین را برای همان روز یا اولین جلسه آتیه بمحکه احضار کند

ماده ۳۴ — محکمه بتقاضای مدعی برای تامین مدعابه و حفظ حقوق

او در مورد تضییع و تفریط تقاضای تامین را پذیرفته و قرار تامین را صادر میکنند ولی مدعی که تامین میخواهد در صورتیکه محکمه اطمینان باعتبار او داشته باشد التزام میسپارد که در صورت محکومیت خسارت مدعی علیه را که از تامین حاصل شده بپردازد و الا ضامن معتبر میدهد یا مبلغی معادل مدعابه در صندوق محکمه ودیعه میگذارد باقی شرایط و کیفیات تامین بطوری است که در اصول محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۳۵ — قرار محکمه در تامین مدعابه قابل استیناف و در صورتیکه قرار در غیاب مدعی علیه بوده قابل اعتراض است عرض حال اعتراض بر قرار غیابی بخود محکمه و عرض حال استینافی بمحکمه استیناف داده میشود

ماده ۳۶ — دادن عرضحال اعتراض بر حکم غیابی یا استینافی از طرف مدعی علیه قرار محکمه تجارت را در باب پول تامین مدعابه بتاخیر نمی اندازد و قرار مزبور موقتا قابل اجراء است

ماده ۳۷ — هرگاه از محکمه تجارت غیابا قرار تامین مدعابه‌صادر شده وپس ازآن بواسطه اعتراض مدعی علیه‌قرار مزبور موقوف گردیده و مدعی از قرار ثانی (موقوفی قرار تامین مدعابه) بمحکمه استیناف شکایت کند قرار ثانی مادام‌که محکمه استیناف آنرا نسخ نکرده بحال خود باقی خواهد ماند

مبحث سوم

در رسیدگی محکمه

ماده ۳۸ — طرفین میتوانند شخصا در محکمه حاضر شوند یا وکیل بفرستند حدود وترتیبات وکالت بنحوی است که در قوانین محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۳۹ — هرگاه محکمه تجارت توضیحات شفاهی موکل را لازم بداند میتواند خود موکل را احضار کند و اگر موکل عذر موجه در عدم حضور در محکمه داشته باشد یکی از اعضاء محکمه را با دو نفر شاهد معین مینماید که توضیحات شفاهی موکل را استماع نموده و صورت آنرا کتبا بمحکمه بدهد

ماده ۴۰ — ترتیب محاکمه در محاکم تجارتی اختصاری است

مبحث چهارم

در دلایل

ماده ۴۱ — ترتیب اقامه دلایل و ابراز اسناد کتبی و اعتبار اسناد و تحقیقات راجعه بدلایل موافق مقررات اصول محاکمات حقوقی است و اعتبار دفاتر تجارتی همان است که در قوانین محاکمات حقوقی مندرج است

مبحث پنجم

در حکم

ماده ۴۲ — انخاذرای وصدور حکم بطوری است که برای محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۴۳ — موارد ابلاغ درمحاکمات تجارتی از قرار ذیل است (۱) دعاوی راجعه بدولت واموال عمومی ۲) درموارد نقض قوانین موافق ماده (۱۳۶) اصول محاکمات حقوقی (۳) دردعاوی متعلقه بصلاحیت محاکم ورد حکام عدلیه (٤) دردعاوی متعلقه بصغیر و مجنون وسفیه که قیم یا ولی خاص دارند (۵) دردعاوی راجعه بافلاس

ماده ٤٤ — احکام محاکم تجارتی کلیه قابل اجرای موقت است بشرطی که محکوم له مطابق مقررات اصول محاکمات حقوقی در اجرای موقت تامین بدهد

ماده ۴۵ — قرار محکمه تجارت درباب اجرای موقت قابل اجراء است ولو اینکه محکوم علیه از آن قرار استیناف خواسته باشد ـ ولی هرگاه محکوم علیه غایب برقرار اجرای موقت در همان محکمه که قرار مزبور را داده است اعتراض نماید تارسیدگی محکمه باعتراض و صدور قرار جدید : اجرای موقت بتاخیر میافتد

مبحث ششم

در احکام غیابی

ماده ٤٦ -- هر گاه مدعی حاضر نشد محکمه عدم حضور اورا در صورت مجلس قید کرده رسیدگی را موقوف می نماید - پس ازموقوفی محاکمه مدعی می تواند عرضحال جدید داده اقامه دعوا نماید

ماده ٤٧ -- مدت اعتراض برحکم غیابی از تاریخ ابلاغ حکم به محکوم علیه باقامتگاه اوسه روزه است حق مسافت ازمحل اقامت مدعی علیه نامحکمه هرچهار فرسخ یك روز است

ماده ٤٨ -- بعدازوصول اعتراض محکمه طرفین را احضار و مجددا رسیدگی مینماید موعد احضار طرفین نباید کمتر ازدو روز ازروز ابلاغ احضار نامه بطرفین باشد

ماده ٤٩ -- باقی ترتیبات حکم غیابی موافق مقررات قوانین محاکمات حقوقی است

مبحث هفتم

در اظهارات عارض

ماده ٥٠ -- ایراد عدم صلاحیت شخصی یامحلی محکمه یااین که دعوا

راجع بمدعی‌علیه دیگری‌است یاهمان دعوا بادعوای دیگر که مناسبت‌نامه باآن دعوا دارد در محکمه دیگر در تحت رسیدگی است و همچنین ایراد عدم صلاحیت طرف یاوکیل او باید در اول جلسه محکمه قبل از شروع بمحاکمه بعمل آید والا طرف توجه و اعتنا نخواهد بود ولی ایرادعدم صلاحیت ذاتی محکمه (رجوع بفصل دویم) در هر حالی از احوال پذیرفته است

ماده ٥١ -- محکمهٔ تجارت در صورت ایراد بدوا قراری درباب قبول یارد عرضحال داده پس از آن در صورت قبول برسیدگی شروع می نماید - قرار محکمه درباب رد یا قبول ایراد راجع بصلاحیت‌قبل از صدور حکم قابل استیناف است

ماده ٥٢ -- هر گاه ادعای جعلیت در محکمهٔ تجارت نسبت به سندی بشود و صاحب سند آن را از عداد دلایل خارج نکرده استرداد ننماید محکمه امتناع از رسیدگی این امر نموده کاررا بمحکمه حقوق رجوع‌می کند درین صورت هر گاه محکمه تجارت دعوای جعلیت را باصل دعوا مربوط دانست رسیدگی رانوقیف کرده منتظر حکم محکمه حقوق میشود و اگر ادعای جعلیت را باصل دعوا مربوط ندانست برسیدگی مداومت می دهد .

ماده ٥٣ -- هر گاه اظهار بی اطلاعی نسبت بسندی یا تردید در

صحت آن بشود محکمه تجارت بر حسب اصولی که برای محاکم حقوقی در تطبیق خط و مهر و خواستن عقیده اهل خبره و غیره مقرر است رفتار می‌نماید

ماده ٥٤ -- تعیین اهل خبره بتراضی طرفین بعمل می آید ولی اگر تراضی ننمایند یا در انتخاب کردن کوتاهی کنند محکمه می تواند بعده طاق خبره معین کند

ماده ٥٥ -- متداعیین می توانند خبره و مصدقی را که محکمه معین نموده است با ادله موجهه رد نمایند و این رد از روز اعلام بطرفین در ظرف سه روز جایز خواهد بود تبصره سایر مباحث راجعه بحکم و مصدقین و ترتیب رد مطابق قانون محاکمات حقوقی است

مبحث هشتم

در استیناف احکام محاکم تجارت

ماده ٥٦ -- محاکمه استینافی برای احکام محاکم تجارت موافق قواعد محاکمه اختصاری بعمل میاید

ماده ٥٧ — محاکم استیناف حق ندارند اجراء احکام محاکم تجارت را در مواردی که قرار اجراء موقت آن احکام داده شده است بواسطه تقدیم عرضحال استینافی از حکم یا قرار اجراء موقت بتعویق

بیاندازند ولی طرفین را معجلا احضار کرده بقرار اجرای موقت رسیدگی می نماید

ماده ٥٨ — مدت اعتراض بر احکام غیابی محکمه استیناف سه روز است

ماده ٥٩ — هر گاه محکوم له استینافی ادعای خسارت در محکمه استیناف نماید محکمه مزبوره رسیدگی کرده حکم آنرا میدهد

ماده ٦٠ — سایر قواعد راجعه بعرضحال استینافی و ترتیبات محاکمه در محکمه استیناف نسبت باحکام محاکم تجارت همان است که برای احکام محاکم حقوقی مقرر است

ماده ٦١ — مدت استیناف ده روز است و حق مسافت و سایر ترتیبات راجعه بمدت موافق اصول محاکمات حقوقی است

مبحث نهم

در تمیز احکام محاکم تجارت

ماده ٦٢ — مدت تقاضای تمیز برای احکام مفصله بترتیب ذیل مقرر می شود ۱) برای احکام غیابی قابل استیناف محکمه تجارت از روز انقضاء مدت استیناف ده روز ۲ - برای احکام حضوری قطعی محاکم تجارت از روز ابلاغ حکم بمحکوم علیه ده روز ۳ برای احکام حضوری قابل استیناف محاکم تجارت از روز انقضاء مدت استیناف ده روز .

برای احکام حضوری محکمه استیناف از روز ابلاغ آن ده روز (۵) برای احکام غیابی محکمه استیناف ازروز انقضاء مدت اعتراض ده روز

قواعد تقدیم عرض حال وسایر ترتیبات محاکم تمیزی بنحوی‌است که در اصول محاکمات حقوقی مقرر است

بتاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۳

قسمت سوم

قوانین موقتی

دورهٔ چهارم تقنینیه

قانون موقتی

امتحان حکام و صاحبان مناصب

واجزاء و مستخدمین عدلیه

قانون موقتی
امتحان حکام و صاحبان مناصب
و اجزاء و مستخدمین عدلیه

مصوبه ۲۱ سرطان ایت ئبل ۱۳۰۱

مشتمل بر چهار فصل

فصل اول

مواد عمومی

ماده ۱ — نظر بفقره چهارم از ماده (۱۴۷) اصول تشکیلات عدلیه از شرایط حتمی استخدام در وزارت عدلیه دادن امتحان است و احدی بدون امتحان در خدمت این وزارت خانه پذیرفته نخواهد شد

ماده ۲ — چون ابلاغ دوات راجع بامتحان در (۲۳) ذی القعده ۱۳۳۲ صادر و منتشر گردیده اشخاصیکه قبل از آن تاریخ موظفا یا افتخارا وارد در خدمت وزارت عدلیه شده اند در صورتیکه دارای سایر شرائط باشند از دادن امتحان معاف خواهند بود

ماده ۳ — دیپلم مدارس داخله وخارجه دارنده را از دادن امتحان

قضائی عرفی مستثنی نمی نماید وهر کس مایل استخدام در وزارت عدلیه باشد باید امتحان داده تصدیق نامه دریافت دارد ولی اشخاصی که از مدرسه حقوقی که مواد پر گرام آن ازمجلس شورای ملی گذشته باشد تصدیق نامه حاصل کنند ازدادن امتحان معاف خواهند بود

ماده ٤ — هر گاه چند نفر از اشخاص که پس از دادن امتحان در یك رتبه واقع شده اند داو طلب خدمتی باشند که یك نفر متصدی بیشتر لازم نداشته باشد ترجیح وانتخاب یکی از آنان باختیار وزارت عدلیه است

فصل دوم

در مقدمات و ترتیب دادن تقاضا نامه

ماده ۵ — امتحان در وزارت عدلیه بر دو گونه است اول امتحان داوطلبان قضاوت عرفی دوم امتحان اجزای اداری

ماده ٦ — امتحان کسانی که داو طلب قضاوتند در هیئت ممتحنه قضائی و امتحان اجزای دوایر وزارتی و دفتر داران و تقریر نویسان محاکم و منشیان وتبانان وضباطان محاکم و دوایر در هیئت ممتحنه اداری خواهد بود

ماده ۷ — اشخاص حاوی شرایط مقرره درماده ۱۴۷ و ۱۴۸ اصول تشکیلات پس از اخذ تصدیق نامه باید لا اقل شش ماه مجانا خدمت کرده طرز عملیات را بیاموزند پس از آن وزارت عدلیه در صورت پیدا شدن

محل شغلی بانان رجوع خواهد کرد واسامی سایرین جزء منتظرین خدمت وزارت عدلیه ثبت میشودولی کسانی که امتحان قضاوت داده اند بدواً بعضویت ابتدائی یا معاونت مدعی العموم بدایت یا استنطاق درجه دوم یا اشغالی که در رتبهٔ آنها است نایل میشوند وارتقاء آنان مطابق قانون ترفیع رتبه خواهد بود وهمچنین کسانی که امتحان اداری داده اند بدواً شاغل مقام تیماتی و ضباطی ومنشی گری وتقریر نویسی خواهند شد

تبصره — مستخدمین وزارت عدلیه که پس از ذی القعده ۱۳۳۲ داخل خدمت شده اند ازترتیب فوق مستثنی نیستند و باید امتحان بدهند ولی در صورتی که تصدیقنامه تحصیل کردند از خدمت مجانی معاف می باشند و با تصدیق هیئت ممتحنه تا درجه چهارم قضاوت (ریاست شعبه استیناف ووکالت عمومی استیناف) می‌توانند نایل شوند باین معنی که کسانی که شاغل مقامی بالاتر از مقام عضویت بدایت تا مقام ریاست شعبه استیناف باشند با تصدیق هیئت ممتحنه می توانند مقام بالاتر از عضویت بدایت را تا آن مقامی که داشته اند حایز شوند

ماده ۸ — امتحان در وزارت عدلیه لدی‌الاقتضا ازاول میزان شروع می شود و ترتیب آن از این قرار است که دراول اسد اعلانی ازطرف وزارت عدلیه منتشر میشود که داوطلبان مرکز وایالات و ولایات تا آخر سنبله تقاضا نامه خودرا بکابینه وزارتی (شعبه پرسنل) داده واز کابینه رسید دریافت نمایند و هیئت امتحان در اول میزان تشکیل خواهد شد

ماده ۹ — تقاضا نامه باید حاوی نکات ذیل باشد - ۱ - اسم ولقب و شهرت وسن ومحل تولد ومسکن و اسم پدر ونام فامیلی و مذهب ونابعیت تقاضا کننده - ب - تحصیلات او و اینکه کجا تحصیل کرده و فعلا دارای چه معلوماتی است - ج - مشاغلی را که در اوقات مختلفه داشته وشغلی که فعلا داراست و اینکه مخارج او بطور متوسط بچه اندازه است - د - چه شغلی را در عدلیه داوطلب است قضائی یا اداری - ه - چه اشخاصی می توانند معرف او واقع شوند

ماده ۱۰ — رئیس کابینه وزارت عدلیه پس از اینکه تقاضا نامه بکابینه رسید هر گاه نقصی در آن مشاهده کند فورا بتقاضا کننده اعلام میدارد که آنرا تکمیل نماید و پس از تکمیل و همچنین در صورت عدم نقصان آنرا در دفتر ثبت کرده رسید بتقاضا کننده میدهد و هر گاه نقصی در آن مشاهده کرد که قابل اصلاح نباشد مراتب را در ضمن راپورت نوشته ضمیمه تقاضا نامه خواهد کرد

فصل سوم

در هیئت ممتحنه

ماده ۱۱ — هیئت ممتحنه قضائی تشکیل می شود از وزیر یا معاون وزارت عدلیه که ریاست ونظم مجلس بعهده او است رئیس و مدعی‌العموم دیوان تمیز و دو نفر از فقهاء عظام و دو نفر از مطلعین بصیر ازقوانین

مملکتی و دو نفر از متخصصین ادبیات فارسی و عربی بانتخاب و دعوت وزارت عدلیه بعلاوه رئیس کابینه

ماده ۱۲ — هیئت ممتحنه اداری تشکیل می شود از معاون کل رئیس کابینه رئیس اداره امور عدلیه یك نفر متخصص در ادبیات مدیر پرسنل و مدیر کابینه

ماده ۱۳ — در هیئت ممتحنه اکثریت آراء قاطع است ولی تصدیق و تردید فقهاء در امتحان فقاهت و متخصصین قانون در آگاهی از قوانین مملکتی شرط اهم است بنحوی که در ماده ۲۷ مذکور می باشد

فصل چهارم

در امتحان

ماده ۱۴ — اشخاصی که داو طلب مقام قضاوتند باید از مواد ذیل امتحان بدهند - ا - ادبیات فارسی کتبا وقرائة درحدودکلستان وکلیله ودمنه ب - ادبیات عربی نیز کتبا و قرائة درحدود کتب مقدماتی و ادبی ازقبیل جامی وشرح نظام انوارالربیع ابن خلکان وامثال آنها - ج - امتحان کتبی و شفاهی درحدود شرایع و تبصره بدرجه که معلوم شود امتحان دهنده‌قوهٔ فهم مسائل را بارجوع بکتب فقهیه دارا میباشد - د - قوانین موضوعه مملکتی کتبا و شفاها از قانون اساسی و مطبوعات و قوانین عدلیه از تشکیلات و محاکمات حقوقی وجزائی وسؤال ازفلسفهٔ آنها

ماده ۱۵ — اشخاص فوق الذکر درصورتیکه از عهدهٔ امتحان علمی مذکور در ماده (۱۴) برآیند یك امتحان عملی نیز باید بدهند و آن عبارت است از اینکه هیئت ممتحنه اختیار از قوهٔ آنان مینمایددراستخراج مدرك حکم از دوسیه کار معینی یاقضیه دعوائی و در تشخیص اعتراضات وارده برجریان یك محاکمه از روی دوسیه که خاتمه یافته است

تبصره — هیئت ممتحنه ممکن است لدی الاقتضاء نسبت بقضائی که لا اقل پنج سال متوالی در عدلیه مشغول قضاوت بوده اند امتحان ادبی‌و فقهی را درضمن امتحان عملی از دوسیه بنماید

ماده ۱۶ — اشخاصیکه میخواهند جدیداً داخل استخدام عدلیه شوند میتوانند تقاضا کنند امتحان عملی خودرا پس ازطی مدت استخدام‌افتخاری بدهند واین تقاضا مانع از گرفتن تصدیقنامه نیست ولی این نکته بایددر تصدیقنامه قید شود و بطور کلی قبل ازدادن امتحان عملی احدی‌باستخدام وزارت عدلیه پذیرفته نخواهد شد پس هر گاه دارنده تصدیق بعد از مدت خدمت افتخاری ازعهدهٔ امتحان عملی برنیاید خدمت افتخاری او (ششماه) تجدید میشود تاوقتی که امتحان عملی را بدهد

ماده ۱۷ — امتحان اجزای اداری وزارت عدلیه کتبی وشفاهی و مواد آن عبارت است از املاء و انشاء ادبیات فارسی وعربی بقدر کفایت و خط خوب خوانا و دفتر داری و استحضار از قوانین عدلیه بالاختصاص قانون تشکیلات و مواردی از قوانین که اجرای آن بعهدهٔ داوطلب خواهد

بود ودرهر مورد امتحان کتبی برامتحان شفاهی مقدم است

مادهٔ ۱۸ — امتحان مامورین اجرا واحضار خط وسواد فارسی است باندازهٔ لزوم واستحضار از مواد راجعه باحضار واجرا ازقوانین محاکمات حقوقی وجزائی

مادهٔ ۱۹ — نمره هائی برای امتحان معین میشود که حد اعلای آن ده است وهریك از متخصصین پس از امتحان کتبی وشفاهی نمره ممتحن را مطابق عقیدهٔ خود معین مینماید

مادهٔ ۲۰ — علاوه برمعلومات مذکوره درمادهٔ (۱٤) هر کاه‌داوطلبان معلومات دیگری هم ازعلوم متنوعه وقوانین داخله وخارجه داشته باشند می توانند اظهار کنند و البته در نظر هیئت ممتحنه داشتن این گونه معلومات موجب مزیت و رجحان خواهد بود خاصه اگر تصدیقنامه در دست داشته باشند یاامتحان آنرا بخوبی ازعهده برآیند

مادهٔ ۲۱ — حضور نصف بعلاوه یك از اعضاء ممتحنه بارعایت این نکته‌که امتحان کنندگان هرفنی که در مادهٔ (۱۱) ذکر شده در وقت امتحان آن علم مخصوص حضور داشته باشد برای شروع بامتحان کافی‌است

مادهٔ ۲۲ — تحریر صورت مجلس و ضبط دوسیها و اوراق بعهده رئیس کابینه است وپس ازنوشتن صورت مجلس آنرا بامضاء حضار میرساند

مادهٔ ۲۳ — هر یك از اعضاء هیئت ممتحنه بعد از آنکه رای‌خود را داد ودر صورت مجلس ثبت شد حق رجوع از آنرا ندارد

مادهٔ ۲٤ — تصدیق نامه ها باید بامضای ممتحنین برسد و در صورت مجلس واسامی رای دهندگان و مخالفین ثبت خواهد شد

مادهٔ ۲۵ — درصورتیکه مستخدمین اداری وهمچنین وکلای عدلیه بخواهند داخل شعبه قضائی شوند باید مثل اشخاص جدید بر طبق مواد همین قانون امتحان بدهند

مادهٔ ۲٦ — امتحان اعضاء ومباشرین واجزاء ثبت اسناد مطابق رتبه هائی خواهد بود که درقانون ثبت اسناد برای آنان معین گردیده

مادهٔ ۲۷ — در امتحان قضاوت‌فقاهت و قانون‌مقدم بر سایرامتحانات است باین معنی که اگر کسی از عهده امتحان فقه یا قانون بخوبی برنیاید (نمره او پنج یا کمتر باشد) قابل قضاوت نخواهد بود اگر چه سایر مواد امتحان را از عهده بر آید

مادهٔ ۲۸ — رؤسای اول محاکم و مدعیان عمومی استیناف و شعب ان و رؤسای اول و مدعیان عمومی بدایت ایالات و ولایات باید درمرکز امتحان بدهند ولی برای امتحان اعضای استیناف و رؤسای شعب وو کلاء عمومی بدایت و امناء صلح و سایر اعضاء و اجزاء (در صورتیکه در مرکز نباشند) مراکز امتحانی از طرف وزارت عدلیه معین و هیئت ممتحنه مشخص شده و در همانجا امتحان خواهند داد

مادهٔ ۲۹ — هیئت ممتحنه امانت و دیانت و شرافت و صحت عمل و امتحانات عملی داو طلبان را اختبار و رسیدگی کامل مینماید و همچنین

درصحت مندرجات تقاضانامه داوطلبان تحقیقات کافیه بجای آورده راپورت جامعی بدون ملاحظه و از روی حقیقت بوزارت عدلیه داده و در ضمن تصدیقنامه نیز که بداوطلبان میدهد اطلاعاتی که از این بابت تحصیل کرده تصریحا یاتلویحا خواهد نگاشت

۳۰ — نظر باینکه برای اداره کردن کارهای عمومی و خصوصاحکومت بین افراد و نوشتن معلومات به تنهائی کافی نیست و عمده مطمح نظر حسن اخلاق و پرایش از آلایش است هیئت ممتحنه همه وقت اوصاف مزبوره را بر دانش و آگاهی مقدم خواهد داشت و باید در مواردی که شکی از سوء اخلاق خاصه عدم دیانت و ارتکاب ارتشائی حاصل کندنهایت اهمیترا بان بدهد وهرگاه نتوانست بهیچ وسیلهٔ احراز واقع نماید مراتب را در ضمن راپورت بوزیر عدلیه اظهار میکنند

ماده **۳۱** — کلیه مستخدمین قضائی که با مراعات شرایط مقرره پس از دادن امتحان وانبان بین واردخدمت شده حکم یا فرمان استخدام خود را دریافت داشته وهمچنین قضاتی که قبل ازذی‌القعده (۱۳۳۲) بقضاوت پذیرفته شده اند اقفصال یاتنزل مقام آنان مشروط بمحاکمه وحکم مجلس محاکم عالی است

ماده **۳۲** — پیشخدمتان عدلیه درپیشگاه هیئت ممتحنه بمعرض امتحان درنمی آیند لیکن باید خط و سواد فارسی داشته باشند ومراقبت این امر برعهدهٔ پرسنل عدلیه است

ماده **۳۳** — اشخاصی که قبل از ذیقعده ۱۳۳۲ وارد خدمت وزارت عدلیه شده و پس از آن تاریخ باستخدام وزارتخانه دیگر برقرار شده اند هر گاه تقاضای استخدام وزارت عدلیه را داشته باشند ورود آنان بوزارت عدلیه مجدداً موقوف بدادن امتحان و گرفتن تصدیقنامه خواهد بود

قانون موقتی

رسیدگی به

شکایات از احکام صادره

از محاضر شرعیه

قانون موقتی

رسیدگی به شکایات از احکام صادره از محاضر شرعیه

مصوبه ۲۷ اسد ایت ئیل ۱۳۰۱

فصل اول

در طریقهٔ تقدیم عرضحال و مقدمات رسیدگی بشکایات از احکام محاضر شرعیه

ماده ۱ — عرضحال اعتراض بر احکام محاضر شرعیه باید بمحکمه داده شود که دعوی را بمحضر شرع ارجاع کرده

ماده ۲ — مدت اعتراض بر حکم صادره از محضر شرع بیست روز پس از اعلام آن است وقبل از گذشتن این مدت محکمه از صدور حکم بر طبق آن باید خودداری نماید و کلیه محاکم مکلفند پس از وصول حکم شرعی بدون تفویت وقت نهایت درظرف سه روز آنرا برؤیت متداعیین برسانند مگر اینکه یکی از متداعیین در خارج باشد که باید بنحویکه برای ابلاغ کلیه احکام مقرر گردیده باو ابلاغ شود

ماده ۳ — عرضحال اعتراض باید حاوی تمام اعتراضاتی باشد که شاکی بر حکم شرعی وارد میداند وبعلاوه شاکی باید کلیه اسناد ومدارک

ماده ۱۳ — پس از تعیین آقایان مجتهدین محکمه مراتب را بلا فاصله بمعزی الیهم اطلاع وسواد عرضحال و اعتراضات را بضمیمه سواد مدافعات حاکم قضیه (اگر بمحکمه فرستاده باشد) ارسال میدارد و معزی الیهم مخیر خواهند بود که بالاتفاق رسیدگی و انشاء حکم کنند و یامنفردا هر کدام رای خودرا نوشته بمحکمه ارسال دارند ولی در هر صورت باید رای آقایان کتبی و مفاد آن واضح بوده و در دوسیه محاکمه وارد شود

ماده ۱٤ — رای اکثریت آقایان ثلاث قاطع است باینطریق که اگر اعتراضی برحکم وارد ندانستند حکم محکمه بر طبق حکم شرعی صادر و اجرا خواهد شد وهرگاه اعتراض را وارد ومؤثر درحکم دانستند محکمهٔ که مرجع امر است مجددا طرفین را بمحضر شرعی دیگر رجوع مینماید

مادهٔ ۱۵ — آقایان مجتهدین باید در ظرف پانزده روز عقیده خود را کتبا بمحکمه بفرستند یااستعفا دهند وهرگاه این مدت منقضی شد محکمه بنحو مقرر در ماده ۱۰ و ۱۱ تجدید انتخاب خواهد نمود

ماده ۱٦ — هرگاه بعضی ازمجتهدین عقیده خودرانوشته وبعضی مسامحه ویاتوقف کنند بجای مجتهد مزبور دیگری بنحو مقرر انتخاب خواهد شد

ماده ۱۸ مداول این قانون شامل اعتراضات و شکایات از احکام شرعیه نیزخواهد بودکه قبل ازاعلان ونشر این مواد بوزارت عدلیه رسیده وهنوز احکام مزبور مجری نشده است

ماده ۱۸ — این قانون در هر یك از حوزه های قضائی تا موقعی لازم الاجراست که محاضر شرعیه ومجلس فوق العاده مطابق کتاب دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه در آن حوزه تشکیل نگشته است

خود را بعرضحال مزبور ضمیمه نماید و پس از تقدیم آن دیگر اعتراضی جدیداً پذیرفته نخواهد شد

ماده ٤ -- پس از وصول عرضحال محکمه مکلف است ازاصدار حکم بر طبق حکم شرعی خود داری کند و شرحی بمامور اجرا بنویسد که محکوم بهغیر منقول را در تحت نظر گرفته از مداخلات منداعین اصلا و منفعة جلو گیری کند و محکوم به منقول را ازمحکوم علیه دریافت و در توقیف نگاهدارد

ماده ٥ -- محکمه باید بلا تاخیر سوادی از اعتراضات شاکی برای مجتهدی که حکم را داده است اوسال دارد که اگر مدافعاتی داشته باشد در مدت یك هفته بمحکمه بفرستد ونیز محکمه فورا سواد اعتراضات معترض را برای محکوم له ارسال خواهد نمود و مشارالیه هم مکلف است که در ظرف یك هفته مدافعات خود را بمحکمه تقدیم دارد و پس از مضی مدت مزبور دیگر مدافعاتی پذیرفته نخواهد شد

ماده ٦ -- پس از وصول عرضحال و اعتراضات محکمه بلا فاصله طرفین را برای تعیین مجتهدین احضار مینماید و فاصله این احضار برای زیادتر از یك هفته نخواهد بود بعلاوه برای هر چهار فرسخ یك روز بنحوی که دراصول محاکمات حقوقی مقرر است منظور میشود

ماده ٧ -- هر گاه شاکی و یا وکیل او در موعد مقرر در محکمه حاضر نشد محکمه شکایت اورا لغو دانسته الغای آنرا اعلام خواهد کرد

ماده ۸ — اگر طرف شاکی و یا وکیل او در موعد مقرر حضور بهم نرسانند محکمه در غیاب او هر سه نفر مجتهد را بقرعه از اشخاصی که دارای شرایط مقرره باشد انتخاب مینمایند

فصل دوم

در رسیدگی بشکایات از احکام محاضر شرعیه

ماده ۹ — رسیدگی بشکایات واعتراضات باحکامی که برطبق ارجاع محاکم صلحیه یا ابتدائی یا استیناف از محاضر شرعیه صادر شده باشد بسه نفر از مجتهدین عظام رجوع میشود وشرایط مجتهدین معزی الیهم همانست که در ماده ٤ کتاب دوم اصول تشکیلات عدلیه مقرر گردیده

ماده ۱۰ — طریق انتخاب آقایان مجتهدین باین ترتیب است که یك نفر را محکوم‌له و یکنفر را محکوم علیه وسیم را بتراضی طرفین انتخاب مینماید

ماده ۱۱ — هرگاه در انتخاب مجتهد ثالث تراضی حاصل نشد محکمه با حضور طرفین یا وکلای آنان (در صورتیکه موکل حق حضور خود را بوکیل مفوض کرده باشد) یکنفر را از میان سه نفر از مجتهدین محل که غالبا طرف رجوع هستند بقرعه انتخاب خواهد کرد

ماده ۱۲ — سه نفر مجتهدین مزبور باید از ساکنین حوزه محکمه که حکم شرعی در آن حوزه صادر شده است باشند ودرصورت نبودن این عده در آن حوزه از ساکنین حوزه محکمه مافوق ضمیمه ویا منتخب خواهدشد

قانون موقتی

راجع بتاسیس

محاکم صلح نواحی

واصلاح بعضی از مواد اصول محاکمات حقوقی

قانون موقتی

راجع بتاسیس محاکم صلح نواحی و اصلاح بعضی

از مواد اصول محاکمات حقوقی

مصوبه سوم سنبله ایت ئیل ۱۳۰۱

ماده ۱ — محاکم صلحیه میتوانند با رعایت موادقانون موقتی اصول محاکمات حقوقی راجع بصلاحیت محاکم مزبوره بدعاوی که میزان مدعی به آن بیش از چهارصد تومان نباشد رسیدگی نمایند

ماده ۲ — احکام امنای صلح در صورتیکه مدعی به بیش از سی و پنج تومان نباشد قطعی وغیر قابل استیناف خواهد بود

ماده ۳ — برای رسیدگی بدعاوی که مدعی به آن بیش از سی و پنج تومان نیست باستثنای دعاوی غیر منقوله وهمچنین برای رسیدگی بدعاوی خلافی وزارت عدلیه میتواند محاکم صلح مخصوصی تاسیس نماید احکام محاکم مزبوره قطعی وغیر قابل استیناف خواهد بود صلحیه های مزبوره بصلحیه ناحیه موسوم وامین صلح آنها ازحیث رتبه مساوی با معاون عضو محکمه ابتدائی خواهد بود

ماده ٤ — اشخاصیکه میخواهند در محاکم صلح نواحی اقامه دعوی نمایند نمیتوانند ادعای خود را که ناشی از یك مدرك است تجزیه کرده و

قانون موقتی

تعیین مجازات اداری

برای عدم رعایت مواد ۲۵۳ — ٤٤٥ — ٤٤٦ — ٤٤٧

اصول محاکمات حقوقی

قانون موقتی

تعیین مجازات اداری برای عدم رعایت مواد

۲۵۳ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ اصول محاکمات حقوقی

مصوبه سوم سنبله ایت ئیل ۱۳۰۱

ماده ۱ — در مورد کلیه دعاوی بموجب ماده ۲۵۳ قانون موقت اصول محاکمات حقوقی پیش بینی شده است رعایت قواعد محاکمه اختصاری برای محاکم ابتدائی اجباری است ودر صورت تخلف ازمفاد این ماده رؤسای محاکم مطابق ماده ۱۸۸ قانون اصول تشکیلات عدلیه محکوم بکسر مقرری ششماهه یاتنزل رتبه واعضاء محاکم محکوم بکسر ثلث مقرری ازیك ماه الی ششماه خواهند بود .

ماده ۲ — مجازاتهای مذکوره درماده قبل در مورد رؤساء واعضاء محاکم استیناف وابتدائی هم مجری خواهد شد در صورتیکه مفاد ماده ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - قانون اصول محاکمات حقوقی را رعایت ننمایند

ماده ۳ — درمورد دوماده فوق تکرار تخلف درظرف ششماه ازتاریخ تخلف اول موجب یکدرجه تشدید مجازات اداری خواهد بود .

برای هرقسمت عرض حال جداگانه بدهند مگر اینکه در محکمه مزبوره از بقیه ادعای خود صرف نظر نمایند

ماده ۵ — در کلیه محاکم صلح مدت اعتراض برحکم غیابی یك هفته خواهد بود

ماده ۶ — هیچ یك از قرارهای صادر از محاکم صلح ویا ابتدائی قبل از صدور حکم در ماهیت دعوی قابل استیناف نیست مگر قرار عدم صلاحیت وقرار رد دعوی وقرار داد عرضحال

ماده ۷ — مواد و یا قسمت از مواد قانون موقتی اصول محاکمات حقوقیکه مخالف این قانون است منسوخ واز درجه اعتبار ساقط است

قانون موقتی

ثبت اسناد و املاک

قانون
ثبت اسناد و املاك

مصوبه ۲۱ حمل تنگوزئیل ۱۳۰۲

باب اول

درتشکیل اداره ثبت اسناد و املاك وترتیب دفاتر ان

ماده ۱ ــ دوائرثبت اسناد و املاك برای دومقصود تشکیل میشود : اول ثبت تااملاك اینکه مالکیت مالکین وحقوق ذوی‌الحقوق نسبت بانهارسما تعیین ومحفوظ گردد : دویم ثبت اسناد برای اینکه رسمادارای‌اعتبارشود .

فصل اول

در تشکیل اداره ثبت اسناد و املاك

ماده ۲ ــ برای مرکزیت دادن بکلیه دوائر ثبت اسناد و املاك اداره مخصوصی دروزارت عدلیه تاسیس می شودکه یکی از ادارات مستقله مرکزی وزارت عدلیه محسوب است اداره مزبور مشتمل بر دو دائره است .

۱) دایرهٔ پرسنل و مراسلات ۲) دائرهٔ ضبط

ماده ۳ ــ رئیس کل اداره ثبت اسناد واملاك بتصویب وزارت‌عدلیه وبر طبق فرمان همایونی منصوب میشود : وزیر عدلیه فقط اشخاصی را میتواند پیشنهاد کندکه علاوه برلیاقت و اطلاعات لازمه قضاوت از نقطه نظر مراتب خدمت نیز استحقاق این‌مقام را داشته باشد

ماده ٤ ــ درهرحوزه محکمه ابتدائی یك دایره ثبت اسناد واملاك تاسیس میشود دایره مزبور ممکن است لدی الاقتضا در نقاط مختلف حوزه مذکوره دارای شعب باشد . نصب کلیه مستخدمین دوائر وشعب ثبت‌اسناد و املاك مطابق قانون استخدام خواهد بود

ماده ٥ ــ هریك از دوائر ثبت اسناد و املاك مشتمل است بریك شعبه ثبت که در تحت اداره یك نفر رئیس شعبه توسط مامورین متخصص اینکار (مباشرین ثبت) اداره میشودویك شعبه ضبط وزارت عدلیه میتواند در نقاطی که مقتضی بداند برای ثبت وضبط یك شعبه تاسیس نماید

ماده ٦ ــ عده مباشرین ثبت در هر یك از دوایر ثبت منوط به مقتضیات محل وقدر ضرورت میباشد تعیین وتشخیص آنها بموجب پیشنهاد مدیر کل ثبت اسناد واملاك باوزیر عدلیه خواهد بود

ماده ۷ ــ کلیه مستخدمین ثبت اسناد باید دارای همان‌شرایطی‌باشند که مطابق قانون موقتی‌اصول تشکیلات‌عدلیه برای قضات ویامستخدمین‌هم‌رتبه

آنها معین شده است بعلاوه شرط عدم اعتیاد به کشیدن تریاك ونیز کلیه مستخدمین ثبت اسناد باید همان امتحانی را بدهند که مطابق مقررات قانون موقتی امتحان حکام وصاحبان مناصب عدلیه مقرر است

ماده ۸ ـ مباشرین ثبت نمی توانند وظایف خود را انجام دهند مگر درحوزه محکمه ابتدائی که در آن ماموریت دارند واقدامات آنها در جائیکه خارج از حوزه مذکور باشد اثر قانونی ندارد

ماده ۹ ـ ماموریت کلیه مستخدمین ثبت اسناد قابل تبدیل است

ماده ۱۰ ـ هر دایره ثبت دارای مهری خواهند بود که شکل واندازه آن را وزارت عدلیه در ضمن نظامنامه که برای اجرای این قانون ترتیب میدهد معین خواهد کرد

ماده ۱۱ ـ هرمباشر ثبتی که جدیدا معین میشود پس از مراسم تحلیف وقبل از تصدی به ماموریت باید دو نمونه از امضای خود را بدهد یکی از نمونه های مزبوره در دفتر دایره محلی ودیگری در اداره کل ثبت اسناد و املاك در طهران ضبط خواهد شد

ماده ۱۲ ـ در صورت فوت یا انفصال وباعزل مباشر ثبت مدیر دایره ثبت اسناد و املاك حوزه ابتدائی با حضور مدعی العموم آن حوزه ذیل دفاتر مباشر مزبور را بسته دفاتر را توقیف و بمباشری که بجای او معین میشود تسلیم خواهد کرد

فصل دوم

دفاتر ثبت اسناد و املاك

ماده ۱۳ ـ هردایره ثبت اسناد و املاك دارای دفاتر ذیل خواهد بود و هر دفتری باید نسختین باشد

۱) دفتر املاك ۲) دفتر معاملات راجع باموال غیر منقوله ۳) دفتر معاملات اموال منقوله ٤) دفتراسناد متفرقه ٥) دفتروذایع ٦) دفتر احکام محاکم ۷) دفتر صورت اسامی اشخاصی که ورشکسته و یادر تحت قیمومت و یا ولایت شرعی هستند ۸) دفتر عایدات ۹) دفتر امتیازات ۱۰) دفتر نماینده عمومی (اندیکاتور)

ماده ۱٤ ـ وزارت عدلیه میزان عرض و طول هر یك از دفاتر مذکوره در ماده ۱۳ و ماده ۲۰ و همچنین نمونه صفحات و عده ستونها و مطالبی را که باید در هر یك از ستون ها درج شود بموجب نظامنامه مخصوصی که بصحه همایونی باید برسد معین خواهد کرد

ماده ۱۵ ـ کلیه دفاتر مذکوره در ماده قبل باید مجلد بوده و تمام صفحات آن را در بدو امر مدعی العموم بدایت محل نمره گذاشته و بامضاء خود ممضی و بمهر پارکه ممهور نماید مجموع عده صفحات هر دفتر را باید مدعی العموم با تمام حروف در صفحه اول و آخر دفتر قید نماید

ماده ۱۶ — عده مجلدات دفتر املاك بعده بلوکات و محلات (ناحیه شهر های هر حوزه محکمه ابتدائی خواهد بود و در هر یك ازمجلدات مذکوره لااقل یك ورق مشتمل بر دو صفحه متقابل برای هرملك منظور میشود و صفحات مزبوره دارای یك نمره ترتیبی خواهد بودتمام معاملات راجعه بانتقال املاك در صفحه دفتر املاك که مربوط بان ملك است بترتیب تاریخ قید می شود

ماده ۱۷ — کلیه دفاتر مذکوره در ماده ۱۳ باستثناء دفتر املاك سنوی بوده و در آخر هر سال مباشرین ثبت اسناد و املاك دفاتر خود را بسته عدهٔ اسنادیرا که ثبت شده است معین و صورت مجلسی ازشرح ختم دفتر در آخرین صفحه که بسته میشود مرتب کرده امضا می نماید پس از آن دفاتر بسته شده را بمدیر دایره ثبت اسناد واملاك حوزه خود تسلیم می کند

ماده ۱۸ — مدیر مزبور در آخر هر سال از بسته شدن دفاتر بطریق مزبور در ماده ۱۷ اطمینان حاصل کرده صحت آنرا تصدیق و صورت مجلس سابق الذکر را امضاء می نماید پس از آن یك نسخه از اصل هر یك از دفاتر را بدفتر راکد حوزه خود و نسخه دیگر را بدفتر راکد اداره کل ثبت اسناد و املاك در طهران ارسال خواهد داشت

ماده ۱۹ — دفتر املاك سنوی نبوده و مادامی که صفحه سفید دارد استعمال می شود و مقررات راجعه به بستن دفاتر وترتیب صورت مجلس

که در دو ماده فوق مذکور است پس از اختتام آن بعمل آمده یك نسخه از آن در دفتر راکد حوزه که ملك در آن واقع شده و نسخه ثانی بدفتر راکد اداره کل ثبت اسناد واملاك در طهران ارسال خواهدشد

ماده ۲۰ — هر دایره ضبط دودفتر مخصوص خواهد داشت
اولا - دفتر ثبت خلاصه سواد هائیکه مطابق این قانون داده میشود
ثانیا - دفتر عایداتیکه از این ممر دریافت می شود

ماده ۲۱ — برای آنکه تمام وقف نامه ها دردوائر ثبت اسناد و املاك ثبت شود دوائر ضبط سواد آنها را از دفاتر مختلفه که متدرجا بدایره ضبط میرسد استخراج کرده و در دفتر مخصوص ثبت خواهد نمود و در آخر دفتر مزبور فهرستی از اعیان موقوفه بترتیب حروف تهجی مرتب خواهد کرد

فصل سوم

در نظارت بامور مباشرین ثبت اسناد واملاك

ودر مسؤلیت انها

ماده ۲۲ — کلیه اعضاء و مستخدمین دوائر ثبت اسناد و املاك در تحت نظارت رئیس کل اداره مزبوره خواهند بود

ماده ۲۳ — رئیس کل اداره ثبت اسناد و املاك حق نظارت خود

را مستقیما و یا بتوسط مدیر های دوائر ثبت اسناد و املاك ایالتی وولایتی بموقع اجرا میگذارد وهمچنین میتواند اجرای تحقیقات راجعه به تخلفات مرؤسین خود را برؤسای اول محاکم استیناف یا مدعیان عمومی محاکم مزبوره ویا رؤساء محاکم ابتدائی ویا مدعیان عمومی محاکم مزبوره ارجاع نماید ولی قضات و صاحب منصبان مزبوره مذکوره نمیتوانند خود مستقیما اقدام به تحقیق کنند مگر مدعیان عمومی آنهم درصورتیکه مستخدمین اداره ثبت اسناد و املاك متهم بارتکاب جنحه و یا جنایت باشند در این صورت نیز مدعیان عمومی باید فورا رئیس کل اداره ثبت اسناد و املاك را مستحضر سازند

ماده ۲۴ ـ محاکمه اداری کلیه اعضاء ومستخدمین اداره ثبت اسناد و املاك وهمچنین مراتب خدمت وحقوق و وجه‌الضمانه که ممکن است بانها تعلق بگیرد مطابق مقررات قانون استخدام کشوری خواهد بود

فصل چهارم

جرایم و مجازات های مخصوص

ماده ۲۵ ـ هرگاه اجزای اداره ثبت اسناد و املاك عامدا یکی از جرمهای ذیل را مرتکب شوند ازهر گونه خدمت دولتی اخراج وبمجازاتیکه برای جعل وتزویرخطوط رسمیه ویااستعمال اسناد مجعوله مقرر است محکوم خواهند شد ـ اولا اسنادیکه بجهات ظاهره ازسندیت افتاده ثبت نمایندمثل

اسناد مجعوله و محکوکه وقلم رفته و امثال آنها ثانیا ـ اسناد راجعه به معاملات را بدون حضور طرفین و یا وکلای ثابت الوکاله آنان ویا بدون حضور شخصی که خودش صلاحیت دارد که قایم مقام طرفین باشدویاو کیل ثابت الوکاله اوثبت نماید و همچنین اگر اسنادی را که قایم بیکطرف باشد بدون حضور طرف مزبور ویاقائم مقام قانونی او ثبت کنند ـ ثالثا سندی را باسم کسانیکه آن معامله را نکرده اند ثبت کنند ـ رابعا ـ تاریخ سند یاثبت سندی را مقدم ویاموخر در دفتر ثبت کنند خامسا ـ تمام یاقسمتی ازدفاتر ثبت رامفقود یامکتوم کنند یاورقی ازآن دفاتر را بکشند ویابوسائل مزوره دیگر ثبت سندی را از اعتبار واستفاده بیندازند سادسا ـ درثبت سند بتراشیدن یاپاك کردن تصرف کنند سابعا ـ اسناد انتقالی را باعلم بعدم مالکیت انتقال دهنده ثبت کرده باشد

ماده ۲۶ ـ هرگاه اجزاء اداره ثبت اسناد واملاك قبل از احراز هویت اشخاص و یاباصلاحیت اصحاب معامله ویا قابلیت موضوع معامله سندی را عمداً ثبت کنند ازیك سال تاسه سال ازشغل خود منفصل خواهند بود

ماده ۲۷ ـ همچنین مجازات ماده قبل درباره اشخاصیکه عمدا سندی را ثبت کنند که مفاد آن مخالف قوانین جاریه باشد مقرر خواهد بود

ماده ۲۸ ـ هرگاه اجزای اداره ثبت اسناد واملاك تصدیقاتی بدهند که مخالف واقع باشد محکوم خواهند شد بمجازاتیکه برای اجزاء ادارات دولتی بجهت ساختن وجعل وتزیر خطوط رسمی مقرر است

ماده ۲۹ — هر گاه اجزای ادارهٔ ثبت اسناد واملاك مبلغ حق ثبت را عمداً کمتر از تعرفه مقرره اخذ نمایند در دفعه اول دو مقابل و در دفعه دوم سه مقابل ودر دفعه سوم چهار مقابل آنچه که کسر گرفته اند از حقوق آنها ماخوذ وبخزانه دولت تسلیم میشود ودر دفعه چهارم علاوه برمجازات مقرره برای دفعه سیم از شغل خود نیز منفصل میشوند .

ماده ۳۰ — هر گاه معلوم شود که یکی از اجزاء ادارهٔ ثبت اسناد و املاك تمام یاقسمتی از وجوه دولتی را تصاحب ویا تلف نموده ویا اینکه علاوه برتعرفه مقرره وجهی اخذ کرده وبحساب دولت نیاورده باشد علاوه براسترداد وجوه مزبوره وانفصال دائمی ازخدمت بمجازات خیانت درامانت محکوم خواهد شد . واگر وجوه زیادی را اخذ و بحساب دولت آورده باشد بعلاوه استرداد وجه محکوم به یکسال انفصال موقت خواهد بود .

ماده ۳۱ — هر گاه اجزای اداره مزبوره مقررات این قانون رادر اصلاح جای سفید وکلمات زائده وعده وفاصله سطور وهمچنین دستورالعمل های وزارت عدلیه را درترتیب نگاهداشتن دفاتر وغیره رعایت ننمایند در دفعه اول ثلث مقرری یکماهه آنان و در دفعه دویم تمام مقرری یکماهه مقطوع و در دفعه سوم ششماه ازخدمت منفصل میشوند .

ماده ۳۲ — در موارد تقصیراتی که مجازات آنها بموجب این فصل معین نشده است اجزاء اداره ثبت اسناد و املاك که مرتکب جرم عمومی ویا تقصیر اداری می شوند موافق مقررات قانون جزای عمومی ویا قانون استخدام تعقیب ومجازات خواهند شد

باب دوم

درثبت املاك

ماده ۳۳ — مدیر ثبت اسناد هر حوزه مکلف به حفظ دفتر املاك حوزه خود و اجرای ترتیبات مقرره برای ثبت املاك وحافظ اعتبارات قانونی آن خواهد بود

فصل اول

در تقاضای ثبت املاك

ماده ۳۴ — ثبت املاك اختیاری است مگر درمورد نقل و انتقال خالصجات دولتی واموال غیر منقوله ایالات و ولایات وبلوکات و بلدیه ها ویا نقل وانتقال املاك غیر منقول که در حدود قوانین بین اتباع خارجه و یا اتباع ایران وخارجه واقع می شود

ماده ۳۵ — اشخاص ذیل حق تقاضای ثبت دارند (۱) مالك در صورتی که ملك مابین چند نفر مشاعاً مشترك باشد هریك از شرکاء

۲ - کسانی که در ملك حقوقی از قبیل حق السکنی وحق العبور و حق الشرب و حق المجری وحق القوایه وغیره دارند نسبت بحق خودشان

ماده ۳۶ — اولیای محجور وامثال آن میتوانند بنام آنها تقاضای ثبت بکنند . متولیان موقوفات عامه مجبورا موقوفات خاصه اختیارا تقاضای

ثبت می نمایند . املاك محبوسه مشمول این ماده خواهد بود

ماده ۳۷ — تقاضانامه ثبت باید بامضاء مستدعی ثبت یا وکیل ثابت الوکاله او بوده و بمدیر ثبت تقدیم شده قبض رسید دریافت شود هرگاه مستدعی ثبت نتواند امضا کند مدیر ثبت این نکته را قید نموده وپس از اطمینان از هویت او تصدیق خواهد کرد که تقاضانامه از طرف مستدعی ثبت داده شده است در صورتیکه تقاضا بتوسط وکیل بشود باید وکالت نامه متضمن این اختیار ضمیمه آن باشد تقاضانامه شامل نکات ذیل خواهد بود

۱ - اسم و اسم خانوادگی وسمت ومحل اقامت ومشخصات دیگر و نایبت مستدعی ثبت ووکیل او درصورتیکه تقاضا بتوسط وکیل شده باشد

۲ - اسم و وصف مال غیر منقول که تقاضای ثبت آن شده با تعیین محل ومشخصات وحدود وابنیه و اجزاء ومتعلقات آن

۳ - تخمین قیمت ملك ومیزان منافع سالیانه آن

٤ - شرح حقوقیکه برای اشخاص در آن ملك است با تعیین صاحبان حقوق

ماده ۳۸ — در موقع تقدیم تقاضانامه باید تقاضا کننده کلیه اسناد و قبالجات ملك و مدارك راجعه بان را با سواد آنها بدایره ثبت اسناد و املاك بیاورد مدیر یا مباشر ثبت باید سواد های مزبوره را پس ازتطبیق با اصل ورسانیدن بامضاء تقاضا کننده ضبط کرده واصل اسنادرا رد نماید .

و اگر سند مالکیت او منحصر بتصرف است ادله و امارات تصرف فعلی خود را باید تقدیم باداره ثبت اسناد و املاك تسلیم نماید و در هر حال تقاضا کننده ثبت باید نحوه تصرف خود را که مطابق این قانون او را برای تقاضای ثبت مجاز میدارد محرز نماید نسبت باملاکی که مالك خاص ندارد تقاضای ثبت از اشخاص پذیرفته نمیشود

ماده ۳۹ -- در موقع تقاضای ثبت مستدعی ثبت باید مبلغی بمیزان تخمینی مخارج مقدماتی آن بودیعه بگذارد

فصل دوم

مقدمات ثبت املاك

مبحث اول

در اعلان و تعیین حدود موقت

ماده ٤۰ — پس از تقدیم تقاضا نامه مدیر ثبت در ظرف مدت ده روز لایحه ترتیب میدهد مشتمل بر خلاصه و مفاد تقاضانامه و تعیین روز وساعتی برای تحدید حدود موقت ملکی که تقاضای ثبت آن شده است

ماده ٤۱ — لایحه مذکوره درماده فوق را مدیر ثبت اسناد درظرف مدت مذکوره درماده فوق در جراید حوزه خود منتشر نموده سوادی از

آنها را برای اعلان در محکمه صلح ودرب مساجد مهمه و اماکن عمومی و درصورتیکه تقاضای ثبت راجع بابنیه باشد درب ابنیه مذکوره نزد امین صلح و کمیسر و کدخدای محل و کدخدا های املاك مجاور ارسال خواهد داشت کمیسر و کدخدا ها وامین صلح فورا سواد لایحه را اعلان میکنند و اعلان مزبور تا روز تعیین حدود باید در اماکن مزبوره باقی باشد و تصدیقی راجع باینکه اعلان واقع شده برای مدیر ثبت میفرستند

ماده ٤٢ -- مدیر ثبت یا معاون اوعملیات راجعه به تعیین حدود موقت را باکمك یك نفر نقشه کش وحضور تقاضا کننده یا وکیل او اجرا خواهد نمود . در موقع تعیین حدود مدیر ثبت اسناد و املاك مطابق ترتیبات اصول محاکمات حقوقی اشخاص ذیل را احضار مینماید

(۱) مستدعی ثبت (۲) صاحبان املاك مجاور (۳) اشخاصیکه اعتراض و یا دخالت نموده اند اشخاص مذکور دعوت می شوند تا در عملیات تعیین حدود حضور بهمرسانیده یا وکیل قانونی خود را برای حضور اعزام دارند

ماده ٤٣ -- تعیین حدوددو تاریخی که معین شده است بعمل میاید تقاضا کننده یا وکیل او حدود ملکی را که میخواهد ثبت کند تعیین نموده و صاحبان املاك مجاور و دخالت کنندگان ایرادات و اعتراضات خود را بیان می نمایند . برای تعیین حدودی که تقاضا کننده اظهار کرده و تعیین قسمت هائی که مورد اعتراض اشخاص خارج واقع شده نقشه کش نصب علامات کرده واز کلیه نقشه مختصری ترتیب میدهد

ماده ٤٤ -- مدیر ثبت اسناد یانماینده او صورت مجلسی از تعیین حدود باقید مطالب ذیل ترتیب میدهد

۱) تعیین ماه و روز یاروز هائیکه عملیات در آن واقع شده (۲) اسم واسم خانواده گی وشغل وسمت ومحل اقامت اشخاصی که حضور داشته اند (۳) اتفاقاتی که درحین عملیات رخ داده و اظهارات اشخاصی که دخالت نموده اند (٤) نصب علامات وعده ودلالت آنها (۵) اسنادیکه تقاضا کننده ومعترضین تقدیم داشته اند صورت مجلس فوق را مدیر ثبت اسناد یامعاون او ونقشه کش وکلیه حضار ودخالت کنندگان امضا میکنند و در صورتیکه نتوانند یانخواهند امضاء کنند این نکته درصورت مجلس قید میشود . به صورت مجلس فوق نقشه تعیین حدود موقت و کلیه اسنادی که تسلیم شده است ضمیمه گشته وفهرستی نیز ازضمایم برداشته می شود

ماده ٤۵ — هرگاه مستدعی ثبت یانماینده از طرف او برای تعیین حدود حاضر نشود عملیات موقوف میشود وفقط غیبت تقاضا کننده درصورت مجلس ذکر خواهد شد و درینصورت تقاضا نامه مسکوت عنه وضبط خواهد شد و مخارجی که شده است از وجه تودیعی موضوع و بقیه به مستدعی ثبت رد میشود واگر مشارالیه تقاضای خودرا مجدد تعقیب نماید باید مخارج آن را قبلا تودیع کند

ماده ٤٦ -- هرگاه تعیین حدود موقت بعمل آید مدیر ثبت اسناد باید درظرف ده روز اعلانی بوسائل مذکوره درماده ٤۱ وسایروسائل ممکنه

از قبیل جار و غیره منتشر خواهد نمود مشتمل بر اسم ملك و مشخصات حدودی که موقتا تعیین شده واسم مستدعی ثبت و متصرف فعلی و عنوان تصرف واینکه اعتراضات راجعه به ثبت ملك درظرف مدت شش ماه دردایره ثبت اسناد واملاك و در دفتر صلحیه پذیرفته خواهد شد وپس از انقضاء مدت مزبور اعتراض پذیرفته نمیشود و اعلان مزبور درهر ماهی یکمرتبه تجدید خواهد شد

ماده ٤٧ — هرگاه موضوع ثبت ابنیه و املاك کوچکی باشدکه حدود آنها کاملا معین ومشخص است از اقداماتی که بایستی درمحل بعمل آید ودر این مبحث مذکور شده ممکن‌است صرف نظر شود ولی اعلان مذکور درماده ٤٦ باید بعمل آید .

مبحث دویم

در اعتراضات

ماده ٤٨ — در مدت ششماه از ابتدای انتشار در جراید و اعلام مذکوره درماده ٤٦ اشخاص ذی نفع میتوانند در ثبت ملك بطریق ذیل اعتراض و دخالت کنند .

۱) بوسیله‌اعتراض هرگاه نسبت بمالکیت مستدعی ثبت کلا یا بعضا ویا در حدود ملك مناقشه داشته و یا حقی برای خود قائل باشد .

۲) بوسیله تقاضای ثبت در صورتیکه فقط حقی در ملك برای خود قائل باشد

ماده ٤٩ - اعتراضات و یا تقاضاهای ثبت مذکور بدفتر ثبت اسناد واملاك یادفتر محکمه‌صلح تقدیم میشود وهرگاه اعتراض شفاهی باشد صورت مجلسی از آن ترتیب داده میشود ودر ضمن اعتراض یا تقاضای ثبت باید حقوق‌ومدارك واسنادیکه مبنای‌اعتراض‌است مذکورشود هرگاه اعتراض‌یاتقاضا بمحکمه صلح داده شده‌باشد امین‌صلح فوراً آنرا نزدمدیر ثبت ارسال میدارد

ماده ٥٠ — ولی یا قیم و یا مدعی العموم میتوانند بوسیله اعتراض تقاضای ثبت بنام محجور و یا صغیر ویا غائب مفقودالاثر مداخله نماید .

ماده ٥١ — هیچ اعتراض ویا تقاضای ثبتی پس از انقضاء مدت شش ماه از تاریخ الصاق و انتشار اعلان پذیرفته نخواهد شد

مبحث سوم

در رسیدگی باعتراضات

ماده ٥٢ — در صورتیکه کلیه ترتیبات قانونی مذکوره درمواد سابقه بعمل آمده واحدی در ظرف مدت مذکور در ماده ٤٨ اعتراض یاتقاضائی ننموده باشد مدیر ثبت اسناد واملاك ملك‌را در دفتر املاك‌ثبت می‌نماید .

ماده ٥٣ - درصورتی که اعتراض یا تقاضائی در ظرف مدت مقرره واقع شده باشد مدیر ثبت اسناد و املاك فورا سوادی از آن‌را بمستدعی ثبت ابلاغ می نماید و مستدعی ثبت از تاریخ ابلاغ تا مدت‌دو ماه وقت خواهد داشت تمکین خود را نسبت باعتراض وتقاضا اعلام دارد یا آنهارا مرتفع نماید در صورتیکه مستدعی ثبت تمکین خود را اعلام نمود یامعترض و تقاضا کننده اظهار خود را استرداد کرد مدیر ثبت اسناد و املاك به

ثبت ملك اقدام خواهد نمود .

ماده ٥٤ — هرگاه پس از ابلاغ سواد اعتراض یا تقاضا بمستدعی ثبت دو ماه بگذرد و مشار الیه جوابی ندهد مدیر ثبت اسناد و املاك باید بتوسط اخبار کنبی که برؤیت مستدعی ثبت میرسد به مشار الیه اخطار کندکه اگر پس از این اخطار باز در ظرف دو هفته از طرف مستدعی ثبت اقدامی نشود تقاضای او راجع به ثبت ملك باکلیه عملیاتیکه شده است باطل ولغو خواهد شد .

ماده ٥٥ — هرگاه در ظرف مدت دو ماه مذکور در ماده ٥٣ و یا در ظرف دو هفته مذکور در ماده ٥٤ مستدعی ثبت بمدیر ثبت اسناد و املاك اطلاع دهدکه نسبت بادعای معترضین تمکین ندارد و اعتراض یا تقاضای ثبت را هم نمیتواند دوستانه مرتفع کند مدیر ثبت اسناد واملاك فورا بمستدعی ثبت وکلیه معترضین و تقاضا کنندکان کتبا اخطار می‌نماید که برای قطع و فصل امر بمحکمه مقتضیه رجوع نمایند .

ماده ٥٦ — مستدعی ثبت می تواند بمحکمه صالحه عرضحال رفع مزاحمت تقدیم کند معترضین و تقاضا کنندکان نیز میتوانند برای اثبات اظهارات خود در محکمه مقتضیه اقامه دعوی نمایند . محکمه مرجوعه مکلف است که این دعاوی را موافق مقررات اصول محاکمات حقوقی با رعایت طریقه محاکمه اختصاری قطع وفصل نماید

تبصره — اگر پس از رسیدگی معلوم شود که ادعای مدعی مستند

باسناد مجعوله ویا بقصد استفاده نامشروع بوده است علاوه برجبران خسارات وارده در صورت اولی مدعی بمجازات جعل و تذویر و یا استعمال اسناد مجعوله ودر صورت ثانیه بمجازات مدلس محکوم خواهد شد

فصل سوم

در ثبت ملك

ماده ٥٧ — پس از اتمام عملیات مقدماتی مذکوره در فصل دوم مدیر ثبت ملك را که تقاضای ثبت آن شده باقید مذکوره در ماده ٣٧ در دفتر املاك ثبت کرده و ونوع ثبت را در حاشیه ویا ذیل وباظهراسناد مستدعی ثبت قید وبا امضای خود ممضی وبمهر دایرهٔ ثبت اسناد و املاك ممهور مینماید پس ازآن سوادی ازثبت ملك بمستدعی ثبت میدهد سواد مزبور نسبت بموضوع تقاضا سند رسمی خواهد بود

ماده ٥٨ — پس از ثبت شدن یك ملك در دفتر املاك (بجزمورد ارث) نقل وانتقالات ویا معاملات جدیده راجعه بان ملك را دولت به‌رسمیت نخواهد شناخت مگر اینکه نقل و انتقالات ویا معاملات مزبوره در دایره ثبت اسناد واملاك ثبت شده باشد

ماده ٥٩ — در صورتی‌که ملك ثبت شده بوجهی از وجوه بدیگری منتقل شود سند انتقال در دفتر معاملات ثبت ودر ذیل صورت ثبت ملك

خلاصه آن قید میشود و بهمین ترتیب کلیه انتقالات بترتیب تاریخ در ذیل یکدیگر قید خواهند شد

ماده ٦۰ — در موقعی که ملکی و یا حقوقی که تعلق به صغیر یا محجور وامثال آنها داشته باشد در دفتر املاک ثبت شود سن صغیر و یا علت حجر در صورت ثبت باید قید شود و پس از اینکه حالت حجر مرتفع یا صغیر کبیر شد می تواند تقاضا کند که رفع حجر یا کبر او در دفتر تصریح شود

ماده ٦۱ — هردفعه که بموجب نقل وانتقالی سند مالکیت جدیدی در ثبت اسناد نسبت بملکی تنظیم شود و مدیر ثبت اسناد و املاک در کلیه صفحات دفتر املاک که شامل سند مقدم بر آن است علامت مخصوصی با مهر دائره ثبت اسناد واملاک وضع مینماید که دلالت برخروج مال از ملکیت مالک سابق کند و سواد سند مالک سابق را هم از دست او گرفته همان علائم را بران وضع و در دفتر ضبط حوزه خود ضبط می نماید و این فقره را با مرکب قرمز درستون ملاحظات دفتر املاک در مقابل سند سابق ذکر می کند . در صورتیکه محقق شود سواد سند مفقود شده است این نکته نیز در ستون ملاحظات قید میشود

ماده ٦۲ — حق گرفتن سواد کامل سند مالکیت منحصر بمالک است و در سواد مزبور قید می شود که بمالک داده میشود و مدیر ثبت اسناد و املاک مطابقت آن را با اصل تصدیق و امضاء کرده بمهر دایره ثبت اسناد واملاک ممهور می نماید درصورتیکه ملک بین دویاچند نفر مشاع باشد هریک

ازشرکاء میتوانند سوادی ازسند مالکیت و نقشه آن اخذ نمایند ولیکن دایره ثبت اسناد واملاک بایددر روی سوادها و نقشه که میدهد قید نماید که راجع بحصهٔ فلان شریک است . سایر اشخاص ذی نفع میتوانند تصدیقی راجع بحقوق مخصوصی که در آن ملک دارند ازاداره ثبت اسناد واملاک بگیرند ودر این تصدیقات نیز باید اسم گیرنده تصریح شود . مراجعه بدفتر املاک برای عموم جایز است .

ماده ٦۳ — هر امر جدیدی که بتوسط مدیر ثبت اسناد واملاک در دفتر املاک راجع بملک ثبت شده ثبت میشود مدیر ثبت اسناد واملاک در سواد سابق ملک نیز آن را ذکر نماید و کلیه مدیر مزبور باید همیشه مطابقت سند را باثبتی که در دفتر املاک شده است تصدیق کند .

فصل چهارم

در آثار ثبت ملک

ماده ٦٤ — ثبت ملک در دفتر املاک سند مالکیت کسی است که ملک بنام او ثبت شده است و دولت فقط اورا مالک رسمی خواهد شناخت یا کسی را که بیکی از جهات شرعیه ملک مزبور باو منتقل شده و سند انتقال آن نیز در دفتر املاک ثبت شده باشد یااینکه ملک مزبور از مالک رسمی بارث باو رسیده باشد .

ماده ٦٥ — ثبت حقوق مذکوره در ماده ۳۵ در دفتر ثبت املاك سند رسمی حقانیت صاحبان حقوق مزبوره است اعم از اینکه در ضمن ثبت خود ملك یا علیحده ثبت شده باشد .

ماده ٦٦ — پس از ثبت ملك دعاوی راجعه بتضییع حقی درضمن ثبت در محاکم عدلیه از کسی پذیرفته نخواهد شد ولی اگر درضمن ثبت تقلب و تزویری اعمال شده باشد اشخاصیکه باین ترتیب متضرر شده اند میتوانند بر علیه کسانیکه تقلب نموده اند اقامه دعوی نموده جبران تضررات خود را مطالبه کند وهر گاه تقصیر از طرف مدیر یا مباشرین ثبت اسناد واملاك بوده و مشارالیهم قادر بجبران خسارت وارده نباشند جبران خسارت برعهده دولت خواهد بود

باب سوم

در ثبت اسناد ووظایف مباشرین

فصل اول

مواد عمومی

ماده ٦٧ — ثبت اسناد اختیاری است مگر درموارد ذیل

(۱) اجازه ویا امتیازاتیکه ازطرف دولت نسبت به عین ویامنافع اراضی ویا ابنیه ویا سواحل ویا دریاچه ها ویا مرداب ها ویا شطوط وغیره وهمچنین

کلیه امتیازات دیگری که ازطرف دولت داده میشود .

(۲) کلیه نقل وانتقالات راجعه به عین ویامنافع املاکی که قبلا در دفتر املاك ثبت شده است

(۳) کلیه نقل و انتقالات راجعه بحقوقی که قبلا دردفتر املاك ثبت شده است

(٤) کلیه نقل و انتقالات راجعه بعین اموال غیرمنقوله دولت وایالات وولایات و بلوکات وبلدیه ها

(٥) کلیه کنترات ها وقرارداد های راجعه به معاملات که یکطرف آن دولت ویا ایالت ویا ولایت ویا بلوك ویا بلدیه است

(٦) کلیه فرامین متعلقه به امتیازات دولتی که باشخاص داده میشود

(۷) وقف نامه های راجعه باملاکی که قبلا در دفتر املاك ثبت شده است

(۸) اجاره نامهای راجع باملاك موقوفه در صورتیکه مدت آنها بیش از ده سال باشد

ماده ٦٨ — اگر درموارد ماده قبل عین غیر منقول ویاحقی که سند راجع بان است قبلا در دفتر املاك ثبت نشده باشد باید قبل از ثبت شدن سند عین ویاحق مزبور مطابق باب دوم این قانون دردفتر املاك ثبت شده وپس از آن خود سند ثبت گردد

ماده ٦٩ — مباشرین ثبت اسناد نمی توانند هیچ نقل و انتقالی را

ماده ۷٦ — هر گاه مباشر ثبت در هویت اشخاص شکی داشته باشد بایددونفر ازاشخاص معروف و معتمد حضورا هویت آنان راتصدیق نموده و مراتب در دفتر ثبت و همچنین در خود اسناد و تصدیقاتی که داده می شود قید کرده . در مورد این ماده برای هر یك نفر شخص مجهول الهویه معرفی دو نفر شخص معروف ومعتمد علیحده لازم است

ماده ۷۷ — وقتی که مباشرت ثبت نتواند بوسیله شهود معروف و معتمد هویت اشخاص را معین کند باید از ثبت نمودن اسنادامتناع نماید

ماده ۷۸ — مباشر ثبت نمیتواند اسناد راجعه به منفعت خودیا کسانی راکه در تحت ولایت یا وصایت ویا قیمومت او واقعند و یا با او قرابت نسبی تا درجه چهارم یا سببی تا درجه سیم دارند و یا در خدمت او هستند ثبت نماید - درینصورت عمل ثبت بعهدهٔ مباشر دیگری که در آن حوزه ماموریت دارد واگذار خواهد شد و اگر مباشر منحصر بفرد باشد مشار الیه با حضور امین صلح محل سند را ثبت خواهد کرد

ماده ۷۹ — مباشر ثبت باید نمره و تاریخ ثبت را در روی هر سندی که ثبت می‌شود قید کرده بامضای خود ممضی وبه‌مهر دائره ممهور نماید

فصل سوم

در اعتبار اسناد ثبت شده

مبحث اول

اموری که برای رسمیت یافتن اسناد باید در ضمن ثبت منظور شود .

ماده ۸۰ — اسناد باید حرفا بحرف من البدو الی الختم متنا و هامشا سجلا و ظهرا ثبت شود

ماده ۸۱ — مباشر ثبت نمیتواند اسناد اشخاصی را که طرفین یا طرف معامله آنها غیر بالغ یا مجنون یا سفیه یا به نحوی از انحاء قانونی ممنوع از تصرف هستند ثبت نماید مگر آنکه آن معامله راکسی نموده باشد که قانونا حق معامله را دارد

ماده ۸۲ — شهود باید ازاشخاص بالغ ومعروف وموثق باشند علاوه براین تصدیقنامه هویت خود راکه بامضای کمیسر پلیس یا مدعی العموم رسیده باشد ارائه دهند

ماده ۸۳ — شهادت شهودی (مطلعین) که دارای صفات ذیل باشند پذیرفته نخواهد شد

اولا کور یا کنك یا کر یا دیوانه یا غیر بالغ ثانیا اشخاص ذی نفع در

معامله ثالثا خدمه مباشرین و خدمه سایر اعضاء ثبت اسناد و املاك رابعا اقارب اصحاب معامله تا درجه چهارم و همچنین خدمه اصحاب معامله خامسا اشخاصیکه بواسطه ارتکاب بجنایت محکوم شده اند سادسا اشخاصیکه ازحقوق اجتماعی محروم شده اند سابعا اشخاصی که معروف بفساد عقیده و متجاهر بفسق باشند .

ماده ۸۴ — مباشر ثبت نمی تواند اسناد راجعه بمعاملاتی را که مخالف قانون باشد ثبت نماید .

ماده ۸۵ — هرگاه اصحاب معامله یا مطلعین زبان فارسی را ندانند و مباشر ثبت نیز زبان آنها را نداند مراجعه بمترجم ماهر امین لازم است

ماده ۸۶ — علاوه برمقرراتی که بموجب مواد مخصوصه تصریح‌شده است مباشر ثبت باید کلیه اموری راکه برای استحکام و صحت ثبت بعمل آمده است در روی سندی که ثبت شده و همچنین در ستون ملاحظات یا ستونهای مخصوص دفاتر قید نماید

ماده ۸۷ — اگربرای ثبت نمودن اسناد ابرازتصدیق هویت‌یاوکالت نامه یاهر ورقه معتبر دیگری لازم باشد اوراق مزبوره باید پس از ثبت شدن در دفتر اسناد متفرقه در دائره ثبت اسناد ضبط شده و تاریخ و نمره ثبت در روی آنها قید شود

ماده ۸۸ — مباشر ثبت باید قبل از ثبت سند حقی‌را که بان تعلق

می گیرد باصحاب معامله یا و کلای آنها اعلام نموده و آنرا دریافت دارد

ماده ۸۹ — عبارت ثبت باید خوانا و واضح بوده واعداد راجعه به مبلغ وتاریخ ونمره لااقل باید یك مرتبه با تمام حروف در روی سندی که ثبت شده است نوشته شود

ماده ۹۰ — فاصله سطور از همدیگر باید بیك اندازه بوده سطوردر یك جا شروع شده ودر یك جا ختم شود بنحوی که از ستون معین خود تجاوز نکنند بالا بردن سطور در آخر سطر اکیداً ممنوع است وهرجاکه سطر بانتها رسید با ترتیب باید بقیه مطلب را بسطر نو ببرد جای سفید و تصحیح و اضافه اکیداً ممنوع است

ماده ۹۱ — اگر مباشر ثبت اشتباها جای سفیدی گذاشته ویامجبور به تصحیح ویا اضافه باشد صحت ثبت منوط برعایت حتمی‌شرایط ذیل خواهدبود

اولا - جای سفید باید بوسیله دو خطی که همدیگر را تقاطع نماید ازچپ استفاده انداخته شود

ثانیا - برای کلمات زیادی باید خط نازکی بامرکب قرمز کشیده شود

ثالثا - تصحیح واضافات باید درستون ملاحظات نوشته شده بامضای‌مباشر ثبت برسد وربط آن بوسیله رادهٔ که بامرکب قرمز نوشته میشودمعین گردد ابطال جای سفید وهمچنین حذف کلمات زیادی‌تصحیح واضافات باید درآخر ثبت قبل از امضا قید شود مباشرینی‌که مفاد این ماده را رعایت نکنند

به تناسب تخلف مستوجب مجازات‌های مندرجه دراین قانون یاقانون جزای عمومی خواهند بود

ماده ۹۲ ــ تراشیدن وپاك کردن والحاق کردن بهر نحوی‌ازانحاء در دفتر ثبت اسناد واملاك بکلی ممنوع است کلیه الحاقات وآنچه‌که بجای کلمات تراشیده شده ویا در محل پاك شده نوشته میشود از درجه اعتبار ساقط است و مباشر ثبتی که رعایت این ماده را ننماید علاوه بر جبران خسارات وارده مطابق ماده ۲۵ این قانون مجازات میشود و این مجازات علاوه برمجازاتی است‌که مطابق‌قانون جزای عمومی ممکن است به متخلفین از این ماده تعلق بگیرد

ماده ۹۳ ــ اصحاب معامله ویاوکلای آنها وشهود باید ثبت سند را ملاحظه نموده ومطابقت آن‌باصل بتوسط مشارالیهم ومباشرثبت تصدیق گردد

ماده ۹۴ ــ در صورتیکه اصحاب معامله ویایکی از آنها کر و کنك ویاکور باشند علاوه برمطلعین معمولی هریك از اشخاص مزبوره باید بمعیت خود یك نفر از معتمدین خودرا حاضر نمایند که در موقع قرائت ثبت و امضاءآن حضور بهمرساند شخص معتمد مزبور درمورد اشخاص کر و کنك باید ازجمله اشخاصی باشد که بتواند باآنها باشاره حرف زند در مورد این ماده مراتب دراسنادیکه ثبت میشود و درستون ملاحظات باید قید گردد .

ماده ۹۵ ــ امضای ثبت سند پس ازقرائت آن بتوسط اصحاب‌معامله ویا وکلای آنها حاکی از رضایت آنها خواهد بود .

ماده ۹۶ ــ در موقعی که معامله راجع باشخاص بی سواد است علاوه برمطلعین معمولی حضور یك نفر مطلع باسواد نیز که طرف اعتماد شخص بی سواد باشد لازم است ثبت سند باید برای شخص بی سواد قرائت شده واین قرائت و همچنین رضایت مشارالیه باید در دفتر ثبت قید و مطابق ماده ۹۳ امضاء گردد .

ماده ۹۷ ــ قبل‌ازثبت‌سندیکه متعلق بشخص بی‌سواداست مباشر ثبت اسناد و املاك باید بوسیله سؤالاتی‌که از او می نماید یقین حاصل کند که شخص مزبور مندرجات سند را کاملا می فهمد

ماده ۹۸ ــ صاحب سندی که کر و کنك بوده ولی می تواند بخواند باید شخصا در دفتر قید و امضاء کند که سندرا خوانده و مفاد آن را تصدیق دارد .

ماده ۹۹ ــ هر گاه یکی ازاصحاب معامله بواسطه مرض یاعذر موجه دیگری نتواند در ادارهٔ ثبت اسناد واملاك حضور بهمرساند و وکیلی هم معین و اعزام ننماید مباشر ثبت مکلف است بمعیت طرف دیگر معامله و شهود و مدعی العموم بمنزل مشار الیه رفته موافق مقررات این قانون عملیات خود را انجام دهد و مخارج حرکت مباشر بعهدهٔ طرفی است که باعث آن شده است .

ماده ۱۰۰ ــ هر گاه سندی بواسطه تقصیر یا غفلت مباشر از اعتبار افتاده باشد مباشر مذکور باید علاوه بر مجازات های مخصوصه مقرره از

عهدهٔ کلیه خسارات وارده نیز بر آید

مبحث دوم

در رسمیت و اعتبار اسناد ثبت شده

ماده ۱۰۱ — برای اینکه اسناد ثبت شده رسمیت واعتبار داشته‌باشد رعایت شرایط ذیل لازم است

اولا ثبت اسناد باید بتوسط مباشر ثبت بعمل آید ودر مورد ثبت ملك بتوسط مدیر ثبت اسناد واملاك مطابق باب دوم این قانون

ثانیا متصدی ثبت باید ازهر حیث صلاحیت و حق ثبت نمودن را دارا باشد .

ثالثا تمام مقررات این قانون که در اعتبار ثبت مؤثر است باید رعایت شود .

ماده ۱۰۲ — سندی که مطابق شرایط مندرجه در ماده قبل ثبت شده است دارای رسمیت واعتبار بوده تمام محتویات و امضا های مندرجه درآن معتبر خواهد بود مگر اینکه مجعولیت سند رسما ثابت شود .

ماده ۱۰۳ — اسناد ثبت شده در قسمت راجعه بمعاملات و تعهدات مندرجه درآنها نسبت بطرفین و یا طرفیکه تعهد کرده و کلیه اشخاصیکه قائم مقام قانونی آنان محسوب میشوند رسمیت و اعتبار خواهند داشت

ماده ۱۰۴ — کلیه معاملات راجعه باموال غیر منقوله که بر طبق مقررات باب دوم این قانون ثبت شده است نه فقط نسبت بطرفین معامله و قائم‌مقام قانونی آنها معتبر و رسمی است بلکه نسبت باشخاص ثالث نیز دارای اعتبار کامل و رسمیت خواهد بود

ماده ۱۰۵ — قضاتی که از قبول رسمیت و اعتبار اسناد ثبت شده استنکاف نمایند علاوه براخطار ازطرف دیوان عالی تمیز درمجلس محاکمه انتظامی تعقیب میشوند و درصورتیکه این تقصیر قضات بدون عذر موجه و قانونی باشد و بهمین جهت ضرر مسلم نسبت بصاحبان اسناد رسمی متوجه شود مجلس محاکمه انتظامی علاوه بر مجازات اداری قضات مزبوره را بتادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد نمود

مبحث سوم

در دادن سواد اسناد ثبت شده

ماده ۱۰۶ — مباشرین ثبت نمیتوانند سواد اسنادی را که ثبت نشده است تصدیق نمایند

ماده ۱۰۷ — باستثنای مقررات مذکوره درباب دوم در موضوع سواد اسناد راجعه باملاك ثبت شده مباشرین ثبت در صورت تقاضا سواد مصدق اسناد ثبت شده را بصاحبان اسناد و قایم مقام آنها و محاکم و مدعیان عمومی ومستنطقین واشخاصی که ازمحاکم تصدیق برای اخذ سوادمیاورند

مبدهند سواد های مزبوره باید از هرحیث مطابق باشد با سندی که دردفتر ثبت اسناد و املاك ثبت شده است

ماده ۱۰۸ — سواد مصدق اسنادی که در سال جاری ثبت شده است بتوسط مباشر ثبت وسواد آنهائی که درسنوات ماضیه ثبت شده است بتوسط دفتر دار اداره میشود

ماده ۱۰۹ — اسم شخصی که سواد باو داده میشود و همچنین تاریخ دادن سواد باید درستون ملاحظات دفتر قید شود و همچنین درروی خود سواد باید قید شود که سواد بفلان شخص یا بفلان محکمه داده میشود

ماده ۱۱۰ — از اسنادی که در دفتر ثبت اسناد واملاك ثبت شده است مباشرین ثبت پس از گرفتن حقوقی که در این قانون معین است سواد مصدق داده تصدیقات دیگری نسبت بان سند نمیتوانند بدهند

۱۱۱ — مباشری که سواد میدهد بایددر تحت مسؤلیت خود مطابقت سواد را باسندی که ثبت شده است قید و امضا نماید

ماده ۱۱۲ — سوادی که مطابقت آن بااصل تصدیقات شده است بمنزله اصل سند خواهد بود

مبحث چهارم

در ودایع

ماده ۱۱۳ — اشخاصی که سند خودرا میخواهند دراداره ثبت اسنادو

املاك تودیع کنند باید آنرا درپاکت ویالفافه دیگری که بالاك مهرشده باشد گذاشته وشخصا روی پاکت تاریخ تودیع راباتمام حروف درحضور مباشر ثبت قید کنند ودر صورتیکه خط نداشته باشند باید دونفر شاهد تاریخ تودیع را درروی لفافه و یا پاکت نوشته امضا ومهر کنند مباشر ثبت پس از تصدیق صحت نمرهٔ ترتیبی آن را تعیین نموده و بالاك پاکت و یا لفافه را بمهر اداره ثبت اسناد و املاك ممهور نماید و در دفتر مخصوص همان نمره ترتیبی را که انتخاب کرده است باسم تودیع کننده و تاریخ تودیع و اسامی شهود اگر باشند قید می کنند و بمهر و امضاء تودیع کننده و شهود نیز خواهد رسید

ماده ۱۱۴ — اشخاصیکه سند خود رانودیع می نمایند میتوانند قبل از آنکه آنها را در پاکت ویا لفافه دیگری گذاشته ممهور کند تقاضای سواد نمایند در این صورت اداره ثبت اسناد و املاك سواد مصدق خواهد داد ولی باید در روی سواد مزبور قید شود که این سواد مطابق بااصلی است که در اداره ثبت اسناد واملاك تودیع شده وبهیچوجه رسمیت ندارد مگر اینکه آن سند قبلا مطابق مقررات این قانون ثبت شده باشد در این صورت دائره ثبت اسناد و املاك میتواند سواد مصدق سند را بطوری که در این قانون مقرر است بدهد

ماده ۱۱۵ — در موقع تودیع اسناد مباشر ثبت باید صورت مجلسی ترتیب داده کلیه مشخصات و ممیزات پاکت و یا لفافه تودیعی را در آن

قید و بامضای خود و تودیع کننده ممضی دارد و این صورت مجلس در ستون ملاحظات دفتر ودایع نوشته خواهد شد

ماده ۱۱۶ - استرداد اسناد تودیع شده باین ترتیب بعمل میاید که در ستون ملاحظات دفتر ودایع و در مقابل ثبتی که از تودیع سند بعمل آمده شخصی که سند را پس میگیرد با حضور دو نفر شاهد رسید نوشته و آنرا امضا نماید تاریخ استرداد باید در ذیل رسید باتمام حروف قیدشود وهمچنین اسم مباشر و مبلغ حقوق دیوانی که اخذ میشود درج خواهد شد

مبحث ششم

در اجرای مفاد اسناد رسمی

ماده ۱۱۷ — کلیه اسناد رسمی راجعه باموال منقوله مستقلا و بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجراء خواهد بود مگر اینکه شخص ثالثی مدعی آن باشد

ماده ۱۱۸ — کلیه اسناد رسمی راجعه بمعاملات املاکی که مطابق مقررات باب دوم این قانون ثبت شده است مستقلا وبدون مراجعه بمحاکم لازم الاجرا است و ادعای شخص ثالث نسبت بانها مانع اجرا نخواهدبود

ماده ۱۱۹ — دایره ثبت‌اسناد واملاك سواد سندی‌را که باید اجرا شود و صاحب سند تقاضای اجرای آن را نموده دستور اجرا را مطابق

ماده ۱۲۰ - درذیل سواد درج کرده بمهرمخصوص اجرا ممهور نموده‌نزد مامور اجرا میفرستد

ماده ۱۲۰ — عبارت دستور اجرا از این قرار است عموم ضابطین عدلیه وکلیه مامورین اجرا و قوای دولتی مامور و مکلف هستند که هریك در آنچه راجع بایشان است ادای وظیفه و مساعدت برای اجرای مداول این ورقه بعمل آورند‌نظر باین منظور ورقه حاضره صادر و ممضی‌وممهور میشود بتاریخ . . .

ماده ۱۲۱ نقش مهر مخصوص اجرا شامل عبارت ذیل خواهد بود

وزارت عدلیه

دایره ثبت اسناد و املاك فلان محل

اجرا شود

ماده ۱۲۲ — اسناد معاملات تجارتی راجعه باموال منقوله که در دفتر ثبت اسناد و املاك ثبت می شود ترتیب اجرای آن موافق‌مقررات قانون تجارت خواهد بود

ماده ۱۲۳ — ادعای جعلی که از مجرای جزائی بعمل آمده باشد عملیات راجعه باجرای‌اسناد رسمی لازم‌الاجرا را موقوف‌نمی کند مگر پس از اینکه مستنطق رای مجرمیت متهم را صادر و مدعی العموم هم موافقت کرده باشد .

باب چهارم

تعرفه ثبت اسناد و املاك

ماده ۱۲٤ — حقوقی که در اداره ثبت اسناد و املاك اخذ می شود مطابق تعرفه ذیل خواهد بود .

۱ - برای ثبت ملك در دفتر املاك بعلاوه مخارج مقدماتی که در فصل اول باب دوم مذکور است ۱۰/۰

۲ - برای ثبت اسناد راجعه باموال غیر منقوله $\frac{۱}{۲}$ ۰/۰

۳ - برای ثبت اسناد راجعه باموال منقوله $\frac{۱}{۲}$ ۰/۰

٤ - برای ثبت اسناد راجعه بمنافع غیر منقوله و اجیر نامه از هرقبیل $\frac{۱}{۲}$ ۰/۰

در این مورد حق ثبت برای تمام مدت اخذ خواهد شد .

۵ - برای ثبت اسناد راجعه به نقل و انتقالاتی که خارج از عنوانات فوق العاده و ممکن است تقویم شود $\frac{۱}{۲}$

٦ - برای ثبت اسنادیکه تعیین قیمت آنها ممکن نباشد برای هرسند ۱ تومان

۷ - ثبت اسناد و نوشتجات تجارتی از هرقبیل غیر از شرکت نامه و بروات و حوالجات : - $\frac{۱}{۲}$

۸ - برای ثبت بروات وحوالجات تجارتی از هر صد تومان یك قران کسور صدتومان بمنزله صد تومان می باشد

۹ - حق ثبت امتیازنامه هائیکه ازطرف دولت اعطا میشود ۱۰۰ تومان

۱۰ - حق ثبت اجاره نامه های متعلقه بمعادن وحمل ونقل از راه خشکی یا دریا وهر اجاره نامچه دیگر از این قبیل : / ۱

۱۱ - ثبت قوانین متعلقه بامتیازات دولتی از قبیل لقب ونشان ۱۰ تومان

۱۲ - وقف نامه ها ۵ تومان

۱۳ - برای مخارج حرکت مباشر در خارج شهر درمورد ماده ۹۹ بغیر از کرایه حمل ونقل شبانه روزی یك تومان

در داخل شهر فقط مخارج حرکت نادیه خواهد شد

۱٤ - مخارج حرکت در مورد ثبت املاك علاوه بر مخارج حمل ونقل که بعهده تقاضا کننده است برای مدیر ثبت اسناد واملاك شبانه روزی ۲۰ قران برای معاون ویاکسان دیگر . ۱۵ قران

۱۵ - حق الودیعه اسناد و اوراق بهر بسته ممهوره ماهی ۲ قران حق الودیعه شش ماهه قبلا اخذ خواهد شد

۱٦ - دادن سواد مصدق از اسناد ثبت شده برای هرصفحه که نمونه آن را وزارت عدلیه معین می نماید ۵ قران کسرصفحه یك صفحه تمام محسوب خواهد شد

۱۷ - حق الاجراء اسناد لازم الاجراء پس از اجراء

۱۸ - سواد مصدق امتیاز نامه واجاره نامه معادن وحمل ونقل ازراه خشکی

یا دریا وشرکت نامه چهار برابر سواد های دیگر ۵۰/۰

۱۹ - برای تصدیق صحت هر امضا ۱۰ قران

۲۰ - برای اسناد نوشتجاتی که داخل هیچیك ازعنوانات فوق نمیشود ۲۰/۰

ماده ۱۲۵ — سواد هائیکه ازطرف محاکم ومدعیان عمومی ومستنطقین تقاضا میشود از حقوق دولتی معاف خواهد بود ولی در صورتیکه سواد های مزبوره را بدون علت وسبب تقاضا کرده باشند علاوه بر مجازات اداری دو برابر حق معمولی ازتقاضا کننده اخذ خواهد شد

ماده ۱۲۶ — در موقع اخذ حقوق مبلغ های کمتر ازیك صد دینار یك صد دینار محسوب خواهد شد

قانون موقتی

راجع باشخاصی که مال غیر را

انتقال میدهند

ویا تملك میکنند و مجازات انها

قانون موقت

راجع باشخاصی که مال غیر را انتقال میدهند و یا تملك میکنند

و مجازات انها

مصوبه دوم جوزا ۱۳۰۲ شمسی

ماده اول — اگر کسی اقرار نمود و یا محقق شد که مال شخص ثالثی را (*) بدون مجوز قانونی بنحوی از انحاء عینا و یا منفعة نقل بغیر نموده و بتصرف او داده است توقیف و حبس خواهد شد تا اینکه عین و یا عوض مال وهمچنین خسارات وارده بر مالك و مشتری را رد نماید .

ماده دوم — اگر کسی اقرار نمود ویا محقق شد که مال ثالثی را با علم به مستحق للغیر بودن آن (*) بدون مجوز قانونی بنحوی ازانحاء تملك کرده وبتصرف خود درآورده است توقیف وحبس خواهد شد تاعین مال یا عوض آنرا با خسارات واردهٔ بر مالك رد نماید .

ماده سوم — درمورد دوماده فوق مزور جزاء تعقیب و بمجازاتیکه کمتر از یك سال حبس ویا کمتر ازهفتاد تازیانه باشد محکوم خواهد شد .

(*) جملهٔ « بدون مجوز قانونی » برحسب تصویب کمیسیون پارلمانی عدلیه در تاریخ ۱۲ جوزا ۱۳۰۲ در مواد اول ودویم اضافه شده است

قانون موقتی

راجع به تقسیم محاکم ابتدائی

بدرجات مختلفه و تشکیل

صاحبه های با صلاحیت نا محدود

قانون موقت

راجع به تقسیم محاکم ابتدائی بدرجات مختلفه و تشکیل

صلحیه هائی با صلاحیت نامحدود

مصوبهٔ ۳ جوزا ۱۳۰۲ شمسی

ماده اول — وزارت عدلیه محاکم ابتدائی مملکت را از حیث امور راجعه بانها و قلت و کثرت دعاوی به درجه تقسیم خواهد نمود .

ماده دوم — تشکیل محاکم صلح درجه اول با صلاحیت نامحدود که بموجب ماده هفتم قانون استخدام حکام محاکم عدلیه پیش بینی شده است با رعایت احتیاجات محلی بنظر وزارت عدلیه خواهد بود .

ماده سوم — محاکم صلح با صلاحیت نامحدود بعلاوه همه اختیاراتی که مطابق قانون موقت اصول محاکمات حقوقی و یا جزائی برای محاکم صلح مقرراست همان حدود وصلاحیت را درامورحقوقی وجزائی وتجارتی خواهند داشت که بموجب قانون مزبور فوق برای محاکم ابتدائی مقرر شده است .

ماده چهارم — استیناف احکام صادرهٔ از محاکم صلح با صلاحیت نامحدود در صورتیکه میزان مدعا به آن بیش از چهار صد تومان نباشد

و یا راجع بامور جزائی و یا تجارتی باشد که قانونا رسیدگی بانها داخل در صلاحیت محاکم صلح است با رعایت قواعد اصول محاکمات حقوقی و یا جزاء وتجارت به نزدیکترین محکمه ابتدائی رجوع خواهد شد استیناف احکامی که مدعابه آن بیش از چهارصد تومان باشد و یا راجع بامورجزائی و تجارتی باشد که داخل درصلاحیت محکمه جنحه و یا تجارت است بارعایت قواعد اصول محاکمات حقوق یا جزا و یا تجارت بمحکمه استینافی رجوع خواهد شدکه محکمه صلح با صلاحیت نا محدود درحوزهٔ آن واقع شده‌است

قانون موقتی

راجع بتصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی

راجع به محاکم صلحیه

قانون موقت

تصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی راجع به محاکم صلحیه

مصوبه ۳۲ جوزا شمسی ۱۳۰۲

ماده واحده — مواد قانون اصول محاکمات راجع به محاکم صلحیه بطریق ذیل اصلاح میشود

۱ — ماده ۸ نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میگردد .

ماده ۸ امور راجعه بمحاکم صلحیه از قرار ذیل است .

اولا - دعاوی راجعه به اموال اعم از منقول و غیر منقول ودیون و منافع در صورتیکه مدعابه بیش‌ازچهارصد تومان نباشد و هرگاه محدود به زمان معین نباشد یا مدت آن طولانی باشد باید قیمت ده سال آن‌را میزان قرار داد .

ثانیا - دعاوی ضرر وخسارات ناشی از امتیازات ازقبیل حق‌الطبع و حق التصنیف و امثال و غیر آن دعاوی حقوقی ناشیه از امور جزائی در صورتیکه در هریك از این دو مورد مدعابه بیش‌ازچهارصد تومان نباشد

ثالثا - مطالبه تخلیه ید از اعیان مرهونه و مستاجره و امثال آن در صورتیکه منافع یکساله اعیان مذکوره بیش از چهار صد تومان نبوده و اصول مالکیت محل نزاع نباشد و در صورتیکه نزاع در اصل مالکیت

باشد حد نصاب صلحیه (چهار صد تومان معتبر است .

رابعا - کلیه دعاوی راجعه بحقوق مالی مثل حق‌العبور وحق المجری و حق‌المرتع و دعوای ممانعت از حق کسی درملك‌دیگری یا مزاحمت کسی از تصرف مالك در ملك خودش و دعاوی راجعه بحقوق غیر مالی مثل حق‌الحضانة و حق الولایه و حق الوصایه و غیر آن .

خامسا - دعوای تصرف عدوانی درغیر منقول تا هر مقدار باشد .

سادسا - دعاوی راجع باشیائیکه قیمت معینی ندارد مثل اعیان اوراق و اسناد و فرامین ونشانهای دولتی و لیکن دارای نوعی از اعتبار و متعلق اغراض و مقاصدیست

سابعا - مطالبه وفاء بشروط و عهودیکه در ضمن معاملات واقع میشود یا درمعامله بناء براین‌بوده ازقبیل‌دادن قباله وسندمعامله یامعتبر کردن آن‌اعم از اینکه متعاملین قبل از معامله تفصیلا تبانی بر آن نموده باشند یا عادتا مبنای معاملات برآن باشد .

ثامنا - خواهش‌تامین وحفظ دلایل وامارات مدعابه‌هرچه وهرمبلغ‌باشد .

تاسعا - تقاضای اصلاح در هر دعوائی وتا هرمقداری که مدعابه باشد .

عاشرا - رسیدگی در دعاوی تا هر میزان در صورتیکه طرفین دعوی بمحاکمه صلحیه تراضی نمایند .

۲ — ماده ۱٤ نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۱۴ — هر دعوائیکه در اثنای رسیدگی بدعوای اصلی اقامه‌شود اعم ازاینکه ازطرف مدعی باشد یا مدعی علیه بعنوان دعوای متقابل یاشخص ثالث و یا دعوای اصلی از یك منشاء ناشی شده یا مربوط بان باشد راجع بهمان صلحیه است که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است لیکن اگر فصل دعوای اصلی متوقف بردعوای طاری باشد کهازحیث مبلغ خارج از وظیفه صلحیه است با دعوای اصلی بمحکمه ابتدائی ارجاع میشود دعوای متقابل بموجب عرضحال جداگانه اقامه میشود لیکن دعوای مقاصه وتهاتر و هر عنوانی که دفاع محسوب شود محتاج بعرضحال جداگانه نیست .

ماده ۲۲ بطریق ذیل اصلاح میشود

۳ — ماده ۲۲ - مقدار مدعابه مبلغی است که در عرضحال صریحا قید شده است اجرت المثل وخساراتیکه بعد از تقدیم عرضحال بمدعی به تعلق میگیرد ممکن است علاوه شود ولو اینکه مجموعا زیاده برحد نصاب صلحیه شود مواردیکه تعیین مقدار مدعابه یاقیمة آن در ابتدای دعوی ممکن نیست داخل در صلاحیت صلحیه است مگر اینکه زاید بودن آن برحد نصاب صلحیه اجمالا معلوم باشد .

۴ — ماده ۲۷ - نسخ وبجای آن ماده ذیل برقرار میشود .

ماده ۲۷ — موعد مقرر برای حضور مدعی علیه درمحکمه نباید از تاریخ ابلاغ احضار نامه بمدعی علیه کمتر از یك روز باشد مگر درموارد فوری و نیز برای هر چهار فرسخ مسافت از اقامتگاه مدعی علیه تامحکمه یك روز علاوه میشود .

۵ — ماده ۴۰ و ۴۱ بطریق ذیل اصلاح میشود

ماده ۴۰ — دعوای تصرف عدوانی از کسی مسموع است که قبلا خود یانظیم مقام قانونی او متصرف بوده وعدوانا ازتصرف اوخارج کرده باشند مشروط براینکه بیش ازیکسال ازتاریخ تصرف عدوانی اونگذشته باشد .

ماده ۴۱ - در مورد دعوای تصرف عدوانی محکمه صلح داخل رسیدگی درنحوه تصرف مدعی واسناد راجعه بان نمیشود و فقط در باب تصرف عدوانی تحقیقات نموده مال غیر منقول را بتصرف متصرف اول میدهد وبعد ازختم دعوای تصرف عدوانی محکوم علیه اگر درنحوه تصرف ادعا داشته باشد در صورتیکه میزان مدعابه خارج از صلاحیت صلحیه نیست درصلحیه اقامه دعوی میکند والا بمحکمه صالحه رجوع مینماید .

۶ — ماده ذیل درتحت نمره ۴۱ مکرر بعد از ماده ۴۱ اضافه میشود.

ماده ۴۱ مکرر - درمورد دعاوی مذکوره در فقره ششم ماده ۸ هرگاه مدعی علیه محکوم به رد عین مدعابه گردید وعین محکوم به را رد ننمود مشارالیه بتادیه ضرر وخساراتیکه ازعدم رد عین محکوم به دارد بتصدیق اهل خبره معین میگردد محکوم خواهد شد .

۷ — ماده ۴۴ - بطریق ذیل اصلاح میشود

ماده ۴۴ - رسیدگی که موافق ماده قبل توقیف شده مجددا شروع نمیشود مگر بخواهش یکی از اصحاب دعوی یانظیم مقام آنها که صلاحیت محاکمه داشته باشد .

۸ — ماده ذیل در تحت نمره ٤٥ مکرر بعد از ماده ٤٥ اضافه میشود .

ماده ٤٥ - مکرر - مدعی یا مدعی علیه حق تقاضای شخص ثالث دارد و همچنین شخص ثالث میتواند وارد دعوی شود (رجوع بمواد - ٤١٨ الی ٤٢٠)

۹ — در ماده ٤٦ پس از عبارت (در حین رسیدگی) عبارت ویا تشخیص صلاحیت خود) اضافه میشود .

۱۰ — ماده ٥٩ نسخ وبجای آن ماده ذیل برقرار میشود .

ماده ٥٩ - درمواردیکه تحقیق محلی و استطلاع از مطلعین واستعلام از اهل خبره یااستفاده از دلایل که درنزد طرف یاغیراست اقتضا دارد ویا مستند دعوی دفاتر تجارتی و امثال آن است اشخاصی که ظنین هستند بر اینکه استفاده ازدلایل فوق الذکر بعدها متعذر یامعتبر خواهدشد میتوانند از محکمه خواهش تامین آنهارا بنمایند ومقصود از تامین دراین موارد فقط ملاحظه وصورت ثبت برداشتن این گونه دلایل است

۱۱ — ماده ۸۲ بطریق ذیل اصلاح میشود .

ماده ۸۲ - اگر ادعای جعلیت نسبت باسناد کتبی که برای صدور حکم اهمیت دارد اقامه شود محکمه بدواً بطرفی که آن اسنادرا ابراز کرده تکلیف میکند که انهارا پس بگیرد هرگاه صاحب اسناد باین تکلیف راضی نشد امین صلح بطرفی که ادعای جعلیت اسنادرا کرده است عاقبت وخیم آن دعاوی را

درصورت عدم ثبوت خاطرنشان میکنند اگر باوجود آن مدعی جعلیت درادعای خود ثابت ومصر باشد هرگاه جاعل را معین کرده امر بمحکمه جزا احاله میشود (رجوع بمواد محاکم ابتدائی درباب جعلیت) والا امین صلح بدعوای جعلیت رسیدگی کرده حکم میدهد در موردیکه محکمه صلح حکم بجعلیت سندی میدهد باید سند را باسواد حکم خود نزد مدعی العموم محکمه ابتدائی که در حوزه آن واقع است بفرستد .

۱۲ — ماده ۸۳ نسخ میشود .

۱۳ — ماده ۹۲ بطریق ذیل اصلاح میشود .

ماده ۹۲ - هرگاه محکوم علیه ازحکم امین صلح استیناف بدهددرصورتیکه اقامتگاه دائمی یااموال غیرمنقول ندارد محکمه صلح میتواند بتقاضای محکوم له محکوم بها را تامین نماید واین درصورتی است که مدعی به قبلا تامین نشده باشد

۱٤ — ماده ۹۸ بطریق ذیل اصلاح میشود .

۹۸ - هرگاه محکمه درضمن حکم قرار تادیه محکوم به را باقساط داده و محکوم علیه در سر وعده قسط را ادا نکرد محکمه صلح بتقاضای محکوم له حکم تادیه بلا تاخیر تمام محکوم به را میدهد

۱۵ — فقره ۷ ماده ۱۰٤ بطریق ذیل اصلاح میشود

۷ - امضاء فقیه یا امین صلح .

۱۶ ـ ماده ۱۰۵ بطریق ذیل اصلاح میشود .

ماده ۱۰۵ ـ هر گاه مدعی علیه بعد از دو مرتبه احضار در محکمه صلحیه حاضر نشده و توضیحات کتبی هم موافق ماده ۱۰۶ نفرستاده حاکم صلح بخواهش مدعی شروع برسیدگی نموده بعد از یحقیقات حکم غیابی میدهد و هر گاه مدعی در جلسه محاکمه حاضر نشد بمحکمه هم اطلاع نداد که در غیاب او رسیدگی نماید حاکم صلح رسیدگی را موقوف میدارد ولی مدعی میتواند تجدید رسیدگی و محاکمه را تقاضا نماید و باید بهمان محکمه عرضحال مجدد بدهد در صورت عدم تعقیب مدعی بتقاضای مدعی علیه محکمه عرض حال مدعی را ابطال کرده حکم خسارتی را که بمدعی علیه از احضار او وارد شده است میدهد

۱۷ ـ ماده ۱۱۰ بطریق ذیل اصلاح میشود .

ماده ۱۱۰ ـ سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب باید ابلاغ شود و در ظرف هشت روز از روز رؤیت حکم محکوم علیه غایب حق دارد اعتراض نموده تجدید رسیدگی را بخواهد و هر گاه در مدت مقرر اعتراض نکرد حکم حاکم صلح بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و غایب همیشه بر حجة خود باقی میماند ولی احکام غیابی امین صلح بعد از انقضاء مدت اعتراض قابل استیناف است و بعد از انقضای مدت استیناف و تمیز بموقع اجرا گذاشته خواهد شد

۱۸ ـ ماده ۱۱۵ بطریق ذیل اصلاح میشود .

ماده ۱۱۵ ـ احکام امنای صلحیه را در صورتیکه مبلغ مدعی به بیش از سی و پنجتومان بوده باشد یا آنکه قیمة مدعی به معلوم نباشد میتوان در محکمه ابتدائی حقوق استیناف نمود ومدت استیناف در احکام حضوری از تاریخ اعلام حکم ودر احکام غیابی از تاریخ انقضای مدت اعتراض بیست ویك روز است بعد از انقضای مدت مزبوره حکم امین صلح قطعی میشود

۱۹ ـ ماده ۱۱۹ بطریق ذیل اصلاح میشود .

ماده ۱۱۹ ـ قرار هائی را که امین صلح میدهد فقط باحکم می‌توان استیناف نمود مگر قرار عدم صلاحیت .

۲۰ ـ ماده ۱۲۰ نسخ میشود .

۲۱ ـ ماده ۱۲۱ بطریق ذیل اصلاح میشود .

ماده ۱۲۱ ـ در مورد ماده ۱۱۸ و ۱۱۹ شکایت باید در ظرف یك هفته از تاریخ اقدامی که باعث شکایت یا ابلاغ قراری که داده شده است بعمل آید مگر شکایت از تعطیل وتعویق که مدت ندارد و درهر وقت قابل استماع است

۲۲ ـ ماده ۱۲۴ بطریق ذیل اصلاح میشود

ماده ۱۲۴ ـ مستانف علیه میتواند تا روزیکه برای محاکمه معین شده است توضیحات کتبی خود را بمحکمه ابتدائی بدهد طرفین حق دارند اسقاط حضور خود را بنمایند ودرصورتیکه محکمه محاکمه را تمام دانست میتواند حکم بدهد و آنحکم حضوری خواهد بود .

۲۳ — ماده ۱۳۶ بطریق ذیل اصلاح میشود :

ماده ۱۳۶ — همینکه امین صلح اظهارات مدعی یا مدعی علیه را صحیح دانست رضایت خود را در ورقه رد یا درصورت مجلس قید و امضاء کرده عرضحال عارض‌را بامنضمات آن نزد نزدیکترین محکمه صلح برای رسیدگی میفرستد و هرگاه صلحیه دیگر نباشد یکی از اعضاء ابتدائی کار امین صلح را انجام میدهد .

قانون موقتی
راجع بتصرفات در قانون
اصول محاکمات حقوقی

قانون موقت

راجع بتصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی

مصوبه ۳۲ جوزا ۱۳۰۲ شمسی

ماده واحده — درمواد مفصله ذیل اصول محاکمات حقوقی تغییرات مشروحه آنیه داده میشود

۱ — ماده ذیل بعداز ماده (۱۴۵) درتحت نمره ۱۴۵ مکرر برقرار می گردد

ماده ۱۴۵ - مکرر - امورعرفیه که قطع وفصل دعاوی ناشیه ازآن مخصوص محاکم عدلیه است اموری است که برحسب قواعد معموله و یا قوانین موضوعه مملکتی راجع به سیاست یااقتصاد ویا تنظیمات اجتماعی در تمام یاقسمتی از مملکت مقرر است ازقبیل دعاوی مفصله ذیل

دعاوی ناشیه از مطبوعات ومحاکمات عدلیه واجراء احکام ودعاوی که ناشی ازتخلف از قواعد ویا قوانین مزبوره فوق میشود ودعاوی ناشیه از امتیازات و تعهدات دولت مطلقا اعم ازاینکه این دعاوی بین اشخاص باشد ویابین دولت واشخاص - ودعاوی ناشیه ازاسناد رسمی ودوایر دولتی واسنادیکه درثبت اسناد ثبت شده است ودعوای جعل وتزویر نسبت باسنادونوشتجات

۲ — ماده ۱۴۸ بطریق ذیل اصلاح میشود

ماده ۱۴۸ - بعد ازقرار محاکمه رجوع بماده ۲۴۲ مکرر وبعدها در غیر موارد مذکوره درماده (۱۴۵) (۱۴۶) درامور مشترکه اگر متداعیین تراضی برسیدگی محاکم عدلیه نمایند محکمه رسیدگی خواهد کرد والا بمحضر شرع ارجاع خواهد نمود

۳ — ماده ذیل در تحت عنوان ماده ۱۵۶ مکرر بعد از ماده ۱۵۶ اضافه میشود

ماده ۱۵۶ - مکرر دعاوی راجعه بترکه متوفی درصورتیکه دعوی مابین ورات باشدویاازطرف اشخاصی اقامه شود که خود را ذی حق در تمام یا قسمتی از ترکه میدانند و یا راجع بوصایای متوفی باشد در محل اقامتگاه دائمی متوفی اقامه میشود — و دعاوی راجعه بشرکت مادام که شرکت باقی است در مرکز حقوقی ویا مرکز عملیات شرکت اقامه میشود و هرگاه دعوی راجع بشعبه از شعب شرکت باشد ممکن است در محکمه که شعبه درحوزه آن واقع است رسیدگی شود - دعاوی افلاس در محکمه اقامتگاه مدعی افلاس و دعوای حق الوکاله و مخارج وخسارت محاکمه درمحکمه که اصل دعوی بدایتا درآنجا رسیدگی شده است اقامه میشود

۴ — ماده ۱۵۹ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۱۵۹ - هر دعوائی که در اثنای رسیدگی بدعوای اصلی اقامه شود و با دعوای اصلی از یك منشاء ناشی شده و مربوط به آن باشد اعم

از اینکه از طرف مدعی باشد یا بعنوان دعوای متقابل از طرف مدعی علیه و یا ازطرف شخص ثالثی راجع به محکمه ایست که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است مگر اینکه خارج از صلاحیت ذاتی آن محکمه باشد

۵ — ماده ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ نسخ وبجای آن مواد ذیل بر قرار می شود .

ماده ۱۶۲ — هر محکمه باید خودش معین کند دعوائی که در محکمه اقامه شده است بان محکمه راجع است یا نه و نباید ازمحکمه دیگر در آن باب تعلیمات بخواهد و هر گاه ازطرف احد متداعیین نسبت بصلاحیت محکمه اعتراض بشود موافق مواد راجعه بایرادات رفتار خواهد شد (رجوع به مواد ۳۶۲ و مابعد)

ماده ۱۶۳ - هر گاه در موضوع یك دعوی دو محکمه در باره خودهر دو اثبات یا نفی صلاحیت نمودند اختلاف در صلاحیت متحقق میشود — در صورتی که طرفین اختلاف دو محکمه ابتدائی باشند که در یك حوزه استیناقی واقعند حل اختلاف راجع بان محکمه استیناف است و هر گاه در یك حوزه استیناقیه نباشد تسویه اختلاف راجع بدیوان تمیز خواهد بود

ماده ۱۶۴ - هر یك از متداعیین که حل اختلاف را بخواهند باید تقاضا نامه خود رادر دو نسخه بمحکمه استیناف ودر صورتیکه حل اختلاف باید در دیوان تمیز بعمل آید بدیوان تمیز ارسال دارند وبعد از آن

بترتیبی که برای رسیدگی بقرارهای محاکم ابتدائی در محکمه استیناف مقرراست اقدام میشود - محاکمه ابتدائی موقتا تا صدور حکم محکمه عالی باید توقیف شود

۶ — در متن ماده ۱۶۶ عدد (۱۶۲) به عدد (۱۶۳) تبدیل میگردد

۷ -- تبصره ذیل به آخر ماده۱۷۹ اضافه میشود

تبصره - هر گاه موکل در وکالت نامه تصریح نماید باینکه اقرار وکیل بر علیه او بمنزله اقرار خود موکل است فبها و الا محکمه لدی الاقتضاء خود موکل را احضار خواهد کرد .

۸ -- ماده ۱۸۴ ضمیمه ماده ۱۸۳ شده و ماده ذیل در تحت نمره ۱۸۴ بعد از ماده (۱۸۳) اضافه میشود

۱۸۴ وکیلی که در وکالت نامه حق تقدیم عرضحال بمحکمه عالی تر باو داده شده

هر گاه پس از صدور رای و یادرموقع ابلاغ استعفا کند و از رؤیت امتناع نماید مؤثر در امر ابلاغ نیست و ابتدای مدت استیناف یا تمیز از روز ابلاغ حکم بوکیل معتبر است و هر گاه از این جهة خسارتی بموکل وارد نماید مسؤل خواهد بود

۹ — ماده ذیل درتحت نمره ۱۸۴ مکرر بعدازماده ۱۸۴ اضافه میشود

ماده ۱۸٤ مکرر - وکلای متداعیین نمی توانند متراضیا جلسه رسیدگی را که از طرف محکمه معین شده‌است تاخیر اندازند مگر اینکه در اینموضوع اختیار کتبی از موکلین خود به محکمه تقدیم دارند

۱۰ — ماده (۱۹۱) نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۱۹۱ - عرضحال باید دارای منضمات ذیل باشد ÷ ۱ - تمام ادله مثبته دعوی از اسناد و احکام و صورت شهود و مطلعین و قرائن محلی وغیر ها با قید اینکه ادلهٔ مثبته منحصر بهمین است ۲ - هرگاه اسناد در زبان غیر فارسی نوشته شده باشد ترجمه اسناد مزبوره بزبان فارسی ۳ - وکالت نامه وکیل هرگاه وکیل عرضحال بدهد

عرضحال باید در دونسخه باشد و اسناد و ادله مثبته هم اگر مدعی اصل آنها را بمحکمه میدهد باید یك سواد مصدق از آنها نیز بعرضحال منضم نماید و اگر اصل اسناد را بمحکمه نمیدهد باید دو سواد ضمیمه عرضحال نماید

۱۱ — فصل پنجم از باب دوم اصول محاکمات حقوقی بطریق ذیل اصلاح می شود

فصل پنجم

در اقدامات محکمه قبل از رسیدگی بدعوی

مبحث اول

ابلاغ عرضحال بمدعی علیه

ماده ۲۰۰ - رئیس محکمه در روی عرضحال که قبول شده اسم عضوی را که مقدمات کار درتحت نظر او باید تهیه شود معین مینماید و بدفتر محکمه امر میدهد که عرضحال را بمدعی علیه ابلاغ کند

ماده ۲۰۱ - ابلاغ نامه ماده قبل در دو نسخه نوشته شده و نسخه ثانی عرضحال مدعی بامنضماتش بان ضمیمه میشود ابلاغ نامه باید حاوی نکات ومشروحات ذیل باشد

(۱) تاریخ ابلاغ نامه (۲) اسم وشهرت ومحل اقامت مدعی ومدعی علیه (۳) اسم مامور ابلاغ (٤) تعیین شعبه محکمه که رسیدگی خواهد کرد (٥) موعد جواب کتبی (٦) نتیجه عدم ارسال جواب درموعد

هرگاه در ابلاغ نامه رعایت نکات مفصله نشده باشد ابلاغ نامه باطل است وحکم بطلان باید از محکمه که ابلاغ نامه فرستاده است داده شود

ماده ۲۰۲ - ابلاغ نامه بانسخهٔ ثانی عرضحال و منضمات بمدعی علیه

در محلی که بمدعی نشان داده است ابلاغ میشود اقدام بصدور ابلاغ باید منتهی درظرف سه روز ازطرف دفتر بعمل آید

ماده ۲۰۳ — ابلاغ نامه بتوسط مامورابلاغ واحضار ابلاغ میشود اگر مدعی علیه در حوزه محکمه دیگری اقامت دارد توسط آن محکمه ابلاغ میشود واگر در جائی اقامت داردکه محکمه نیست توسط اداره نظمیه واگر نباشد توسط حکومت ابلاغ خواهد شد هرگاه مدعی علیه درخارجه باشد ابلاغ نامه بتوسط وزارت خارجه تبلیغ میشود

ماده ۲۰۴ — ابلاغ نامه با منضمات آن بخود مدعی علیه ابلاغ میشود وهرگاه مامور نتواند بشخص او برساند بیکی از اهل خانه یا کسان او که منصدی اموراو هستند تبلیغ میشودواگر اشخاص مذکور نباشند یانخواهند رسید بدهند مامور ابلاغ درشهر باداره نظمیه یا کمیسری ودرده بکدخدا تسلیم کرده در نسخه ثانی ابلاغ نامه رسید می گیرد ودر این صورت مامورین مذکور مکلف هستندکه عرضحال ومنضمات آنرا بمدعی علیه رسانیده رسید بگیرند والا مسؤل خساراتی خواهند بودکه ممکن است ازصدورحکم غیابی وغیره بمدعی علیه وارد شود

ماده ۲۰۵ — درحین ابلاغ مامور تاریخ تبلیغ را در نسخه ابلاغنامه که تسلیم می کند قید می‌نماید و رسیدی که در نسخه ثانی گرفته می شود باید مورخ باشد هرگاه گیرنده ابلاغ نامه نخواهد یا نتواندرسید بدهد مامور این نکته را در نسخه ثانی با جهت آن یاد داشت می کند

ماده ۲۰۶ — مامور ابلاغ در مواقع لازمه دونفر شاهد از اهل محل یا از اداره نظمیه با خود همراه برمیدارد که در صورت امتناع مدعی علیه از قبول ابلاغ نامه از مراتب مطلع وشاهد باشند واین نکته درنسخه ثانی ابلاغ نامه قید وبامضای شهود میرسد

ماده ۲۰۷ - نسخ میشود

ماده ۲۰۸ - در دعاوی راجعه به شرکتها مطلقا ابلاغنامه بمدیر یا مباشر امور شرکت تسلیم میشود و همچنین در دعاوی راجعه بورشکسته یك نسخه ابلاغنامه بکسی داده میشودکه بحکم محکمه مامور اداره کردن امور مفلس است و نسخه دیگر بخود مفلس ودر نسخه ثالث و رابع رسید گرفته میشود

ماده ۲۰۹ - درصورتیکه مدعی علیه یکی از ادارات رسمی باشدابلاغ برئیس آن اداره میشود

ماده ۲۱۰ — نسخ میشود

ماده ۲۱۱ - مامور ابلاغ درمواردذیل نمیتواندابلاغ نماید(۱)باشخاصی که اسلاف یااعقاب او هستند (۲) به برادر و خواهر وبرادر زاده‌و خواهر زاده وغیره تا اقربای درجه سوم (۳) بعیال واقربای عیال خود تا درجه سوم (٤) به مخدوم و خدمه خود (٥) در مظان تهمت

ماده ۲۱۲ — نسخ میشود

ماده ۲۱۳ - در صورتیکه ابلاغنامه موافق مقررات این فصل ترتیب یاتبلیغ نشود بحکم محکمه که آنرا فرستاده است از درجه اعتبار ساقط میشود

ماده ۲۱٤ - در صورتیکه مدعی نتواند محل اقامت مـدعی علیه را معین کند عرضحال و خلاصه ضمائم آن در مطبوعات اعلان میشود

ماده ۲۱۵ — نسخ میشود

ماده ۲۱٦ ابلاغ در مطبوعات سه دفعه متوالی باید اعلان شودمقصود از مطبوعات روزنامه های رسمی یا نیم رسمی پای تخت در ولایات است و همچنین بعضی از روزنامه هائیکه در زبان خارجه طبع میشود ولی بمیل مدعی اعلان در سایر جرائد هم که زیاد منتشر میشود جایز است جز انکه مخارج اعلان در روز نامه‌جات غیر رسمی جزو خسارت مدعی‌در صورتیکه ذی حق شود محسوب نخواهدشد

مبحث دویم

موعد وصول جواب مدعی علیه بمحکمه

ماده ۲۱۷ - موعدی که محکمه برای وصول جواب مدعی علیه معین میکنند ازاین قرار است

(۱) هر گاه مدعی علیه درایران اقامت داشته باشد دو هفته (۲) هر

گاه درخارجه اقامت داشته باشد برای ممالک دول هم‌جوار دوماه وممالک دول غیرهم‌جوار سه‌ماه وبرای‌ممالک بعیده مثل‌امریکا واقصای شرق وغیرجهار ماه (۳) اگر محل اقامت مدعی علیه معین نباشد چهار ماه

ماده ۲۱۸ - مواعد مفصله درفقره اول ودوم ماده قبل‌از روز وصول ابلاغ نامه بمدعی علیه محسوب میشود وبرای اشخاصی که درایران هستند به‌هر چهار فرسخ محل اقامت گاه مدعی علیه تامقر محکمه یک‌روز اضافه می‌شود موعد مذکور درفقره سوم ازروز طبع آخرین اعلان درمطبوعات محسوب است

ماده ۲۱۹ - مدعی علیه در جواب خود میتواند محل اقامت خود را غیراز آن که مدعی تشخیص داده معین کند ومدعی علیه که محل اقامت اومعین نشده وبواسطه مطبوعات باو اعلان می‌شود میتواند عوض جواب تعیین‌محل اقامت خودرا بنمایدکه عرض حال ومنضمات آن حسب المقرر دوآن جا ابلاغ شود هر گاه مدعی بعد از اعلان در مطبوعات از محل اقامت مدعی علیه مطلع شد میتواند تقاضای ارسال ابلاغ نامه موافق فقره اول ودوم ماده ۲۱۷ بنماید

ماده ۲۲۰ - در صورتیکه ابلاغنامه بچند نفر مدعی علیه بموجب یک عرضحال باید فرستاده شود طویل ترین موعد که دربارهٔ یک نفر از آنان قانونا باید معین شود شامل تمام آنها میباشد

مبحث دوم

مقدمات کتبی دعوی

ماده ۲۲۱ ـ کلیه نوشتجات راجعه بمتداعیین از محکمه بمحل اقامتی که معین کرده اند فرستاده میشود و مادام که تغییر محل اقامت خودشانرا بمحکمه اطلاع نداده اند نمیتوانند بعدم اطلاع از مفاد نوشتجاتی که به اقامت گاه اولی آنان فرستاده شده معتذر بشوند

ماده ۲۲۲ ـ هر گاه متداعیین یا وکلای آنها محل اقامت خودشانرا معین نکنند کلیه نوشتجات راجعه بانان دردفترخانه محکمه میماند ومتداعیین نمیتوانند بعدم اطلاع از مفاد آن نوشتجات معتذر شوند

ماده ۲۲۳ ـ در موعدیکه محکمه برای وصول جواب مدعی علیه معین کرده باید مدعی علیه جواب کتبی بادعای مدعی بفرستد و درصورتیکه ادعاء و دلائل اورا قبول ندارد اوضاع و احوال و دلائلی‌را که دارد کتبا تصریح کند مدعی علیه در باب تقدیم اسناد و ادله خود باید موافق مواد (۱۹۱) و (۲۹۲) رفتار نماید

ماده ۲۲۴ ـ بعد از وصول جواب مدعی علیه سواد آن با منضمات در ظرف سه روز بمدعی ارسال و مطالبه جواب میشود و برای این ابلاغ نیز مقررات ابلاغ بمدعی علیه از هر جهة منظور است الا اینکه مهلت جواب در این مورد یك هفته است

ماده ۲۲۵ ـ جواب مدعی پس از وصول برای مدعی علیه ارسال میشود که اگر جوابی دارد در ظرف یك هفته ارسال دارد و در این موقع رئیس محکمه روز جلسه رسیدگی‌را نیز تعیین کرده متداعیین را برای آنروز احضار می کند مگر در موارد ذیل (۱) مدعی عرضحال خودرا استرداد و ترك دعوا کرده باشد (۲) مدعی علیه کاملا وصریحا بدعوای مدعی تسلیم شده باشد (۳) درصورت اصلاح طرفین که اصلاح نامه معتبر بمحکمه رسیده باشد (٤) درصورتی که طرفین حق حضور خود را اسقاط کرده باشند و محکمه باستیضاح محتاج نباشد

ماده ۲۲۶ ـ در ضمن اوراق کتبی که مدعی ومدعی علیه مبادله میکنند مشار الیهما باید نسبت بصلاحیت محکمه وسایرایرادات و دعوای جعل اسناد ومعاینه محلی و تحقیق اهل خبره وعملیات دیگر که قبل از محاکمه یا در حین محاکمه ممکن است بعمل آید هر اظهاری دارند بنمایند

ماده ۲۲۷ ـ قواعد احضار مانند قواعد ابلاغ است

ماده ۲۲۸ ـ اسامی اشخاصی‌که احضار میشوند اعلان شده در الصاق

انتظار محکمه بدیوار نصب میشود واین اعلان تا روزیکه برای حضور احضار شوندگان در محکمه مقرر است باید در اطاق مذکور بماند

ماده ۲۲۹ - همین که کاری بجلسه رسیدگی محول شد دردفتری که نوبت رسیدگی کارهارا معین می کند ثبت می نماید

***

۱۲ — مبحث اول فصل ششم از باب دوم اصول محاکمات حقوقی بطریق ذیل اصلاح میشود

فصل ششم

در رسیدگی بدعوا ودعوای متقابل وعقیده مدعی العموم

مبحث اول

در رسیدگی بدعوی

ماده ۲۳۰ - قرائت راپورت عضو محکمه ومذاکرات طرفین در جلسه علنی محکمه بعمل می آید

ماده ۲۳۱ - هرگاه رسیدگی علنی غیرمناسب باشئون مذهبی و یامنافی بانظام اجتماعی و مخل امنیت وآسایش عمومی ویا مضر باخلاق حسنه باشد محکمه بصوابدید خود و تصدیق مدعی العموم میتواند مشاوره نموده قرار جلسه غیرعلنی رابدهد - این قرار دردفتر محکمه ثبت وعلاینه اعلان می

شود ونیز درغیر موارد مزبوره فوق محکمه میتواند درصورت تقاضای کتبی متداعیین قرار محاکمه غیر علنی را بدهد

ماده ۲۳۲ - عضو محکمه که مقدمات دعوی تحت نظر او تهیه شده راپورتی از قضیه ترتیب میدهد ودر صورتی که اظهارات طرفین محتاج به توضیح وتکمیل باشد موارد حاجت را یادداشت مینماید

ماده ۲۳۳ - راپورت کار را عضو محکمه بموجب اسناد یادلائلی که طرفین درعرضحال و جواب بزعرضحال کتبا بمحکمه تقدیم کرده اند میدهد ولی بهیچ وجه مجاز نیست اظهار عقیده نماید

ماده ۲۳۴ - درجلسه محکمه راپورت مزبور قرائت و مذاکرات طرفین شروع میشود هرگاه یك طرف حاضر نباشد غیبت او مانع نیست که طرف دیگر توضیحات خودرا بدهد

ماده ۲۳۵ - مذاکرات طرفین توضیحاتی است که نسبت باظهارات کتبی خود میدهند یااستیضاحاتی که محکمه مینماید ودر هرصورت اول مدعی بعد مدعی علیه توضیحات میدهد

ماده ۲۳۶ - استمهال هریك ازمتداعیین وتقاضای تعیین جلسه دیگربرای تکمیل ادله و اسناد در صورتی جایز است که بتوانند بر محکمه معلوم کنند که ابراز ادله و اسناد جدید تا آن زمان متعذر بوده است

ماده ۲۳۷ - برای هر جلسه محاکمه در صورت مجلس مزبور بیانات طرفین را تلخیص کرده و بتوسط تقریر نویس نوشته میشود در موارد ذیل عین کلام متداعیین باید نوشته شود (۱) وقتیکه بیان یکی از متداعیین مشتمل بر اقرار باشد ۲ - در موردیکه یکی از طرفین بخواهد از کلام طرف استفاده نماید(۳) درصورتیکه محکمه بجهت درج عین عبارت رالازم بداند

ماده ۲۳۸ - مدعی میتواند تقاضای اولی خود راکه در عرضحال تصریح کرده است کم و کسر کند و نیز میتواند آنرا زیاد کند یاماهیت ادعای خود را تغییر دهد یا تقاضائی کند که از عرضحال او مستقیما مفهوم وحاصل نیست مشروط بر اینکه مدرك این دعاوی همان مدرك ادعای اولی باشد در این صورت باید تقاضای خود را کتبا بمحکمه بدهد و مدعی علیه هرگاه برای جواب حاضر نباشد میتواند استمهال کند

ماده ۲۳۹ - رئیس محکمه وبه اجازه او اعضاء محکمه میتوانند در صورت مبهم بودن اظهارات طرفی توضیحات لازمه را خواسته تقاضای جواب صریح درد یاقبول اوضاع واحوال دلائل و اسناد بنمایند

۲۴۰ - درصورتیکه دریك ادعا چند تقاضا شده باشد و اختلاط آنها بایکدیگر باعث اشکال رسیدگی شود محکمه میتواند آن چند تقاضارا ازهم دیگر مفروق نموده قرار بدهد که طرفین توضیحات خودشانرا نسبت بهر تقاضائی جداگانه بدهند

ماده ۲۴۱ - دراثنای مذاکرات شفاهی رئیس محکمه بطرفین تکلیف صلح میکنند وهرگاه صلح کردند مراتب درصورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد درصورتیکه طرفین قبول صلح نکردند محکمه مذاکرات شفاهی را تکمیل کرده بمشاوره می پردازد

ماده ۲۴۲ - درمشاوره ومداقه دراظهارات و مستندات هرگاه محکمه نسبت به بعضی یاتمام مدعابه مشاهده اقرار کرد اخذ باقرار نموده ودر موضوع اقرار دعوی را ختم شده دانسته رای خودرا صادر مینماید

ماده ۲۴۲ - مکرر درصورتیکه محکمه مشاهده اقرار نکرد یاآنکه اقرار فقط نسبت بیك جزو از دعوی راجع بود و جزء دیگر باقی ماند محکمه نسبت بانچه مورد اقرار واقع نشده قرار محاکمه را میدهد

ماده ۲۴۳ - درمورد ماده قبل محکمه درضمن قرارهرگاه موضوع دعوی از امورعرفیه واختصاصی خودمحکمه است موقع محاکمه رامعین میکندوا گرازامور اختصاصی محاضرشرع است ارجاع بعدول مجتهدین می نماید ودرصورتی که از امور اختصاصی نیست بطرفین اختیار تراضی محاکمه در خود محکمه یا رجوع به محضر شرع میدهد

ماده ۲۴۳ مکرر - محکمه پس از تعیین محضر موضوع رسیدگی را بر طبق نتیجه دوسیه تحریرنموده با دوسیه تحقیقات مقدماتی به محضرمیفرستد

ماده ۲۴۴ - پس از آنکه حاکم محضر دعوی را خاتمه داد نتیجه به

دوسیه ملحق وبمحکمه ارسال میشود تا محکمه بوظیفه خود اقدام نماید

ماده ۲٤٤ مکرر - در مواردیکه محاکمه راجع به محکمه است همین که رئیس محکمه مسئله را بعد از اصغای مذاکرات و دلائل طرفین واضح و روشن دید مذاکره را ختم کرده حکم میدهد

ماده ۲٤٥ - مدرك حکم محکمه دلایل کتبی است که طرفین به محکمه تقدیم می کنند وهم چنین دلایل شفاهی آنان که در حین مذاکره شفاهی اظهار و در صورت مجلس نوشته شده وبامضای طرفین میرسد

۱۳ — ماده ۲۵۳ نسخ وبجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۲۵۳ - علاوه برماده قبل در موارد مفصله ذیل قواعد محاکمه اختصاری باید رعایت شود : اولا دعاوی حاصله ازمعاملات وقراردادهائیکه موضوع آن وجه یا اموال منقوله باشد وهم چنین اجاره و استیجار خانه و انبار و دکاکین و امثال آن ثانیا ادعای خسارت وارده بر اموال منقوله یاغیرمنقوله ثالثا منازعات واختلافاتکه ازاجرای احکام حاصل میشود

۱٤ ماده ۲۵۵ - نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۲۵۵ - در امور فوریه اگر مسافت اقامتگاه مدعی‌علیه ازمحکمه بیش از چهار فرسخ نیست رئیس میتواند روز جلسه را زود تر ازموعدیکه در ماده قبل مقرر شده معین نماید

۱۵ ماده ۲٦۱ - نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۲٦۱ - در مواردیکه صلاحیت محکمه عدلیه برای محاکمه محرز شده و یکطرف یا طرفین باطلاع اهل محل متمسك شوند ولوانیکه بطورکلی ذکر کنند و اسامی مطلعین رانبرند محکمه میتواند تحقیقات محلی بعمل آورد

۱٦ ماده ۲۷٤ - نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۲۷٤ - هرگاه یکی از طرفین بدفاتر و اسناد تجارتی طرف دیگر استناد کنند دفاتر مزبوره باید در محکمه ابراز شود و در صورتیکه تسلیم دفاتر و اسناد مزبوره درمحکمه ممکن نباشد محکمه عضوی را مامور مینماید که با حضور طرفین دفاتر و اسناد مزبوره را معاینه و آنچه لازم است خارج نویس نماید

۱۷ ماده ۲۸۵ و ۲۸٦ نسخ و بجای آن دو ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۲۸۵ - اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را دارد و در باره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است

اولا اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آنرا از منتسب الیه تصدیق نماید

ثانیا در صورتیکه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که رد کرده است فی الواقع امضا و مهر نموده است

ماده ۲۸٦ - در مقابل اسناد رسمی یا اسنادیکه اعتبار اسناد رسمی را دارد هیچ نوع دفاعی مسموع نیست مگر اینکه طرف ادعای جعلیت نسبت

باسناد مزبوره بکنند یا ثابت کند که اسناد مذکوره بجهتی ازجهات قانونی از اعتبار افتاده است

۱۸ - ماده ۲۸۷ نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۲۸۷ - اظهار شك و تردید نسبت باسناد عادی جایز است مگر از طرف شخصی که سند باسم او نوشته شده و مهر و امضای منتسب باو را دارد که در اینصورت هرگاه تصدیق نکند فقط میتواند منکر سند شود یا ادعای جعلیت نماید و درصورت انکار برمدعی است که صحت انتساب سند را ثابت کند

۱۹ — ماده ۳۲۱ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۲۱ - در صورتیکه اهل خبره بتراضی طرفین تعیین شده باشند رد و یا تغییر آنها پذیرفته نمیشود مگر بتراضی و درصورتیکه در تعیین اهل خبره تراضی نشده باشد رد آنان در مدت سه روز از روز اعلام محکمه بمتداعیین راجع به تعیین اهل خبره باید اظهار شود مگر اینکه جهات رد بعد معلوم شود درصورت اخیر رد اشخاص خبره که معین شده اند تا قبل از صدور رای آنها جائز است و جهات رد اهل خبره علاوه بر عدم خبرویت همان جهات رد حکام است

۲۰ — ماده ۳۳۶ و ۳۳۷ نسخ وبجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۳۶ - هرگاه طرفی منکر خط ومهر سند شود یادرصحت وسقم

سند تردید نماید یااستنکاف ازجواب کند بترتیب مواد ذیل رفتار خواهدشد

اظهار تردید یاانکار باید بعد ازارائه سند طرف مقابل تاانتهای جلسه اول محاکمه بعمل آید

۲۱ — ماده ۳۳۸ - نسخ وبجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۳۸ - درمقابل این اظهارطرف دیگر باید درهمان جلسه صریحا اعلام نماید که آن سند را استرداد میکند یانه هرگاه صاحب سنداعتراض نکرده ویا سند خودرا استرداد نمود محکمه باسناد دیگر رجوع میکند ولی عدم اعتراض یااسترداد صاحب سند دلیل بربطلان آن نخواهد بود هرگاه صاحب سند سند خودرا استرداد نکرد باعتبار آن سند رسیدگی میشود

۲۲ — ماده ۳۵۰ و ۳۵۱ نسخ وبجای آن مادتین ذیل برقرارمیشود

ماده ۳۵۰ - در موردیکه مدعی جعلیت شخص معینی راکه درحال حیات است بساختن سند متهم نماید وتعقیب اوممکن باشد محکمه حقوق سندمزبور را بااوراق راجعه بمسئله جعلیت نزد مدعی عمومی میفرستد ودراین صورت محکمه حقوق رسیدگی بکار را توقیف نموده منتظر ختم عمل در محکمه جزا میشود و یا بخواهش یکی از متداعیین رسیدگی بکار را تااندازه که مربوط بسند متنازع فیه و ادعای جعلیت نیست دنبال کرده باتمام میرساند

ماده ۳۵۱ - هرگاه بواسطه اتهام شخصی بساختن سندی کاربتوسط مدعی عمومی بمحکمه جزا ارجاع شد ومحکمه جزا حکم برائت متهم را صادر نمود و

قراری در باب سند نداد یا به جهتی تعقیب جزائی ممکن نشد بخواهش یکی از متداعیین محکمه حقوق میتواند اجرای تحقیقاترا در باب سند نموده و قرار رد یا قبول آنرا بدهد

۲۳ — ماده ۳۵۶ نسخ میشود

۲۴ — ماده ۳۵۷ و ۳۵۸ نسخ وبجای آن دوماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۵۷ - هرگاه طرفی که سندی برعلیه او ابراز شده خط و مهر سند را انکار یا درآن تردید نماید ویا مدعی جعلیت آن شود محکمه خط ومهر سند باخط و مهری که صدور آن از صاحب سند مسلم باشد تطبیق میشود و در این مورد درصورت ضرورت ممکن است تطبیق درتحت نظارت یکی از اعضاء محکمه توسط سه نفر از اهل خبره که بتراضی طرفین یا در صورت عدم تراضی بقرعه معین شده اند بعمل آید و مراتب در صورت مجلس قید وبامضای طرفین میرسد

ماده ۳۵۸ — اگر کسی که خط و مهر سند باو نسبت داده شده در حال حیوة است سند یا نوشتجاتی که صدور آنها از او مسلم باشد تطبیق میشود و ممکن است آنشخص مجبور باستکتاب شود

۲۵ — ماده ۳۶۴ نسخ وبجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۶۴ - مدعی علیه میتواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهددر موارد مفصله ذیل ایراد نماید اولا وقتیکه دعوی ذاتا راجع بمحکمه دیگری

است ثانیا وقتی که دعوی ازجهة صلاحیت محلی راجع بمحکمه دیگری است یا آنکه در همان محکمه یا محکمه دیگری همان مسئله مابین همان اشخاص در تحت رسیدگی است ویا اگر همان مسئله نیست مسئله ایست که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد ثالثا در موردی که ادعای مدعی کاملا راجع بمدعی علیه دیگری است رابعا در صورتی که شخصی که اقامه دعوی کرده صلاحیت آنرا ندارد خامسا در صورتیکه وکیل طرف مقابل وکالت از موکل خود نداشته باشد

تبصره — عدم صلاحیت ذاتی عبارت است از عدم صلاحیت محکمه صلاحیه محدود نسبت بامور راجعه بابتدائی یا عدم صلاحیت محکمه حقوق نسبت بامور تجارتی و جزائی و یا محکمه جزائی وتجارتی نسبت بحقوقی و یا محکمه ابتدائی نسبت باستیناف وبرعکس و یا محکمه عدلیه نسبت بامور راجعه بمحاکم اداری

۲۶ — ماده ۳۶۷ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ۳۶۷ - ایراد مذکور در فقره اول و چهارم و پنجم ماده ۳۶۴ را همه وقت میتوان کرد وخود محکمه مکلف است قطع نظر از اینکه از طرف متداعیین شده یا نشده از رسیدگی بدعوی امتناع نماید

۲۷ — ماده ۳۶۹ نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۳۶۹ قرار محکمه در باب قبول ایراد قابل شکایت است و قرار مزبور را میتوان قبل از استیناف حکم محکمه درباب ماهیت دعوی استیناف

نمود قرار محکمه را در باب رد ایراد فقط از موردی میتوان قبل از صدور حکم در اصل دعوی استیناف نمود که ایراد راجع بصلاحیت ذاتی محکمه باشد موعد این شکایت از روز اعلام قرار محکمه یك هفته است و بنظر محکمه است که نسبت باوضاع و احوال کار بمحاکمه اصل دعوی مداومت نماید و یا آنرا تا صدور حکم محکمه استیناف توقیف کند

۲۸ ــ ماده ٤١٨ نسخ و بجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ٤١٨ ـ ازقرار محکمه که راجع برد عرضحال مذکور درماده قبل صادر میشود متداعیین و شخص ثالث میتوانند قبل از استیناف اصل دعوی شکایت نمایند

۲۹ ــ ماده ٤٢١ ـ نسخ وبجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ٤٢١ ـ حکام عدلیه درموارد مفصله ذیل باید ازرسیدگی امتناع نمایند و متداعیین نیز حق خواهند داشت آنهارا رد کنند

(۱) وقتی که حاکم نفع شخصی درادعائی که اقامه شده است داشته باشد

(۲) وقتی که حاکم یازوجه او بایکی از متداعیین قرابت نسبی یاسببی تادرجه سوم دارند

(۳) وقتی که حاکم قیم یکی از متداعیین است یا قبل اموراوست ویا یکی از متداعیین مباشر امور حاکم است

(٤) وقتی که حاکم بازوجه او وارث یکی ازمتداعیین هستند

(۵) وقتی که حاکم بایکی ازمتداعیین یااشخاصی که باآنها قرابت نسبی یانسبی تادرجه سوم دارند محاکمهٔ جزائی داشته اند وهنوز یکسال اززمان ختم آنمحاکمه نگذشته است

(٦) درصورتیکه مابین حاکم و یکی از متداعیین یازوجه او محاکمه حقوقی درمحکمه دیگری مطرح است

(۷) وقتی که حاکم سابقا اظهار عقیده کتبا در باب ادعائی که اقامه شده نموده است

۳۰ ــ ماده ٤٢٦ و ٤٤٦ نسخ میشود

۳۱ ــ ماده ٤٤٧ نسخ وبجای آن ماده ذیل برقرار میشود

ماده ٤٤٧ ـ حکم محکمه باید لااقل درظرف پنج روز از روز صدور رأی کتبی انشاء شده بامضای رئیس واعضاء ومنشی برسد

۳۲ ــ ماده ٤٥٦ و ٤٥٧ نسخ و بجای آن دو ماده ذیل برقرار می شود .

ماده ٤٥٦ ـ در اموریکه محاکم عدلیه رسیدگی مینماید اگر یکی از متداعیین جواب کتبی راکه باید بمحکمه ارسال دارد در موقع مقرر ارسال ندارد و تقاضای جلسه حضوری هم نکنند یا در موعد مقرر حاضر نشود و اسقاط حضور هم ننماید محکمه به ترتیب ذیل عمل مینماید (۱) هرگاه تخلف از طرف مدعی علیه باشد محکمه بخواهش مدعی یا بقضیه رسیدگی

غلط نامه

کرده حکم میدهد و یا مدعی علیه را مجددا احضار مینماید (۲) اگر تخلف از طرف مدعی باشد محکمه عرضحال اورا ابطال و درصورت تقاضای مدعی علیه حکم خسارت وارده بر اورا میدهد

ماده ۴۵۷ - هر گاه هیچکدام ازطرفین حاضر نشدند بدون اینکه خواهش رسیدگی غیابی کرده باشند یا یك طرف حاضر شد ولی تقاضای صدور حکم غیابی یا ابطال عرضحال ننمود رسیدگی بدعوی از نوبت خارج وبان کار رسیدگی نخواهد شد تا وقتی که مدعی رسیدگی بدعوا را بخواهد

۳۳ — ماده ۴۸۲ نسخ و بجای آن ماده ذیل بر قرار میشود

ماده ۴۸۲ - هر گاه مدعی تقاضای اجرای موقت کرده و محکمه ابتدائی در حکم خود راجع باجرای موقت قراری نداده باشد دیگر نمی تواند در آن باب رای بدهد ومحکوم له فقط میتواند بمحکمه استیناف رجوع نموده اجرای موقت را بخواهد واگر تقاضای اجرای موقت نکرد تاحکم محکمه صادرشد مادام که شکایت استینافی نسبت بخود حکم نشده تقاضای اجرای موقت از حکم ابتدائی را میتوان ازمحکمه ابتدائی نمود وپس از استیناف از خود حکم هر گاه محکوم له اجرای موقت بخواهد بایدازمحکمه استیناف تقاضا کند

کتابخانه مجلس شورای ملی تاسیس ۱۳۰۴

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۵	۱۱	در مواد (۱۹۶)	از مواد (۱۹۶)
	۵	۱۵	دو محکمه	در محکمه
*	۶	۱۲	نسخه دیکر	نسخه دیکر را
	۶	۱۲	امور حقوق	امور حقوقی
	۶	۱۷	با داره	یا اداره
*	۷	۲	مرتکب	مرتب
	۷	۱۴	مقتضبت	مقتضیات
*	۸	۷	خواهند داشت	خواهد داشت
*	۹	۸	عد	عده
*	۱۲	۱۸	و قانون نظامنامه ها	و قانون و نظامنامه ها
*	۱۳	۱۳	پس از انقضاء	پس از انعقاد
*	۱۴	۱۲	که تقدم	که تقدیم
*	۱۸	۲	خیرات	خیریات
	۱۸	۱۹	یا قائم مقام	با قائم مقام
*	۱۹	۸	مامورین احضر	مامورین احضار
*	۲۱	۱۱	در جلسات	در جلسه
	۲۱	۱۷	مزبوره راپورت	مزبوره و راپورت

	صحیفه	سطر	غلط	صحیح
*	۲۴	۹	به شعبه	به سه شعبه
	۲۴	۱۸	ماده ۱۵۵	ماده ۱۱۵
*	۲۵	۸	ماده ۱۸۸	ماده ۱۱۸
	۲۵	۱۵	تصویب نکرده	تصویب نکرد
*	۲۶	۱۶	تفصیل ذیل است	تفصیل است
*	۲۷	۱۲	دعاوی حقوق	دعاوی حقوقی
*	۲۸	۹	بمقتضیات	بمقتضای
*	۳۰	۲۰	نماید در تمام	نماید باید در تمام
*	۳۲	۱۱	ماده ۱۶۴	ماده ۱۴۶
	۳۲	۱۱	و تعقب	و تعاقب
*	۳۴	۱۴	قبمومیت	قیمومت
*	۳۶	۱۶	خواهند فرستاد	خواهد فرستاد
*	۳۷	۲	در عزل و نصب	در عزل و حرکت
	۳۷	۱۷	مدعی العمومی	مدعی العموم
*	۳۹	۱۷	تقریر نویسی	تقریر نویس
*	۴۰	۱۸	توضیحات لازمه	توضیحات لازم
*	۴۲	۲	مشاهده کنند	مشاهده کنند

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۴۳	۲	مقرره را انجام	مقرره انجام
	۴۳	۸	اداره انتظامی است	اداره (انتظامی) است
	۴۳	۱۰	اداری انتظامی مقرر	اداری (انتظامی) مقرر
*	۴۵	۶	اداری با اسناد	اداری محکمه با اسناد
	۴۵	۹	ماده ۸۶	ماده ۱۸۶
	۴۵	۱۳	ماده ۱۷۷	ماده ۱۸۷
*	۴۷	۲	شده باشد مجلس	شده باشند مجلس
*	۴۸	۲	در ولایت	در ولایات
*	۴۹	۹	رجوع نمایند	رجوع نمایند
*	۵۲	۱	نکاشته	نکاهداشته
	۵۲	۱۳	بوده تفریط کرده	بوده است تفریط کرده
*	۵۳	۱۳	ماده ۲۳۴	ماده ۲۲۴
*	۵۴	۱۱	برای تلبغ	برای تبلیغ
*	۵۷	۱۴	با جزئی	یا جزائی
*	۵۸	۱	قبمومیت	قیمومت
	۵۸	۱۲	منوت	منوط
	۵۸	۱۲	رئبس یحکمه	رئیس محکمه

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۵۸	۱۳	تخلف در مواد	تخلف از مواد
*	۵۹	۹	یازده تومان	پانزده تومان
*	۶۰	۲	و بلای	و کلای
	۶۰	۱۰	تحصیل کرده	تحصیل کرد
*	۶۱	۱۲	نموده و با	نمود و با
	۶۱	۱۴	مانع دعوی خسارتی	مانع از دعوی خسارتی
*	۶۲	۳	ماده ۲۲۵	ماده ۲۵۵
*	۶۳	۴	اسم و شهر	اسم وشهرت
	۶۳	۱۵	موکل شده	موکل شد
*	۶۴	۲	ماده ۲۶۴	ماده (۱)
	۶۴	۸	ماده ۲۶۵	ماده (۲)
*	۶۵	۶	موفق	موافق
	۶۵	۱۱	بری ارجاع	برای ارجاع
*	۶۸	۶	ولو بخلف	ولو بحلف
*	۷۰	۲	سری بودن آن را	سری بودن را
*	۷۱	۱۲	محضر شرح	محضر شرع
*	۷۳	۶	ونصب‌ونصب	و نصب

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۷۳	۱۵	کرده باشد	کرده باشند
*	۷۴	٤	اهالی مجلس	اهالی محل
	۷٤	۱۰	جمعا	جمیعا
*	۷٦	۳	قوانین موقتی محاکمات	قوانین موقتی اصول محاکمات
*	۷۷	٥	حقوقی تادو	حقوقی فقط تا دو
*	۷۸	۱۰	چه متلق	چه متعلق
	۷۸	۱٥	حق الحضانه و حق الوصایه و	حق الحصانه حق الوصایه
	۷۸	۱۸	غیر عنی	غیر علنی
*	۷۹	۱۱	(۸٤)	(٤۸)
*	۸۰	٤	موفق قانون	موافق قانون
*	۸۲	۱٦	سوادی از اقرار	سوادی از قرار
*	۸۳	۷	مدعی به مکر در ...	مدعی به (مکر در....
*	۸٤	۱٤	می کنند	می کنند
	۸٤	۱۷	فرسخ از	فرسخ مسافت از
*	۸٥	۴	احضار شوند	احضار شونده
	۸٥	۱٤	یکی و در	بکی و در
*	۸٦	۲	ماده ۲۳	ماده ۳۳

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۸٦	۲	که به محکمه	که محکمه
	۸٦	۹	ماده ۲٤	ماده ۳٤
*	۹۲	۱۱	دلایل آن را	دلایل آنان را
*	۹٤	۱۸	موافق ماده (۷٤)	موافق (۷٤)
*	۹٥	۳	بر رد شهود	برد شهود
	۹٥	۱٤	قرابت	قرائت
*	۹۷	٥	داده شده	داده شده است
*	۹۸	٥	با فقیه	یا فقیه
	۹۸	۱٦	صورت مجلس	صورت مجلسی
*	۹۹	۷	در دست بوده	در دست مدعی بوده
	۹۹	۱۳	کفیل معتبر	کفیل معتبر
*	۱۰۰	۹	محکم علیه	محکوم علیه
	۱۰۰	۱٤	را نرسانیده	را نرسانید
*	۱۰۱	۹	تخلیه نداده	تخلیه ید داده
*	۱۰۳		بین سطرچهار و پنج این جمله باید اضافه شود:	« ۷- امضای حاکم (فقیه) و امین صلح »
*	۱۰٦	۱٤	تسلیم نماید	ابلاغ نماید
*	۱۰۸	۱۳	تخفیفات	تحقیقات

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۱۰۹	۱۵	در تغییر	در تمیز
*	۱۱۲	٤	ماده ۱۲۸	ماده ۱۳۸
*	۱۱٤	٤	در تجدید	در تحدید
	۱۱٤	۱٤	بمحاکم عدلیه	محاکم عدلیه
*	۱۱٦	۲	ماده (٤)	ماده (۱٤٥)
	۱۱٦	٥	ماده (٤)	ماده (۱٤٥)
*	۱۱۸	٥	ادعا بر خسارتی	ادعاء خسارتی
	۱۱۸	۹	با واقعند	یا واقعند
	۱۱۸	۱٥	بدعاوی دعوای	بدعوائی دعوی
	۱۱۸	۱۷	یا بعضی	با بعضی
*	۱۱۹	۱۰	که از قرار	که از قرار
*	۱۲۰	۱	دونسخه یکی	دو نسخه داده میشود یکی
	۱۲۰	۱۲	با ادارات	یا ادارات
	۱۲۰	۱۲	باید در	باید درخود
	۱۲۰	۱٥	و با اداره	و یا اداره
*	۱۲۱	٥	ابتدئی	ابتدائی
*	۱۲۳	٥	خودش ا ت	خودش است

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۱۲۳	۱۸	توقیف کند	توقیف نماید
*	۱۲٤	۲	اعلام بخود او	اعلام عزل بخود او
	۱۲٤	۱٤	بدهد اگر	بدهد و اگر
*	۱۲٥	۷	و رسم پدر	و رسم و پدر
*	۱۲٦	۲	عرض حال یا	عرض حال با
	۱۲٦	۱٤	اسناد بزبان	اسناد در زبان
*	۱۲۸	۲	که مسترد است	که مسترد شده است
	۱۲۸	٦	معین نکرده یا	معین نکرده
*	۱۲۹	۸	داخلی مقرر	داخلی محاکم مقرر
*	۱۳۰	٥	تمام قیمت هائی که	تمام قسمت هائیکه
*	۱۳۱	٦	میدهد و هر کا محل....	میدهد (هر کا محل....
*	۱۳۳	۷	دعاوی راجعه	در دعاوی راجعه
	۱۳۳	۱۲	مدعی علیه در یکی	مدعی علیه یکی
*	۱۳٤	۱٤	مطبوعات اخطار میشود	مطبوعات احضار میشود
*	۱۳٥	۳	بزبان خارجه	در زبان خارجه
*	۱۳٦		بین سطر اول و دوم این جمله باید اضافه شود :	« ۳ـ اگر محل اقامت مدعی علیه معین نباشد چهار ماه »
	۱۳٦	۱۱	احضار در باره	احضار که در باره

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۱۳۷	۱۰	متعذر شوند	معتذر شوند
	۱۳۷	۱۳	متعذر شوند	معتذر شوند
*	۱۳۸	۹	رسیدگی فورا	رسیدگی را فورا
	۱۳۸	۱۵	مراثت راپورت	قرائت راپورت
*	۱۳۹	۱۱	یا دلایل	یا دلایلی
*	۱۴۰	۱۰	تغییر دهد	تغییر بدهد
	۱۴۰	۱۰	یا کتبیا	یا کلبتا
	۱۴۰	۱۲	مواد مفصله	موارد مفصله
	۱۴۰	۱۷	نقد یا فروش	فقد یا فروش
*	۱۴۱	۳	مئده ۲۴۱	ماده ۲۴۱
	۱۴۱	۳	محکمه متبواند	محکمه میتوانند
*	۱۴۲	۵	یا دعوی اصلی	با دعوی اصلی
	۱۴۲	۸	برسیدگی در آن دعوی	رسیدگی بان دعوی
	۱۴۲	۹	مدعی عه یه	مدعی علیه
	۱۴۲	۹	درضمن دعوای صلح رسیدگی باکه	در ضمن دعوای اصلی رسیدگی نمیکند بلکه
	۱۴۲	۱۲	لا اقل در	لا اقل باید در
*	۱۴۳	۵	الی (۴۴)	الی (۱۴۴

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۱۴۴	۴	و بصرف عدوانی	و تصرف عدوانی
*	۱۴۵	۴	صورتیکه مدعی نتوانسته	صورتیکه مدعی علیه نتوانسته
	۱۴۵	۷	بتراضی طرفی	بتراضی طرفین
*	۱۴۷	۱	ماده ۲۶۵	ماده ۲۶۳
	۱۴۷	۱۲	قرابت نسبتی	قرابت نسبی
	۱۴۷	۱۲	یا بجی ت	یا سببی تا
	۱۴۷	۱۳	و یا یکی	و یا بایکی
*	۱۴۹	۸	دلائل مثبته	دلائل مثبته مسئله
	۱۴۹	۱۵	محمه برای	محکمه برای
*	۱۵۰	۱۲	در ماده (۲۶۷)	در ماده (۲۷۶)
	۱۵۰	۱۷	رجوع بان دوسبه	رجوع بدوسبه آن
*	۱۵۱	۷	در مفاد	در مفاد آن
*	۱۵۳	۱۳	مکر اینکه	مکر آنکه
*	۱۵۴	۹	درباب مطلبی	درباب طلبی
*	۱۵۵	۱۵	امضا و مهر	امضا یا مهر
*	۱۵۸	۳	چند نفرنفر	چند نفر
	۱۵۸	۴	ماه ۲۱۲	ماده ۳۱۲

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۱۵۸	۱۱	مدال شد و	مدال شده و
*	۱۶۰	٤	تحقیقات بعمل	به تحقیقات بعمل
	۱۶۰	٥	از محل که	از محلی که
	۱۶۰	۷	ترازی طرفین	تراضی طرفین
	۱۶۰	۹	آن اظهار	آن کتبا اظهار
*	۱۶۱	۱۵	مینماید	نمی نماید
*	۱۶۲	٤	رسید گی باص	رسید گی باصل
	۱۶۲	٥	کتبی در آنجا	کتبی آنجا
*	۱۶٤	۷	تدمیق در	تدقیق در
	۱۶٤	۷	آن اسناد	آن با اسناد
*	۱۶٥	۱۳	مقابل نرسید	مقابل نرسید
*	۱۶۶	۱۲	وندقیق ومهر	وتدقیق خط و مهر
*	۱۶۷	٥	تحقیقات محکمه	تحقیقات بمحکمه
	۱۶۷	۸	سازد محکمه	نماید محکمه
*	۱۶۸	٦	امانت باشد	امانت بوده
	۱۶۸	۸	دفتر خانه محکمه	دفتر محکمه
	۱۶۸	۱۸	خواهد شد	خواهند شد

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۱۷۰	۲	میشود و متفق نشدند	میشود متفق نشدند
	۱۷۰	۱۳	در موارد ادعای	در مورد ادعای
*	۱۷۱	٤	بعضی اتفاقا	بعضی اتفاقات
	۱۷۱	۷	اراثه وکلیه	اراثه و کلیه
*	۱۷٥	۳	مدعی مینی	مدعی مبتنی
	۱۷٥	۱۳	رئیش محکمه	رئیس محکمه
	۱۷٥	۱٦	منوط بقرار	منوط بقرار
*	۱۷٦	٦	توقیف اموال منقوله و دادن	توقیف اموال منقوله او دادن
	۱۷٦	۱۲	مدعی به و مدعی به و	مدعی به و
	۱۷٦	۱٦	تامین توقف	تامین توقیف
*	۱۷۷	۱۰	لازم است	لازم نیست
*	۱۷۸	۳	سواد این اقرار	سواد این قرار
*	۱۷۹	٥	اینکه صوری از	اینکه صورتی از
*	۱۸۰	۱۰	قانون قرار داد	قانون حق قرارداد
	۱۸۰	۱٤	مدعی علیه درعوض	مدعی علیه که در عوض
*	۱۸۱	۳	کند و طرفین	کند که طرفین
	۱۸۱	٤	باب پذیرفتن	باب پذیرفتن

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۱۸۱	۹	می تواند ضمانتی	می تواند ضمانتی
	۱۸۱	۱۳	نامه را دارا	نامه را دارد
	۱۸۱	۱۳	که با خط و مهر	که بخط و مهر
	۱۸۱	۱۵	که ضمامت	که ضمانت
*	۱۸۳	۶	در باب شخص	در باب جلب شخص
	۱۸۳	۶	اعتراضی	اعتراض
*	۱۸۷	۵	عده اشخاصی	عده از اشخاصی
	۱۸۷	۶	می کنند و یا	می کند و یا
	۱۸۷	۶	دیگری در	دیگری که در
	۱۸۷	۱۴	معبوب الحقوق	مسلوب الحقوق
*	۱۸۸	۱۵	و بخواهش	و یا بخواهش
*	۱۸۹	۷	اطلاعات مطلعین	اطلاع مطلعین
	۱۸۹	۱۶	محاکمه اظهار	محاکمه بوده اظهار
*	۱۹۰	۹	باید نکات مفصله	نکات مفصله باید
*	۱۹۱	۳	اعلام کند	اعلام نماید
	۱۹۱	۴	کتبی محاکمه	کتبی محکمه
	۱۹۱	۷	پنج روز از اعلام	پنج روز از روز اعلام

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۱۹۱	۱۰	مسائل در	مسائل که در
*	۱۹۲	۱۱	ملاحظه کند	ملاحظه کنند
	۱۹۲	۱۴	استعفا کرد	استعفا کرده
*	۱۹۳	۴	رسید گی گردد	رسید گی کرده
	۱۹۳	۸	بخواهش مدعی	بخواهش مدعی علیه
	۱۹۳	۸	خسارت وارده	خسارات وارده
	۱۹۳	۱۸	که غیاب	که در غیاب
	۱۹۳	۱۹	این مورد	این موارد
*	۱۹۴	۴	مدعی علیه نیز	مدعی نیز
	۱۹۴	۶	بداند نمی تواند	بداند میتواند
	۱۹۴	۹	محتاج رسید گی	محتاج برسید گی
	۱۹۴	۱۷	متعهد باشند	متعدد باشند
*	۱۹۶	۱	اعتراض ننمود	اعتراض ننموده
	۱۹۶	۶	بدان اشاره	بان اشاره
	۱۹۶	۱۶	درصورتیکه	(درصورتیکه ....
*	۱۹۷	۱۲	درتوقیف	درباب توقیف
*	۱۹۸	۹	ذیل مفصله ذیل	مفصله ذیل

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۱۹۸	۱۷	منازعات رجعه	منازعات راجعه
*	۱۹۹	٦	ماده ۸۰	ماده ٤۸۰
	۱۹۹	۷	ازا جراء ان	ازاجزاء آن
*	۲۰۱	۱	مداعبین بموجب	متداعیین بموجب
	۲۰۱	٤	فقره چهارم	درفقره چهارم
	۲۰۱	۱۱	تقریبا استینناف	تفریقا استیناف
	۲۰۱	۱۲	یا باحاکم	یا باحکم
	۲۰۱	۱٦	رسید گی بدعوا	رسیدگی بدعوائی
	۲۰۱	۱۷	محکمه بود	محکمه بوده
*	۲۰۲	۱	در این خصوص	درآن خصوص
*	۲۰۳	۲	سند مجهول	سند مجعول
	۲۰۳	۱٤	قائم مقام	قائم مقام طرفین
*	۲۰٤	۱۵	ابتدئی	ابتدائی
*	۲۰۵	۲	بمستانف علیه	مستانف علیه
	۲۰۵	۱٤	بعمل نیاید	بعمل نیامد
	۲۰۵	۱٤	منقضی شود	منقضی شد
*	۲۰٦	۱	یك لایحه	لایحه

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۲۰۷	۸	قید نماید	قید ننماید
*	۲۰۸	۱	محسوب میشود	محسوب نمیشود
	۲۰۸	۲	نیاید	ننماید
	۲۰۸	٤	راجع بمطلب	راجع بطلب
*	۲۰۹	۲	استینناف نمود	استینناف نموده
	۲۰۹	۳	محقق دید	محق دید
	۲۰۹	۱۲	تادیه کلیه	بتادیه کلیه
*	۲۱۰	۸	بر آن آن حکم	برآن حکم
*	۲۱۱	٤	ابراز نمود	ابراز نموده
	۲۱۱	٦	خساراتی‌را که	خساراتیکه
*	۲۱۲	۲	و هر کاه	هر کاه
	۲۱۲	۵	اصول کیفیات	اصول و کیفیات
*	۲۱۳	۷	مدت اعقراض	مدت اعتراض
	۲۱۳	۱۲	قانون نا معین	قانونا معین
	۲۱۳	۱٤	موضوع اعاده	موضوع ادعا
*	۲۱۵	۱۱	ماده (۵۲٤)	ماده (۵۲٦)
	۲۱۵	۱۵	ثبت کند	ثابت کند

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۲۱۶	۱	درحق	عدلیه‌است درحق
	۲۱۶	۲	بعدبلوغ	بحد بلوغ
	۲۱۶	۸	یا محق	یا محقق
	۲۱۶	۱۳	مدت اعاه	مدت اعاده
*	۲۱۷	۶	آن حکم‌را	حکم را
	۲۱۷	۱۲	محکمه‌یو دیعه	محکمه ودیعه
	۲۱۷	۱۴	متضرر بتواند	متضرر نتواند
	۲۱۷	۱۶	که بتوان	که نتوان
*	۲۱۸	٤	دیکری را	دیکر را
	۲۱۸	۹	نماید خسارت	نماید که خسارت
	۲۱۸	۱۴	قول شود	قبول شده
*	۲۲۱	۱۴	تمیز میشود	تمیز میشود
*	۲۲۲	۱	بودیعه	ودیعه
	۲۲۲	۱۰	اعلام نماید	اعلام نماید
	۲۲۲	۱۶	حق تمیز	حق تمیز
*	۲۲۳	۱۱	بالایحه	باولایحه
*	۲۲۴	۶	و تاریخ	تاریخ

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۲۲۵	۸	اعضای شعبه	از اعضای شعبه
*	۲۲۶	۵	قبد ممره	قید نمره
*	۲۲۷	۲	مطالیه نماید	مطالعه نماید
	۲۲۷	۳	تمیز شده	تمیز شده
	۲۲۷	۱۰	کرد	کرده‌ا
	۲۲۷	۱٤	همدیکر باشند	همدیکر باشد
*	۲۲۸	۱۷	متعلقه	متعلق
*	۲۲۹	۳	آن سند اصول	آن اصول
	۲۲۹	۹	مزبور صحیح است بدرجه	مزبوره بدرجه
*	۲۳۰	۳	با اصول	یا اصول
	۲۳۰	۵	ازحکم محکمه	در حکم محکمه
	۲۳۰	٦	بمستدعی تمیز	مستدعی تمیز
*	۲۳۱	۲	شود مجدد	شودمجددا
	۲۳۱	۳	بمحکمه که موافق	بمحکمه موافق
	۲۳۱	۱۰	مفاد حکم منقوض میشی	مفاد حکم ثانی که صادر میشود بهمان علل و اسبابی که مفاد حکم منقوض میشی

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۲۳۱	۱۱	مستند باشد	مستند باشد
*	۲۳۲	۷	(۱۶۳)	(۱۳۶)
	۲۳۲	۱۴	نقض شد بلا	نقض شد نقض بلا
*	۲۳۳	۵	قانون معین کرده	قانون معین نکرده
	۲۳۳	۹	موعد و مصادف شود	موعد مصادف بشود
	۲۳۳	۱۴	تعیین متداعیین	حضور متداعیین
*	۲۳۴	۹	تقاضا کنده	تقاضا کننده
	۲۳۴	۱۵	مجددا	مجدد
*	۲۳۵	۱	مدت مزبوره	مدت مهلت مزبوره
*	۲۳۶	۷	احکام عدلیه	احکام محاکم عدلیه
*	۲۳۷	۵	ممور باشد	مهور باشد
	۲۳۷	۱۰	محکموم علیه	محکوم علیه
*	۲۳۸	۱۸	ماده ۶۸۰	ماده ۶۱۰
*	۲۳۹	۳	رضایت نامه	برضایت نامه
*	۲۴۰	۱۰	محکمه حکمرا	محکمه که حکم را
*	۲۴۱	۵	اقدام بتصرف	اقدام بتصرف دادن
	۲۴۱	۷	و یا مخفی	یا مخفی

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۲۴۱	۱۴	افلاس شد	افلاس شده
*	۲۴۲	۱	معین شد	معین شده
	۲۴۲	۶	محبوس را ننماید	محبوس را نماید
	۲۴۲	۹	ضامن با کفیل	ضامن یا کفیل
	۲۴۲	۹	بخواهد در	بخواهد و در
*	۲۴۳	۲	درباب خانه	درب خانه
	۲۴۳	۳	باز نمی کند	باز نمی کنند
	۲۴۳	۴	محکوم بعمل	محکوم علیه بعمل
*	۲۴۴	۱	میشود در	میشود ودر
*	۲۴۵	۴	صورپ	صورت
	۲۴۵	۵	هر کاه	و هر کاه
*	۲۴۷	۱۳	حتی القدور	حتی المقدور
*	۲۴۹	۸	مراتب فوراً	مراتب را فورا
	۲۴۹	۱۱	آن بدهند	آن ندهند
*	۲۵۰	۶	یا نه چه	یا نه و چه
	۲۵۰	۱۸	بتوجه مدیون	متبوعه مدیون
	۲۵۰	۱۸	با اداره لازمه	یا اداره لازمه

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۲۵۱	۳	اموال منقوله	اموال غیر منقوله
	۲۵۱	۱۰	داین تادین	داین تادیه
*	۲۵۲	۱۲	اطلاع منعقد	اطلاع نامه منعقد
	۲۵۲	۱۵	ضرر و مال	ضرر مال
*	۲۵۳	۸	حق بان مال	حقی بان مال
	۲۵۳	۸	حقی است بچه مبلغ	حقی است ملك مرهون است یانه واگر مرهون است بچه مبلغ
	۲۵۳	۱۰	صورت باید	صورت مزبور باید
	۲۵۳	۱۲	عدد و قنوات	عدد قنوات
	۲۵۳	۱۵	صورتیکه بتوان	صورتیکه نتوان
*	۲۵۴	۹	غیرمنقوله را	غیرمنقول را
*	۲۵۵	۶	ماده ۶۸۸	ماده ۶۷۷
	۲۵۵	۱۰	ماده ۶۷۷	ماده ۶۷۸
	۲۵۵	۱۳	صاحب ملکی	صاحب ملك
*	۲۵۶	۱	دهد که مبتنی	دهد مبتنی
	۲۵۶	۱	هر کاه	وهر کاه
	۲۵۶	۷	ملك را موافقت شود	ملك موافقت حاصل نشود

	صحفه	سطر	غلط	صحیح
	۲۵۶	۱۴	قیمت ملکی	قیمت ملك
	۲۵۶	۱۵	عایدی ما غیر	عایدی مال غیر
	۲۵۶	۱۶	از خبره	اهل خبره
*	۲۵۷	۵	تحقیقات محل	تحقیقات محلی
	۲۵۷	۱۶	غیر منقوله	غیر منقول
*	۲۵۸	۱۱	فروش گذارده	فروش گذاشته
*	۲۵۹	۸	قرار ذیل	قرار مواد ذیل
	۲۵۹	۱۱	متعدد شد	متعدد باشد
*	۲۶۰	۹	در اعلام	در اعلان
*	۲۶۱	۷	منتظر نشده	منتشر نشده
	۲۶۱	۱۶	مالکیت اولی	مالکیت ادبی
*	۲۶۴	۱۰	بدون اطلان	بدون اطلاع
	۲۶۴	۱۱	برمیکردد خریدار	برمیکردد بخریدار
	۲۶۴	۱۳	خریدار پول	خریدار باید پول
*	۲۶۵	۸	سبصد الی	سیصد تومان الی
	۲۶۵	۹	داشته داشته باشد	داشته باشد
	۲۶۵	۹	قیمتش از	قیمتش پیش از

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۲۶۵	۱۳	اسم خود و اسم پدر	اسم و اسم پدر
*	۲۶۶	۱	در ملك محلی	در محلی
*	۲۶۷	۱	بقسمی که	بقیمتی که
	۲۶۷	۱۱	و طلبکاران	و طلبکاران
*	۲۶۸	۵	انتخاب کی	انتخاب یکی
	۲۶۸	۵	اقسام منوط	اقسام تامین منوط
	۲۶۸	۶	دامن قسط مقرر را پرداخت	داین قسط مقررا نپرداخت
	۲۶۸	۱۳	محکمه شخص	محکمه دلایل شخص
*	۲۶۹	۱۳	که تقسیم	که تقسیم نامه
*	۲۷۰	۱۵	دارد حاضر شده در محکمه اظهاراتی	داردد رمحکمه حاضر شده اظهاراتی
*	۲۷۱	۱۰	اقدام لازمه	اقدام لازم
*	۲۷۲	۲	ادای آن	ادای
	۲۷۲	۷	در موارد ماده	در مورد ماده
*	۲۷۳	۵	نبود افلاس	نبود و افلاس
*	۲۷۴	۹	یا در محکمه	یا محکمه
*	۲۷۶	۷	باید حکم خود	باید حکم حکم خود

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۲۷۷	۹	بعد از ترتیب قرار نامه درصورتیکه قرارنامه حکمیت	بعداز ترتیب قرار نامه حکمیت
	۲۷۷	۱۱	تعبیر حکم	تغییر حکم
	۲۷۷	۱۲	بمحکمه صلاح	بمحکمه صلح
*	۲۷۸	۳	در حکم حکم	و در حکم حکم
	۲۷۸	٤	بعضی از حکما	بعضی از حکم ها
	۲۷۸	۸	بر این صدور	برای صدور
	۲۷۸	۱۲	در موعدمقرر دراصل نسخه ندهند نوشته شده بدهند حکمیت	در موعدمقرر بدهند حکمیت
*	۲۷۹	۱	موضوع منازعه	و موضوع منازعه
	۲۷۹	۸	ابلاغ و یا اعلام	اعلام و یا ابلاغ
	۲۷۹	۱۵	(۷۵۸	(۷۵۸)
*	۲۸۰	۵	ما دمع ۷۷۶	ماده ۷۷۶
	۲۸۰	۹	قداعدی	قواعدی
*	۲۸۱	۵	حق تمیزیکه	حق تمیریکه
	۲۸۱	۸	حق تمیز از	حق تمیر از
*	۲۸۲	۱	هرکاه	و هرکاه

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۲۸۲	۲	در صورتی که	و درصورتیکه
	۲۸۲	٤	پنجقران	پنجهزار
	۲۸۲	٤	و بقیه در بعد	و بقیه بعد
	۲۸۲	۱٦	پنجقران	پنجهزار
*	۲۸۳	۱۰	حال درحین	حال خواه درحین
	۲۸۳	۱٤	ماده ۸۹۲	ماده ۷۹۲
	۲۸۳	۱۵	وازصورت مجلسی	ودرصورت مجلسی
*	۲۸۷	۳	تادمه	تادیه
	۲۸۷	۸	خساراتی که	خساراتی را که
	۲۸۷	۱۳	رجوع بماده...	(رجوع بماده
	۲۸۸	۱۰	بماده (۷۸۲)	(ماده (۷۸۲)
*	۲۹۰	۱٤	یا رئیس مزبور	رئیس مزبور
*	۲۹٤	۹	دارا خواهدشد	دارا خواهند شد
	۲۹٤	۱۱	جداکانه خواهدشد	جداکانه می باشد
*	۲۹۵	۷	(تفریقا) از ادعای اصلی	(تفریقا از ادعای اصلی)
	۲۹۵	۱۷	خوو بتربیت	خود بترتیب
*	۲۹٦	۱٦	ماده ۲٤	ماده ۳٤

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
*	۲۹۷	۱۲	پول تامین	قبول تامین
	۲۹۷	۱٦	تامین مدعابه)	تامین (مدعابه)
	۲۹۷	۱۷	قراد ثانی	قرار ثانی
*	۳۰۰	۷	علیه باقامتگاه	علیه یا باقامتگاه
*	۳۰۱	۲	محکمه دیکر	محکمه دیگری
	۳۰۱	۱٤	بااصل دعوا	باصل دعوا
*	۳۰۲	۵	انتخاب کردن کوتاهی	انتخاب کوتاهی
*	۳۰۳	۲	رسیدکی می نماید	رسیدگی می نمایند
	۳۰۳	۱۲	درتمیز احکام	در تمیز احکام
*	۳۰٤	۱	برای احکام ...	٤-برای احکام ...
*	۳۱۰	۱	فوق الذکر	سابق الذکر
	۳۱۰	٦	نسبت بقضائی	نسبت بقضائی
*	۳۱۱	۱٤	در وقت	دروقت دادن
	۳۱۱	۱۵	حضور داشته باشد	حضور داشته باشند
*	۳۱۲	۲	مجلس واسامی	مجلس اسامی
	۳۱۲	۵	امتحان بدهد	امتحان بدهند
*	۳۱۳	٦	نوشتن معلومات	داشتن معلومات

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۳۱۳	۱۲	کلیه مستخدین	کلیه مستخدمین
	۳۱۳	۱۳	اتهان بین	اتهان یمین
	۳۱۳	۱۶	محاکم عالی	محاکمه عالی
*	۳۱۶	۱۵	احضار برای	احضار حضور برای
*	۳۱۷	۲	بهم فرساند	بهم نرسانند
	۳۱۷	۳	باشد انتخاب می نمایند	باشند انتخاب می نماید
	۳۱۷	۷	ابتدائی یا استیناف	ابتدائی یا استیناف
	۳۱۷	۱۱	می نماید	می نمایند
	۳۱۷	۱۸	منتخب خواهد شد	منتخب خواهند شد
*	۳۱۸	۱۶	ماده ۱۸	ماده ۱۷
*	۳۱۹	۵	دعاوی بموجب	دعاوی که بموجب
*	۳۲۱	۷	و قرارداد	و قرار رد
*	۳۲۲	۷	ثبت نا املاك	ثبت املاك نا
*	۳۲۴	۸	مهری خواهند بود	مهری خواهد بود
*	۳۲۵	۱۱	عده ستونها	عده ستونهای
*	۳۲۷	۸	دوائر ضبط	دائره ضبط
*	۳۲۹	۸	مفقود یا مکتوم	مفقود ویا مکتوم

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۳۲۹	۱۳	و یا با صلاحیت	و یا صلاحیت
	۳۲۹	۱۹	جعل و تزویر	جعل و تزویر
*	۳۳۰	۱۱	بعلاه استرداد	بعلاوه استرداد
*	۳۳۱	۱۷	مجبوراً موقوفات	مجبوراو موقوفات
*	۳۳۲	۱	خواهد بود	خواهند بود
	۳۳۲	۱۸	تقاضا کننده	تقاضا کننده
*	۳۳۵	۳	واقع شده	واقع شده است
	۳۳۵	۱۶	مجدد	مجددا
*	۳۳۷	۷	مداخله نماید	مداخله نمایند
*	۳۳۸	٤	اخبار کتبی	اخطار کتبی
	۳۳۸	۵	که اگر	واگر
*	۳٤۰	۸	و مدیر ثبت	مدیر ثبت
*	۳٤۱	۸	و املاك در	واملاك باید در
*	۳٤۲	۷	مطالبه کند	مطالبه کنند
	۳٤۲	۹	جبران خسارت	جبران خسارات
*	۳٤۳	۱۷	و یا حق	و با حق
*	۳٤۵	۸	هر کاه صورت	هر گاه صورت

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۳۴۵	۸	چند ورق	چند ورق نوشته
*	۳۴۶	۶	مباشرت ثبت	مباشر ثبت
*	۳۴۷	۹	طرف معامله	یك طرف معامله
	۳۴۷	۱۳	براین : تصدیق	براین باید تصدیق
*	۳۴۹	۱۴	برای کلمات	بروی کلمات
*	۳۵۱	۹	صاحب سندی	صاحب سند
*	۳۵۴	۱۲	۱۱۱	ماده ۱۱۱
	۳۵۴	۱۴	تصدیقات	تصدیق
*	۳۵۵	۱	تودیع کند	تودیع کنند
	۳۵۵	۱۱	ممهور کند	ممهور کنند
*	۳۵۸	۶	۱۰/۰	۱۰/۰
	۳۵۸	۹	بمنافع غیر منقوله	بمنافع اموال منقوله وغیر منقوله
	۳۵۸	۱۳	فوق العاده و ممکن	فوق و ممکن
	۳۵۸	۱۳	تقویم شود $\frac{1}{2}$	تقویم شود $\frac{1}{2}$ ۰/۰
	۳۵۸	۱۶	و حوالجات : ـ $\frac{1}{2}$	و حوالجات : ـ $\frac{10/0}{4}$
*	۳۵۹	۳	۱	۱۰/۰
ا	۳۵۹	۴	ثبت قوانین	ثبت فرامین

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۳۵۹	۱۷	از اجراء	از اجراء ۵۰/۰
*	۳۶۰	۱	سواد های دیگر ۵۰/۰	سواد های دیگر
*	۳۶۲	۱۲	حدود و صلاحیت	حدود صلاحیت
*	۳۶۳	۱	رسیدلی	رسیدگی
	۳۶۳	۳	محاکمات حقوقی	محاکمات حقوق
	۳۶۳	۵	و تجارتی	و یا تجارتی
*	۳۶۴	۱۳	آن دعاوی	آن و دعاوی
	۳۶۴	۱۷	و اصول مالکیت	و اصل مالکیت
*	۳۶۵	۷	دعاوی راجع	دعاوی راجعه
*	۳۶۶	۳	و یا دعوای اصلی	و با دعوای اصلی
	۳۶۶	۷	بمجوجب	بموجب
	۳۶۶	۷	دعوای مقاصد	دعوای مقاصه
	۳۶۶	۹	ماده ۲۲	۳ ـ مادهٔ ۲۲
	۳۶۶	۱۰	۳ ـ ماده ۲۲	ماده ۲۲
*	۳۶۷	۱۴	دارد تصدیق	وارد و به تصدیق
*	۳۶۸	۱۱	معتبر	متعسر
*	۳۶۹	۲	جاعل را معین	جاعل را هم معین

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۳۶۹	۱۳	۹۸	ماده ۹۸
*	۳۷۰	٤	بحقبقات	لحقبقات
	۳۷۰	٥	نشد بمحکمه هم	نشد و بمحکمه هم
*	۳۷۳	۱۰	اقتصاد و یا	اقتصاد یا
	۳۷۳	۱٥	رسمی و دوایر	رسمی دوایر
*	۳۷٥	۱٥	استبنافیه نباشد	استبنافیه نباشند
*	۳۷٦	۱۱	۱۸٤	ماده ۱۸٤
	۳۷٦	۱٦	نماید مسئول	نماید وکیل مسئول
*	۳۸۱	۸	پاینخت در ولایات	پای‌تخت و ولایات
*	۳۸۲	۲	شرق و غیر	شرق و غیره
	۳۸۲	٦	محل اقامت کاه	مسافت اقامتکاه
*	۳۸۳	۱٤	مواد (۱۹۱) و (۲۹۲)	مواد (۱۹۱) و (۱۹۲)
*	۳۸٥	۱٤	ومخل امنیت و آسایش عمومی	(مخل امنیت آسایش عمومی)
*	۳۸۷	۱	برای هر جلسه محاکمه	برای هر جلسه محاکمه صورتمجلسی
			در صورت مجلس مزبور	مشتمل بر خلاصه مذاکرات جلسه
				مرتب شده بامضای طرفین میرسد
				رئیس محکمه در صورتمجلس مزبور.

	صفحه	سطر	غلط	صحیح
	۳۸۷	٥	محکمه بجهت	محکمه بجهتی
	۳۸۷	۱٥	۲٤۰	ماده ۲٤۰
*	۳۸۸	٦	به بعضی یا تمام	به بعض یا تمام
*	۳۹٤	۱٥	محکمه مکلف	محکمه هم مکلف
*	۳۹٥	۱	از موردی	در موردی
	۳۹٥	۱۸	با زوجه	یا زوجه
*	۳۹٦	۱	حاکم یا یکی	حاکم با یکی
*	۳۹۷	٦	از نوبت	آن نوبت

اصلاح این مجموعه را بار جوع بغلط نامه منضمه به آخر کتاب فراموش نفرمائید

چون اسناد اصلیه بعضی از قوانین در دست نبوده و قسمت عمده انها از روی نسخه های مطبوع استنساخ و طبع شده بود و اخیرا مراجعه به اصل بعضی از نسخ امکان پذیر شد لهذا بواسطه قید به مقابله و تصحیح کامل قوانین عده اغلاط زیاد شده است